

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پوهنتون بلخ

فصلنامه علوم اجتماعی



مجله علمی معرفت



پوهنتون بلخ
معاونیت امور علمی
آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه
مدیریت عمومی مجله علمی
مجله علمی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
سال پانزدهم — شماره (۲) ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: پوهنتون بلخ
مدیر مسوول: پوهاند سلطان محمد انصاری
مدیر نشریه مجله و مهتمم: نجیب الله احمدزی
ایمیل آدرس: Scientific.journals@ba.edu.af

اعضای هیات تحریر:

پوهاند محمد طاهر طاهر	حقوق و علوم سیاسی
پوهاند محمد ولی فایز	اقتصاد
پوهنمل محمد شاه صدیق	تعلیم و تربیه
پوهنمل حشمت الله امید	تعلیم و تربیه
پوهاند محمد صالح راسخ	زبان و ادبیات
پوهنوال عبدالحق حقیق	زبان و ادبیات
پوهنوال محمد کاظم حکیمی	شرعیات
پوهنوال محمد همایون حیران	تعلیم و تربیه

آراء و نظریات مندرج در این مجله الزاماً، نظر مجله علمی دانشگاه بلخ نبوده و مدیریت عمومی مجله علمی در بازنگری، اصلاح و ویرایش مقالات بر حسب معیارهای پذیرفته شده دست باز دارد.

سپاسگزاری

مدیریت عمومی مجله علمی پوهنتون بلخ، از اساتید محترم که در نگارش و اصلاح مقاله‌های علمی این نشریه، با کمال حوصله‌مندی تلاش کردند، سپاس‌گزاری می‌نماید.

تقریر دهندگان

پوهاند سلطان محمد انصاری
پوهاند محمد صالح راسخ
پوهنوال محمد یاسین فلاح
پوهنوال نصیر احمد آرین
پوهنوال محمد همایون حیران
پوهندوی محمد همایون احسان
پوهندوی محمد عارف رضای
پوهندوی محمد بصیر عارفی
پوهندوی امان الله نذیری
پوهندوی غلام نبی کریمی

نویندگان

پوهندوی امان الله نذیری
پوهندوی نازی حسن میرزاد
پوهنمل محمد داود اکرامی
پوهنیار عبدالکبیر عزیزی
پوهنیار رحمت الله حکیمیار
پوهنیار مرضیه عزیز رحیمی
پوهنیار ذبیح الله صاحب ارغند
پوهنیار امیدالله بیانی
پوهنیار کرامت ارشد
پوهنیار خدیجه محمدی

راهنمایی نگارش مقاله علمی

این نشریه‌ها فقط مقاله‌های را منتشر خواهد کرد، که حاوی یافته‌های بکر و تازه و درزمینه‌ی علوم اجتماعی و بر اساس رهنمود نگارش مقاله در نشریه‌های علمی، مدیریت عمومی مجله تحریر شده باشد.

محققان گرامی که خواهان چاپ و نشر مقاله در نشریه‌ی علمی معرفت هستند، شایسته است که به نکات زیر دقت فرمایند:

- ۱- مقاله قبلاً در جای دیگر چاپ نشده و هم‌زمان برای نشریه‌ی دیگر نیز فرستاده نشده باشد.
- ۲- مقاله باید تأییدی دیپارتمنت، کمیته فرعی تحقیق و شورای علمی دانشکده را داشته و به آدرس معاونیت امور علمی ارسال گردد.
- ۳- مقالات علمی تحقیقی باید دارای بخش‌های [چکیده / خلاصه، واژه‌های کلیدی، مقدمه، بیان مسأله، سؤالات، فرضیه‌های، پیشینه، روش، مواد، یافته‌های تحقیق، مناقشه، نتیجه‌گیری با ذکر منابع درون‌متنی و بیرون‌متنی و مآخذ] باشد.
- ۴- خلاصه مقاله شامل (اهداف، روش‌ها و نتایج - حداکثر ۱۰۰ - ۲۵۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (۵-۷) به زبان ملی و انگلیسی نوشته شود.
- ۵- نام کامل نویسنده / نویسندگان، رتبه علمی و نام مؤسسه به زبان‌های ملی و انگلیسی درج شود.
- ۶- موجودیت ایمیل آدرس نویسنده / نویسندگان در مقاله لازمی می‌باشد.
- ۷- حجم مقاله نباید بیشتر از ۱۰ صفحه (حداکثر ۴۰۰۰ کلمه) باشد.
- ۸- یادداشت‌های توضیحی شامل توضیحات بیشتری که نویسنده درج آن را ضروری می‌داند، با ذکر شماره در پاورقی همان صفحه درج شود.
- ۹- علائمی نقطه (.)، کامه (،)، و کامه نقطه‌دار (؛) و دونقطه (:) بدون فاصله تایپ شوند؛ حتی اگر ماقبل آن‌ها نشانه‌هایی نظیر پرانتز و گیومه باشد.
- ۱۰- ارجاع درون‌متنی و تدوین فهرست مآخذ باید به روش (APA) باشد. هر نوع روش دیگر، قابل پذیرش نبوده و در صورت عدم رعایت، مقاله مورد نشر قرار نخواهد گرفت.
- ۱۱- مسوولیت مطالب مقاله به عهده نویسنده است و نظر نویسنده الزاماً نظر مدیریت عمومی مجله‌ی علمی پوهنتون بلخ نیست.
- ۱۲- مقاله بعد از تأییدی هیئت تحریر و آوردن اصلاحات لازم از جناب تقریظ دهنده به ایمیل آدرس رسمی مجله (Scientific.journals@ba.edu.af) در صفحه ورد تنظیم‌شده ارسال گردد.
- ۱۳- پذیرش اولیه مقاله منوط به رعایت «رهنمود تحریر آثار در نشریه‌های علمی، مدیریت عمومی مجله‌ی علمی دانشگاه بلخ» و پذیرش نهایی آن منوط به جلسه هیئت تحریر و تائید استاد تقریظ دهنده می‌باشد.

فهرست عناوین

آثار شروط باطل و مبطل ۱۱

پوهندوی امان الله نذیری

پوهنتون بلخ - پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، دیپارتمنت حقوق خصوصی و حقوق جزاء

بازتاب نوستالژی و بررسی مؤلفه‌های آن در اشعار جلیل شگیر پولادیان ۲۱

پوهندوی نازی حسن میرزاد

پوهنتون بلخ - پوهنځی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت زبان و ادبیات دری

نقش سیاسی و فرهنگی ملکه گوهرشاد بیگم در دولت تیموری ۳۳

پوهنمل محمد داود اکرامی

پوهنتون بلخ - پوهنځی علوم اجتماعی، دیپارتمنت تاریخ

بررسی تأثیر اینترنت بر رفتار خرید مصرف‌کنندگان نهایی ۴۰

پوهنیار عبدالکبیر عزیزی

پوهنتون بلخ - پوهنځی اقتصاد، دیپارتمنت امور مالی و بانکی

سیر تاریخی قواعد کلی فقهی مجلة الاحکام ۵۵

پوهنیار رحمت الله حکیمیار

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات

تکامل ساختارهای شهری در عصر کوشانیان ۶۶

پوهنیار مرضیه عزیز رحیمی

پوهنتون بلخ - پوهنځی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت تاریخ

د پوست سترکچرلیم خپڼه ۷۶

پوهنیار ذبیح الله صاحب ارغند

د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو څانگې

اتباع سؤزلر و اولرنینگ اؤرگنیلشی ۹۵

پوهنیار امیدالله بیانی

بلخ بیلیم یورتی - تیل و ادبیات فاکولته‌سی، اؤزبک تیلی و ادبیاتی بۆلیمی

عقد تورق و کاربردهای بانکی آن در فقه اسلامی ۱۰۵

پوهنیار کرامت ارشد

پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات، دیپارتمنت ثقافت اسلامی

دلایل فرسودگی شغلی و راههای برون رفت از آن ۱۱۹

پوهنیار خدیجه محمدی

پوهنتون بلخ - پوهنځی علوم اجتماعی، دیپارتمنت روان‌شناسی

چکیده مقاله ها به زبان انگلیسی ۱۳۴

مقاله

حمایت و نشر تحقیقات علمی و پژوهشی از مهم‌ترین الزامات رشد علمی یک کشور است و از الزامات این رشد، افزایش پژوهش‌های علمی و طبع مقالات دارای قابلیت انتشار در مجله‌های معتبر ملی و بین‌المللی دارای ضریب نفوذ (Impact factor) است.

پوهنتون بلخ، به‌عنوان یک نهاد مطرح آکادمیک و قطب علمی شمال کشور مأموریت دارد که به پرسش و نیازهای اصلی جامعه پاسخ علمی و منطقی ارائه نماید و در ایجاد زمینه‌های مختلف علمی گام‌های استوار بردارد. چشم‌انداز اصلی دانشگاه بلخ در این راستا معطوف به آن دسته از موضوعاتی است که بتواند گرهی از مشکلات جامعه‌ی علمی را باز کرده و قدم‌های سنجیده شده برای ترقی و پیشرفت افغانستان بردارد. در این عرصه، این پوهنتون تلاش می‌کند زمینه‌های تولید و تکثیر دانش مطابق نیاز جامعه و بر اساس استندردهای روز را مساعد سازد تا از این طریق به‌طور نسبی زمینه‌ی پاسخگویی به‌ضرورت و انتظارات جامعه حاصل‌شده و حتی‌الامکان رسالتی را که بر دوش می‌کشد انجام دهد.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای امروز پوهنتون بلخ و همچنین جامعه بزرگ علمی شمال کشور انتشار این نشریه وزین است. نشریه‌های «بلخ» و «معرفت» مجله‌های هستند در حوزه‌های علوم اجتماعی و طبیعی؛ که تلاش می‌کنند مقالاتی را از محقق یا محققینی، مورد انتخاب و ارزیابی قرار دهند که به‌صورت مشهودی حاصل کار اصلی آن‌ها بوده و اثرات قابل استنادی روی علم و مرزهای دانش داشته و پاسخ‌دهنده نیازهای موجود در بخش‌های علوم اجتماعی و طبیعی باشد.

مجله علمی - پژوهشی که محل انتشار دستاوردهای علمی است اگر بخواهد پویا بماند باید از دو ویژگی «اصالت» و «ابداع» برخوردار باشد که ارتقای کیفی مجله، با تکیه به این دو ویژگی میسر می‌شود. اهدافی که مدیریت عمومی مجله در این راستا در پیش گرفته است عبارت است از: ارتقای کیفیت مجله اعم از نظر محتوایی و شکلی، تسهیل روش‌های پذیرش مقاله، چاپ به‌موقع، افزایش سرعت پاسخگویی برای محققان عزیز و صیانت از حقوق نویسندگان هست.

با توجه به مسأله‌ی فوق، مدیریت عمومی مجله علمی تحت نظر آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه مسوولیت دارد تا یافته‌ها و نتایج مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در گروه‌های مختلف علمی و پژوهشی دانشگاه را با صورتی آراسته و متناسب با معیارهای بین‌المللی و ذائقه‌ی جامعه‌ی علمی کشور منتشر نماید.

در این مجله‌ها مقاله‌های تحقیق آزمایشگاهی (لایبراتورری) یا تحقیق ساحوی، کتابخانه‌ای (مروری) و ترجمه‌ها با در نظر داشت روش (APA) به زبان‌های ملی کشور (فارسی و پشتو) و زبان انگلیسی نشر شده و مخاطبان این نشریه اعضای کادر علمی دانشگاه‌ها، کارشناسان، فرهنگیان، ادارات محترم دولتی و دانشجویان می‌باشند.

اینک هم‌زمان با انتشار این مجله، جا دارد از زحمات، مساعی و راهنمایی‌های ارزشمند و حمایت‌های بی‌دریغ فنی و مالی ریاست محترم پوهنتون بلخ، معاونیت محترم علمی، اعضای محترم هیأت تحریر و به‌ویژه از همکاران آمریت تحقیق، تألیف و ترجمه و آمریت ارتباط و آگاهی عامه، مدیریت نشریه و مجله و مدیر مهمتم که علاوه بر بُعد کیفی مجله، در بُعد اجرایی آن زحمات ارزشمندی را متقبل گردیدند، صمیمانه سپاسگزاری نموده و برای همه این بزرگواران، از درگاه خدای متعال توفیق روزافزون مسئلت نمایم.

با احترام

مدیر مسوول مجله‌های علمی پوهنتون بلخ



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

آثار شروط باطل و مبطل

پوهندوی امان الله نذیری
پوهنتون بلخ - پوهنځی حقوق و علوم سیاسي، دپارتمنت حقوق خصوصي و حقوق جزاء
تقریظ: پوهندوی محمد عارف رضای

چکیده

مهم‌ترین اموری که در حقوق مدنی مورد بحث قرار می‌گیرد «اعمال حقوقی» است و در اعمال حقوقی عقد جایگاه ویژه و خاصی دارد. اشخاص در زندگی روزمره برای رفع حوائج خود به عقود معین یا نامعین مبادرت می‌ورزند. آگاهی از آثار قراردادی که بین طرفین بسته می‌شود امر اساسی است؛ اما گاهی طرفین در ضمن عقد آثار مترتب بر آن را تحدید نموده و یا اثری را بر آن می‌افزایند. شروط باطل و مبطل می‌تواند نقش مؤثری در عقد و یا اضمحلال آن داشته باشد که طی دو مبحث و چند گفتار در این مقال به آن پرداخته شد.

واژه‌های کلیدی: باطل، مبطل، اعمال حقوقی، عقد

مقدمه

آثار شروط باطل و مبطل و نوع اثرگذاری هر کدام نسبت به عقد یکی از موضوعات بسیار مهم قانون مدنی است که مورد بحث و نظر واقع شده است. شرط خارج از عقد (ابتدائی) هیچ گونه اثری در عقد ندارد؛ زیرا وجود آن نسبت به عقد کالمعدوم است. فرقی نمی کند که از شروط صحیح باشد یا شرط باطل بوده و یا اینکه از شروط مبطل باشد. به فرض قبول شرط خارج عقد و پذیرش آن به نحوی که آثار شروط ضمن عقد بر آن بار شود، چنانچه شرط مفسدی باشد، لازم می آید تا عقد نیز باطل محسوب گردد؛ و البته حق این است که آنچه در ضمن عقد مورد نظر توافق نشده است، نتواند در صحت یا بطلان عقد موثر باشد. بدین ترتیب شرطی قابل بحث و نظر است که محل شرط آن در ضمن عقد بوده و طرفین آن را به طور تبعی ملحوظ نموده باشند؛ یعنی بایستی در مرحله ایجاد عقد بدان تصریح گردد تا شرط بر آن به نحوی معتبر واقع شده باشد. بر این اساس، حکم شرط غیر مذکور در عقد با حکم شرط مذکور در آن یکی نیست.

سؤال اصلی

سؤال اصلی این تحقیق این است که شرط مذکور در عقد اگر باطل یا مبطل باشد چه اثری بر عقد دارد؟

فرضیه تحقیق

به نظر می رسد که شرط باطل و مبطل از لحاظ آثارشان بر عقد از هم متفاوت اند.

پیشینه تحقیق

آثار شروط باطل و مبطل یکی از مباحثی است که از سوی فقهاء و حقوق دانان مورد بحث قرار گرفته است؛ اما به شکل پراکنده و آنهم در منابع خارجی مثل کتاب دکتور عطیه به عنوان احکام الاراده اما در سطح کشور حتی مقاله ای هم به چشم نمی خورد.

اهمیت تحقیق

به نظر من این تحقیق از اهمیت بالایی برخوردار است چون عدم آگاهی از این موضوع سبب خلط حلال و حرام و باعث ضیاع حقوق می گردد پس برای نه صرف استادان این رشته بلکه قضات، وکلاء مدافع و همه کسانی که آگاهانه می خواهند وارد معامله ای شوند ارزنده و مهم تلقی می گردد.

هدف تحقیق

این تحقیق به دنبال بیان و توضیح آثار شروط باطل و مبطل در عقد است تا از این طریق سؤالات موجود پیرامون این موضوع را پاسخ داده ابهامات را مرفوع سازد و بدون شک موضوعی است بکر و تازه می‌تواند اذهان محققین را بر ابعاد و جوانب دیگر این موضوع معطوف سازد.

حسن ترتیب ایجاب می‌کند که موضوع از خلال دو مبحث و گفتارها به بحث گرفته شود.

مبحث اول: اثر شرط باطل

چون شرط باطل به انواع مختلف منقسم گردیده است این مبحث را به چند گفتار تقسیم نموده و هر نوع را طی گفتار جداگانه به بحث می‌گیریم.

گفتار اول: اثر شرط غیرمقدور

التزام به امر غیرمقدور حتا اگر در ضمن عقد لازمی هم واقع گردد، مشمول عموم "المؤمنون عند شروطهم" نمی‌شود؛ زیرا وفاء به چنین شرطی ناممکن و در نتیجه شرط باطل است. عدم تحقق شرط گاهی به واسطه این است که عمل به آن در توان مشروط علیه نمی‌باشد؛ یعنی متعهد قادر به انجام شرط نیست. در این صورت چنانچه موضوع شرط انجام کار معینی باشد در صورتی می‌توان آن را باطل دانست که از نظر عرف کسی دیگر نیز نتواند مشروط را انجام دهد. ولی اگر دیگری قدرت انجام آن را داشته باشد، مثلاً اینکه شرط، انجام فعلی باشد که دیگران از عهده آن برآیند، نمی‌توان آن را باطل برشمرد. البته پذیرش اجرای شرط توسط غیر مشروط علیه در صورتی است که انجام آن به قید مباشرت نبوده و مکلف بالمباشره ملزم به اجرای آن نشده باشد.

بعضی از بزرگان، عقد مشتمل بر شرط غیرمقدور را که در آن تعسف وجود داشته باشد غیرقابل وفاء دانسته و ادله وجوب وفاء را شامل چنین عقدی نمی‌دانند. از این رو، معامله‌ای را که متضمن شرط غیرمقدور باشد، لغو و باطل دانسته‌اند (توفیق، ۱۹۹۲: ۱۱۸).

باید دانست که لزوم مقدوریت شرط امری است و داخل بودن شرط ضمن عقد در احد عوضین امری دیگر؛ و بطلان شرط غیرمقدور به واسطه ممتنع بودن شرط جز اینکه موجب بطلان آن باشد، اثر دیگری ندارد؛ زیرا تا زمانی که بطلان شرط موجب اختلال به عقد نباشد، مبطل آن نخواهد بود؛ اما اثر بطلان شرط غیرمقدور جعل خیار به نفع مشروط له می‌باشد. این گونه که برای دفع ضرر مسلم یا احتمالی از تحقق شرط عقد را بپذیرد و یا آن را فسخ نماید. به عبارت دیگر جعل خیار به نفع مشروط له به واسطه جبران خسارات ناشی از ممتنع بودن شرط غیرمقدور است که در صورت ثبوت، صاحب حق می‌تواند آن را اعمال کند و یا از حق خود نسبت به اعمال آن چشم‌پوشی نماید.

گفتار دوم: اثر شرط بدون نفع و فائده

برای وجوب وفاء به شرط، لازم است که از آن نفعی عقلانی حاصل گردد؛ یعنی مورد شرط باید امری باشد که غرض عقلانی داشته و با اجرای آن فائده معنوی یا مادی برای مشروط له به وجود آرد. در غیر این صورت چنین شرطی باطل محسوب می‌گردد و لازم الوفاء نمی‌باشد.

در عدم تأثیر بطلان شرط بدون نفع و فائده به عقد اصلی شکی نیست. آنچه در مورد این شرط قابل توجه و حائز اهمیت می‌باشد، عدم جعل خیار برای چنین شرطی است؛ زیرا وضع اختیار فسخ به دست مشروطه له به واسطه ضرری است که از یک شرط باطل برای او حاصل می‌گردد و این امر در مورد شرط بدون نفع و فائده وجهی ندارد؛ یعنی اساساً ارزشی برای شرطی متصور نمی‌گردد که در آن غرض عقلانی نباشد و نفعی ببار نیآورد پس لغو است و بطلان آن موجد خیار نیست. در توجیه این مطلب آمده است که در مثل چنین شرطی از آنجاکه حقی برای مشروط له به وجود نمی‌آید که با تعدر آن متضرر گردد، جعل خیار برای آن دلیلی ندارد و اصولاً شارع به شرط بدون نفع و فائده اعتنائی نمی‌کند تا آن را واجب الوفاء دانسته و ترکش را ظلم محسوب نماید (الحکیم، ۲۰۰۶: ۱۰۲).

«نفع و فایده» در نظر هر شخص و نسبت به هر شخصیت متفاوت است. هر کس به دنبال منفعتی است که شاید همان نفع برای دیگری بی‌معنا باشد. باین حال، در موضوع حکم هر آنچه با مقیاس عقل سنجیده شود، مقبول خواهد بود؛ یعنی نفع و فائده باید جنبه عقلانی داشته باشد. با این ترتیب، هرگاه معلوم شود که شرط نفعی عاقلانه و غرضی معتدبه نداشته باشد، باطل و از دایره شمول و عموم وفاء خارج است و عدمش موجب ثبوت خیار نمی‌باشد برای اینکه عدم شرط بدون نفع و فایده موجد ضرر نیست تا به واسطه دفع آن خیار ثابت گردد.

گفتار سوم: اثر شرط نامشروع

مورد اشتراک گاه امری منهی^۲ عنه است؛ یعنی با شرع یا قانون مخالفت دارد. با این ترتیب، چنانچه طرفین بر انجام آن توافق نمایند، توافق آنان بلااثر است و البته قانون از مشروطه له چنین شرطی حمایت نمی‌کند؛ اما اینکه چه نوع شرط را شرط نامشروع می‌گویند به موجب قانون مدنی هر شرطی که مخالف قانون باشد او باطل است و قانون هیچ اثر حقوقی بر آن مرتب نمی‌سازد. هر شرطی که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد، نیز شرط باطل پنداشته می‌شود و از نظر حقوقی هیچ اثری ندارد و مورد حمایت قانون نیست. نیز اگر شرطی مخالف عرف باشد، شرط باطل گفته می‌شود و قانون از مشروط له حمایت نمی‌کند. چون چنین شرطی از تحت عموم وفاء خارج است و ادله لزوم آن را شامل نمی‌شود. پس وجود این شرط در ضمن عقد موجب بطلان آن نخواهد بود؛ زیرا درستی عقد منوط به صحت چنین شرطی نیست. از این رو، بطلان آن موجب اختلال به ارکان اساسی عقد نبوده و بطلان عقد را موجب نمی‌شود (سلجوقی، ۱۳۸۸: ۹۰).

مبحث دوم: اثر تعذر یا بطلان شرط

تعذر شرط موجب بطلان عقد نمی‌گردد، بلکه موجب می‌شود نامشروط له قادر بر فسخ باشد و جز اختیار بر فسخ عقد یا قبول آن حق دیگری برای او ثابت نمی‌گردد. دلیلی نیز برای اخذ «ارش» موجود نمی‌باشد؛ زیرا ارش برای آن است که نقصی را تکمیل نماید و یا اینکه غرامتی از برای عیبی باشد. به عبارت دیگر شخص وقتی می‌خواهد به قیمت واقعی برسد، مشروط له مخیر می‌شود در اینکه معامله را فسخ نماید و یا اینکه مراجعه کند به تفاوت قیمت و تفاضل آن.

گاهی مشروط علیه از وفاء به شرط امتناع می‌نماید. در این صورت بایستی او را از طریق قانونی به انجام مشروط اجبار و الزام نمود؛ یعنی صرف امتناع نمی‌تواند موجب ثبوت خیار برای مشروط علیه باشد؛ زیرا ملاک ثبوت خیار نفی ضرر است و در صورت تمکن به اجبار ممتنع، هنوز ضرری متوجه مشروط علیه نگردیده تا برای او خیار ثابت شود. به عبارت دیگر تا قاعده مزبور جاری نشود، خیار برای مشروط له ثابت نمی‌گردد. از طرفی باید دانست با اجبار مشروط علیه، چنانچه انجام شرط به وسیله غیر او مقدور باشد، باز هم برای او خیار ثابت نمی‌شود؛ زیرا حاکم می‌تواند بخرچ ملتزم موجبات انجام فعل مشروط را فراهم آورد. (دیلمی، ۱۳۸۹: ص ۲۳۰)؛ بنابراین هرگاه اجبار متعذر و انجام شرط ممتنع شد، چه از جهت عدم مقدوریت در جایی که مباشرت مشروط علیه شرط شده باشد و امر مورد شرط بایستی بالمباشرة محقق گردد و چه به لحاظ اینکه انجام آن به وسیله دیگری نیز به دلیل عدم مقدوریت و یا ممنوعیت، میسر نباشد، خیار ثابت می‌شود و مشروط له مخیر است میان اینکه معامله را بدون تحقق شرط (آن گونه که هست) بپذیرد و یا آن را فسخ نماید.

سؤال‌های که مطرح می‌گردد این است که آیا به مجرد بطلان شرط، مشروط له اختیار فسخ معامله را دارد یا نه؟ و آیا علم و جهل او به بطلان شرط، تأثیری در ثبوت خیار یا عدم آن نخواهد داشت؟ نتیجه اعمال خیار چیست؟ ضمناً آیا خیار شرط به ورثه منتقل می‌گردد یا خیر؟ در گفتارهای ذیل به مباحث مذکور خواهیم پرداخت.

گفتار اول: نقش علم و جهل طرفین در ثبوت خیار

علم و جهل طرفین به بطلان شرط تأثیری در صحت و بطلان آن ندارد؛ یعنی آگاهی طرفین یا عدم اطلاع متعاقبین بر اینکه شرطی باطل است، نمی‌تواند تغییری در نفس شرط ایجاد نماید. آنچه در این بحث مورد نظر است، نقش علم و جهل در ثبوت خیار به نفع مشروط له می‌باشد. با این ترتیب بررسی وضعیت مشروط علیه نیز از این حیث لزومی ندارد. بدین معنی که علم مشروط علیه و جهل او به بطلان امر مورد شرط در ثبوت یا عدم ثبوت خیار به نفع مشروط له دارای اثری نخواهد بود. پس مشروط علیه نمی‌تواند با اثبات جهل خود نسبت به بطلان شرط، مدعی عدم ثبوت خیار برای مشروط له شود و در هر صورت چه جاهل به بطلان شرط باشد و چه اینکه بر بطلان شرط علم داشته باشد، «خیار» برای مشروط له ثابت می‌گردد؛ اما آنچه برای ثبوت خیار به نفع

مشروط له ضرورت دارد، چهل او به بطلان شرط می‌باشد و در صورتی که به بطلان شرط در حین عقد آگاهی داشته باشد و بداند که بر امری شرط می‌نماید که فاسد است، خیار برای او ثابت نمی‌شود. به عبارت دیگر علم به بطلان شرط در حال عقد، عدم ثبوت خیار را به طور مطلق اقتضاء دارد (دیلمی، ۱۳۸۹: ۹۰).

در توجیه اینکه ثبوت خیار شرط منوط به چهل مشروط له بر بطلان شرط می‌باشد، گفته شده است که تقیید به چهل از این جهت است که با علم مشروط له، قاعده نفی ضرر به واسطه اقدام شخص علیه خود جاری نیست تا بتوان بر اساس آن ثبوت خیار را محقق دانست. به عبارت دیگر آگاهی مشروط له از بطلان امر مورد شرط یا وقوف او بر عدم وجوب و فاء به شرط فاسد مذکور در ضمن عقد به منزله اقدام بر ضرر خویش می‌باشد و مثل آن است که از اول به عدم حصول شرط راضی بوده است و با این ترتیب اختیاری بر فسخ معامله ندارد و باید عقد را بدون شرط پذیرفته و آثار آن را متحمل باشد.

گفتار دوم: ثبوت خیار شرط

«خیار» واژه‌ای عربی است که در لغت به معنای اقدام به کاری به میل و خواهش خود و نیز برگزیدن به کاررفته است؛ و در اصطلاح آن را «ملک فسخ عقد» نامیده‌اند یا حقی که اقتضای آن سلطنت بر فسخ عقد است. نیز بعضی از حقوقدانان تسلط قانونی شخص در اضمحلال عقد را خیار نامیده‌اند (البدراوی، ۱۹۶۶: ۶۸).

«خیار شرط» مختص زمانی است که امری در ضمن عقد شرط شود و آن امر مشروط منتفی گردد. در این صورت از باب دفع ضرر برای کسی که شرط به نفع او بوده است، اختیاری حاصل می‌شود که می‌تواند به موجب آن عقد را فسخ نموده و آن و یا را بدون وجود شرط بپذیرد.

برای جلوگیری و دفع ضرر مشروطه له «خیار شرط» ثابت می‌شود که به موجب آن مشروط له مخیر می‌گردد در فسخ عقد یا قبول آن بدون شرط یعنی می‌تواند حق خیار خود را اعمال کرده و یا از اجرای آن صرف نظر کند و برای او جز این حق چیزی دیگری ثابت نمی‌شود.

مسلم است که پس از تحقق عقد لازم هیچ کدام از متعاقدين نمی‌توانند آن را فسخ نمایند. مگر آنکه سبب آن حاصل گردد. در این صورت برای ثبوت خیار شرط در عقد لازم بایستی سببی باشد و آن بطلان شرط است که به موجب خیار شرط ثابت می‌گردد. چنانچه خیار شرط برای مشروطه ثابت گردید، می‌تواند از حق خود نسبت به فسخ عقد بگذرد؛ یعنی آن را اعمال ننماید؛ زیرا نتیجه ثبوت خیار، وجوب اعمال آن نمی‌باشد. بلکه نتیجه اش مخیر بودن صاحب خیار در اعمال یا صرف نظر نمودن از آن است.

در صورتی که مشروط له از حقی که به موجب خیار شرط برای او ثابت شده است، درگذرد، بایستی عقد را بدون حصول آن شرط بپذیرد و تمام آثار ناشی از آن را متحمل گردد، به عبارت دیگر چنانچه طرفی که اختیار فسخ معامله را به موجب بطلان شرط به دست آورده است، از آن استفاده نکند، الزام و تعهد اصلی که به موجب

عقد برای متعاملین به وجود آمده است، ثابت می‌ماند. هرچند تعهد تبعی به دلیل بطلان ساقط گردد (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

مبحث دوم: اثر شرط مبطل

شرط مبطل، عقد اصلی را باطل می‌کند و عقد باطل به موجب قاعده «البناء علی الباطل باطل» نیز هیچ اثری ندارد؛ یعنی چنانچه بیع باطل باشد، به موجب آن ملکیتی برای مشتری بر مبیع حاصل نمی‌شود و حتی در صورتی که آن را قبض کند، مالک آن نخواهد بود. فرقی نمی‌کند که عقد از اصل باطل باشد یا بطلان آن به واسطه اقتران به شرط مبطل باشد که بطلان آن را موجب گردد. در صورت بطلان عقد، آنچه به موجب عقد باطل به هر کدام از طرفین منتقل گردیده است، بایستی به صاحب آن رد شود زیرا آنچه باطل است موجب انتقال نمی‌گردد (عطیه، ۲۰۰۶: ۹۰).

وجود یک شرط مبطل در ضمن عقد برای بطلان عقد کافی است و تأثیر آن در عقد به نحوی است که عقد را از ابتداء باطل می‌سازد. چنانچه گوئی از اوّل واقع نشده باشد. گاهی اوقات شرط امری است که خود از شرایط صحت عقد می‌باشد. به گونه‌ای که با فرض عدم چنین شرطی تضمّن عقد بر آن مسلم است؛ یعنی عقد فی نفسه آن را اقتضاء دارد. برای مثال داشتن اهلیت برای متعاملین از شرایط صحت عقد و ارکان اساسی آن می‌باشد؛ بنابراین چنانچه ضمن معامله‌ای شرط شود که فروشنده دارای اهلیت باشد، نمی‌توان این شرط را به نفع خریدار تلقی نمود و با این اعتبار چنانچه عدم اهلیت در فروشنده لحاظ شد، مشتری را در فسخ یا امضاء عقد مخیر بدانیم؛ زیرا در صورت اخیر یکی از ارکان اساسی عقد مفقود است و عقد به واسطه عدم آن باطل می‌باشد. نیز نمی‌توان وجود چنین شرطی را به نفع مشروط له دانست و عدم آن را از این جهت موجب بطلان عقد تلقی نمود؛ زیرا قید چنین شروطی حق جدیدی را برای متعاقدين به وجود نمی‌آورد و وضعیت تازه‌ای را نیز برای عقد ایجاد نمی‌کند.

بهر حال، برای اینکه بطلان عقد را به واسطه شرط بدانیم و بطلان یک عقد به دلیل تضمّن شرط باطلی باشد، بایستی بطلان شرط به عقد اصلی سرایت کند به نحوی که موجب بطلان آن بشود که طی گفتارهای ذیل به آن پرداخته می‌شود.

گفتار اول: سرایت بطلان شرط به عقد

بطلان شرط در صورتی به عقد سرایت می‌کند که یا ارکان اساسی عقد را متزلزل سازد و یا میان وجود شرط با تحقق عقد تضاد حاصل شود. مثل اینکه شرط با مقتضاء ذات عقد مخالف باشد یا عوضین را مجهول کند که در مورد اوّل میان شرط و عقد در مرحله وجودی تضاد حاصل می‌شود. برای مثال، عقد مالکیت را مقتضی باشد و شرط عدم آن را اقتضاء کند. در مورد دوم، شرط به نوعی است که عوضین را مجهول می‌کند؛ مانند شرط پرداخت ثمن نامعین در عوض مثنی که صحت عقد در این صورت مختل می‌گردد.

در مورد اثرگذاری شرط مبطل بر عقد و یا تأثیر بطلان عقد متضمن آن بر شرط دو تفسیر قابل بررسی است: نخست آنکه بگوئیم برای بطلان عقد به واسطه یک شرط باطل لازم است که بطلان شرط به عقد اصلی سرایت کند و از جهت آخر است که عقد محقق نمی گردد و عدم تحقق عقد نیز به منزله فوات اجزاء آن می باشد و چون شرط در ضمن عقد منظور شده ست، بطلان عقد به منزله بطلان شرط و موجب بطلان آن است. از طرف دیگر میدانیم که در عقد متضمن یک شرط باطل، عقد به واسطه عاملی که ارکان اصلی آن را متزلزل ساخته و از حصول آن جلوگیری می نماید و به عبارت دیگر آن را باطل می سازد، باطل می گردد و این عامل چیزی جز شرط نیست که سبب بطلان عقد می گردد.

میان دو نظری که بیان شد، کدام بایستی انتخاب شود؟ یعنی آیا به راستی در عقدی که متضمن یک شرط مبطل است، سبب بطلان عقد، شرط مبطل است که در ضمن آن مندرج گردیده و یا در حقیقت، پس از اثرگذاری شرط مبطل بر عقد، بطلان عقد انتفاء شرط را به همراه خواهد داشت (یوسف زاده، ۱۳۸۹: ۲۹۹).

باید دانست سرایت بطلان شرط به عقد، مبطل آن است؛ یعنی با اندراج شرط مبطل در ضمن آن از حصول عقد جلوگیری می شود. آن گونه که با فقد شرایط لازم برای صحت عقد، عمل حقوقی ایجاد شده، باطل و بی اثر است و سرایت بطلان شرط به عقد فرع بر بطلان و بطلان شرط است؛ یعنی در صورت مبطل بودن شرط، بطلان آن به عقد سرایت کرده و موجب ابطال عقد می گردد. نه اینکه بطلان عقد موجب ابطال و انتفاء شرط باشد.

ممکن است در ضمن عقد شرط برامری که مبطل عقد خواهد بود، طرفین یا یکی از آندو به مبطل بودن شرط موردنظر جاهل باشند؛ یعنی ندانند شرطی که در حال توافق بر آن می باشند، عقد را اساساً باطل و بی اثر می کند. در این صورت آیا جهل یک یا هردوی متعاقدين تأثیری در بطلان یا عدم بطلان عقد متضمن چنین شرطی دارد یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت که جهل مشروط له به بطلان شرط، شرط ثبوت خیار به نفع او است و علم وی به بطلان شرط به منزله اقدام علیه خود تلقی گردیده و نتیجه از ثبوت خیار فسخ به نفع او جلوگیری می کند؛ اما آنچه بیان شد مربوط به شرط باطلی است که به عقد اصلی خللی وارد نمی آورد و نقش علم و جهل مشروط له نیز در ثبوت خیار یا عدم آن مؤثر است و در هر حال نمی تواند در ماهیت شرط باطل مؤثر واقع گردد. به عبارت دیگر جهل به بطلان یک شرط موجبی از برای عدم بطلان آن نیست پس به طریق اولی هنگامی که شرط مبطل عقد نیز باشد، عدم آگاهی بر چنین وضعیتی موجب صحت عقد نخواهد بود؛ زیرا شرایط و ارکان اساسی صحت یک عقد لازمه تحقق آن است و فقد هر کدام از این شرایط در مرحله ایجاد عقد، به منزله عدم تحقق آن است. از این رو جهل متعاقدين یا یکی از آن دو به مفسد بودن شرط، موجب رکن مفقود و مکمل جزء معلول برای درستی عقد نمی باشد و بطلان عقد و تخریب آن ناشی از اندراج عامل بطلان در متن عقد و در ضمن انشاء آن است (نذیر، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

گفتار دوم: عدم تأثیر اسقاط شرط مبطل در ماهیت عقد

از آنجاکه شرط باطل به ارکان اساسی عقد رخنه نمی‌کند و خللی وارد نمی‌سازد، در جواز اسقاط آن هیچ تردیدی نباید داشت و مشروط له با صرف‌نظر نمودن از آن، از امر باطلی می‌گذرد که اساساً لازم الوفاء نبوده و ناممکن است با اثبات جهل خود به بطلان چنین شرط، اختیار فسخ عقد اصلی را به دست آورد؛ بنابراین پاک بودن منبع تعهد از شرط باطل، فضای آن را سالم‌تر و تداوم آن را پایدارتر می‌کند؛ اما شرط مبطل قابل اسقاط نیست تا بتوان به اعتبار آن، عقد را صحیح پنداشت؛ یعنی نمی‌توان با اسقاط شرط مبطل، عقد را به اعتقاد اینکه سبب بطلان آن منتفی شده است، سالم تلقی نمود؛ زیرا شرط مبطل موجب آن است که عقد اساساً محقق نشود و از آغاز هردوی شرط مفسد موجب آن است که عقد اسقاط شرط مبطل موجد عقد نیست و آن را دوباره به وجود نمی‌آورد، بلکه به واسطه بطلان هردو در مرحله ایجاد اکنون چیزی وجود ندارد تا اسقاط گردد. بنابر این اسقاط شرط مبطل نتیجه‌ای ندارد.

نتیجه‌گیری

در پایان مطالبی که بیان شد، به عنوان نتیجه و به طور خلاصه می‌توان گفت: تحقق شرط به عنوان یک الزام و التزام منوط به اندراج آن در ضمن عقد است؛ زیرا غرض از اشتراط بر امری، توافق بر آن به وجهی ملزم است تا حصول آن قطعی‌اللزوم باشد. به عبارت دیگر شرط خارج از عقد هیچ‌گونه اثری ندارد. برای اینکه وجود آن نسبت به عقد کالمعذوم است و تنها شرطی که در متن عقد بر آن توافق شود، آن‌هم در صورت دارا بودن شرایط صحت، لازم الوفاء و واجب الاداء می‌باشد. از این رو در صورت سرپیچی مکلف از انجام شرط می‌توان او را بر اتیان آن مجبور نمود. با این ترتیب مجرد امتناع مشروط علیه از انجام امر مورد اشتراط به معنی فوات شرط نیست تا بتوان از باب تعدّر شرط وی را بر فسخ مسلط دانست؛ زیرا تنها به واسطه بطلان شرط، مشروط له می‌تواند عقد اصلی را فسخ نماید و آن در صورتی است که به امر غیرمقدوری در ضمن عقد توافق شود و یا انجام شرط بدلائلی متعذر گردد یا اینکه آنچه مورد اشتراط واقع شده، امری نامشروع باشد. جعل خیار در این موارد بجهت دفع ضرر از مشروط له می‌باشد که در صورت عمل به شرط نفعی از آن عاید او می‌گردد است و البته شرط ثبوت خیار حسب مورد جهل وی به فساد و بطلان شرط می‌باشد. در غیر این صورت یعنی با علم و آگاهی وی بر بطلان شرط از آنجاکه علماً بر ضرر خویش اقدام نموده است، ثبوت خیار به نفع وی وجهی ندارد و لازم است تا عقد را بدون شرط پذیرفته و آثار آن را متحمل شود.

در مورد اسقاط شرط باطل و مبطل نیز باید دانست که نسبت به مورد اول مشروط له اختیار دارد که آن را اسقاط نماید و این امر به منزله صرف‌نظر کردن از حق خیاری است که در صورت احراز شرایط لازم نصیب وی خواهد شد و البته چشم‌پوشی از جزء فاسدی که ادله وجوب آن را شامل نمی‌شود، بلااشکال است؛ اما در مورد دوم اساساً چنین حقی متصور نخواهد بود؛ زیرا با سرایت فساد شرط به عقد و بطلان این دو، چیزی باقی نمی‌ماند تا بتوان آن را ساقط نمود.

مآخذ

- البدر اوی، عبدالمنعم. (۱۹۶۶). المدخل للعلوم القانونية. بيروت: دار النهضة.
- توفیق، حسن فرج. (۱۹۹۲). النظرية العامة للالتزام. بيروت: الدار الجامعية.
- الحکیم، عبد المجید. البکری. (۱۹۸۰). الوجيز في النظرية الالتزام في القانون المدني العراقي. بغداد: وزارة التعليم العاليه.
- عطيه، مبروک. (۲۰۰۶). احكام الاراده. القاهرة: دار الكتب الجامعي.
- نذیر، داد محمد. (۱۳۹۳). اساسات حقوق اسلام. کابل: انتشارات رسالت.
- سلجوقي، محمود. (۱۳۸۸). نقش عرف. تهران: نشر میزان.
- یوسف زاده، مرتضی. (۱۳۸۹). حقوق مدنی ۱ و ۲. تهران: نشر میزان.
- دیلمی، احمد. (۱۳۸۹). حسن نیت در مسئولیت مدنی. تهران: نشر میزان.
- الدوری، عدنان طه. (۱۹۹۹). احكام التزام و الاثبات في القانون المدني الیبي. بنغازی: دار الكتب الوطنیه.
- خیال، محمود السید عبد المعطی. (۲۰۰۱). المپخل الى الدراسه القانونیه. القاهرة: دار الكتب الجامعی.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

بازتاب نوستالژی و بررسی مؤلفه‌های آن در اشعار جلیل شبگیر پولادیان

پوهندوی نازی حسن میرزاد

پوهنتون بلخ - پوهنهی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت زبان و ادبیات دری

تقریظ: پوهنوال محمد همایون حیران

چکیده

نوستالژی یا درد غربت بازتاب حسرت خوردن، بازگشت به دوران کودکی دوری از خانواده و وطن است. این اصطلاح در نخست از علم طبابت وارد روانشناسی گردید و سپس به ادبیات راه یافت. این اصطلاح به‌ویژه در ادبیات دوره معاصر بنابر دلایلی از جمله عدم سازش با سلطه حاکم، نامساعد بودن شرایط زندگی، به‌طور معمول یکی از دغدغه‌های زندگی بشری به‌خصوص شاعران بوده است، چون آن‌ها با داشتن حس ظرافت شاعرانه با ظلم و سایه سنگین وحشت حکومت موضع‌گیری نموده به مبارزه می‌پردازند. این مقاله پژوهشی است درباره نوستالژی (غم غربت) و بازتاب آن در شعر جلیل شبگیر پولادیان که از شاعران معاصر دری و از پیشگامان عرصه سرایش شعر سیاسی و پایداری است. شعر او آیین تمام نمای آرمان آزادی است. این موضوع به‌عنوان یکی از رفتارهای ناخودآگاه فرد در شعر پولادیان بررسی شده است. او با دگرگون شدن اوضاع سیاسی ناگزیر شد که در نهایت وطن زیبایش را ترک کند و غم زیستن در غربت، درد دوری از میهن و دوری از یاران را در اشعارش بازتاب دهد. بناءً محقق با تکیه به مطالعات کتابخانه‌ای در تلاش است تا نوستالژی ناشی از دوری میهن و سایر مؤلفه‌های متعددی از جمله دوری از وطن خانواده، دوری از معشوق، بازگشت به دوران گذشته و تاریخ و اسطوره، بازگشت به دوران کودکی و جوانی را در شعر پولادیان بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: نوستالژی، پولادیان، حسرت، غم غربت، مؤلفه‌ها

مقدمه

دل‌تنگی، حسرت و احساس غربت یکی از موضوعات مهم و جان‌مایه بسیاری از آثار در حوزه شعر بوده است. شاعران به‌منظور تسکین آلام خویش از آن بهره برده‌اند. حسرت خوردن و شکایت از زندگی، روزگار، مردم و شرایط حاکم بر جامعه از دیرباز به‌عنوان یک جریان شعری وجود داشته و از موضوعات مهم در شعر به شمار می‌آید. شاعران در برابر آن بیشتر از دیگران احساس درد می‌کنند، اشعار معترضانه و ناامیدانه می‌آفرینند؛ و فضای شعرشان را موجی از غریبی و غربت، دربه‌دردی، درد و شکوه از زمانه و روزگار فرامی‌گیرد.

چون بعد از دهه شصت با تغییر اوضاع سیاسی از اثر تجاوز قشون سرخ شوروی سابق در کشور اختناق و وحشت حاکم بود. مردم این مرزوبوم از هر گوشه و اکناف کشور به مبارزه بر می‌خواستند. عده‌ای هم‌دست به یک سلسله مهاجرت‌ها زدند؛ و از آنجا با سلاح قلم آرمان‌ها و مقاومت مردم را منعکس می‌ساختند. بناءً پولادیان نیز از این دسته قلم‌به‌دستانی است که با داشتن حس ظرافت شاعرانه در برابر رفتار ناخوش آیند سلطه حاکم و با عدم سازش با شرایط سایه سنگین وحشت به مبارزه برخاسته و را غربت و مهاجرت را بر خود بر می‌گزیند و وضع نا به‌هنجار و خفقان اجتماعی، به خون کشانیدن مردمان بی‌گناه و ده‌ها دلیل دیگر باعث حضور نوستالژی در شعر او شده است.

بیان مسأله

یکی از پیامدهای نیک در ادبیات رو آوردن به مفاهیم انسانی، تلاش و گسترش دادن مفاهیم آزادی‌خواهی، مجسم ساختن دنیای عاری از جنگ، بدون درد و غم و یک زندگی مسالمت‌آمیز در ذهن و بیان است. یکی از آرمان‌های یک ملت، صلح‌طلبی و عدالت‌خواهی است. عده‌ای از شاعرانی که وجدان آگاه دارند، به‌وسیله قلم خویش در برابر ظلم و نارسایی‌های جامعه مبارزه نموده و اشعار معترضانه سروده‌اند. پولادیان از این شمار قلم‌به‌دستانی است که علیه ناملايمات جامعه و بی‌عدالتی‌ها با تنیدن جان واژه‌ها به مبارزه برخاسته است.

روش تحقیق: در نگارش مقاله از روش کتابخانه‌ای و به شیوه علمی و مستند با استفاده از منابع و مأخذ معتبر علمی به تحقیق پرداخته شده است.

سؤال تحقیق

اساسی‌ترین مسأله‌ی که در این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ آن هستیم این‌ها است:

- نوستالژی چیست؟
- مهم‌ترین مؤلفه‌های نوستالژی در اشعار جلیل شبگیر پولادیان چیست؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

نوستالژی در ادبیات به‌عنوان یکی از نیازهای ملت‌ها به‌طور معمول مطرح بوده است. پولادیان از جمله شاعرانی است که درد غربت و بازگشت به خاطرات جوانی و دوری از میهن در شعرش نمودی بارز داشته و تا امروز از این منظر به

شعر او به‌صورت همه‌جانبه پرداخته نشده است. نظر به ارزش ادبیات پایداری و نوستالژی در بیداری مردم کشور، بررسی مؤلفه‌های آن در شعر این شاعر ضروری به نظر می‌رسد.

اهداف تحقیق

تحقیق حاضر به‌منظور برآورده شدن اهداف زیر صورت گرفته است:

- آشنایی با اصطلاح نوستالژی.
- بررسی چگونگی نوستالژی و مؤلفه‌های آن در شعر پولادیان.

فرضیه تحقیق

فرضیه‌هایی که در این پژوهش به نظر می‌رسد:

- نوستالژی حسرت برگزیده هست و شامل: غم غربت، دوری از یاران و عزیزان، حسرت برگزیده شیرین و... هست.
- مبنای حسرت و غم غربت، دوری از وطن، سوگ عزیزان، دوری از معشوق، گلایه و شکوه از روزگار، به‌صورت فراوان در شعر پولادیان دیده می‌شود.

پیشینه پژوهش

بدون شک در مورد نوستالژی در ادبیات پارسی دری کتاب‌ها و مقالات فراوانی تحریر یافته است و در خصوص بررسی‌های نوستالژی در شعر شاعران پارسی دری، نیز مقالات متعددی به نشر رسیده است. از جمله نساء بخشی (۱۳۹۳) در کتاب نوستالژی در ادبیات نمایشی، به بررسی نوستالژی در نمایشنامه‌های غلام‌حسین ساعدی و همکاران پرداخته است. فاطمه کلاهچیان (۱۳۸۶) در رساله به‌عنوان نوستالژی در شعر کلاسیک عرفانی، مؤلفه‌های نوستالژی این اشعار را بررسی کرده است. مهدی شریفیان (۱۳۸۷) در مقاله بررسی غم غربت در اشعار فریدون مشیری و...؛ اما جای نوشتن کتاب یا مقاله‌ای در خصوص نوستالژی در شعر پولادیان خالی است و کار فراوانی تا اکنون صورت نگرفته است و به‌احتمال قوی که نوشته نشده است.

مختصری درباره زندگی جلیل شبگیر پولادیان

شبگیر پولادیان فرزند یک خانواده پیشه‌ور در رستاق بوده و در سال ۱۳۳۴ خورشیدی، چشم به جهان گشوده است و بعد از طی مراحل تحصیل اخیراً در رشته ژورنالیزم از دانشکده ادبیات گواهی‌نامه به دست آورد او به شعر و سخن از عنفوان جوانی علاقه داشته به‌ویژه به سرایش شعر نو و سبک جدید دل بسته شده و اشعار زیبا و دقیق سروده است (حنیف بلخی، ۱۳۹۶، ۸۸۶).

پولادیان تا سال ۱۳۶۰ در نشریه‌های ادبی در هرات و کابل به روزنامه‌نگاری اشتغال داشت. از سال ۱۳۵۷ اشعار خود را که در قالب‌های سنتی و نو سروده بود، در مجله‌های ژوندون و مجله ادبی هرات چاپ کرد. سپس در آکادمی علوم افغانستان به حیث کارمند علمی کار می‌کرد. در چارچوب همین مؤسسه پژوهشی مسؤولیت نشر مجله‌های «باستان‌شناسی افغانستان» و «تحقیقات کوشانی» را به دوش داشت. آخرین مسؤولیت او در آکادمی علوم افغانستان مسؤولیت انتشار نامه پژوهشی «خراسان» نشریه بخش زبان و ادبیات آکادمی بود. وی در بنیادگذاری کانون دوستداران مولانا که در سال ۱۳۶۴ در کابل هستی یافته بود سهمی بارز داشت. در سال ۱۳۶۹ به ترکیه عزیمت نمود و از آنجا رخت به دیار آلمان کشید. در آنجا مجله چراغ را به نشر سپرد (قویم، ۱۳۸۷، ۱۴۷).

با شعر و شاعری از آوان کودکی مانوس بوده، با نخستین زمزمه‌های مادرش و با طنین روح‌انگیز غزلیات حافظ در مکتب‌های خانگی و در طول شب‌های سرد زمستان که مادرش برایش کتاب می‌خواند. در دوره مکتب دل‌بسته گیش بیشتر شد و نخستین تجربه‌هایش در شعر به صورت نظم گونه‌های در همین دوره به وجود آمده‌اند (حسینی، ۱۳۶۷، ۱۵۸).

وی از قصیده‌سرایان توانای افغانستان محسوب می‌شود و باید اذعان کرد با وجود جسارت‌ها و خلاقیت‌هایی که در شعرهای آزاد نشان می‌دهد در قصیده توانا تر است (ثروتی، ۱۳۸۶، ۲۲۱).

نوستالژی

به گمان اکثر کسانی که در این زمینه قدم و قلمی زده‌اند، نوستالژی کلمه‌ای است که از روان‌شناسی وارد ادبیات شده است، ولی صفدر تقی زاده در مقاله‌ای زیر عنوان نوستالژی، اذعان دارد که به خلاف حدس و گمان ما واژه نوستالژی (حسرت گذشته، احساس دلتنگی، غم غربت) از علم پزشکی سر برآورده است و برای نخستین بار در سال ۱۶۸۸ در پایان‌نامه رشته پزشکی پوهانسن هوفر، دانشجوی سوئسی ظاهر شد که می‌خواست با ابداع این واژه حالت غمگین شدن ناشی از آرزوی بازگشت به سرزمین بومی را توضیح دهد (تقی زاده، ۱۳۸۱، ۲۰۲).

حقیقت این است که واژه نوستالژی از علوم پزشکی وارد روان‌شناسی و آنگاه با ادبیات پیوند خورده است. نوستالژی (nostalgia) واژه یونانی است؛ ترکیبی از دو کلمه (nostos) به معنای بازگشت به وطن و (algia) به معنای درد و غم و حسرت و دلتنگی (انوشه، ۱۳۸۱، ۱۳۹۵).

گذشته‌گرایی و داشتن حس نوستالژیک نسبت به آن‌یکی از ویژگی‌های انکارناپذیر اجتماعی و فرهنگی ماست و بازتاب و تأثیر آن را به خوبی می‌توان در ادوار مختلف تاریخی کشورمان حس کرد. ادبیات نیز به عنوان یکی از ارکان فرهنگی هنری جوامع، می‌تواند منعکس کننده تفکرات و بیش‌های یک ملت باشد (شمیسا، ۱۳۸۷، ۱۳۷).

جلوه‌های نوستالژی و مؤلفه‌های آن در شعر شبگیر پولادیان

موضوع اصلی بحث در این قسمت بررسی نوستالژی برخاسته از چند عامل عمده در شعرهای شبگیر پولادیان است که با خوانش مجموعه شعر او، انواع نوستالژی را در این حوزه‌ها قابل بررسی دیدیم:

بازگشت به کودکی و دوری از خانواده

نوستالژی گرایی، احساس غربتی است که ریشه در کودکی انسان‌ها به‌ویژه شاعران دارد و بازگشت به کودکی سبب یادآوری نخستین خاطره‌های انسان می‌شود. دوری از خانواده یکی دیگر از مؤلفه‌های نوستالژی است پولادیان نیز همانند دیگر شاعران در مهاجرت از یاد خانواده غافل نیست. او در اوج غم دوری و تنهایی در فراق مادرش چنین می‌سراید که به چندپاره‌ای از این شعر اکتفا می‌کنیم:

به کودکانه سرودم قسم که‌ای مادر
سپید پرتو خورشید بی نشست توای!
تپنده قلب عطش‌ناک سینه هستی
طلوع صبح افق‌های دوردست توای!

هنوز نغمه ی لالایی شبانه مرا
به‌سوی شهر شکرریز خواب راه کند
هنوز سینه‌ی تنگ مرا نوازش تو
رها ز وسوسه‌ی رنج شامگاه کند

طنین بانگ فرهمند بامداد کنون
به خاطر آورد آن روزگار هشته هنوز
نشسته بر سر گهواره بینمت مادر!
نخفته خواب به چشمان خویش کشته هنوز

حسرت رؤیاهای گذشته و جوانی

کلبه‌ام شد سایه‌روشن رؤیاهای تار
جای باران ریخت بارانی ز رؤیاهای او
من پر از رویای او در خویش ماندم سردچار
بعدازآن او بود هر جا سایه سان دنبال من
مثل همزادی پر از من درهمه گوش و کنار
کودکی‌های مرا می‌زیست در خواب‌وخیال
می‌تنید از نوجوانی حله‌های زرنگار
لانه‌ها می‌بست بر سقف ستون خانه‌ام
چون پرستوهای عاشق در سرآغاز بهار
وه چه شب‌هایی که با او شام را بردم به صبح
روز را تا شب به سودایش بدون کاروبار
خواب را در چشمه مهتاب می‌شستم بسی

رنگ شب می‌رفت با صابون صبح نقره‌کار
من به دست خود
سحر را لمس می‌کردم چنین
دامنم پر از پرند اختران شعله بار
روی دوشم روز سر می‌ماند می‌خواهید دیر
در بساط پرنیان آفتابی سبزه‌زار...
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۸۲).

در جای دیگر پاره‌ای از شعر در اشراق پیوستن:
تو در اقصای سرد و ساکت هر شب
کدامین دوردست بیکران را می‌زنی فریاد
که آواز تو می‌آید
ز شهر (یاد)
و من چون بازمی‌گردم
ترا در خویش می‌یابم
ترا فریاد می‌دارم
(حسینی، ۱۳۶۷، ۱۵۹).

در حسرت آزادی

پولادیان شاعر وطن‌دوست و آزادی‌خواه است. مفهوم آزادی معمولاً بخشی از اشعار او را ساخته است. در لابه‌لای اشعار او توصیف‌های زیبایی از آزادی بازتاب گسترده دارد که روحیهٔ پایداری و آزادی‌خواهی او را در مقابل اشغال گران و استعمار نشان می‌دهد:

به توای آزادی، آزادی
به توای صاعقهٔ شعله فشان
به توای مایهٔ فخر و آزادی
به توای مظهر روح انسان
به توای پرتو روشن گر شهر
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۹۷).

و در جای دیگر بازهم توصیف و تجلیل از آزادی:
کجا شد مردی؟
کجا شد بانگ آزادی؟
و با خود خود درافتادی

چه بی پرواستی میهن
(ثروتی، ۱۳۸۶، ۲۲۴).

در آن زمان که سرزمینش مورد هجوم بیگانگان قرار گرفته و پرچم آزادی را واژگون شده می‌یابد. در چنین حالت سخن گفتن از آزادی در حقیقت قیامی است برای مبارزه علیه اسارت‌ها.

و در جای دیگر به امید روزی است که کشورش را آزاد ببیند؛ اما آمدن آزادی به‌سادگی ناممکن است. به قیمت خون شهیدان امکان‌پذیر است:

روز آزادی ما
خون دهد غنچه و گل شاخه زند
ساغر سرخ شهادت‌کده خون شهید
هفت‌دریا تپش باده صدساله دمد
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۷۷).

توصیف میهن

«تلقى از زادگاه و زادبوم به‌عنوان وطن از زیباترین جلوه‌های عواطف انسانی در شعر پارسی است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱، ۱۸۵).

توصیف وطن و پرداختن به آن از جلوه‌هاست که در جای‌جای مجموعه اشعار وی به مشاهده می‌رسد. او متأثر از احوال و اوضاع نابسامان میهن خویش در قصیده (عروج برج خاکستر) از دردها و رنجهای مردمش فریاد می‌کشد؛ که به دو بیت از آن اکتفا می‌کنیم:

کدامین بستر خواب را دریاستی میهن
که از موج جنون طوفان خون آراستی میهن
عروج برج خاکستر ستون درد را دامن
شباهنگی زچاه زرف بی پهناسی میهن
(ثروتی، ۱۳۸۶، ۲۲۱).

نوستالژی اجتماعی

در این نوع نوستالژی شاعر به وضعیت بد جامعه، تجاوز به وطن، فقر و گرسنگی، دربه‌دوری و... توجه دارد. شعر پولادیان شعر فریاد است، آوای درد و غم است، اعتراض است. او در حال مهاجرت از هجوم بیگانگان در کشور ناله سر می‌دهد. سواران بی‌سر روس، این دوزخ به دوشان تباهی را چون ملخ‌های موذی می‌داند که تمامیت کشتزاران سرزمینش را به تباهی و تاراج کشانیده‌اند را به گونه‌ای زیبا به تصویر کشیده است:

رسیدند دوزخ به دوشان
تب آلودگان تبار تباهی و تاراج

فریب و فسون می‌افرازند
سواران بی‌سر
ز گرداب سردابه‌ها سرکشیدند
تمامیت کشتزاران تاراج را
ملخ‌های موزی به غارت نشستند
حریم دیاران به بیغوله‌ی بی‌کسی ریختند
به پایانه‌ی خط غربت
به پایانه‌ی خط فقر
تمامیت سقف آوارگی را
ستاره ستون می‌افرازند
چه طوفان ویرانگری
فراز آید از وادی مرگ و غم
(پولادیان، ۱۳۸۸، ۷۷).

و یا در جای دیگر چنین با درماندگی بیداد می‌کند:
در این «سرای سپنج»
به جلوه‌گاه عروج تمامت انسان
همیشه سایه اهریمنان
به پشت پرده‌ی بی‌خون گرم و رنگین است
چرا که در توالی پیکار پاک و پلید
همیشه دست خدایان مرگ خونین است
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۳۲).

پولادیان در این شعر از رویدادهای خاص به‌جامعه خود اشاره دارد و از وقایع و کشتارهایی که در سرزمینش اتفاق افتاده است سخن می‌گوید. از زندان‌های پل چرخی که هر شب خون انسان‌ها به‌وسیله نیروی جباران، حکومت دست‌نشانده شوروی سابق به زمین می‌ریخت. این شعر، شعر ایستادگی است. مبارزه روشنایی در برابر نیروی تاریکی است؛ که پایان این راه را منجر به ناامیدی و شکست نمی‌داند.

نوستالژی غم غربت

آنچه در به وجود آمدن احساس نوستالژی نقش دارد، همان جدایی از میهن، یاران، زادگاه و خانواده است، خانواده سنتی‌ترین اساسی‌ترین نهاد زندگی جمعی است. خانواده تعیین‌کننده نهادی است در جامعه که فرد را با زندگی سیاسی و اجتماعی آشنا می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۶، ۱۹۷).

نوستالژی غم غربت و دوری از خانواده و سرزمین آوارگی در اشعار پولادیان به وضاحت قابل دید است، زیرا او با احساس عمیقی که در برابر انسان، وطن، آزادی و... دارد با جدیت در انعکاس نوستالژی، حالات و بدبختی‌های مردمی که در تالاب خون و جنایت غرق بودند را به تصویر می‌کشد و درد دیگران را در جان خودش حس می‌کند و چنین می‌سراید:

فراز برج خاکستر
پرستوهای سرگردان
سرود ایلغار می‌خوانند
فراز برج خاکستر
کیبوترهای بال افشان
هوآرا در خط آوارگی فریادی گیرند
فراز برج خاکستر
گل پرپر به ساز سایه‌های مرگ می‌رقصد
فراز برج خاکستر
گلوی ابر سربی‌رنگ می‌گرید
فراز برج خاکستر
تگرگ سرخ می‌بارد
فراز برج خاکستر
صدای کودکی
با های های گریه می‌خواند؛
سرود ناتمام لای لای مادرش را
فراز برج خاکستر
(پولادیان، ۱۳۸۸، ۱۱۰).

انتقاد از رهبران و مهره‌های خیانت‌کار

در درون هر ملتی وجود چهره‌های خائن و مغرض باعث تباهی وطن و مردم می‌شود و زمینه ورود استعمار را در کشور فراهم می‌سازند. در ابیات زیر از مهره‌ها و رهبران خائن به وطن با زبان طنزآمیز انتقاد می‌کند:

ای باد صبا، گو تو زما بر چرنینکو
کان دولت دیروزی، امروز ترا کو
تشویق مردم برای دفاع از میهن

پولادیان مردم را به ایستادگی در برابر متجاوزین و استعمارگران فرامی‌خواند:

خیز که شد رستخیز!
ای خراسانی تبار ای رهگشای مردمی!
تن زن از خواری که خواری نیست رسم آدمی!
دشمن هر زورگو ای مرد میدان نبرد!

بر کف همت برون آور درفش باهمی
خیز با دشمن ستیز!
خیز که شد رستخیز!
دست دیو و دد ببند!
آبروی شب بریز!
خیز در میدان درا ای پهلوان میهنی!
بیغمی اکنون بس است بگشای دست رستمی!
ای خراسانی تو خورشیدی خراسان وار باش!
چیره شو بر تیرگی اندیشه‌ی بیدارباش!

و در جای دیگری این شعر می‌سراید که ای اهل خراسان خراسان کشور امیال و آرزوهای توست وبی غم بودن دیگر بس است.

در یاد و حسرت مرگ برادر

غم مرگ عزیزان یکی از مؤلفه‌های نوستالژی است. «از آنجایی که زندگی پرحادثه آدمی خالی از محنت و غم نیست، از این‌رو دفتر ادبیات جهان نیز هیچ‌گاه خالی از شکواییه نخواهد بود. گاه از غم پیری و فرسودگی، روزی از مرگ عزیزان، زمانی از روزگار و تقدیر و...» (شجیعی، ۱۳۶۲، ۲۷).

پولادیان این تبعیدی وارسته درجایی در سوگ برادر می‌سراید:

وه خدایا او کجا شد من چه بد کردم به خویش
تا به خود می‌آمدم، می‌آمد از در اشک‌بار
گریه می‌کردم به پایش تا که دل می‌شد تهی
از شرنگ تلخ و تار نیش و نوش روزگار
یک‌شبی در غصه بودم سوگ تلخ خویش را
غم مرگ برادر سخت تلخ و سوگوار
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۷۲).

اشخاص نوستالژیک و افتخار به مفاخر

مردان به زیر دار
قیام قیامت‌اند
تن واژه تهاجم سیل شهامت‌اند
برباد های تهمت تلخ
جاله گان
پولاد تاب و صخره کوه نجابت‌اند
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۱۰۸).

مردان دار
مردان به زیر دار
چو منصور می‌روند
با نینوای سرخ «انالحق»
در هاله شقایق خونین
بر موج‌های سرکش دریای خون‌فشان
با بادبان گردن مغرور می‌روند
مردان به زیر دار
(پولادیان، ۱۳۷۴، ۱۱۵).

در این شعر تلمیح است به داستان صبر و مردانگی و عشق منصور حلاج و حسنک وزیر که با جبین گشاده مرگ را در راه عشق الله و عشق به وطن به جان می‌خرند؛ و باکی هم از نشانه‌های دشمن ندارند که به‌سوی شان پرتاب می‌شد. شاعر به گذشته‌ها فرو می‌رود که هر روز این حادثه تکرار می‌شود. یا در بیت‌های زیر از شخصیت‌های تاریخی و پهلوان‌های آرمانی این سرزمین و از شهامت شان از بزم شاهان و شاعرانی که با قصاید دست داشته به گرمی و رنگینی مجلس می‌افزودند. از قصه‌های شیرین پیر گنجه نظامی و از شعرهای عاشقانه و سماع مولانا جلال‌الدین بلخی و از حافظ و می‌کده و باده یاد می‌کند و در حسرت از بین رفتن آن‌ها آرزوی دوباره بازگشت را دارد:

گه به دشت جنگ با حماسه‌های پیر توس
رقص شمشیر هزاران رستم و اسفندیار
گاه در بزم سرور انگیز کاخ سروران
با مزامیر سرود شاعران ماندگار
او مرا چون زورق مستانه بردریای مست
می‌رود از خویش در امواج مست بی‌قرار
شعرمست مولوی می‌خواند چرخان روی موج
قصه شیرین پیر گنجه را بی‌اختیار
وه چه شب‌هایی که با حافظ به کوی میکده
بسته پیر مغان بودیم و رند باده‌خوار

نتیجه گیری

نوستالژی (دلتنگی) یکی از موضوعات مهم در ادبیات پارسی دری است؛ که معادل حسرت بوده و شاعران با استفاده از تصاویر شعری خود بازتابگر این حس عاطفی هستند. از قبیل احساس حسرت، غربت، دوری از معشوق و سوگ عزیزان و... که از مؤلفه‌های نوستالژی هستند، هست. پولادیان همیشه روایتگر سرگذشت‌های دردناک، وقایع تلخ، حسرت و دلتنگی است. در اشعار پولادیان جلوه‌های نوستالژیک دلتنگی برای وطن، بازگشت به دوران کودکی، حسرت، دوری عزیزان، سوگ برادر و غیره با زیبایی خاص به تصویر کشیده شده است. وابستگی به زادگاه مادری و سرزمین برای شناخت و هویت فردی از ارزش‌های والای است؛ که فرسنگ‌ها از آن فاصله دارد و برای دیدارش آرزو می‌کند. درد غربت و دوری از عزیزان از یک سو و شکنجه مردمان بی‌گناه و اشغال سرزمینش و آثار شقاوت و فلاکت از سویی، وجود این مناظر زشت در وطنش از او یک شاعر ناامید ساخته است. این تبعیدی وارسته در قصاید خویش همیشه از این گونه حسرت‌ها و دلتنگی‌های نوستالژیکی ناله سر می‌دهد؛ که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

مآخذ

- ازغندی، سید علی رضا. (۱۳۸۶). **تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران**. تهران: سمت، چاپ چهارم.
- انوشه، حسن و دیگران. (۱۳۸۱). **فرهنگ نامه ادب فارسی**. جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تقی زاده، صفدر. (۱۳۸۱). «نوستالژی»، بخارا. شماره ۲۴.
- ثروتی، بهروز. (۱۳۸۶). **مویه های پامیر**. تهران: الهدی.
- حسینی، نعمت. (۱۳۶۷). **سیمایا و آواها**. کابل: مطبعه دولتی.
- حنیف بلخی، محمدحنیف. (۱۳۹۴). **پر طاووس**، به کوشش اسدالله حنیف بلخی. جلد دوم. کابل: مطبعه احمد، چاپ سوم.
- شبگیر پولادیان، جلیل. (۱۳۷۴). **فراز برج خاکستر**. ناشر: ایام برکی.
- شبگیر پولادیان، جلیل. (۱۳۸۸). «فراز برج خاکستر»، دروازه کابل، دوره پنجم، شماره ۱۱۰.
- شجیعی، پوران. (۱۳۶۲). **دیوان اشعار**، با تصحیح ناصرهیری. تهران: زوار.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۱). «وطن و جلوه گری های آن در شعر فارسی»، یاد، شماره ۶۳.
- قویم، عبدالقیوم. (۱۳۸۷). **مروری بر ادبیات معاصر دری**. کابل: سعید.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

نقش سیاسی و فرهنگی ملکه گوهرشاد بیگم در دولت تیموری

پوهنمل محمد داود اکرامی

پوهنتون بلخ - پوهنځی علوم اجتماعی، دپارتمنت تاریخ

تقریظ: پوهنوال نصیر احمد آرین

چکیده

عصر تیموریان هرات یکی از دوره‌های درخشان تاریخ کشور ما و منطقه است. در این عصر بزرگ‌ترین دستاوردها در عرصه‌های علم، هنر و ادبیات تاریخ کشور ما به‌دست‌آمده است که این‌همه بدون یک پشتوانه قوی سیاسی و اقتصادی ناممکن بود. این پشتوانه را دولتمردان سلسله تیموری فراهم کردند که در این میان نام ملکه تیموری گوهرشاد بیگم در این میان چشمگیر است وی با مشارکت در امر سیاست و اداره امور دولتی و حکومتی، سهمی ویژه ایفا کرد، به گونه‌ای که در حسن تدبیر و سیاست مقامی بلندی از خود بر جا گذاشت، در بسیاری از آبادی‌ها و دستاوردهای هنری آن دوره نقش حمایتی این زن سیاست‌مدار و فرهنگ دوست کاملاً هویدا و برجسته است از جمله این آثار می‌توان از مجموعه‌های از مسجد، مقبره، مناره در افغانستان و ایران نام برد. گوهرشاد بیگم که خود یک از شاهزادگان تیموری بود بعد از ازدواج با شاهرخ، ملکه دولت تیموری هرات شده و بعد از این شوهرش شاهرخ را در امور سیاسی و حکومتی مشورت‌های سازنده می‌داده است.

واژه‌های کلیدی: گوهرشاد بیگم، سیاست، فرهنگ، تیموریان، هرات.

مقدمه

ملکه گوهرشاد بیگم، مشهور به گوهرشاد آغا یکی از زنان نامدار تاریخ افغانستان و منطقه بود که نقش پررنگی در تحولات سیاسی- فرهنگی رنسانس عصر تیموریان هرات داشت وی دختر امیر غیاث‌الدین، سردار قبیله ترخانیان و خانم میرزا شاهرخ شاهزاده علم دوست و فرهنگ‌پرور تیموری بود. گوهرشاد زنی بسیار نیکوکار، ثروتمند، ادب‌دوست، هنرپرور، خردمند، بالاحتیاط و سیاستمدار بود.

بعد از مرگ تیمور در قلمرو امپراتوری وی جنگ جانشینی آغاز شد که یک‌ونیم دهه دوام یافت در این میان شاهرخ میرزا فرزند تیمور تصمیم گرفت تا حوزه قدرت خود را به جنوب آمو دریا (افغانستان) منتقل و شهر هرات را به پایتختی دولت خود برگزید. این واقعه آغازی بود برای شکوفایی شهر هرات و در مجموع قلمرو دولت شاهرخ که در این پروسه، ملکه گوهرشاد بیگم زن شاهرخ به حیث مشاور سیاسی و فرهنگی شاهرخ نقش مهمی بازی کرد. گوهرشاد بیگم که زن زرنگ و دانا بود در دستگاه حکومتی شاهرخ نفوذ فراوان یافت و بر کلیه امورات فرمانروایی شاهرخ نظارت و نقش داشت. نفوذ این بانوی سیاستمدار به کمک فرزندان و بخشی از اراکین دولتی، نظمی در دستگاه دولتی شاهرخ ایجاد کرد که موجب بازگشت و استحکام امنیت و ثبات به قلمرو دولت تیموری گردید.

مناقشه: برخی مورخین شهرت شاهرخ را مدیون درایت و کاردانی سیاست‌های ملکه گوهرشاد بیگم می‌دانند. در مورد فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی ملکه گوهرشاد بیگم نویسندگان و مورخین زیادی نوشته‌اند از جمله مدیر شانه‌چی در مقاله «ملکه گوهرشاد» خاندان شاهرخ و همسرش آثار و عمارت‌های وی را به معرفی می‌گیرد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۴۹: ۱۶). اعتمادی در مقاله «مدرسه گوهرشاد بیگم در هرات»، اقدامات فرهنگی ملکه را در این شهر موردبررسی قرار داده است (اعتمادی، ۱۳۲۳: ۱۷).

لیلا محمدی در مقاله تحت عنوان «بررسی عملکرد و مشارکت گوهرشاد بیگم در ساختار سیاسی امپراتوری تیموری» به نقش سیاسی این زن سیاستمدار در دولت شاهرخ می‌پردازد (محمدی، ۱۳۹۹: ۸۹ و ۱۰۵). رویمر، ثبات و آرامش درباری شاهرخ را تنها در پرتو شخصیت خود او نمی‌داند، زیرا به باور او، در دربار هرات شخصیت‌های دیگر هم چون گوهرشاد به همراه پسرانش و برخی دیگر از مقامات علی حکومت برای استقرار و نظم در دولت تلاش کرده‌اند (رویمر، ۱۳۵۸: ۱۵۲). بناءً براین به‌جرت می‌توان گفت که گوهرشاد بیگم با مداخلات به‌جا و دقیق خود در امور سیاسی در حقیقت بازوی سیاسی شاهرخ محسوب می‌شد.

طرح مسأله: بدون شک در عصر تیموریان هرات زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حضور پررنگی نداشتند و حضور زنانی مانند گوهرشاد بیگم از موارد استثنایی این حضور است، اینکه چگونه در چنانچه شرایطی این بانوی فرهیخته می‌تواند در بسیاری از دستاوردهای سیاسی و فرهنگی دولت تیموری نقش پررنگی داشته باشد یکی از شگفتی‌های تاریخ است. اینکه وی در همه زمینه‌های سیاسی و فرهنگی نه‌تنها به حیث مشاور در کنار شاهرخ بماند بلکه خود نیز در مواردی متعددی به‌صورت مستقل در این مسائل دخالت مستقیم داشته باشد می‌تواند دلایل متعددی داشته باشد که جواب به هر کدام می‌تواند ما را در رسیدن به یک حقیقت تاریخی کمک کند.

سؤالات تحقیق

ملکه گوهرشاد بیگم چه نقشی در تحولات سیاسی و فرهنگی عصر تیموریان داشت؟

سؤالات فرعی

- کدام عوامل باعث می‌شد تا ملکه گوهرشاد بیگم نقش پررنگی در امور سیاسی داشته باشد؟
- چگونه ملکه گوهرشاد بیگم توانست در دستاوردهای فرهنگی عصر تیموریان نقش داشته باشد؟

فرضیه تحقیق: به نظر می‌رسد ملکه گوهرشاد بیگم با استفاده از موقعیت خویش که دختر یکی از امرای تیموری بود و نیز خانم شاهرخ میرزا یکی از شاهان دولت تیموری توانست نقش مهمی در تحولات سیاسی و فرهنگی عصر تیموریان هرات داشته باشد گذشته از این‌ها استعداد این بانوی سیاست‌مدار و فرهنگ دوست نیز در این زمینه تأثیر بسزایی داشته است؛ زیرا وی توانسته که از جایگاه خود به حیث ملکه استفاده مؤثر داشته باشد و نام خود را در تاریخ جاودانه نماید.

اقدامات سیاسی و فرهنگی گوهرشاد بیگم

گوهرشاد بیگم یا گوهرشاد بیگم آغا دختر امیر غیاث‌الدین ترخان (شامی، ۱۳۶۳: ۱۲۳). یکی از امرای تیموری بود. گوهرشاد بیگم در سن ۱۴ سالگی به همسری شاهزاده شاهرخ فرزند تیمور گورکانی درآمد (روملو، ۱۳۸۴: ۱۰۵). پدر گوهرشاد بیگم امیر غیاث‌الدین نزد امیر تیمور مقام والایی داشت بدین سبب به وی لقب ترخان داده بود. وی به خاطر حشمت و نفوذی که نزد تیمور داشت بدون رعایت نوبت و رخصت به حضور امیر می‌رفته‌اند بر علاوه برادران گوهرشاد علی ترخان و حسن صوفی ترخان به دستور تیمور و شاهرخ مناصبی را در خراسان به عهده داشتند بدین ترتیب خانواده گوهرشاد بیگم بیشتر گرد شاهرخ بودند و گروهی نیرومندی را تشکیل می‌دادند که به سبب اعتماد شاهرخ به آن‌ها بیشتر مأموریت ویژه نظامی به یا مناصب بالای دولتی به آن‌ها داده می‌شد (فوربز، ۱۳۹۰: ۶۷ و ۶۹). با توجه به حضور پررنگ اعضای خانواده گوهرشاد در دستگاه دولتی و اعتماد شاهرخ به آن‌ها یکی از عوامل عمده قدرت‌گیری گوهرشاد بیگم می‌تواند همین حضور قدرتمندانه خانواده‌اش در کنار او باشد که هاله از امنیت و قدرت را در دربار، برای او فراهم کردند که این مسئله باعث می‌شد تا وی از این مزیت به نفع خود استفاده نموده و در تصمیم‌گیری‌های دولتی نقشی مهمی ایفا نماید.

با توجه به شرایط آن روزگار و نظام فئودالی حاکم بر جامعه زنان حق تحصیل و فعالیت‌های فرهنگی نداشتند و نمی‌توانستند در اجتماع حضور داشته باشند. گوهرشاد بیگم با زرنگی و احتیاط و توانست نقش مهمی در تاریخ دوره تیموری بازی کند به حدی که حتی شوهرش شاهرخ میرزا نیز به توانایی او تن داده بود و در امور دولت داری با وی مشوره می‌نمود. گوهرشاد بیگم در تصمیم‌گیری‌های شاهرخ در مسله قضاوت محاکمه مجرمین و مجازات آن‌ها تأثیر داشت. به حدی که دخالت‌های وی در امور سیاسی گاه یکی را به اوج اقتدار می‌رسانید و گاهی دیگری از سلطنت کوتاه می‌کرد و روانه زندان می‌ساخت (معروفیون، ۱۳۹۶: ۱۱۳). دولت شاه سمرقندی از چندین مورد جزای سنگین یاد نموده که به مشوره گوهرشاد بیگم صادر شده است. به‌عنوان نمونه اسکندر پسر عمر شیخ پسر تیمور به مشوره وی نابینا گردید و یا قتل‌عام عده‌ای از بزرگان اصفهان از سلطان محمد پسر بایسنقر طرفداری کرده بودند؛ و نیز حکم اعدام برای قاضی امام، شاه علاوالدین و

خواجه افضل الدین، به تشویق گوهرشاد انجام شد (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۳۷۱). در مورد دیگر حکم قتل سید فخرالدین وزیر شاهرخ به دلیل اخذ رشوه و اختلاس که توسط شاهرخ صادره گردیده بود به وساطت گوهرشاد بیگم لغو و صرف به جرمه نقدی محکوم شد (سمرقندی، ۱۳۷۲: ۲۴۳) موارد فوق‌الذکر نشان‌دهنده که گوهرشاد بیگم تا چه حد در تصمیم‌گیری‌های شاهرخ میرزا تأثیرگذار بوده است. حتی وی نواسه خود علاءالدوله پسر بایستقر داشت پسر خود که تحت سرپرستی وی بود با استفاده از نفوذ و قدرت خویش برای سلطنت آماده می‌نمود تا در صورت مرگ شاهرخ با سپردن سلطنت به وی بتواند همچنان موقعیت برتر خود را در رأس سلطنت حفظ کند. وی توانست نظر شاهرخ را که قصد داشت محمد جوکی را به‌عنوان ولیعهد معرفی نماید تغییر دهد (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۵۶).

گوهرشاد بیگم برای رسیدن علاءالدوله به سلطنت از هیچ کوشش و تلاش دریغ نکرد مثلاً هنگامی که شاهرخ در سال ۸۴۸ ق به‌شدت بیمار بود و خطر مرگ وی را تهدید می‌کرد، امیر جلال‌الدین فیروز شاه از قدرتمندترین امیر شاهرخ را وادار کرد تا به امیر علاءالدوله نواسه شاهرخ بیعت کند ولی بازنده ماندن شاهرخ تلاش‌های گوهرشاد به نتیجه نرسید. تا اینکه بعد از مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ ق نفوذ و اقتدار گوهرشاد به‌اندازه‌ی بود که به هنگام درگیری‌های سیاسی بین شاهزادگان، تصمیم‌نهایی را او می‌گرفت، ولی به نظر می‌رسد که همین دخالت‌ها باعث توطئه‌های پی‌درپی علیه او شد. گوهرشاد با کشمکش‌ها و نزاع‌های بسیار، نواسه موردعلاقه‌ی خود علاءالدوله را به تخت نشاند و برای ده سال عملاً فرمانروای امپراتوری بزرگی بود که از عراق تا چین امتداد داشت (جعفریان، ۱۳۷۷: ۳۰۰). در پی یک سلسله حوادث که منجر به دست‌به‌دست شدن سلطنت هرات شد ملکه گوهرشاد بیگم توانست در همه این حوادث نقش داشته باشد (شانه‌چی، ۱۳۴۹: ۱۷، زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۱۲۶). هنگامی که سلطان ابوسعید تیموری حاکم سمرقند اخبار هرج‌ومرج و ناامنی اوضاع خراسان را شنید، آماده حرکت به سمت هرات گردید و سلطان ابراهیم پسر علاءالدوله که به کمک گوهرشاد بیگم به سلطنت رسیده بود شهر را ترک کرد. ابوسعید بدون زحمت وارد هرات شد و بر تخت سلطنت تکیه زد. در ابتدا رابطه‌اش با گوهرشاد بیگم درنهایت احترام بود اما کم‌کم بدخواهان این زن، ابوسعید را نسبت به گوهرشاد بیگم بدبین کردند و برای مدتی گوهرشاد بیگم را روانه زندان کردند تا اینکه سرانجام در سال ۸۶۱ ق سلطان ابوسعید، تحت تأثیر مخالفان ملکه دستور قتل وی را صادر کرد و در حالیکه هشتادویک سال از عمر ملکه گوهرشاد بیگم می‌گذشت (زنگنه، ۱۳۹۰: ۳۳).

شاهرخ پس از رسیدن به مقام شاهی؛ درسایه توانایی خودش و همسرش گوهرشاد بیگم دیوارهای دفاعی هرات را از نو ساخت و عمارات باشکوه زیادی بناء نمود بدین ترتیب از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۴۷ م که دیده از جهان فروبست، شاه و همسرش گوهرشاد بیگم تمام توانایی‌شان را وقف عمران مجدد هرات و رشد و انکشاف عرصه‌های مختلف هنری و ادبی خراسان زمین نمودند. (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۹).

زمانی که از رنسانس عصر تیموری به‌ویژه شکوفایی هرات در این دوره صحبت به میان می‌آید نام ملکه گوهرشاد بیگم برجسته می‌گردد؛ زیرا این بانوی خردمند در کنار شوهرش شاهرخ میرزا به‌عنوان وزیر و مشاور نقش ارزنده‌ی در تحولات فرهنگی هرات عصر تیموریان داشت. این زن سیاستمدار، نیکوکار، ثروتمند، ادب‌دوست و خردمند تمامی تلاشش توسعه تمدن و فرهنگ هرات بود. او مشوق شوهرش نه در توسعه قلمرو و جنگ‌های بی‌مورد بلکه شکوفایی فرهنگی هرات بود. وی مدارس زیادی آباد کرد و در فعالیت آن‌ها هرگز کوتاهی نکرد. گوهرشاد بیگم مردم را به این کانون‌های علمی و فرهنگی فرامی‌خواند و در زمان او از اهل علم استقبال زیادی می‌شد. حمایت از مدرسان و معلمان از اولویت‌های کاری شاهرخ و گوهرشاد بیگم بود. همین احترام به علم و دانش بود که باعث شد در عرض کمتر از نیم‌قرن باعث ظهور رنسانس

دوره تیموری را به وجود بی‌آورد. تأثیر گوهرشاد بیگم در همین‌جا ختم نمی‌شد او در سایر زمینه‌ها نیز یکی از حامیان اصلی جریان‌های ترقی‌خواه در هرات آن روزگار بود. او روحیه شکوفایی فرهنگی و شوق آبادانی را در تمامی امیران و حکمرایان سلطنت شوهرش به وجود آورده بود؛ و شاهرخ تحت تأثیر این بانوی سیاست‌مدار و علم دوست و فرهنگ‌پرور قرار داشت. گوهرشاد بیگم یگانه زن هرات است که در آن زمان چنین نقش مؤثری در گسترش رنسانس فرهنگی هرات آن روزگار داشته است.

وی به معماری نیز علاقه فراوان داشت و آثار زیادی از آن دوران به‌جامانده که نتیجه تلاش بی‌وقفه این بانوی سیاست‌مدار است. به دستور وی یک مجموعه کلانی در هرات ساخته شد که قطعات باقی‌مانده از این مجموعه، نشان‌دهنده سلیقه بسیار عالی و تخصیص مبالغ زیاد توسط گوهرشاد بیگم در ساخت و تزیینات آن است که پیشگام در نوآوری‌های معماری و ساختمانی اوایل قرن پانزدهم میلادی است (بلر، شیلز، ۱۳۸۲: ۵۹).

آثار و بناهای که توسط گوهرشاد بیگم اعمار شد می‌توان از مسجد جامع هرات و مسجد جامع شهر مشهد که هر دو بناً این بانوی نیک‌نام به «مسجد گوهرشاد بیگم» مشهور است. مدرسه و خانقاه شهر هرات که این مسجد و مدرسه یکی از مجلل‌ترین بناهای دوره تیموریان در هرات است (خواندمیر، ۱۳۴۵: ۱۶ و ۱۷).

گوهرشاد بیگم نقش مؤثر در عرصه تربیت فرزندان شایسته و هنرمند داشته است وی نام خود را به‌عنوان زن نیکوکار و فرهنگ دوست و مادری نمونه ثبت تاریخ نمود. وی پسران خود را طوری تربیت کرد که اهل علم و فضل باشند، فرزند بزرگ او الغ بیک که ریاضیات و نجوم آموخت و مدرسه و رصدخانه‌ی در سمرقند اعمار کرد. پسر دیگر او بایسنقر میرزا که اهل فرهنگ و ادب بود و مجلسش محل تجمع ادیبان، مورخان، نقاشان و خوشنویسان بود این در حالی بود که خود وی نیز خوش‌نویس توانا و ثلث نویس برجسته‌ی بود. مهم‌ترین کار ادبی بایسنقر ترتیب شاهنامه‌ی فردوسی و مقدم‌های است که به اشاره او بر شاهنامه نوشته‌اند و بر مقدمه بایسنقر معروف است.

پسر کوچک‌تر گوهرشاد یعنی سلطان ابراهیم نیز از بزرگان خوش‌نویسی زمان خویش بود و قرآن کریم که دست‌نویس این شاهزاده تیموری است اکنون در موزیم شیراز نگهداری می‌شود (سکندری، ۱۳۸۳، سیدی، ۱۳۸۶ و خطیب، ۱۳۹۳: ۱۱).

گوهرشاد بیگم، در کنار مدرسه، کتابخانه و شفاخانه و مهمان‌سرا نیز اعمار کرده است این مجموعه معماری توسط گروهی از معماران برجسته به ریاست استاد قوام الدین شیرازی معمار ساخته‌شده و جعفر جلال هروی کتیبه‌های آن را نوشته و استاد میرک هروی کتیبه‌های آن را تزیین نموده است. گوهرشاد در کنار این مدرسه؛ مقبره زیبایی برای خود و شوهرش شاهرخ میرزا اعمار نموده است که تا اکنون به حال خویش باقی‌مانده و به نام مقبره گنبد سبز مشهور است (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۴۵ و افضل‌ی، ۱۳۸۹: ۱۱۷، ۹۰، ۴۹).

یکی دیگر از شاهکارهای عمرانی گوهرشاد بیگم که فعلاً در هرات موجود است شامل یک مدرسه، مسجد و یک مصلی هست. این محل که امروز به نام «پایمنار» مشهور است؛ دارای پنج مصلی هست که فقط یکی از آن‌ها را گوهرشاد بیگم اعمار نموده است و بقیه آن‌ها در دوره‌های پیشین بنا شده‌اند (سیدی، ۱۳۸۶: ۴۵۶). همانند این چند بناً که از آن مختصر ذکر به میان آمد بسیاری از نمونه‌های خلاقانه معماری دوره تیموری به‌ویژه دوره شاهرخ و ملکه گوهرشاد بیگم در

هرات موجود است که از متمایزترین آثار هنری منطقه و جهان محسوب می‌شود. ماندگاری این آثار نشان‌دهنده استحکام این بناها و آثار تضمین‌کننده تاریخ شکوفای کشور ما و منطقه است. این بانوی فرهنگ دوست به تاریخ و ادبیات نیز علاقه‌مند بود، به همین دلیل شاعره نامدار قرن نهم هجری «مهری هروی» را به مصاحبت و ندیمی خود برگزید بود. مهری هروی شاعره مشهور که به گفته حکیم شاه محمد قزوینی، یکی از مترجمین مجالس النفایس زن مولا حکیم طبیب شاهرخ بود (نوایی، ۱۳۳۳: ۲۱).

گوهرشاد ملکه باوقار، خردمند و سخاوتمند در اطعام و انعام، صدقات و خیرات، موصوف به حسن تدبیر و آگاه از سیاست؛ مقام والایی، داشت. اغلب منازعات مردم به تدبیر وی حل‌وفصل می‌گردید. او از ثروت مادی که به ارث برده بود، به نحو عاقلانه، عالمانه و عادلانه استفاده کرده، همه را در راه بازسازی، اعمار اماکن عام‌المنفعه و کمک به مردم به مصرف می‌رسانید.

حتی اهل علم و دانش از مکان‌های دور جهت فراگیری علوم به مدرسه وی که در کنار مقبره‌هایش اعمار گردیده است؛ مراجعه می‌کردند (اسکندری، ۱۳۸۳: ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵).

ملکه گوهرشاد بیگم تنها زنی در آن عصر بود که توانست محدودیت‌ها زمان خود را کنار بزند و با حضور فعال در کنار شوهر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اداری و فرهنگی دولت تیموری نقش تعیین‌کننده داشته باشد که نتیجه آن این‌همه آثار فرهنگی و علمی است که اکنون به آن افتخار می‌کنیم.

نتیجه‌گیری

با بررسی اقدامات گوهرشاد بیگم می‌توان دریافت که وی برای استحکام قدرت خویش دست به هر اقدامی زد تا تسلط و جایگاه خود را در دربار حفظ کند و در این راه حتی از فرزندان خود نیز گذشت که نشان‌دهنده شخصیت واقع‌گرا و پراگماتیک این بانوی سیاست‌مدار است. وی با اتخاذ سیاست‌های درست و خردمندانه توانسته بود جایگاه ویژه در نزد مردم داشته باشد اگرچه همین امر موجب ترس جناح‌های قدرت در دولت تیموری شد تا اینکه به دسیسه همین طالبان قدرت زندانی و سپس اعدام گردید.

گوهرشاد بیگم در مدتی که به حیث ملکه و بازیگر اصلی میدان سیاست در حکومت تیموری حضور داشت خدمات فراوانی در عرصه‌های فرهنگی و علمی نمود که آثار به‌جامانده از آن دوران مؤید این مدعا است. موجودیت بناءهای عظیم با طراحی‌های باشکوه و کاشی‌کاری‌های زیبا که به کوشش این زن توانمند و سیاست‌مدار ساخته شده نشان از ذوق عالی و خدمات ارزنده این بانوی فرهنگ دوست دارد. تربیه فرزندان دانشمند و علم‌پرور یکی دیگر از دستاوردهای مهم این زن آگاه و فرهنگ دوست بوده است چنانچه همه فرزندانش به‌نوعی در اعتلای دوره تیموری نقش مهم و ارزنده‌ای بازی کردند و توانستند از خود آثار ارزشمندی به یادگار بگذارند.

همه این‌ها ثابت می‌کند که زنی در فاصله زمانی دور از ما و در زمانی که زنان با محدودیت فراوانی در امر تعلیم و تحصیل مواجه بودند نقش پررنگی در اتفاقات سیاسی و فرهنگی عصر خویش داشته باشد و دستاوردهای ذی‌قیمتی از خود به یادگار گذاشته است.

مآخذ

کتاب‌ها

افضلی، محمد اسلم. (۱۳۸۹). **هرات در عهد تیموریان**، هرات: انتشارات احراری.
 بلر، شیلان و جانانان ام، بلوم. (۱۳۸۲). **هنر و معماری اسلامی در ایران و آسیای مرکزی دوره ایلخانیان و تیموریان**. جلد اول، ترجمه سید محمد موسی هاشمی گلپایگانی، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
 تاکستن، حیدر، درال، راکسبور و دیگران. (۱۳۸۴). **سلسله‌های تاریخ ایران**. تیموریان. ترجمه یعقوب آژند. تهران:

آگاه

جعفریان. رسول. (۱۳۷۷). **تاریخ ایران اسلامی**. تهران: دانش و اندیشه معاصر.
 خطیب، محی الدین. (۱۳۹۳). **گوهرشاد قیام**، تاریخ، معماری، تهران: نور محبت.
 خواند میر، غیاث‌الدین بن همام الدین. (۱۳۴۵). **خلاصه الاخبار**. به اهتمام سرور اعتمادی. کابل: بی نا.
 روملو، حسن. (۱۳۸۴). **احسن التواریخ**. به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
 رویمر، هانس روبرت. (۱۳۸۵). **تاریخ ایران در دوره تیموریان**: کمبریج ترجمه یعقوب آژند. تهران: جامی.
 زمچی اسفزاری. معین الدین محمد. (۱۳۳۸). **روضات الجنات فی الاوصاف المدینه هرات**. جلد دوم تصحیح سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
 زنگنه. قاسم آبادی، ابراهیم. (۱۳۹۰). **مسجد گوهرشاد بیگم**. وقایع مهم آن، مشهد. خورشید شرق.
 سمرقندی، دولت شاه. (۱۳۸۲). **تذکره الشعرا**. به همت محمد رضانی. تهران: پدیده.
 سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق. (۱۳۷۲). **مطلع السعیدین و مجمع البحرین**. به اهتمام عبدالحسین نوایی، جلد ۳. تهران: موسسه مطالعات فرهنگی. ۲۴۳.
 سیدی، مهدی. (۱۳۸۶). **مسجد و موقوفات گوهرشاد**، قم: کومه.
 شامی، نظام الدین. (۱۳۶۳). **ظفرنامه**. جلد اول. به کوشش پناهی سمنانی، تهران: بامداد.
 فوریز، منز، بئاتریس. (۱۳۹۰). **برآمدن و فرمانروایی تیمور**. ترجمه منصور صفت گل، تهران: موسسه فرهنگی رسا.
 نوایی، امیر علی شیر. (۱۳۲۳). **مجالس النفاس**، ترجمه: محمد فخری هراتی و حکیم مبارکشاه قزوینی، به اهتمام علیاصغر حکمت، منوچهری، تهران: نی
 مجلات:
 اعتمادی، سرور گویا. (۱۳۲۳). **مدرسه گوهرشاد در هرات**. مجله آریانا، شماره ۱۷.
 سکندری، علیجان. (۱۳۸۳). **بایسنقر میرزا فرزند ملکه گوهرشاد آغا بانی هنر در کتابت، بازوی پدر در سیاست ۷۳۷-۷۹۹ ق**. (قران و حدیث مشکوة) شماره ۸۴، ۸۵.
 محمدی، لیلا. (۱۳۹۹). **بررسی عملکرد و مشارکت گوهرشاد بیگم در ساختار سیاسی امپراتوری تیموری**. تهران: پژوهاک زنان در تاریخ.
 مدیر شانه چی، کاظم. (۱۳۴۹). **ملکه گوهرشاد بیگم**. مجله آریانا، حمل و ثور، شماره ۲۸۷.
 معروفیون، زینب، بنی سعید، نوروز. (۱۳۶۹). **بررسی فعالیت‌های گوهرشاد تیموری در زمینه سیاست و فرهنگ و تمدن اسلامی**. مجله تاریخ نو. شماره ۲۱.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

بررسی تأثیر اینترنت بر رفتار خرید مصرف‌کنندگان نهایی

پوهنیار عبدالکبیر عزیزی

پوهنتون بلخ - پوهنهی اقتصاد، دیپارتمنت امور مالی و بانکی

تقریظ: پوهندوی محمد بصیر عارفی

چکیده

رفتار مشتریان در هنگام خرید از اینترنت همانند مدل رفتار خرید سنتی، ناشی از یک سری عوامل فرهنگی، اجتماعی، فردی، روان‌شناختی و... می‌باشد. محققان در طی چند سال گذشته رفتار خرید در محیط اینترنت را بررسی و ضمن شناسایی عوامل تأثیرگذار بر آن، مدل‌های مختلفی را برای رفتار مصرف‌کنندگان نهایی الکترونیکی طراحی نموده‌اند. هدف اولیه از این مقاله گردآوری و بررسی دیدگاه‌های مختلف از رفتار مصرف‌کننده در اینترنت می‌باشد. این مقاله استدلالی بوده و بر پایه تجزیه و تحلیل و ترکیب و تلفیق ادبیات رفتار مصرف‌کننده استوار می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، باوجود طیف وسیع و تکراری تحقیقات و مطالعاتی که به بررسی رفتار مصرف‌کننده در اینترنت پرداخته و می‌پردازند، هنوز هم حوزه‌هایی همچون، اعتماد، تعاملات الکترونیکی، تصویر ذهنی، عوامل برانگیزاننده، محرک‌ها و... می‌توانند حوزه‌هایی ارزشمند برای بررسی رفتار مصرف‌کننده در اینترنت باشند. این تحقیق با بهره‌گیری از ادبیات رفتار مصرف‌کنندگان نهایی در اینترنت و تحقیقات تجربی گذشته و با ارائه‌ی چندین عامل جدید مؤثر بر رفتار این نوع مصرف‌کنندگان، به خرده‌فروشان در فهم رفتار مصرف‌کنندگان نهایی در اینترنت کمک نموده است.

واژه‌های کلیدی: مصرف‌کنندگان نهایی، رفتار مصرف‌کننده، اینترنت، خرید، فروش

۱- مقدمه

در محیط وب، افراد هنگام خرید آنلاین یا بازدید از وبسایت یک فروشنده، رفتارهای خاصی از خود بروز می‌دهند که متأثر از عوامل متفاوت فیزیکی و مجازی می‌باشد. از آنجایی که بازدیدکنندگان از یک سایت را افراد متعدد از فرهنگ‌های گوناگون تشکیل می‌دهند، بنابراین عوامل بسیاری وجود خواهند داشت که بر خرید الکترونیکی مؤثر خواهند بود. به دلیل این تنوع، فروشندگانگاهی در شناسایی و درک این رفتارها دچار مشکل می‌شوند. متأسفانه عدم آگاهی از رفتار مصرف‌کنندگان می‌تواند موجب از دست رفتن این مشتریان شود. تاکنون هرچند تحقیقات و مدل‌های مختلفی برای بررسی رفتار این نوع مصرف‌کننده صورت گرفته است اما مدل‌هایی که به بررسی همه‌جانبه و منسجم رفتار مصرف‌کنندگان بپردازند کمتر به چشم می‌خورند. بنابراین شناسایی و بررسی ویژگی‌های رفتاری مشتریان و ارائه‌ی یک مدل یکپارچه که بتواند طیف وسیعی از این رفتارها را در برگیرد می‌تواند فهم ما را نسبت به رفتار مصرف‌کننده‌ای الکترونیکی افزایش داده و موجب وفاداری مشتریان گردد. رفتار مصرف‌کننده، یکی از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه بازاریابی می‌باشد. بررسی‌های اولیه در مورد مصرف‌کنندگان نشان داده است (Born, 2003). که این افراد تمایل داشتند که در خریدهای شان بعضی از نکات و ملاحظات را رعایت نمایند تا بتوانند خرد، معقول مناسبی داشته باشند. افراد در هنگام خرید رفتارهای خاصی از خود بروز می‌دهند که شناسایی و بررسی آن‌ها می‌تواند در امر جذب مشتری و فروش محصولات در آینده مؤثر باشد.

آمارها بیانگر این مطلب می‌باشند که مطالعات پیرامون رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی به دلیل افزایش خرید آنلاین روزه‌به‌روز بیشتر و بااهمیت‌تر می‌گردد (Dennis, 2009). در این مقاله قصد داریم از مفاهیم پیرامون تأثیر اینترنت بر رفتار مصرف‌کننده‌ی نهایی، یعنی آن مفاهیمی که از رفتار مصرف‌کننده‌ی الکترونیکی نشأت می‌گیرند را مورد بررسی قرار دهیم. دو جنبه رفتارگرایی و فناوری عواملی هستند که بسیار مهم بوده و کارکرد آن‌ها به‌صورت ذیل می‌باشد: جنبه رفتارگرایانه عواملی همچون خصوصیات روان‌شناختی، جمعیت شناختی، ریسک‌پذیری، انگیزه‌های خرید، جهت‌گرایی و گرایش در خرید را موردبررسی قرار می‌دهد. از سویی دیگر جنبه تکنولوژیکی نیز به بررسی خصوصیات فنی یک فروشگاه آنلاین همچون چیدمان، طراحی، راهبری و اطلاعات پرداخته و این موضوعات را موردبررسی قرار می‌دهد. در این مقاله، ابتدا به بررسی ادبیات تحقیق پرداخته و سپس ادبی پیشین راجع به رفتار مصرف‌کننده را بررسی خواهیم کرد و در مرحله آخر به ارائه و بررسی نتایج می‌پردازیم.

۲- پیشینه تحقیق

حاجی بابایی و همکاران در سال ۱۳۹۶ در مقاله‌ای به بررسی لایه‌های پنهان رفتار مصرف‌کننده: تعامل شخصیت فرد و ابعاد احساسی برند پرداختند. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، تداعیات، خود ابزاری برند را تحت تأثیر قرار می‌داد. تمامی تیپ‌های شخصیتی آناگرام تأثیر معناداری بر برند داشتند، در حدود نیمی از تیپ‌های شخصیتی بر خود ابزاری برند مؤثر بودند؛ اما بیشتر تیپ‌های آناگرام تأثیر معناداری بر رمانتیسیم فردی نداشتند. همچنان که رمانتیسیم فردی تأثیر معناداری بر خود ابزاری داشت، اما در همین حال برند را تحت تأثیر قرار نمی‌داد. بعد هیجان شخصیت برند نیز خود ابزاری برند مؤثر بود. این پژوهش با استفاده از رویکرد ترکیبی تلاش کرده است که با انجام مصاحبه‌های عمیقی به لایه‌های پنهان رفتار مصرف‌کننده پی برده و با تأکید بر شخصیت افراد، فهم بهتری از سطح درونی تصمیم‌گیری فرد داشته باشد.

علم قلیو و علیزاده در سال ۱۳۹۳ در مقاله‌ای به بررسی اثر تجربه خرید اینترنتی در رفتار مصرف‌کننده با استفاده از مدل پذیرش فناوری پرداختند. این مقاله به دنبال بررسی اثر تجربه خرید بر تصویر ادراکی مشتریان هنگام خرید اینترنتی می‌باشد. در خریدهای اینترنتی می‌توان گروه مشتریان را به دو گروه تقسیم کرد: ۱) مشتریان بالقوه که با تفکر، اولین خرید الکترونیک خود را انجام می‌دهند. ۲) مشتریان الکترونیک با تجربه که قبلاً خرید الکترونیک انجام و اکنون در مورد تکرار خرید تصمیم می‌گیرند. ممکن است ادراکی که اشخاص را به خرید آنلاین برای اولین بار وادار می‌کند با اشخاصی که رفتار تکرار خرید از خود بروز می‌دهند متفاوت باشد. رفتار خرید مشتری ثابت نمی‌ماند چون تجربه کسب شده از خریدهای الکترونیکی گذشته عاملی برای گسترش تجربه می‌شود. روابط بین ادراکات از تجارت الکترونیک نیز همراه با بسط تجربه تغییر می‌کند. ضمن اینکه می‌توان تأثیر تجربه خرید اینترنتی را برای تمام کاربران ثابت دانست. چون مدل‌های کسب‌وکار الکترونیک به رفتار مشتری الکترونیک وابستگی کامل دارد. مفاهیم ذکر شده برای ارائه‌کنندگان تجارت الکترونیک استفاده فراوانی خواهد داشت.

صمدی و همکاران در سال ۱۳۸۸ در مقاله‌ای به بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده بر رفتار خرید در فروشگاه‌های زنجیره‌ای پرداختند. پژوهش حاضر به دنبال ارائه و آزمون مدلی در حوزه تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده بر رفتار خرید می‌باشد. جامعه‌ی تحقیق، مشتریان فروشگاه‌های ماکسیم در ولایت تهران می‌باشد که به روش نمونه‌گیری تصادفی، ۹۰ نفر از مشتریان به‌عنوان نمونه انتخاب شده است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا به بررسی قابل قبول بودن مدل نظری از طریق نرم‌افزار لیزرل پرداخت شد. نتایج نشان داد که مدل برای جامعه آماری قابل استفاده می‌باشد. بخش بعدی تجزیه و تحلیل اطلاعات از طریق آزمون همبستگی انجام گرفت. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده (نیاز به تعلق، نیاز به احترام و لذت بردن از خرید) ارتباط معناداری با تمایل مشتری به ارتباط دارند و بین گرایش طبقه‌بندی محصول (مدل) و تمایل مشتری به ارتباط به رابطه معناداری وجود نداشت. همچنین نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده تأثیر مثبتی روی رضایت ارتباطی، اعتماد، تعهد ارتباطی و رفتار خرید دارد. این مطالعه می‌تواند به فروشگاه‌های خرده‌فروشی جهت ارتقا اثر بخشی فعالیت‌های بازاریابی و ارزیابی ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده کمک کند.

سیلاد و جاکوب در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای با عنوان راهنمای خوش‌آمدید یا نه: درک انگیزه خرید مصرف‌کننده در بازار خرده‌فروشی به بررسی درک انگیزه خرید مصرف‌کننده در بازار خرده‌فروشی پرداختند. این مطالعه دلایل انگیزشی جهت اتخاذ سرپرستی خرده‌فروشی در مد و پوشاک که تحقیقات کوچکی در مورد آن انجام می‌شود، بررسی می‌کند. در سبک خرده‌فروشی مد، متخصصان مدل لباس‌های شخصی را برای کمک به مصرف‌کنندگان برای خریدشان فراهم می‌کنند. از آنجاکه مصرف‌کنندگان درخواست‌هایشان متفاوت هستند، خرده‌فروشان باید عوامل مختلفی را که بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به پذیرش فرد که بر روی آن تأثیر می‌گذارد، درک کنند. برای این منظور، ۵۴ مصاحبه نیمه ساخت یافته با مصرف‌کنندگان و غیر مصرف‌کنندگان مد و مدرن و همچنین سبک‌ها انجام دادیم. این مطالعه دانش انگیزشی خرید آنلاین را در بخش‌های خرده‌فروشی با مشاغل مشروط تقویت می‌کند و شواهد بیشتری را در مورد تأثیر عوامل زمینه‌ای بر انگیزه‌های خرید افزایش می‌دهد. از همه مهم‌تر، ما عوامل منحصر به فرد راه‌حل‌های سفارشی را شناسایی کردیم، یکی از ویژگی‌های معمول خرده‌فروشی مد شده است، از دیدگاه مدیریتی، یافته‌های ما خرده‌فروشان را به یک لنز می‌رساند که از طریق آن می‌توانند فعالیت‌های بازاریابی و آموزش فروش را بهتر و بهبود بخشند.

شین و همکاران در سال ۲۰۱۸ به بررسی تیوری رفتار برنامه‌ریزی و رویکرد مدل به‌کارگیری نرمال با توجه به رفتار مصرف‌کننده در مورد منوهای ارگانیک پرداختند. هدف این مطالعه کشف قصد مصرف‌کنندگان در انتخاب اقلام موجود در اقلام ارگانیک در رستوران‌ها است. مدل مطالعه از نظریه‌ای توسعه‌یافته رفتار برنامه‌ریزی شده و مدل فعال‌سازی عادی استفاده کرده است. با مجموع ۴۶۱ پاسخ، نتایج حاصل از ساختار مدل‌سازی معادل نشان داد که نگرش، هنجار ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و عدالت شخصی تعیین‌کننده قصد انتخاب اقلام ذاتی ارگانیک است که در نهایت منجر به قصد مصرف‌کنندگان برای بازدید رستوران‌ها با آیتم‌های منو ارگانیک می‌شود.

رانا و پاول در سال ۲۰۱۷ در مقاله‌ای به بررسی رفتار مصرف‌کننده و قصد خرید برای مواد غذایی ارگانیک پرداختند. در این مقاله، عوامل مؤثر بر تغییر رفتار مصرف‌کننده نسبت به غذای ارگانیک بررسی و بحث شده است. نتایج تحقیقات مختلف در کشورهای مختلف را استخراج شده است و این عوامل در این تحقیق تحلیل شده است. نتایج نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان آگاه به سلامت، برای غذاهای ارگانیک نسبت غذای معمول را اولویت بیشتری قائل هستند. این تغییر در نگرش مصرف‌کنندگان مدرن تا حد زیادی تحت تأثیر شیوع بیماری‌های مانند اختلالات قلب و افسردگی و شیوه زندگی قرار دارد. نیاز به خرید مواد غذایی ارگانیک برای بهبود کیفیت زندگی، پیامدهای بزرگی برای خرده‌فروشی، توزیع و توابع بازاریابی کسب‌وکار دارد.

داکدوک و همکاران در سال ۲۰۱۷ به بررسی رفتار مشتری در تجارت الکترونیک: رویکرد بیزر پرداختند. خرید آنلاین به‌طور فزاینده جایگزین خرده‌فروشی‌های سنتی شده است، چراکه تعداد زیادی از مصرف‌کنندگان آن را در مقیاس جهانی پذیرفته‌اند. با این حال، درحالی که در کشورهای توسعه‌یافته به‌خوبی تاسیس شده است، تجارت الکترونیک هنوز در مراحل اولیه در بازارهای نوظهور قرار دارد و از این‌رو نیاز به شناسایی عوامل مؤثر در پذیرش آن وجود دارد. هدف اصلی این مطالعه این است که تیوری رفتار برنامه‌ریزی شده، نظریه اقدارم منطقی و مدل پذیرش فناوری را با استفاده از رویکرد بیزی برای تعیین پیش‌فرض‌های کلیدی خرید آنلاین در میان کاربران اینترنت در کلمبیا، تلفیق کند. نتایج نشان می‌دهد که اهمیت تیوری عمل منطقی و مدل پذیرش فناوری، مدل‌هایی برای توضیح قصد خرید آنلاین، تأیید می‌کنند که قصد خرید آنلاین، بیشتر توسط نگرش به تجارت الکترونیک تعیین می‌شود که به‌نوبه خود با سوددهی درک شده، سهولت درک استفاده و هنجار ذهنی مربوط به خرید آنلاین توضیح داده شده است.

دووتس و دیامنتوپولوس در سال ۲۰۱۷ مقاله‌ای با عنوان آیا از نام تجاری خود پشیمان هستید؟ نقش تعدیل‌کننده شناسایی نام تجاری - مصرف‌کننده در پاسخ مصرف‌کننده به پشیمانی از خرید به بررسی نام تجاری - مصرف‌کننده در پاسخ مصرف‌کننده به پشیمانی از خرید پرداختند. این پژوهش با توجه به گسترش مطالعه روابط مصرف‌کننده با نام تجاری در مراحل پس از تصمیم‌گیری مصرف‌کننده برای خرید و در شرایطی که سبب مقایسه‌های نامطلوب با نمانام‌های قبلی شده است، به بررسی نقش شناسایی نام تجاری مصرف‌کننده در پاسخ مصرف‌کننده به پشیمانی از خرید می‌پردازد، نویسندگان بر این باورند که شناسایی نام تجاری مصرف‌کننده بر اساس مبانی نظری پشیمانی و ادبیات ارتباط با مصرف‌کننده - برند، برند را از عواقب منفی پشیمانی از خرید از طریق تقویت مقررات پشیمانی مصرف‌کنندگان و کاهش مقابله با ناراحتی رفتاری مصرف‌کنندگان، ایمن سازد.

یک مطالعه تجربی با استفاده از سناریوی پشیمانی برای نما نام‌های موردعلاقه شرکت‌کنندگان، از نقش حفاظتی شناسایی مشتری به‌وسیله برند حمایت می‌کند نتایج نشان می‌دهند که شناسایی مصرف‌کننده به‌وسیله نشان تجاری، اثرات منفی پشیمانی از رضایت و نیت‌های رفتاری مصرف‌کننده را کاهش داده و بر رضایت بر قصد خرید دوباره/ثبت سفارش دوباره را تأثیر مثبتی دارد. یافته‌ها مبانی نظری پشیمانی و روابط بین مصرف‌کننده و نام تجاری را توسعه می‌دهند و دیدگاه‌های مدیریتی را برای توسعه راهبردهای مؤثر برند سازی تحت شرایط فشار شدید رقابتی را فراهم می‌آورند.

نگین، لوبو و گرینلند در سال ۲۰۱۶ به بررسی رفتار خرید زیست‌محیطی: نقش ارزش‌های زیست‌گرایانه پرداختند. ارزش‌های زیست‌گرایانه، درگیری فعال در رفتار خرید زیست‌محیطی را از طریق ارتقای نگرش مصرف‌کننده به حفاظت از محیط زیست؛ هنجارهای ذهنی و همانندی زیست‌محیطی و کاهش عدم راحتی مرتبط با محصولات زیست‌محیطی، ترغیب می‌کند. به‌علاوه رفتار خرید گذشته مصرف‌کنندگان این یافته‌ها را تعدیل نموده است.

فورتر و ریتا در سال ۲۰۱۶ در مقاله‌ای به بررسی نگرانی‌های مربوط به حفظ حریم خصوصی و رفتار خرید آنلاین: به‌سوی مدل یکپارچه پرداختند. هدف این مطالعه این است که چگونه نگرانی‌های مربوط به حریم خصوصی در مورد اینترنت به مصرف‌کنندگان در مورد خرید آنلاین بستگی دارد. یک مدل تحقیق توسعه‌یافته است که این تأثیر را از طریق اتصال نگرانی‌های حفظ حریم خصوصی با نظریه‌های اعتماد و ریسک نظریه برنامه‌ریزی و مدل پذیرش فناوری، می‌گیرد. مطالعه تجربی بر اساس یک نظرسنجی آنلاین صورت گرفت که جمع‌آوری داده‌ها از ۹۰۰ نفر بود. نتایج تأیید پذیرش تمامی فرضیه‌های پیشنهادی و اعتباری کلی مدل تحقیق را تأیید می‌کند.

واگنر در سال ۲۰۱۶ در مقاله‌ای به بررسی ترجیحات محیطی و رفتار مصرف‌کننده پرداخت. این یافته‌ها نشان می‌دهد که وجود ترجیحات محیطی ناهمگن، مصرف‌کنندگان خاص، ایدئولوژی‌های زیست‌محیطی را که به عملکرد سودمند خود از درآمد وابسته هستند را پشتیبانی می‌کند. ملاحظات به این معنی که ترجیحات محیطی به واکنش دیفرانسیل کمک می‌کند سیگنال‌های پولی پیامدهای رفتار مصرف‌کننده پیش‌بینی و به سهولت سیاست‌های زیست‌محیطی را پیاده‌سازی کند.

۳- ادبیات تحقیق

۳-۱- اینترنت

اینترنت، شبکه بزرگ‌رایانه‌ای است که شبکه‌های کوچک‌تر را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و با گردهم آوردن مردم سراسر جهان در کنار یکدیگر، انقلابی را در تجارت به وجود آورده است. بسیاری از ویژگی‌های اینترنت می‌تواند برای ایجاد تجارتی جدید مورد استفاده قرار گیرد (هولدن، ۱۳۹۹).

۳-۱-۱- ارتباطات

تولید که کنند باید با افراد بسیاری از جمله تهیه‌کنندگان، توزیع‌کنندگان و مشتریان ارتباط برقرار کند. پست الکترونیک یا «ایمیل» راهی سریع و نسبتاً ارزان برای فرستادن نامه‌ها، گزارش‌ها، عکس‌ها و غیره به کاربران دیگر اینترنت است. از ایمیل می‌تواند حتی برای بازاریابی نیز استفاده نمود. نرم‌افزارهای گوناگون رایانه‌ای برای جلوگیری از دسترسی غیرمجاز به

اسناد یا دست‌کاری در آن‌ها وجود دارند به‌طوری‌که بتوان چنین اسنادی را با رعایت نکات ایمنی به اشتراک گذارد و صحت آن‌ها را به‌راحتی مورد تأیید قرارداد (هولدن، ۱۳۹۹).

۳-۲- رفتار مصرف‌کننده

فعالیت‌های فیزیکی، احساس و ذهنی که افراد هنگام انتخاب، خرید و درانداختن کالا و خدمات در جهت ارضاء نیازها و خواسته‌های خود انجام می‌دهند، به رفتار مصرف‌کننده تعبیر می‌شود، در تعریفی دیگر رفتار مصرف‌کننده مجموعه، فعالیت‌هایی است که مستقیماً در جهت کسب، مصرف و دور انداختن کالا و خدمات صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها شامل فرایند تصمیمات است که قبل و بعد از این اقدامات می‌پذیرند (خان، ۱۳۸۷).

۳-۲-۱- نکات کلیدی رفتار مصرف‌کننده

۱- رفتار مصرف‌کننده برانگیخته است. به عبارت دیگر رفتار مصرف‌کننده عموماً در راستای رسیدن به هدفی خاص است.

۲- رفتار مصرف‌کننده متمرکز بر فعالیت‌ها است. همچنین باید بین فعالیت‌های عمدی و تصادفی تمایز قائل شد. برخی از فعالیت‌ها از قبیل صحبت با مشتری و تصمیم خرید، رفتارهای عمدی هستند. در مقابل پیش می‌آید که فردی که برای خرید کالای خاص وارد فروشگاه شده است چیزی که قصد خرید آن را نداشته خریداری می‌کند.

۳- رفتار مصرف‌کننده یک فرایند است. مباحث انتخاب، خرید، استفاده و دور انداختن کالا بر فرایندی بودن رفتار مصرف دلالت دارد. به‌طور کلی فرایند رفتار مصرف‌کننده سه مرحله مرتبط فعالیت‌های قبل از خرید، فعالیت‌های ضمن خرید و فعالیت‌های بعد از خرید را در برمی‌گیرد.

۴- رفتار مصرف‌کننده از نقطه نظر زمان و پیچیدگی قابل تحلیل می‌باشد. منظور از پیچیدگی تعداد فعالیت‌ها و سختی یک تصمیم است. دور ویژگی زمان‌بری و پیچیدگی باهم در ارتباط مستقیم هستند؛ یعنی با ثابت در نظر گرفتن بقیه عوامل، هرچه تصمیمی پیچیده‌تر باشد، زمان بیشتری صرف آن خواهد شد.

۵- حداقل سه نقش عمده در فرایند رفتار مصرف‌کننده وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف: تأثیرگذار

ب: خریدار

ج: استفاده‌کننده

۶- رفتار مصرف‌کننده تحت تأثیر عوامل خارجی است. رفتار مصرف‌کننده تا حدی زیادی از نیروهای خارجی مانند فرهنگ، گروه‌های مرجع، خانواده و ... تأثیر می‌گیرد. رفتار مصرف‌کننده افراد مختلف باهم متفاوت است. افراد مختلف به‌واسطه

تفاوت‌های فردی، رفتارهای مصرف مختلفی بروز می‌دهند. به همین دلیل است که بازاریابان اقدام به تقسیم بازار می‌کنند (خان، ۱۳۸۷).

۳-۲-۲- دیدگاه‌های مطالعاتی رفتار مصرف‌کننده

سه دیدگاه مطالعاتی در مورد رفتار مصرف‌کننده وجود دارد که رهنمای را در مورد عوامل مؤثر بر رفتار اکتسابی مصرف‌کننده ارائه می‌دهند:

۱- دیدگاه تصمیم‌گیری: در این دیدگاه، مصرف‌کنندگان، تصمیم‌گیرندگان عقلانی هستند. در این رویکرد، بررسی می‌شود که مصرف‌کنندگان چگونه به وجود یک مساله خاص پی می‌برند و در خلال سلسله‌مراحلی سعی در حل منطقی آن می‌نمایند. این مراحل شامل تشخیص مساله، تحقیق، ارزیابی، انتخاب و ارزیابی بعد از اکتساب است.

۲- دیدگاه تجربی: در این دیدگاه، مصرف‌کنندگان، تصمیم‌گیرندگان کاملاً عقلانی نیستند. آن‌ها گاهی برای سرگرمی، خیال‌پردازی، هیجانات و احساسات مبادرت به خرید کالا و خدمات می‌نمایند. ریشه‌های این دیدگاه در روانشناسی انگیزشی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی است.

۳- دیدگاه رفتاری: در این دیدگاه، نیروهای محیطی، مصرف‌کننده را به سمتی شوق می‌دهند که او بدون احساسات و یا باورهای قوی از پیش ساخته شده، اقدام به خرید یک محصول می‌نماید. درواقع، خرید او ناشی از تأثیر مستقیم نیروهای محیطی مانند ابزارهای پیشبرد فروش، هنجارهای فرهنگی، قشرهای اقتصادی و ... است اکثر خریده‌ها دارای عناصری از هر یک از سه دیدگاه مطرح‌شده هستند (خان، ۱۳۸۷).

۴- عواملی تأثیرگذار بر رفتار مصرف‌کننده

۴-۱- نقش ویژگی‌های کارکردی

محققان همواره تلاش می‌کنند تا به این سؤال پاسخ دهند که «چرا مصرف‌کنندگان در خرید از اینترنت به جنبه‌های گوناگون تصور ذهنی خویش نسبت به خرده‌فروشی توجه می‌کنند.» این دیدگاه می‌تواند به دو دلیل باشد:

دلیل اول این که تصور ذهنی قادر است مصرف‌کنندگان را در رابطه با اتخاذ تصمیمات صحیح و اقدامات مطلوب هدایت و رهنمایی نماید. به‌عنوان مثال با احتمال بیشتری امکان دارد از فروشگاه‌های خرید نماییم که دارای ویژگی‌هایی است که ما از فروشگاه مطلوب در ذهن خود داریم.

دومین دلیل این است که این رویکرد، برای فروشگاه‌ها و مراکز خرید سنتی و بیش از چندین سال است که به اثبات رسیده است (Berry, 1969). کیمبر به این نتیجه دست‌یافت که وفاداری مصرف‌کنندگان در خرید از فروشگاه سنتی و خرید از طریق اینترنت باهم ارتباط دارند (Homnury, 2001).

به‌عنوان مثال بر اساس سایت مشتریان سوپر مارکت تسکو که از هر دو کانال خرید فروشگاه‌های سنتی و خرید اینترنتی استفاده می‌کردند، تعدادشان ۲۰٪ بیشتر از میانگین مشتریانی بود که فقط فروشگاه‌های سنتی را برای خرید انتخاب می‌کردند. شهرت تسکو به دلیل دارا بودن تصویر مثبت در هر دو زمینه به فروشگاه سنتی و فروشگاه آنلاین (خرید اینترنتی) می‌باشد. تسکو رهبر فروشگاه‌ها در انگلستان در هر دو زمینه خرید الکترونیکی و سنتی و همچنین بزرگ‌ترین خرده‌فروش جهان می‌باشد (Eurofood, 2000). متداول‌ترین مؤلفه‌هایی که مصرف‌کننده از خرده‌فروش در ذهن خویش ذخیره می‌نماید شامل: انتخاب محصول، تحویل و خدمات مشتری می‌باشد.

انتخاب محصول: (شامل خصوصیات مرتبط به کالا مانند طبقه‌بندی، تنوع و اطلاعات است.)

تحویل: خریدار اینترنتی خواهان توزیع سریع محصول خریداری شده پس از خرید می‌باشد. او همچنین به ارائه تضمین از طرف فروشنده برای تحویل درست کالا و امکان برگرداندن کالا در صورت معیوب بودن نیاز دارد. کالای خریداری شده باید در زمان تعیین شده و با همان شرایط ذکر شده در سایت یا قرارداد الکترونیکی تحویل مشتری شود.

خدمات مشتری: خدمات مشتری یک کارکرد حمایتی دارد که برای تحقق مبادله مورد نیاز است. خدمات مشتری شامل، انعطاف‌پذیری (نحوه پرداخت و تحویل)، صحت تحویل سفارش، وضعیت محصولات دریافت شده و پاسخگو بودن می‌باشد. همچنین تیوری رفتار عقلانی می‌باشد (Ajzen, 1980).

که تمایلات افراد از نگرش‌های آنان نشأت می‌گیرد زیرا رابطه میان این دو رابطه‌ای مستقیم بوده و هیچ عامل مداخله‌گری میان نیت و نگرش وجود ندارد بررسی‌ها پیرامون رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی حاکی از این مطلب می‌باشد که وقتی مصرف‌کنندگان تجربیات رضایت‌بخش بیشتری در ارتباط با خرید الکترونیکی به دست آورند، بیشتر به فروشنده اعتماد کرده و بنابراین تبدیل به یک ثابت خواهند شد؛ بنابراین با توجه به پارادایم محرک – موجود زنده – پاسخ (Mehrabian, 1974). به وقوع پیوستن خرید از یک خرده‌فروش می‌تواند تحت تأثیر تمایل به خرید مصرف‌کننده نسبت به آن خرده‌فروش قرار گیرد. فرآیند خرید مشتری، شامل مجموعه‌ای از مراحل چندگانه به‌هم‌پیوسته شامل: جمع‌آوری اطلاعات، ارزیابی فروشندگان، ارزیابی گزینه‌ها، ارزیابی خرید و ارزیابی پس از خرید می‌باشد (Engel, 1993). جهت ارزیابی تقاضای اطلاعاتی خدمات، زیتامل در این راستا در سال ۱۹۸۱ میلادی چارچوبی بر اساس جستجوی ذاتی، تجربه و اعتماد به کیفیت محصولات ارائه کرده است.

چون خرید الکترونیکی تقریباً روشی جدید می‌باشد، بنابراین مشتریان با توجه به جدید بودن خرید الکترونیکی، آن را نسبت به خرید سنتی تا حدودی پرخطرتر می‌انگارند، بنابراین سعی می‌کنند در خریدهای الکترونیکی بر تجربیات گذشته خویش اتکا کنند (Lee, 2003). اعتماد یعنی تمایل به این‌که به‌طرف دیگر معامله که همان خرده‌فروش می‌باشد ایمان داشته و او را معتبر بدانیم. این اعتماد تأثیر زیادی بر تمایلات فرد در خرید الکترونیکی خواهد گذاشت (Merrilees, 2002). امنیت نیز به معنای محفوظ بودن کامپیوتر و اطلاعات مالی و خصوصی افراد بوده و با اعتماد رابطه‌ای بسیار نزدیکی دارد اطمینان از امنیت سایت، نقش مهمی در شکل‌گیری اعتماد مشتری نسبت به فروشنده دارد و از این‌رو، وی تمایل بیشتری خواهد داشت تا اطلاعات شخصی خود را در اختیار سایت قرار دهد و در نتیجه می‌تواند رابطه مستحکم‌تری با فروشنده داشته باشد. باوجود این‌که این دو، تا حدودی با یکدیگر متفاوت می‌باشند اما برای سادگی، آن‌ها را به‌عنوان یک مفهوم کلی

یعنی اعتماد در نظر می‌گیریم. مادامی که خریداران الکترونیکی در فرآیند خرید به تجارب بیشتری دست می‌یابند، اعتماد آن‌ها افزایش یافته، میزان خریدشان بیشتر می‌شود و نگرانی آن‌ها کاهش می‌یابد (Chen, 2007). توجه به جنبه دیگر رفتار مصرف‌کننده یعنی یادگیری بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اگر وب‌سایت یک خرده‌فروش به گونه‌ای باشد که نحوه استفاده از آن سایت را به کاربر (خریدار) بی‌مورد، آنگاه این امر موجب کاراتر شدن و جذابیت هر چه بیشتر سایت شده و تمایل به خرید را در مصرف‌کنندگان افزایش می‌دهد (Bhatnagar, 2004).

۴-۲- عوامل مربوط به کیفیت اطلاعات

کیفیت اطلاعات شامل ابعاد ذیل می‌باشد:

الف: صحت محتوا

ب: محتوای به هنگام شده

ج: توصیف کامل محصول

د: مرتبط بودن

ه: قابل فهم بودن (صرافی زاده، ۱۳۹۹).

بالا بودن کیفیت اطلاعات یکی از عواملی است که می‌تواند مشتریان را در انتخاب مطلوب و بهینه یاری نماید و بر نگرش آن‌ها نسبت به خرده‌فروش مؤثر باشد.

۴-۳- عوامل اجتماعی

تیوری‌های مشابه با تیوری رفتار عقلایی که در این مدل از جایگاه محوری برخوردارند و شامل: تیوری رفتار برنامه‌ریزی شده، مدل پذیرش فناوری و تیوری یکپارچه پذیرش و استفاده از فناوری می‌باشد. (Venkatesh, 2003) نقش نگرش‌های وظیفه بیان شد، تمایل تحت تأثیر دو عامل قرار دارد: ۱- نگرش نسبت به رفتار ۲- هنجارهای ذهنی هنجارهای ذهنی از یک سو اشاره به بایدها و نبایدهایی دارد که یک فرد باید انجام دهد و از سویی دیگر به موضوع انگیزش از طریق پذیرش دلایل مشخص اشاره دارد. (Ajzen, 1980) به زبان ساده منظور از دو عامل بالا، همان تأثیرگذاری دیگران بر تمایلات خرید ما می‌شد. یعنی نظر دیگران می‌تواند بر تمایل و نیت ما در خرید مهم و تأثیرگذار باشد. عوامل اجتماعی علاوه بر این که در خریده‌های سنتی بسیار مهم می‌باشند در خریده‌ای اینترنتی نیز مهم و تأثیرگذار اند اما خرده‌فروشان در برآوردن این نیازها با مشکل مواجه می‌شوند. تعاملات اجتماعی و تأثیری که افراد بر یکدیگر می‌گذارند، یک محرک و برانگیزاننده بسیار مهم برای خرید اینترنتی می‌باشد و همچنین به گونه‌ای مشابه و انگیزه‌های اجتماعی، همچون تجارت اجتماعی، ارتباط فرد با افرادی که با آن‌ها تمایلات و علایق مشابه دارد، عضویت در گروه همسالان می‌تواند تمایلات فرد در خرید را تحت تأثیر قرار دهد.

مدل پذیرش فناوری در اصل به‌عنوان مدل به‌کارگیری سیستم اطلاعاتی در محل کار تصور می‌باشد اما دو بعد خاص مربوط به خرید اینترنتی شناسایی شدند:

- سودمندی
- سهولت کاربرد

سودمندی اشاره به این دارد که استفاده از اینترنت، بازده خرید و جستجوی اطلاعاتی آن‌ها را افزایش دهد (Chen, 2002) در این مدل سودمندی، شامل مؤلفه‌های انتخاب محصول، خدمت به مشتری، تحویل می‌باشد. سهولت کاربرد شامل به کار بردن کم‌ترین سعی و تلاش در فرآیند خرید اینترنتی می‌باشد. سهولت به جنبه‌های کلیدی طراحی سایت مانند برخورداری از جستجوی آسان و پیشرفته، نحوه چیدمان سایت و سهولت خرید می‌پردازد (Dennis, 2004). دیویس بعد جدیدی از نگرش به نام لذت را به مدل پذیرش فناوری اضافه نموده است. لذت نشان‌دهنده‌ی حالت خوشی و شادمانی است که یک فرد از خرید اینترنتی کسب می‌کند. در بخش جوانب تجربی خرید اینترنتی راجع به لذت بحث خواهیم کرد. مدل پذیرش فناوری به دلیل نادیده گرفتن برخی از عوامل، همچون تأثیرات بر مصرف‌کننده‌ی اینترنتی موردانتقاد قرار گرفته است. این تأثیر شامل عوامل اجتماعی، عوامل موقعیتی و خصیصه‌های مشتری می‌باشند (Chen, 2002). پری مونسو چهار عامل دیگر را نیز به آن اضافه نموده است:

- ویژگی‌های فردی
- عوامل موقعیتی
- ویژگی‌های محصول
- اعتماد

۴-۴- عوامل برانگیزاننده

بعضی از عوامل وجود دارند که حضورشان موجب رضایت هر چه بیشتر مصرف‌کنندگان می‌گردد، وجود این عوامل موجب ایجاد شعف در آنان گشته و نگرش مثبت نسبت به خرده‌فروش را به ارمغان می‌آورد. هرچند این عوامل شاید باگذشت زمان تبدیل به یک ویژگی معمولی شوند اما بااین‌حال حتی با تبدیل شدن به یک عامل عادی، بازهم در نگرش مصرف‌کننده نسبت به خرده‌فروش مؤثر هستند. در اینجا رایگان بودن هزینه تحویل، تخفیف به سوابق، جوایز و سفارشی کردن کالا چهار عامل برانگیزاننده می‌باشند. تخفیف به سوابق اشاره به این امر دارد که خریداران الکترونیکی به تناسب دفعاتی که در گذشته از یک خرده‌فروش خرید نموده‌اند، در خریده‌های شان از خرده‌فروش تخفیف خواهند گرفت. انجام این امر به‌کارگیری یک پایگاه داده‌ی قوی در سایت خرده‌فروش را می‌طلبد. جوایز هم می‌تواند به خریداران به تناسب میزان خریدشان یا به قرعه اختصاص یابد. سفارشی کردن کالا نیز به تغییرات ظاهری در محصول بر طبق نظر مصرف‌کننده اطلاق می‌گردد.

۴-۵- جنبه تجربی خرید

چندین دهه است که خرده‌فروشان و محققان دریافته‌اند که خرید تنها به دست آوردن یک محصول قابل لمس نیست بلکه یک تجربه، لذت و سرگرمی می‌باشد (Martineau, 1958). در خرید اینترنتی، تجربه و لذت از تعامل مصرف‌کننده‌ی اینترنتی با سایت خرده‌فروش حاصل می‌شود که ما آن را تعامل اینترنتی می‌نامیم. تعامل‌گرایی که به رابطه مشتری و فروشنده مربوط می‌باشد به‌عنوان یکی از عوامل مهم در شیوه نگرش مشتریان در نظر گرفته می‌شود (Richard, 2005). تعامل‌گرایی مهم‌ترین عامل تعیین نگرش مشتری نسبت به یک خرده‌فروشی بوده و سرانجام همین تعامل‌گرایی می‌تواند بر اعتماد نگرش نسبت به یک فروش تأثیرگذار باشد. یکی از نتایجی که از تعامل اینترنتی انتظار می‌رود، آسانی استفاده از وب‌سایت خرده‌فروش می‌باشد. درواقع قابلیت راهبری سایت یعنی توانایی این که کاربر بتواند مسیرش را در سایت یافته و بدند در کجا قرار دارد (Rixhard, 2005). بسیاری از تحقیقاتی که تاکنون در دنیای غیرمجازی صورت گرفته‌اند از یک چارچوب فلسفی محیطی بهره گرفته‌اند تا نشان دهند که فضای موجود در یک خرده‌فروشی می‌تواند بر روی احساسات مشتری تأثیرگذار باشد.

فضای وب از نظر طراحی، ویژگی‌های سمعی و بصری، رنگ، نمایش سه‌بعدی و غیره می‌تواند همان تأثیری را داشته باشد که عواملی همچون رنگ، موسیقی و عطر در فروشگاه‌های واقعی دارند. این عوامل از مهم‌ترین برانگیزاننده‌ها و محرک‌ها برای خریداران در فضای مجازی به شمار می‌روند (Richard, 2005). اصول مربوط به فضای وی را به چند اصل اساسی تقسیم کرده است که شامل ساختار، سازمان، اطلاع‌رسانی، اثربخشی، رهبری و یک اصل فرعی سرگرمی می‌باشد؛ که هر دو نوع اصول بالا بر روی خریدار تأثیر می‌گذارند. روان‌شناسان محیطی پیشنهاد می‌کنند که پاسخ‌های اولیه به هر محیطی بسیار مؤثر بوده و بر سایر عوامل و ارتباطات مربوط به محیط در آینده تأثیرگذار خواهد بود (Machleit, 2000).

۴-۶- عوامل موقعیتی

یکی از عوامل جذب خریداران، سهولت و راحتی یک خرید است (Evanschitzky, 2004). شاید بتوان با توجه به مطالعه‌های صورت گرفته، عمده‌ترین مزیت خرید اینترنتی را، راحتی، دانست. راحتی خرید اینترنتی تابعی است از: راحتی دسترسی، راحتی جستجو، راحتی زمان، راحتی مبادله، راحتی در مقایسه و راحتی در برنامه‌ریزی. سهولت در فرآیند خرید یکی از تأثیرگذارترین عوامل بر رضایت خرید اینترنتی می‌باشد. راحتی اینترنتی، کارایی جستجو را به‌وسیله حذف هزینه‌های جابجایی افزایش می‌دهد. یکی دیگر از جنبه‌های مربوط به عوامل موقعیتی، تنوع محصولات در خرید اینترنتی می‌باشد که هزینه‌های خرید را کاهش می‌دهد. ادبیات خرده‌فروشی راجع به سومین بعد عوامل موقعیتی بیان می‌کند که تکرار خرید نیات و تمایلات خرید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال ایوانس یافت که کاربران باتجربه‌ی اینترنت برای کسب اطلاعات در اجتماعات مجازی شرکت می‌کردند اما کاربران تازه‌کار بیشتر برای تعاملات اجتماعی در این سایت‌ها حضور می‌یافتند. به همان میزان که خریداران اینترنتی سایت خرده‌فروشی با تجزیه‌تر می‌شوند، خرید اینترنتی عادی‌تر و راحت‌تر می‌شود (Dennis, 2009).

۴-۷- محرک‌ها

محرک‌ها از جمله عوامل تحت کنترل خرده‌فروش می‌باشند که در تصمیم‌گیری بر خرید مؤثر می‌باشند. محرک‌ها شامل قیمت، شهرت سایت خرده‌فروش، شهرت کارخانه تولیدکننده محصول و ضمانت کالا می‌باشد. مصرف‌کنندگان همیشه تمایل دارند کالاهایی با کیفیت مطلوب و قیمتی مناسب خریداری نمایند. مصرف‌کنندگان الکترونیکی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. اگر خرده‌فروشی بتواند در مقایسه با خرده‌فروش دیگر کالای یکسانی را با قیمتی کمتر و رقابتی‌تر در وب‌سایت خویش عرضه نماید، آنگاه مصرف‌کنندگان با فرض یکسان بودن همه‌ی عوامل از جمله کیفیت کالا و... کالایی را خواهند خرید که دارای قیمتی کمتر باشد (Korgaonkar, 1980).

۴-۸- امکانات پشتیبانی سایت

امکانات پشتیبانی توسط سایت، شامل پیگیری فرآیند خرید و دسترسی مشتری به اطلاعات شخصی می‌باشد. پی‌گیری فرآیند خرید اشاره به این امر دارد که خریدار بتواند در جریان فرآیند پس از خرید شامل مرحله یا مراحل ارسال، دسترسی به اطلاعات ثبت‌شده راجع به کالای خریداری‌شده و دسترسی به پیام‌های احتمالی خرده‌فروش قرار گیرد. دسترسی مشتری به اطلاعات شخصی نیز به این امر اشاره دارد که خریداران بتوانند به سوابق اطلاعاتی خود شامل اطلاعات شخصی، مالی و مربوط به کالا یا کالاهای خریداری‌شده دسترسی داشته باشند. دو عامل پی‌گیری فرآیند خرید و دسترسی مشتری به اطلاعات شخصی، مواردی هستند که موجب رضایت یا عدم رضایت خریدار گشته و بر طرز نگرش مصرف‌کننده نسبت به خرده‌فروش الکترونیکی مؤثر خواهند بود.

۴-۹- ویژگی‌های مصرف‌کننده

ویژگی‌های مصرف‌کننده را می‌توان به‌عنوان نوعی از ویژگی‌های مستقل غیرقابل کنترل به حساب آورد. غیرقابل کنترل بودن اشاره به این امر دارد که کنترل این عوامل از عهده و توان خرده‌فروش خارج می‌باشد. این ویژگی‌ها شامل: سبک زندگی، جنسیت، قومیت، تحصیلات، سن، درآمد، ارزش‌ها و اعتقادات، دانش و شخصیت می‌باشد. ما در این مقاله بر روی چهار ویژگی مهم‌تر و متداول‌تر شامل جنسیت، تحصیلات، درآمد و سن بحث خواهیم کرد. تعدیل اثر جنسیت می‌تواند با توجه به تئوری نقش اجتماعی و روانشناسی تکاملی شرح داده شود بررسی‌ها حاکی از این واقعیت‌اند که مردها به وظیفه‌گرایی (Minton, 1980). و سیستم‌گرایی (Cohen, 2004) تمایل بیشتری داشته و نسبت به زن‌ها تمایل به پذیرش مخاطره‌ی بیشتری دارند این بدان جهت است که از نظر اجتماعی از افراد انتظار می‌رود که این‌گونه رفتار کنند (تئوری نقش اجتماعی)، همچنین این رفتار انطباقی در فرآیند طبیعی انتخاب، مزیت‌های خصیصه‌ای ویژه‌ای را نصیب فراد می‌کند (روانشناسی تکاملی). پژوهش‌های روانشناسی طی سالیان بسیار، تفاوت‌های جنسیتی متفاوتی را که به‌طور بالقوه به رفتار مصرف‌کننده‌ی اینترنت مربوط می‌شوند را شناسایی کرده‌اند. با این وجود تأثیر این تفاوت‌ها در رفتار مصرف‌کننده‌ی الکترونیکی، موردتوجه پژوهش‌های اندکی قرار گرفته است. مردها در استفاده از سایت‌های خرید الکترونیکی که دارای سلسله‌مراتب زیادی هستند، راحت‌تر از خانم‌ها عمل می‌کنند. در هر صورت نتایج حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته اظهار می‌دارد که قراردادن وب‌سایت‌ها در دو بخش زنانه و مردانه، می‌تواند در جلب رضایت مصرف‌کنندگان الکترونیکی موفق‌تر عمل نماید. شواهد و مدارک حاکی از این امر می‌باشد که نقش تحصیلات در خرید الکترونیکی، مانند نقش جنسیت، موردتوجه

کمتر پژوهشی قرار گرفته است. عنوان می‌شود افرادی که دارای تحصیلات بالاتری هستند، تمایل به جمع‌آوری اطلاعات بیشتری پیش از تصمیم‌گیری دارند. در مقابل، افرادی که دارای تحصیلات پایین‌تری هستند به اطلاعات کمتری اتکا می‌کنند (Capon, 1980). همچنین دسته‌ای از پژوهش‌ها بیان می‌کنند که درآمد با رفتار مصرف‌کننده اینترنتی مرتبط است. این انتظار وجود دارد، افرادی که دارای درآمد بیشتری هستند، به تحصیلات بالاتری دست تحقیقات بیانگر این واقعیت‌اند که مصرف‌کنندگان مسن‌تر، تمایل کمتری به جست‌وجوی اطلاعات جدید دارند مؤلفه‌ی سن، ارتباط میان رضایت از محصول و وفاداری را تعدیل می‌کند، به‌طوری‌که این ارتباط برای مصرف‌کنندگان مسن‌تر قوی می‌شود (Homburg, 2001). به‌طور کل، ویژگی‌های مصرف‌کننده به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده به کار می‌روند. همچنین می‌توان بیان کرد که لزوماً خصیصه‌های گوناگون، تأثیرات تعدیل‌کننده یکسانی نخواهند داشت.

۵- نتیجه‌گیری

پیشرفت فناوری، تأثیر زیادی بر تجارت و دادوستد داشته است، به‌طوری‌که در عصر حاضر با پیشرفت ابزارها در عرصه علم و صنعت، نوع جدیدی از روابط بین انسان‌ها در دنیای تجارت به وجود آمده است که انسان‌ها را قادر می‌سازد بدون حضور فیزیکی، معاملات خرد و کلانی را با یکدیگر انجام دهند. محیط تجارت الکترونیک که مبتنی بر اینترنت است، این امکان را به مشتریان می‌دهد تا از طریق ارتباط مستقیم با فروشگاه‌های اینترنتی برای جست‌وجوی اطلاعات و خرید کالا و خدمات اقدام کنند. باید خاطرنشان کرد که خرید به‌صورت اینترنتی بر اساس تجربه واقعی از خرید کالا نیست، بلکه بر اساس ظواهری مانند تصویر، شکل، اطلاعات کیفی و تبلیغات از کالا استوار است. مهم‌ترین وسیله‌ای که تجارت را برای بشر آسوده نموده و به آن سرعت بخشیده، شبکه‌های ارتباطی رایانه‌ای، به‌ویژه اینترنت است، به‌گونه‌ای که امروزه تجار و شرکت‌های بزرگ تجاری، به‌جای تاسیس فروشگاه‌های واقعی و فیزیکی، اقدام به راه‌اندازی وب‌سایت‌هایی نموده‌اند که انواع کالاها و خدمات را در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهند و مصرف‌کننده با مراجعه به سایت مذکور، با انواع کالا و خدمات روبه‌رو می‌شود و هر کدام را که مایل است، انتخاب کرده و سفارش می‌دهد بررسی‌ها نشان می‌دهند یک ساختار کلی در رابطه با رفتار مصرف‌کننده در هر دو بعد دانشگاهی و اجرایی وجود دارد. در هر دو زمینه این عقیده وجود دارد که عوامل زیادی بر خرید الکترونیکی مؤثرند. با این وجود، شکاف‌های مهمی در فهم ما از رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی وجود دارد. این مقاله کوشیده است تا این شکاف را با انجام یک تحلیل از ادبیات موضوع در رابطه با رفتار مصرف‌کنندگان پر نماید. در این مقاله با استفاده از ادبیات رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی به بررسی عواملی که بر رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی تأثیر می‌گذارند پرداخته و سپس با افزودن عواملی همچون امکانات پشتیبانی سایت، محرک‌ها، عوامل برانگیزاننده، کیفیت اطلاعات و با افزودن چند جز دیگر به ویژگی‌های مصرف‌کننده، جهت توضیح رفتار مصرف‌کننده ارائه نمودیم. بررسی نشان می‌دهد که عوامل مختلف با تأثیرگذاری بر نگرش، رفتار مصرف‌کننده الکترونیکی را تحریک نموده و به خرید واقعی می‌انجامد. این مقاله کمک قابل‌توجهی به تقویت تصویر ساختار خرید الکترونیکی و تأثیرش بر فرآیند تصمیم‌گیری مصرف‌کننده الکترونیکی می‌نماید. گرچه یافته‌های ما پیامد مهمی برای فروشگاه‌های اینترنتی ایجاد کرده اما یک محدودیت مهم دارد؛ اگرچه مقاله ما ویژگی‌های مؤثر بر رفتار خرید مشتریان را مورد توجه قرار می‌دهد، اما از آنجاکه عوامل دیگری مانند قیمت و پیشبرد فروش (مثل وفاداری، نرخ تخفیف قیمت) را شامل نمی‌شود، نمی‌توانیم اثر حساسیت قیمت و برنامه وفاداری مشتریان بر رفتار خرید مشتریان را با مقاله خود توضیح دهیم. با این وجود این مقاله توسعه مفهومی از رفتار

مصرف‌کننده‌ی الکترونیکی را نشان داده است، که با توجه به افزایش خرید الکترونیکی و اهمیت زمان در فرآیند و می‌تواند برای چندین هدف از جمله خرده‌فروشان، سایت‌گذاران و برای تحقیقات محققان ... دانشگاهی مفید باشد.

مآخذ

- ایمان خان. نیلوفر. (۱۳۸۷). **رفتار مصرف‌کننده در بازاریابی دیجیتال**، فصلنامه مدیریت، سال ۵، شماره ۱۱، صص ۸۱-۸۸.
- حاجی بابایی. حسین، اسماعیل پور. حسن، فلاح شمس. میرفیض. (۱۳۹۶). **بررسی لایه های پنهان رفتار مصرف‌کننده: تعامل شخصیت فرد و ابعاد حسی برند**، فصلنامه علوم مدیریت ایران، ال ۱۱، شماره ۴۳، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- رحمتی غفرانی. یلدا، طالقانی. محمد، چیرانی. ابراهیم. (۱۳۹۶). **گرایش های ارزشی مصرف‌کننده و تمایل به رفتار خرید**، نشریه علمی - پژوهشی کاوشهای مدیریت بازرگانی، سال نهم، شماره هفدهم، ۱۲۵-۱۴۷.
- صمدی. منصور، فارسی زاده. حسین، نورانی. محمد. (۱۳۸۸). **بررسی تأثیر ویژگی‌های شخصیتی مصرف‌کننده بر رفتار خرید در فروشگاه‌های زنجیره‌ای**، مجله مدیریت بازاریابی، سال ۴، شماره ۵۵، ۶-۷۳.
- صرافی زاده، ا. (۱۳۸۷). **سیستمهای اطلاعات مدیریت**، انتشارات ترمه، تهران، چاپ سوم.
- علم قلیلو. پیام، رضازاده. علی. (۱۳۹۳). **بررسی اثر تجربه خرید اینترنتی در رفتار مصرف‌کننده با استفاده از مدل پذیرش فناوری (TAM)**، چهارمین کنفرانس ملی مدیریت فناوری ایران، ۱-۸.

- Ajzen, I. &. (1980). "Understanding attitudes and predicting social behavior". Prentice- Hall, Englewood Cliffs, NJ.
- Baron-Cohen, S. (2004). The essential difference: Men, women and the extreme male brain. Penguin, London.
- Berry, L. I. (1969). "The components of department store image: A theoretical and empirical analysis". Journal of Retailing. 45 (1), 3-20.
- Bhatnagar, A. &. (2004). "Online information search termination patterns across product categories and consumer demographics". Journal of Retailing, 80 (3), 221-228.
- Brown, M. N. (2003). "Buying or browsing? An exploration of shopping orientations and online purchase intention". European Journal of Marketing. 37, 14-18.
- Capon, N. &. (1980). Individual, product class, and task-related factors in consumer information processing. Journal of Consumer Research, 7 (3), 314-330.
- Chen, P. &. (2002). "Measuring switching costs and the determinants of customer retention in internet enabled businesses: A study of online brokerage industry". Information Systems Research, 13 (3), 255-274.
- Chen, Y. H. (2007). "Initial trust and online buyer behavior". Industrial Management and Data Systems, 107 (1), 21-36.
- Dennis, C. &. (2005). The savannah hypothesis of shopping. Business Strategy Review, 16 (3), 1121-1139.

- Dennis, C. (2009). "E-consumer behavior". *European Journal of Marketing*, 43 (3), 1121-1139.
- Dennis, C. F. (2004). "E-retailing, Routledge: Abingdon and New York, NY.
- Engel, J. K. (1993). "Consumer Behavior". 8th ed. Dryden Press, New York, NY.
- Eurofood. (2000). Tescos the World's largest e-grocer. *Journal of Retailing*, 80 (3), 239-247.
- Evanschitzky, H. I. (2004). "E-satisfaction: A reexamination". *Journal of Retailing*, 239-247.
- Homburg, C. &. (2001). Personal characteristics as moderators of the relationship between customer satisfaction and loyalty_an empirical analysis. *Psychology and Marketing*, 18(1), 43-70.
- Homburg, C. & Giering, A. (2001). Personal characteristics as moderatots of the relationship between customer satisfaction and loyalty an empirical analysis. *Psychology and Marketing*, 18(1), 43-70.
- Jayawardhena, C. &. (2009). "An empirical investigation into e-shopping excitement: Antecedents and effects". *European Journal of Marketing*, 43 (4), 1171-1187.
- Korgaonkar,P.K. B. D. (1980). "Profiling the recreational shopper". *Journal of Retailing*, 15 (3), 77-92.
- Lee, K. S. (2003). "E-retailing versus physical retailing: a theoretical model and empirical test of consumer choice". *Journal of Business Research*, 56 (1), 877-885.
- Machleit, K. A. (2000). "Describing and measuring emotional response to shopping experience". *Journal of Business Research*, 49 (1), 101-111.
- Martineau, P. (1958). "The personality of the retail store". *Harvard Business Review*, 36 (1), 47-55.
- Mehrabian, A. &. (1974). "An Approach to environmental psychology". MTT Press, Cambridge, MA.
- Merrilees, B. &. (2002). "Corporate branding: a framework for e-retailers". *Corporate Reputation Review*, 5 (2), 213-227.
- Minton, H. L. (1980). *Differential psychology*. Waveland Press, Prospect Heights, IL.
- Moskovitch, M. (1982). "Neuropsychological approach to perception and memory in normal and pathological aging, in Craik, F.I.M. and Trehum, S. (Eds). *Aging and Cognitive Processes*, Plenum Press, New York, NY, 55-78.
- Richard, M.O. &. (2005), "A model of consumer web navigational behavior: conceptual development and application". *Journal of Business Research*, 58 (4), 1019-1029.
- Venkatesh. M. M. (2003). "User acceptance of information technology: towards a uni_ed view". *MIS Quarterly*, 27 (3), 425-478.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

سیر تاریخی قواعد کلی فقهی مجله الاحکام

پوهنځی رحمت الله حکیمیار
پوهنتون بلخ - پوهنځی شرعیات
تقریظ: پوهندوی امان الله نذیری

چکیده

مجله الاحکام العدلیه کتابیست که در سال ها ۱۲۸۶-۱۲۹۳ هجری قمری از جانب دولت امپراتوری عثمانی در اثر کوشش یک عده فضلاء و فقههای کرام آن عصر تحت ریاست احمد جودت عالم بزرگ، مورخ مشهور و زیرعدلیه آنزمان برای اولین بار بشکل مواد ترتیب و بعد از تأیید توثیق مراجع علمی آن زمان در سال ۱۲۹۳ هجری قمری در معرض نشر و اجراء قرار داده شد. این کتاب که دارای (۱۸۵۱) ماده است مسایل آن از کتب معتبره و فتاوی موثوقه فقه حنفی اخذ گردیده و در عهد دولت عثمانی و اخیراً در عراق هم بشکل یک قانون در موضوعات و معاملات شناخته شده و به تمیل آن احکام سلطانی صادر شده است و کتاب مذکور در اکثر ممالک اسلامی و از جمله کشور عزیز ما افغانستان مرجع خوب برای دستگاه عدلی و قضائی و مقنین واقع گردیده است، که در محاکم افغانستان این کتاب منبع غنی برای رسیدگی به قضایای حقوقی ومدنی می باشد که اکثر قضات در حین رسیدگی به قضایا وهم چنان حین صدور حکم از مواد فقهی مجله الاحکام استفاده اعظمی می نمایند، قابل ذکر است که ریاست تقنین وزارت عدلیه افغانستان ابتدائی ترین مرجع قانون گذاری در سطح کشور است در ساخت متون فرعی اکثر قوانین مدنی از مجله الاحکام العدلیه من حیث منبع استفاده می گردد. که نه تنها محاکم بلکه ریاست عمومی حقوق، ریاست عمومی وکلای مدافع و ریاست قضایای دولت در امورات کاری مسلکی شان نیز از مواد این متون فقهی کار می گیرند. باید خاطر نشان نمود که باتحول وروی کار آمدن حکومت امارت اسلامی ریاست عمومی دارالافتاء در مرکز کابل وزون ها در چوکات ستره محکمه ایجاد گردیده است وبرعلاوه قضات مفتی ها نیز غرض صدور فتاوی در خصوص دعاوی وخصومات در ادارات محاکم عدلی توظیف گردیده اند، بناء این مفتی ها برعلاوه سایر کتب فقهی اکثراً در صدور فتاوی از کتاب فقهی مجله الاحکام استفاده می نمایند.

واژه های کلیدی: پیشینه تاریخی قواعد فقهی، مجله الاحکام، مبدأ قواعد فقهی، کاربرد قواعد فقهی، مکانت قواعد فقهی، متن عربی وترجمه دری وترجمه های سابق.

مقدمه

الحمد لله رب العالمين الذي أنزل لنا الشرع الحكيم، ورضى لنا الإسلام ديناً، والصلاة والسلام على سيدنا محمد المبعوث بالهدى والدين القويم، والمبين عن ربه أحكام الدين و بعد:

در تمام کشور اسلامی از آن جمله کشور ما افغانستان قواعد کلی فقهی من حیث یک مضمون اساسی در پوهنحی های شرعیات و حقوق جزء پروگرام های درسی درج گردیده و تدریس می شود، زیرا فارغان دو مؤسسه بیشتر در عرصه عدلی و قضائی کشور مصروف کار می باشند، و بدون شک نظام قضائی ما نظام شرعی و قوانین ما از فقه اسلامی مأخوذ است، بناءً نیاز احساس می شود که متصدیان قضائی کشور از علوم شرعی به ویژه علم فقه و قواعد کلی فقهی آگاه باشند و متصدیان این حوزه جز فارغ التحصیلان پوهنحی های شرعیات، حقوق و مدارس دینی می باشند.

دانشمندان جهان اسلام در این زمینه آثار زیادی از خود بجا گذاشته اند، ولی اکثریت آنها به زبان عربی نگاشته شده است. در سال های اخیر ستره محکمه افغانستان توانست مجموعه قواعد فقهی را حتی الامکان جمع آوری و به زبان دری ترجمه نموده است.

طرح مسئله

موضوعی را که به حیث مقاله علمی و تحقیقی انتخاب نمودم عبارت از (سیرتاریخی قواعد فقهی مجله الاحکام) است که در ابتدای بحث به پیشینه تاریخی قواعد فقهی مجله الاحکام مبدأ قواعد فقهی، کاربرد قواعد فقهی در نظام قضائی افغانستان، جایگاه قواعد فقهی در صدور فتوی و حکم در محاکم کشور و همچنان ترجمه قواعد فقهی از متن عربی به زبان دری تا حد توان تذکر خواهم داد.

پیشینه تحقیق

در گذشته اکثراً اتباع کشور مخصوصاً اصحاب دعاوی نسبت به رسیدگی قضایا از طرف ادارات عدلی و قضائی رضایت کامل نداشته و شاکی بودند و از جانب دیگر برخی افراد و اشخاص بی خبر از احکام شریعت و فقه اسلامی در این اواخر ادعاء می نمایند که گویا قوانین موضوعه افغانستان از قوانین غربی متأثر است و هیچ رابطه ای با شریعت اسلامی و فقه اسلامی ندارد. اینها با این گونه افواهاات توانستند تعدادی از جوانان معصوم ما را که نسبت به شریعت اسلامی و فقه اسلامی آگاهی ندارند از لحاظ آیدیولوژی و عقیدتی همگام با خودشان سازند. این حرف های هرزه مشاعر هر عالم و دانشمندی را که نسبت به شریعت اسلامی، فقه اسلامی و قوانین موضوعه کشور اندکی آگاهی دارند مجروح ساخته و علمای دین اسلام و مردم کشور ما را نسبت به مراکز تحصیلی علوم قانونی و مراجع عدلی و قضائی بد بین می سازد. بناء مطالبی را تحت عنوان «سیر تاریخی قواعد فقهی مجله الاحکام» از مراجع متعدد و قابل اعتماد فقهی و قانونی تدوین و جمع آوری نموده و تلاش ورزیدم تا تاثیر قواعد کلی فقهی را در قوانین افغانستان به خصوص در قانون مدنی کشور، نه به طور تیورک و نظری، بلکه به صورت پرکتیک و عملی حتی المقدور بیان نمایم که قوانین وضعی افغانستان از قوانین موضوعه غرب متأثر نیست. بلکه گرفته شده از شریعت اسلامی و ترجمه فقه اسلامی می باشد. چنانچه که در مقاله اول و جلد اول مجله

الاحکام العدلیه چنین صراحت دارد: (وَالْمَسَائِلُ الْفَقْهِيَّةُ إِمَّا أَنْ تَتَّعَلَّقَ بِأَمْرِ الْآخِرَةِ وَهِيَ الْعِبَادَاتُ، وَإِمَّا أَنْ تَتَّعَلَّقَ بِأَمْرِ الدُّنْيَا، وَهِيَ تَنْقَسِمُ إِلَى: مُنَاكَحَاتٍ وَمُعَامَلَاتٍ وَعُقُوبَاتٍ). (۳: ج ۱، ۵).

چنانکه هویدا است یک بدنه یک کشور را دستگاه عدلی وقضائی تشکیل میدهد ایجاب می نمایند که افراد متخصص و مسلکی در این راستا استخدام گردد تا که از منابع معتبر شرعی در صدور احکام شرعی مبادرت ورزند تا اینکه همه اتباع کشور اعتماد نمایند که دستگاه عدلی وقضائی واقعا یگانه مرجع رسیدگی حل و فصل قضایا و قطع خصومات می باشد و فاصله ملت نسبت به ادارات عدلی وقضائی از بین برده شود.

روش تحقیق

البته روش بحث اینجانب در عرصه کاری، جنبه کتاب خانه ای داشته با استفاده از کتاب های معتبر علمی در حوزه های تحقیقاتی، با کوشش های خسته گی ناپذیر، سلسله بحث خویش را به نقطه انجام رسانیدم و قابل یادآوری است که در آخر بحث فهرست روشنی از منابع و مأخذی که در عرصه بحث از آنها استفاده کامل نموده ام، به ترتیب الفبایی، در پیشروی خواننده قرار دارد.

هدف تحقیق

شناخت سیرتاریخی قانونی شدن قواعد فقهی مجله الاحکام، مکان و جایگاه قانونی و شرعی آن، کاربرد و استفاده آن در حوزه های عدلی وقضائی بیانگر این است که تمام قوانین موضوعه افغانستان متأثر از فقه حنفی و شریعت اسلام می باشد، این تحقیق با روش تحلیلی و تحقیق ساحوی، و مراجعه به محاکم و رویه قضائی در خصوص حل و فصل قضایا و قطع خصومت، و هم چنان مراجعه به کتابخانه شخصی، کتابخانه دانشگاه بلخ، کتابخانه جامعه بین المللی اسلامی اسلام آباد استفاده شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت این تحقیق از یکطرف در معرفی مواد فقهی و کاربرد آن در ادارات عدلی وقضائی بوده و از طرف دیگر مردم در اجتماع از حقوق قانونی و شرعی شان اطلاع حاصل می نمایند و باید بدانند که تمام قوانین گرفته شده از متون فقه اسلامی و شریعت اسلام می باشد و ملت برای داشتن یک قانون شرعی مطمئن گردیده و قانون مداری در جامعه حاکم می گردد.

سؤالات تحقیق

- ۱- آیا مردم افغانستان در خصوص قواعد فقهی مجله الاحکام معلومات دقیق دارند یا خیر؟
- ۲- ادارات عدلی وقضائی افغانستان از قواعد فقهی من حیث منبع قانونی استفاده می نمایند یا خیر؟
- ۳- آیا تمام اتباع بر این باور هستند که قانون وضعی کشور ما یک قانون شرعی است؟
- ۴- رویه قضائی محاکم افغانستان در خصوص موضوع چیست؟

پیشینه تاریخی قواعد فقهی مجله الاحکام

مجله الاحکام العدلیه یکی از کتب معتبر فقه حنفی شریعت مقدس اسلامی می باشد. این مجموعه که یک مقدمه و (۱۶) کتاب را احتواء می نماید در مسایل مربوط به معاملات میان مردم اختصاص دارد. در کتاب (مرآة المجله) یکی از شروح مجله الاحکام - این مجله چنین تعریف شده است:

"المجله هی الدستور الاعظم لکثیر من الاحکام فی بلاد الدوله العلیه"

مجله عبارت از قانون بزرگی است برای بسیاری از احکام در بلاد دولت علیه. (۱: ج ۴، ۱۲۲)

به گواهی تاریخ در سال (۱۸۶۹ م) مطابق به سال (۱۲۸۹ ق) دولت عثمانی کمیته ای را که مرکب از هفت تن از فقهای جید آن کشور بود، تحت ریاست (احمد جودت بادشاه) که درین وقت سمت وزارت عدلیه آن دولت را به عهده داشت مکلف نمود تا مجموعه قانونی را که نصوص آن از احکام فقه حنفی اخذ یا استنباط گردیده باشد، ترتیب دهند.

در فرمانیکه به مناسبت تعیین اعضاء این کمیته صدور یافته بود، چنین تحریر گردیده است:

"منظور اینست تا احکام معاملات حسب اقوال مختار از مذهب حنفی با در نظر داشت تبدیل مسایل مبنی بر عرف و عادات اجتماعی و نیازمندی های نو ظهور، تدوین گردد".

کمیته بعد از زحمت کشی های مسلسل و متداوم، طی هفت سال کار پیگیر توانست از انجام این وظیفه موفق بدر آید و در سال (۱۲۹۳ ق) این مجموعه تدوین شده (قانون مدنی دولت عثمانی) نشر گردید و بنام (مجله الاحکام العدلیه) مسمی گردید. (۳: ۲۳۲)

در تاریخ فقه اسلامی برای اولین بار کلمه مجله به معنای (مدونه) یا (مجموعه احکام قانونی) استعمال شده است در حالیکه در تدوینات لاحقه دولت عثمانی و عربی به جای کلمه (مجله) کلمه (قانون) در مورد (مجموعه احکام مدونه) شیوع یافته است. (۳: ۲۳۳)

به هر صورت، هر جزئی از اجزای این مجله مقارن انجام آن بعد از توشیح ریس دولت وقت، نشر و در معرض اجراء و تطبیق گذاشته شده است. مجله الاحکام دارای یک مقدمه و ۱۶ کتاب بوده که جمعاً (۱۸۵۱) ماده را احتواء می نماید.

در ماده اول از تعریف علم فقه و تقسیم آن بحث بعمل آمده است و (۹۹) قاعده دیگر بر قواعد کلیه و ضوابط عمومیه فقه علاوه گردیده که در تنظیم اغلب مواد از کتاب (الاشباه والنظایر) و کتاب (الجامع) تألیف (ابو سعود الخادمی) و امثال آن استفاده شده است. (۴: ۱۷۶)

موضوعات مندرج مجله الاحکام به ترتیب ذیل ردیف بندی شده است:

مقدمه: شامل تعریف فقه و قواعد عمومی از (۱) تا (۱۰۰)

کتاب اول: در باره بیوع، مواد (۱۰۰) تا (۴۰۳)

کتاب دوم: در باره اجاره، مواد (۶۱۲) تا (۶۷۲)

کتاب سوم: در بیان کفالت، مواد (۶۱۲) تا (۶۷۲)

کتاب چهارم: در بیان حواله، مواد (۷۰۱) تا (۷۶۱)

کتاب پنجم: در بیان رهن، مواد (۷۰۱) تا (۷۶۱)

کتاب ششم: در مورد امانت ها، مواد (۷۶۲) تا (۸۳۳)

کتاب هفتم: در بیان هبه، مواد (۸۳۳) تا (۸۸۰)

کتاب هشتم: در بیان غصب و اتلاف مال، مواد (۸۸۱) تا (۹۴۰)

کتاب نهم: در بیان حجر، اکراه و شفعه، مواد (۹۴۱) تا (۱۰۴۴)

کتاب دهم: در مورد شرکت ها، مواد (۱۰۴۵) تا (۱۴۴۸)

کتاب یازدهم: در مورد وکالت، مواد (۱۴۴۹) تا (۱۵۳۲)

کتاب دوازدهم: در بیان صلح و ابراء مواد (۱۵۳۳) تا (۱۵۷۱)

کتاب سیزدهم: در بیان اقرار، مواد (۱۵۷۲) تا (۱۶۱۲)

کتاب چهاردهم: در مسایل مربوط به دعوی، مواد (۱۶۱۳) تا (۱۶۷۵)

کتاب پانزدهم: در بیان حجت و سوگند، مواد (۱۶۷۳) تا (۱۷۸۳)

کتاب شانزدهم: در بیان احکام قضاء، مواد (۱۷۸۴) تا (۱۸۵۱)

بعد از اینکه این مجله در ترکیه به طبع رسید، متعاقب آن در قلمرو تحت نفوذ دولت عثمانی به استثنای عربستان سعودی، یمن و مصر، مورد تعمیل و تطبیق قرار گرفت. (۴: ۲۳۴-۲۳۵)

در لیبیا و طرابلس غربی نیز الی هنگام تحت سیطره قرار گرفتن مناطق متذکره در سال (۱۹۱۲) قواعد، ضوابط و مسایل مندرج مجله الاحکام تطبیق میشد و تا ختم جنگ جهانی اول مرعی الاجراء بود.

مقارن اختتام جنگ جهانی اول روی یک سلسله عوامل از جمله ختم نفوذ و سیطره دولت عثمانی، ارزش تطبیقی مجله منحیث بقایای دولت عثمانی از نظر سیاسیون آن وقت افتاد، ولی با آنهم در بعضی مناطق علی رغم اختتام سیطره دولت عثمانی اهمیت تطبیقی خود را از دست نداده بود، طور مثال در سوریه الی زمان توحید آن کشور با مصر قابلیت تطبیق رسمی داشت. (۲: ج ۴، ۱۳۶)

در اُردُن تا هنوز هم ارزش تطبیقی دارد در لبنان با پیروی از قوانین جدید در تنظیم روابط حقوقی آنکشور یک سلسله تعدیلات بمیان آمده است، با آنهم در بعضی مسایل و موضوعات حقوقی مدنی از قبیل حجر. مواد مجله الأحكام ارزش تطبیق دارد.

در کتاب منیر القاضی (شرح مجله الأحكام) به ارتباط وضع تطبیق مجله الأحكام در کشور عراق چنین آمده است:

"مجله الأحكام العدلیه وتسمى المجله العدلیه هی الجزء الأهم من القانون المدنی للدوله العراقیه الموروثة من الدوله العثمانیه وقد أخذ احكامها من الفقه الحنفی ملاحظاً فیها حاجه العصر و مقتضیات الزمان عند وضعها قدر الامكان وهی قانون، لا کتاب فقه و قد اید الدستور العراقی قانونیها، فمن هذه الجهه یجب علی الاحكام مراعاة نصوصها و العمل بظاهرها من دون اعتبار قید او شرط لم یرد فیها".

یعنی "مجله الأحكام العدلیه یا (مجله عدلیه) جز أهم قانون مدنی دولت عراق می باشد که از دولت عثمانیه به میراث گذاشته شده است، احکام آن از فقه حنفی مأخوذ می باشد و در هنگام وضع احکام، ضرورت عصر و ایجابات زمان بقدر امکان در آن در نظر گرفته شده است. این مجله در واقع مجموعه قانون است نه کتاب فقه، چون قانونیت آن در قانون اساسی عراق تایید شده، ازین رو برای قضات مراعات نصوص و عمل به ظاهر مواد آن بدون اعتبار قید و شرطی که در آن وارد نگردیده، لازم است. (۵: ۱۶۹)

چون احکام مجله متکی و ملهم از فقه حنفی شریعت اسلامی می باشد، بنا برآن، صرف نظر از تعلقات سیاسی و قانونی جوامع، مورد نظر فقهای کرام بوده و برآن شروح متعددی نگاشته اند که مهمترین این شروح عبارت اند از:

۱- شرح سلیم رستم باز لبنانی که در یک جلد در (۱۲۸۸) صفحه در سال (۱۹۲۳) در مطبعه الادبیة بیروت انتشار یافته است.

۲- شرح منیر القاضی که در (۴) جلد از طرف وزارت معارف کشور عراق در سال (۱۹۴۹) در مطبعه (العالی) به چاپ رسیده و در محاکم افغانستان به کثرت مورد استفاده بوده است.

۳- شرح مرأه المجله که در یک جلد بداخل (۵۵۱) صفحه طبع گردیده، سال و محل آن معلوم نیست.

۴- شرح دُررُ الحکام تالیف علی حیدر افندی. این شرح نخست به زبان ترکی نوشته شده و بعداً به زبان عربی ترجمه و متن عربی آن در چهار جلد از جانب مکتب العربی واقع کانسی رود کویت به چاپ رسیده است.

۵- شرح آتاسی بر مجله الأحكام - بداخل (۶) جلد که از جانب محمد خالد الآتاسی مفتی سابق حمص و بعضی قسمت های آن بوسیله محمد طاهر الآتاسی پسر وی تالیف گردیده و در سال (۱۳۰۴) از سوی مکتبه اسلامیه در کویت طبع شده است و آخرین شرح کتاب مجله الأحكام به حساب می رود.

در افغانستان نیز قواعد، ضوابط و مسایل شرعی مجله الاحکام قابلیت تطبیق داشته و در محاکم مطابق به آن عمل گردیده است تا اینکه به اساس تصریح در (اصولنامه اجراءات حقوقی محاکم) و (اصولنامه اداری محاکم) بحیث سند تقنینی قابل نفاذ در آمده است. در اسناد تقنینی افغانستان در مورد احکام این مجله هدايات ذیل مسجل می باشد. (۶: ۷۸-۷۹)

- ۱- بموجب حکم ماده (۷۸) اصولنامه اداری محاکم: "اوراق و اسنادیکه به غرض اثبات دعوی تقدیم می شود، در حالیکه طرف مقابل از آن منکر می باشد، موضوع بر حسب باب چهارم کتاب (۱۳) اقرار مجله الاحکام و باب دوم کتاب (۱۵) بینات مجله الاحکام فیصله می شود".
- ۲- مطابق ماده (۱۲۵) اصولنامه یاد شده: مباحث اقرار و احکام آن مطابق ماده (۱۵۷۲) مجله الاحکام العدلیه مرعی الاجراء است". (۹: ج ۲، ۹۶)
- ۳- طبق حکم ماده (۱۳۸) اصولنامه اداری محاکم: "موضوع دعاوی طبق فصل چهارم کتاب (۱۴) دعوی مجله الاحکام تحت نظر گرفته شده و فیصله می شود".
- ۴- با اتکاء به حکم ماده (۱۵۰) اصولنامه اداری محاکم: نصاب شهادت و کیفیت ادای شهادت و شروط اساسی آن، موافقت شهادت با دعوی و اختلاف شهود و تزکیه آنان و رجوع شهود از شهادت و ترجیح شهود در دعوی دو نفر و یک چیز مطابق کتاب (۱۵) بینات مجله الاحکام مرعی الاجراء می باشد.
- ۵- بموجب حکم (۱۷۴) اصولنامه مذکور: "ثبوت به قراین قاطعه طبق مقررات مجله الاحکام مرعی الاجراء است".
- ۶- به اساس حکم ماده (۱۷۵) اصولنامه یاد شده: "حلف نکول از قسم طبق مقررات مجله الاحکام العدلیه مرعی الاجراء است".
- ۷- مطابق حکم ماده (۸۳) اصولنامه اداری محاکم: جریان دعوی و ملحقات آن مطابق کتاب (۱۴) دعوی و بینات مجله الاحکام صورت میگیرد".
- ۸- بملاحظه حکم ماده (۹۳) همان اصولنامه: "محکمه در معاملاتیکه رغبت طرفین را به اصلاح احساس نماید، طبق مقررات کتاب (۱۲) صلح و کتاب (۱۶) قضاء و بینات مجله الاحکام، طرفین را به تعیین مصلحین توصیه می دارد.
- ۹- بر طبق حکم تبصره ماده (۱۴۴) اصولنامه اجراءات حقوقی محاکم عدلی "محاکم در ترجیح بینات و احکام مرور زمان به فصل و باب مرور زمان کتاب قضاء و کتاب (الشهاده) مجله الاحکام العدلیه عمل نمایند". و علی هذا القیاس. (۱: ج ۴، ۱۴۶-۱۴۷)

تعمیم شرح الآتاسی بر مجله الاحکام در افغانستان

در دومین سیمینار روسای محاکم ولایات منعقدہ سال (۱۳۵۰) به منظور توصیه و انسجام مسایل مفتی به فقه حنفی از طریق اتکاء به مأخذ چنین تجویز بعمل آمد:

"از آنجائیکه رسیدگی در قضایای حقوقی بشمول قضایای احوال شخصیه بموجب قواعد و مسایل فقه حنفی صورت میگیرد و مدعی در ادعا و مدعی علیه در دفع و قاضی در دلایل و حکم به جزئیات مسایل مفتی به فقه حنفی اتکاء

می‌نمایند، چون مآخذ فقه حنفی متعدد و در قول راجح و ارجح مفتی به از غیر آن که به امام اعظم (رحمه الله علیه) و یاران او نسبت داده می‌شود، در کتب مختلفه فقه حنفی آراء مختلفی وجود دارد، طرفین دعوی به کتب مختلفی در ادعا و دفع خود مراجعه و به مسایل مندرج آن اتکاء می‌نمایند، و برای اینکه قاضی در صحت استناد و عدم آن و اینکه آیا جزئیة مذکور مفتی به است یا خیر، مجبور می‌شود به کتب مختلفی در یک قضیه چندین بار مراجعه کند و این موضوع از یک طرف وقت قضات را بیش از حد لازم در بر می‌گیرد که موجب تعطیل حل و فصل قضایا و تراکم امور می‌گردد و از طرف دیگر، تهیه همه مآخذ فقه حنفی به هر یک محکمه در توان پولی ستره محکمه نبوده، قضات عموماً همه مآخذ را در اختیار ندارند و این وضع مشکلی را برای قضات بوجود می‌آورد. (۷: ج ۴، ۳۳۴)

از طرفی چون بر اساس قاعده فقهی و قانون (مدعی باید در دعوی خود عالم باشد) تذکر جزئیات فقهی به زبان عربی از متون متعدد مشکلی را در ادعا و استناد، به مدعی و مدعی علیه بوجود می‌آورد و آنچه وکلای دعوی می‌نویسند، طرفین آنرا خوب میدانند و به آنچه که آرزو دارند، وفق داده نمی‌توانند بناء بمنظور حل این معضله و تامین عدل و مساهلت بطرفین دعوی و محکمه و سرعت در اجرای امور چنین تجویز گردیده که:

کتاب الآتاسی (شرح مجله الاحکام) که مسایل راجح به فقه حنفی را توحید نموده است، بحیث مآخذ آماده بوده و محکمه به آن مراجعه و اتکاء نماید. (۱: ج ۴، ۱۳۹)

هرگاه مسله در کتب دیگر فقهی نسبت به آن ارجح بود، قاضی میتواند در چنین حالت به کتب دیگر نیز مراجعه نماید. در چنین حالت، بمنظور توحید، انسجام و تعمیم قواعد و مسایل مفتی به فقه حنفی، قاضی مکلف است دلایل رجحان قول را با ارایه مآخذ و دلایل حکم، به ستره محکمه بفرستند.

بناء روی هدف فوق ترجمه کامل کتاب مذکور بعد از اتمام به همه محاکم فرستاده و بدسترس عامه نیز قرار گرفت."

به تاسی از تجویز فوق، به همکاری علماء و دانشمندان رشته فقه اسلام و اهتمام ستره محکمه در ترجمه کتاب اتاسی (شرح مجله الاحکام) تالیف علامه محمد خالد الآتاسی و فرزندان ارجمند شان محمد طاهر الآتاسی اقدام بعمل آمد و از جمله بخشهای ذیل پس ترجمه بزبان دری انتشار یافت. (۳: ج ۴، ۲۳۶)

- ۱- قسمت قواعد کلیه و ضوابط عمومیه شامل مواد (۱) الی (۱۰۰) ترجمه مولوی عبدالعلی شاه توخی الپهروی.
- ۲- قسمت دعوی مواد (۱۶۱۲) الی (۱۶۲۵) ترجمه محمد صدیق راشد سلجوقی.
- ۳- قسمت اول حجت و سوگند مواد (۱۶۲۶) الی (۱۷۸۳) ترجمه همان مترجم.
- ۴- قسم قضاء - مواد (۱۷۸۴) الی (۱۸۵۱) ترجمه همان مترجم.

اما ترجمه و نشر تمام مباحث مجله که شامل ۱۶ کتاب و یک مقدمه می باشد و در متن عربی بداخل شش جلد بچاپ رسیده است، کاملاً انجام نپذیرفت و کار ترجمه سایر بخش ها به طور کامل بطی انجام می یافت و در خصوص طبع قسمت های ترجمه شده اقداماتی که در بدو امر اتخاذ شده بود و اهدافی که نیل به آن ضروری دانسته میشد، گرمی اول خود را نداشت. چنانکه ترجمه های جناب محترم مولوی محمد صدیق راشد سلجوقی شامل: کتاب غصب و اتلاف مال و کتاب حجر، اکراه و شفعه، امانت ها، رهن و هبه اصلاً بچاپ نرسید. (۱: ج ۴، ۲۳۴)

هنگامیکه اداره نشرات ستره محکمه فعال گردید، تا کار در مورد اکمال ترجمه و نشر آن ادامه یابد که همانا به توجه نگارنده و خواهش علمای کرام حقوق اسلام و کسانیکه درین زمینه توان و تجربه علمی داشتند، در نشر و اکمال ترجمه قسمت های باقی مانده دست بکار شدند

بناء کتاب دهم مبحث شرکت ها که توسط دو تن از قضات دانشمند و سابقه دار کشور محترمان مولوی امان الله موج سمنگانی و مولوی عبدالواحد نهضت فراهی بطور کامل ترجمه شده بود، بعد از تنقیح و تصحیح و طی مراحل نشراتی بدخل چهار قسمت ذیل از طبع بر آمد:

۱- قسمت اول شرکت ها

۲- قسمت دوم شرکت ها

۳- قسمت سوم شرکت ها

۴- قسمت چهارم شرکت ها

همچنان ترجمه قسمت های ذیل بالتدریج تهیه و آماده طی مراحل نشراتی گردید

۱- قسمت اول اجاره شامل مواد (۴۰۴) الی (۴۶۲) و قسمت دوم اجاره از مواد (۴۶۳) الی (۴۶۹) و قسمت حواله شامل مواد (۷۰۰) الی (۹۷۳) توسط محترم قاری عبدالرحیم عینی، یکتن از قضات مجرب و سابقه دار کشور. (۸: ج ۴، ۲۵۶)

۲- قسمت سوم اجاره شامل مواد (۴۹۷) الی (۵۸۱) و قسمت چهارم اجاره شامل مواد (۵۸۲) الی (۶۱۱) توسط دانشمند محترم قاضی عبدالله وافی عضو مسلکی ریاست تدقیق و مطالعات.

۳- قسمت (سوم) حجت و سوگند توسط محترم قضاوت پوه عبدالقیوم کریمی قاضی ستره محکمه شامل مواد (۱۷۵۴) الی (۱۷۸۳).

۴- قسمت (رهن) شامل مواد (۷۰۱) الی (۷۶۱) که قبلاً بوسیله عالم علوم شرعی و خدمت گذار معارف کشور محترم محمد صدیق راشد سلجوقی ترجمه گردیده بود ولی اصل ترجمه در اثر حوادث اخیر شهر کابل کاملاً از میان رفته بود، بار دوم توسط محترم قضاوت پوه مولوی عبیدالله هوتک یک تن از قضات مجرب و سابقه دار کشور ترجمه گردید. (۵: ۳۴۵)

۵- قسمت وکالت ها از مواد (۱۴۴۹) الی (۱۵۳۲) توسط محترم مولوی امان الله موج سمنگانی و محترم مولوی عبدالهادی قاری زاده، دو تن از قضات مجرب و دانشمند کشور ترجمه گردید.

۶- کتاب صلح و ابراء شامل مواد (۱۵۳۱) الی (۱۵۷۱) و کتاب اقرار شامل مواد (۱۵۷۲) الی (۱۶۱۲) توسط محترم قاضی مطیع الله جمیلی ترجمه گردید.

۷- قسمت هبه شامل مواد (۸۳۳) الی (۸۸۰) که بار اول بوسیله محترم محمد صدیق راشد سلجوقی ترجمه شد بود، بنا بر عدم دریافت نسخه اصلی، بار دوم بوسیله محترم قاری عبدالرحیم عینی ترجمه گردید.

۸- قسمت امانت ها شامل مواد (۷۶۲) الی (۸۳۲) بعین دلیل فوق توسط محترم مولوی امان الله موج سمنگانی بار دوم ترجمه گردید.

۹- قسمت اول بیوع شامل مواد (۱۰۱) الی (۲۵۱) که قبلاً توسط دانشمند محترم عبدالمالک جوهر صدیقی ترجمه شده و قسمت های بعدی آن تحت کار است و هنوز آماده چاپ نشده است. (۵: ۲۳۴)

از سال (۱۳۵۰) به بعد که کار ترجمه شرح اتاسی مجله الاحکام آغاز گردید، محمدعثمان ژوبل به این شرح و سایر شروح مجله الاحکام که در بالا یاد آوری شد، سر و کار داشت و طی این مدت نظریات زیادی از جانب یکعده قضات

واهل مطالعه ارائه شد و تقاضا به بعمل آمد اگر ممکن باشد، مواد مجله الاحکام بدون شرح و توضیح بحالت اصل آن در متن عربی همراه با ترجمه متن دری آن به نشر برسد برای دریافت حکم نسبت شروح تسهیلات زیادی را در قبال خود داشت. (۳: ج ۴، ۲۲۷)

از جانب دیگر محمدعثمان ژوبل به ضرورت این مامول دقیقاً متوجه گردید و تصمیم گرفت تا متن عربی و دری مجله الاحکام را به طور مجزاء از شروح آن بحیث کتاب مستقل تنظیم و انتشار دهد.

بناءً با استفاده از ترجمه های فوق که قسماً از قبل موجود بود و با مقابله (مقایسه) آن با متون عربی که طور مستقل و در ضمن شروح انتشار یافته بود، متن حاضر را از خلال سایر متونی که درین زمینه در اختیار بود، تهیه گردید و پس از تنظیم، تنقیح و تصحیح، متن را آماده طبع گردانیده که در چهار جلد ذیل پیشکش نمود:

جلد اول - شامل مقدمه بیوع و اجاره - مواد (۱ الی ۶۱۱)

جلد دوم - شامل کفالت، حواله، رهن، امانت ها، هبه، غصب، اتلاف مال، حجر، اکراه و شفعه، مواد (۱۰۴۴ الی)

(۶۱۲)

جلد سوم - شامل شرکت ها - مواد (۱۰۴۵ الی ۱۴۴۸)

جلد چهارم - شامل - وکالت، صلح، ابراء، اقرار، دعوی، حجت، (بینات) سوگند و قضاء مواد (۱۶۴۹ الی ۱۸۵۱)

(۱۰: ج ۳، ۲۳۴)

ترجمه های سابق

از دید محمدعثمان ژوبل در ترجمه های سابق ملاحظات ذیل وجود داشت:

۱. ترجمه ها تا جائیکه صورت گرفته بود، طور مستقل نبوده بلکه در ضمن شروح مجله الاحکام بطور ضمنی و متفرق انجام یافته بود که اگر تمام آن بعد از اكمال ترجمه چاپ گردد، بیش از بیست جلد را احتواء می نمایند که مراجعه به آن خالی از مشکلات نیست.

۲. در ترجمه های سابق اصطلاحات فقهی و حقوقی در نظر گرفته نشده بود.

۳. برای کسب اطمینان از صحت متن دری با متن عربی ایجاب مقابله و تطبیق هر دو متن ضروری دانسته

میشد.

از جانب دیگر بخش های زیادی هنوز ترجمه نشده و یا ترجمه آن بدسترس نبود و در اثر جنگ ها و حوادث اخیر از میان رفته است، لذا تصمیم بر آن شد تا آنچه در اختیار قرار دارد، آن را در مقابله و تطبیق با متن اصلی عربی تنظیم و بخش های ترجمه نشده نیز تهیه و به آن ایزاد گردد که همین طور شد و دوره مکمل این کتاب به مقصد تسهیل مطالعه و بمقصد سهولت دریافت آن در چهار جلد تنظیم گردید و پس از ملاحظه، ارزیابی و تأیید اهل فن و خبره انتشار یافت. (۲: ج ۴، ۳۴۲)

نتیجه گیری

اخیرا کتاب مجموعه قواعد و مسایل فقهی مجله الاحکام العدلیه که حاوی چهار جلد می باشد، در مورد آن ابهامی وجود ندارد و جای بحث نیست زیرا همگان بخصوص اهل نظام عدلی و قضائی افغانستان سایر علاقمندان حقوق به خوبی میدانند که مجله الاحکام العدلیه در زمان امپراطوری عثمانی توسط گروهی از علماء ودانشمندان آنوقت در مطابقت با احکام فقه حنفی شریعت اسلام به متن عربی تنظیم و تدوین گردیده بود، ودر اکثر کشور های اسلامی به شمول کشور ما افغانستان تا به الحال مورد تطبیق و اجراء قرار داده شده است.

الحمدلله دانشمندان علوم فقهی زحمات زیادی نمودند تا که موادات قواعد فقهی مجله الاحکام را تشریح وتوضیح نمایند که این عملکرد فقههای اسلام خیلی ها برداشت ها را در اخذ فتاوی و صدور احکام سهل ساخته است که میتوان کتاب درر الاحکام شرح غرر الاحکام را نام برد. وقتی محتوای مجموعه مورد دقت و ارزیابی قرار داده شد، معلوم گردیده که متن دری مجله الاحکام در مطابقت با متن عربی قرار دارد و انتشار این کتاب ابتکاریست که از جانب مدون آن محمد عثمان ژوبل رئیس نشرات ستره محکمه وقت با قبول زحمات فروان و مراجعه به مأخذ و منابع موثق صورت گرفته است.

مأخذ

- آتاسی، محمد خالد. (۱۴۰۳). **شرح المجله**. جلد چهارم، کویت: مکتبه انتشارات اسلامیه.
- افندی، علی حیدر. (ب.ت). **در الاحکام شرح مجله الاحکام**. جلدچهلیم، کویت: دارالمکتبه العربیه.
- آتاسی، محمدطاهر. (۱۳۴۹). **شرح مجله**. مترجم: . . . بیروت: دارابن کثیر.
- احمدگل. (۱۳۸۱). **توضیح قواعد فقهی مجله الاحکام**. قضاء، کابل: مطبعه دولتی.
- توخی، هروی عبدالعلی شاه. (ب.ت). **شرح قواعد کلیه و ضوابط عمومیه**. بیروت: دارالکتب العربی.
- رستم باز، لبنانی سلیم. (۱۹۲۳). **شرح مجله الاحکام**. بیروت مطبعه الادبیه.
- مصری، سیدسابق. (۱۳۸۷). **فقه السنه**. مترجم: دکتر محمود ابراهیم. جلد چهارم. تهران: مردم سالاری.
- (۱۹۴۹). **منیر القاضی**. جلد چهارم. عراق: مطبعه العانی.
- وزارت عدلیه. (۱۳۵۵). قانون مدنی افغانستان. جلد دوم، جریده رسمی کابل: مطبعه دولتی.
- وزارت عدلیه. (۱۳۵۵). قانون مدنی افغانستان. جلد سوم، جریده رسمی کابل: مطبعه دولتی.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

تکامل ساختارهای شهری در عصر کوشانیان

پوهنیار مرضیه عزیز رحیمی

پوهنتون بلخ - پوهنځی تعلیم و تربیه، دیپارتمنت تاریخ

تقریظ: پوهاند سلطان محمد انصاری

چکیده

کوشانیان که در افغانستان از سال ۴۰ میلادی تا ۲۲۰ میلادی حکمروایی کرده بودند در این مدت پادشاهان متعدد از این سلسله به قدرت رسیده‌اند. دوره درخشان کوشانی از لحاظ پیشرفت‌های وسعت سرزمین، گشودن راه‌های تجاری، پیشرفت در عرصه علوم، نقاشی، هنر خطاطی، شهرسازی، نوشتن کتیبه‌ها، ساختن مسکوکات و ضرب سکه‌های متعلق به آن دوره در تاریخ از اهمیت خاص برخوردار است؛ که از جمله شاهان این دوره کنشکا مقتدرترین شاه این سلسله بوده با توجه به پیشرفت‌ها در عرصه‌های مختلف توجه بیشتر در ساختن شهرها، ضرابخانه‌ها، معابد، مکان‌های مذهبی، برج و باره‌ها نمودند که شهرها از جمله عناصر مهم رشد مدنیت کشورها بشمار می‌روند. شهرهای ساخته‌شده در عصر کوشانیان چنانچه از حفريات باستان شناسان هویدا می‌گردد متعلق به دوره حکمروایی کنشکا است. یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که دوره کوشانیان نسبت به دوره‌های قبل از آن‌ها (یونان و باختری) در آسیای میانه، افغانستان و هندوستان شهرها و شهرک‌های خیلی زیبایی بنا کرده‌اند که توجه بیشتر آن‌ها نسبت به شهرهای دیگر زیاده‌تر گندهارا و پایتخت‌های زمستانه و تابستانه آن‌ها پشاور و کاپیسا بوده است و این شهرها از لحاظ سیاسی نیز دارای اهمیت خاص بوده است و به شهرهای دیگر که مراکز مذهبی آن‌ها نیز در آنجا اعمار شده بوده از لحاظ مذهبی و دینی پیشرفت نموده و قابل توجه هست مانند شهر مذهبی گندهارا که با تزینات خاص به شیوه معماری آن زمان اعمار شده و دارای مکان‌های مذهبی بی‌شماری هست. علاوه بر آن از مطالعات و تحقیقات به‌دست‌آمده چند شهر دیگر نیز از لحاظ سیاسی برایشان مهم بوده که ضرابخانه‌های آن‌ها در این شهرها بوده است مانند: بلخ، کاپیسا، سرخ کوتل، پشاور، تکسیلا، سیالکوت و متهورا هست. بناءً هدف از نگارش این مقاله شناخت شهرهای مهم این دوره، چگونگی معماری آن و تکامل ساختارهای شهری هست که ساختارهای شهری کوشانیان با در نظر داشت شیوه‌های معماری‌شان به معرفی گرفته شود و از معماری شهری عصر یونان باختری تفکیک گردد. در این تحقیق از روش تحلیلی و توصیفی بر اساس تحقیقات کتابخانه استفاده صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کوشانیان، شهرها، معماری، معابد، فرهنگ

مقدمه

در تاریخ افغانستان کوشانیان و دوره سلطنت آنها از اهمیت خاص برخوردار بوده است و نقش آنها در پیشرفت و ترقی کشور در عرصه‌های تجاری، معماری، عمران و آبادی و ساختن شهرها با معیارهای خاص و برجسته آن دوره به شکوه سلطنت آنها افزوده بود. کوشانیان مانند سایر قبایل یوچی خشن بودند ولی تماس آنها به آریانا زمین و مدنیت باختری و مراودات تجاری با تاهیا (تخاریان) به تجارت و متمدن شدن کمک نمود. سلطنت و حکمروایی آنها یکی از درخشان ترین دوره‌های قدیم تاریخ آریانا بشمار می‌رود کنشکا که مقتدرترین شاه این سلسله هست بناءً «شاه گندهارا» معروف بوده چرا که او از نقطه نظر وسعت سرزمین امپراتوری وسیع را بنیاد نهاده بود که در افغانستان و آریانا قدیم سابقه نداشت. یافته‌ها درباره وسعت فرهنگی و تجاری کوشانیان با شرق و غرب نشان‌دهنده عظمت این دوره باشکوه هست. این سلسله در پهلوی همه ترقیات ذکر شده در ساختن شهرها و آبادی و عمران مناطق مفتوحه ایشان قابل‌ستایش است که توجه آنها از لحاظ ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های مذهبی، تزیینات و موضوعات دفاعی به ساختن شهرها و شهرک‌ها بوده و از این لحاظ حائز اهمیت هست لازم به ذکر است که توجه بخصوص کنشکا به شهر گندهارا که به حیث مرکز به مناطق مفتوحه آنها بوده توجه لازم می‌نمودند ولی شهرها و شهرک‌های دیگر جهت پیشرفت و مدنیت پروری قابل‌توجه و آبادانی بوده است که در این مقاله به صورت مشروح درباره آنها توضیح داده شده است.

هدف تحقیق

هدف نگارش این مقاله شناخت شهرهای مهم این دوره، چگونگی معماری، تکامل آنها و پیشرفت و ترقی در شهرنشینی و مدنیت پروری در این دوره هست.

اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق این مقاله در آن است که ساختار شهری کوشانیان با در نظر داشت شیوه‌های معماری‌شان به معرفی گرفته شود و از معماری دوره یونان باختری تفکیک گردد.

پیشینه تحقیق

درباره دولت مقتدر کوشانیان محققان و نویسندگان زیادی تحقیق نموده‌اند اما در قسمت ساختارهای شهری در این دوره معلومات منسجم و همه‌جانبه از طرف محققان خارجی و داخلی ارائه نشده است. بناءً لازم می‌دانم که در این مورد تحقیقات همه‌جانبه ارائه نموده شهرهای مهم و تکامل یافته این دوره را از نظر ارزش سیاسی و معماری آن مشخص نمایم. محققان که در این مورد تحقیقات انجام داده‌اند از جمله محترمان حضرت علامه عبدالحق مجددی و داکتر فضل‌الله مجددی. (۱۳۹۴)، در کتاب حقیقت التواریخ افغانستان از امیرکبیر تا رهبر کبیر درباره چگونگی به قدرت رسیدن کوشانیان و خاستگاه آنها مختصراً معلومات داده‌اند.

محترم میر غلام محمد غبار (۱۳۹۴)، در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ جلد اول درباره به قدرت رسیدن کوشانی ها، شاهان مقتدر این دوره و پیشرفت در عرصه های مختلف هنر، تجارت گشایش راه ها بخصوص جاده ابریشم معلومات داده است.

محترم مرحوم عبدالحی حبیبی (۱۳۸۸)، در کتاب تاریخ مختصر افغانستان صفحه ۵۸ درباره خاستگاه قوم کوشانی و مدت حکمروایی این خاندان مختصراً نگاشته اند.

مجله تحقیقاتی کوشانیان (۱۳۹۹)، درباره مفاهیم برخی از نمادهای بودائی، شهرهای ضرب سکه، اهمیت دوره کنشکا، هنر دوره کوشانی ها در کابلستان و غیره موارد دیگر این دوره مقالات به چاپ رسانیده اند.

محترم احمدعلی کهزاد (۱۳۹۱)، در کتاب تاریخ افغانستان درباره خاستگاه کوشانیان، زبان، رسم الخط این دوره، مسکوکات، چونگی به قدرت رسیدن کوشانیان و زوال این سلسله معلومات مفصل ارائه نموده است.

روش تحقیق

در این مقاله از روش تحلیلی و توصیفی بر اساس تحقیقات کتابخانه استفاده صورت گرفته است.

نگاهی بر دوره کوشانیان

قبایل سیتی در اصل در کاشغرستان (ترکستان چینی) زندگی می کردند؛ و همچنان در حوزه سیحون (آمودریا)، شمال بحیره خزر و شمال بحیره سیاه زیست می کردند از قرن هفتم تا سومقبل از میلاد از تیانشان تا ارال گسترش یافتند. کوشانی ها شرقی ترین قبایل سیتی است که بین توسن هوانگ و کی لین سکونت داشته اند و با هوانگ نوها همواره در جنگ و جدال بسر می بردند (مجددی، مجددی، ۱۳۹۴، ۱۳).

قرار که منابع شرقی (چینی) و منابع غربی (یونانی) برمی آید کوشانیان در اثر جنگ هایکه با هیوانگنوها (هن ها) به عمل آوردند در حوالی سال ۱۳۸ هجری قدر نواحی فرغانه رسیدند و در حوالی ۷۰ ه ق از رود آمو گذشته در شمال هندوکش علاقه های بغلان رسیدند که شواهد از آنجا کشف شده است در حوالی ۵۰ قبل از میلاد کوشانی ها وارد حوزه کاپیسا و کابل شدند و جای آخرین پادشاه یونانی کابل را گرفتند و بساط شهر جدید و مستحکمی را در جوار شهر یونانی بگرام گذاشتند و این شهر پایتخت تابسانی سلاله کوشانی های بزرگ شد.

پایتخت تابستانی از این جهت گفته می شود که کوشانی های بزرگ غیر از بگرام دو مرکز دیگر هم داشتند دوره کوشانی های بزرگ از حوالی ۵۰ قبل از میلاد تا آغاز ربع اول قرن سوم میلادی در کابل را در بر می گرفت و این دو قرن در تاریخ افغانستان قدیم یکی از دوره های بزرگ و باشکوه به حساب می آید همان طوریکه ایران در عصر ساسانیان به ایران شهر مشهور شده بود افغانستان نیز در عهد کوشانیان به (کوشان شهر) مسمی گردیده بود (کهزاد، ۱۳۸۹، ۱۶۳).

این مردمان زمانی که از آمودریا گذشته و به کمک تخاریان باختر (شمال) را گرفته و در اثر آمیزش که بین آن‌ها و تاهیا (تخاریان) به وجود آمد یک قبیله معروف آن‌ها بنام مکوشی یا کوی شانگ که مسماست به کوشان به وجود آمدند. ریس این قبیله کیو- تسیو - کیوو به گفته مورخان چینی همان کجولا کدیفیزس هست (حبیبی، ۱۳۸۸، ۵۸).

اولین پادشاه کوشانی (کجولا کدیفیزس) توانست که در سال ۴۰ میلادی هندوکش را عبور کند و دولت کابلستان را که تحت نفوذ پارتی‌ها (پهلواها) بود از میان بردارد توانست این منطقه را تا رود سند باختر و سغدیانه متصل سازد. در پهلوی آن در غرب تا ایالات پارتیا (خراسان کنونی) به پیش رفت در سال ۷۸ میلادی و یما کدیفیزس پسری وی هندوستان شمالی را نیز تسخیر کرد و یما کدیفیزس می‌خواست که سر رشته راه ابریشم را به واسطه تسخیر کاشغرستان به دست آورد. وی به این آرزوی خود نرسید. در سال ۱۲۰ میلادی کانشکا سلطنت را به دست گرفت وی تا سال ۱۶۰ میلادی توانست قدرت را به دست داشته باشد و برای حفظ آن کوشید این شاه مقتدر در پهلوی فتوحات زیاد پایتخت دولت کوشانی را از شمال هندوکش به جنوب هندوکش انتقال داد. (بگرام در کاپیسا مرکز تابستانی و پشاور مرکز زمستانی قرار گرفت) بعد از سال ۱۶۰ میلادی پسران کانشکا به قدرت رسیدن که تا حوالی ۲۲۰ میلادی در افغانستان حکومت کردند. بقایای دولت کوشانی سرانجام با ساسانیان شکست خوردند و فرمانروایی‌شان پایان یافت (غبار، ۱۳۹۴، ۶۱).

اوضاع اجتماعی در این دوره بزرگ از قرن اول تا سوم میلادی دنباله همان عهد یونان باختری است در دوره کوشانیان رسم الخط همان رسم الخط قدیم افغانستان خروشی بود که از راست به چپ نوشته می‌شد زبان آنان نیز ختنی خوانده شده که غیر از زبان تخاری هست.

معماری و هیكل تراشی در صدر هنرهای در این دوره در افغانستان پیشرفت نموده بود که تا هنوز هم مجسمه‌های حیرت کننده بامیان نظاره کنندگان را به حیرت می‌اندازد بر علاوه معماری، نقاشی و رسامی نیز در این دوره انکشاف کرده بود بعضاً مسکوکات کشف شده از مناطق مانند میرزکه (گردیز) خزانه تپه مرنجان (کابل) و زیورآلات کشف شده از بگرام و معبد کشف شده از قول نادر (کاپیسا) و غیره مناطق افغانستان نشان دهنده پیشرفت‌ها در این دوره هست تجارت افغانستان در این دوره وسیع شده بود زیرا راه‌های ترانزیت مال التجاره بین چین، هند و ایران از طریق راه ابریشم صورت می‌گرفت و کنترل این راه با اهمیت، به افغانستان قرار داشت (غبار، ۱۳۹۴، ۶۳).

چنانچه آثار یکه از خرابه‌های بگرام در شمال کابل به دست آمده از وجود امتعه‌ها و پیداوارهای چینی، هندی، سوریه و مصر حکایت می‌کند بخش بزرگ آثار باستانی کشف شده در افغانستان مربوط این دوره هست حکمرانی کوشانیان در افغانستان تا سده سوم میلادی دوام داشت در این مدت حکمروایی‌شان با توجه به دست آوردهای شان که در عرصه‌های مختلف ذکر کردیم شهری ساز نیز از اهمیت والای برخوردار بود و اهمیت فراوانی داشت که ضمناً به آن می‌پردازیم (فرهنگ، ۱۳۹۱، ۳۲).

نام کنشکا که در تاریخ بسیار مشهور و پرافتخار است. در تاریخ قدیم افغانستان، هندوستان و آسیای مرکزی همه جا بلندآوازه است در روشنی معلوماتی که در سال‌های اخیر تازه از روی حفريات سرخ کوتل به دست آمده کنشکا در نیمه قرن دوم میلادی دولت مقتدری در دو طرف هندوکش تأسیس نمود در اثر حفريات یکه در هشت سال اخیر در سرخ کوتل انجام شده به ثبوت قطعی رسیده که کنشکا در صفحات شمال افغانستان احتمالاً در بلخ، جلگه غوری، بغلان، شهرها و مراکز

بزرگ داشته و بدون شک یکی از مراکز حکمروایی او در ۲۰ کیلومتری جنوب غرب پلخمري امروزه در ماحول تپه سرخ کوتل قرار داشته استوی بعد از افغانستان در هندوستان نیز به ساخت و تکامل شهرها و مراکز برای بسط حکمروایی خود کار کرده است (کهزاد، ۱۳۸۹، ۱۷۰).

گندهارا

گندهارایا دره کابل موقعیت ایست در جنوب هندوکش شرقی و از سرچشمه رودخانه کابل تا اتک در برمی گیرد. گندهارا در زمانه های قدیم تماماً جز خاک آریانا بوده وامرو زهم حصه غربی که بزرگترین حصه آن را تشکیل می دهد جز کشور عزیز ما افغانستان هست. دره گندهارا در داستان های بودائی رول مهم بازی کرده و به گفته زائر چینی معابد باشکوه از عصر موريا گرفته شده تا عصر کوشانی در اینجا مرتب آباد شده و یادگار قدامت مذهبی در معابد نشان دهنده آن است؛ که دره گندهارا از نظر سیاسی عصر شکوه دولت کوشانی مخصوصاً دوران سلطنت کنشکای کبیر موقعیت مهمی را احراز کرده بود دلیل فتوحاتی که کوشانیان در خاک هند داشته اند دره گندهارا تقریباً مرکز فتوحات این امپراتوری پهناور به حساب می آمد روی همین دلیل دو یا سه پایتخت بهاری، تابستانی و خزانی امپراتوری کنشکا در حصص اولی، وسطی و آخری این دره قرار می گرفت و دل بستگی زیادی کنشکا از همین جهت زیادتیر گفته شده است که مدققین او را به بناء (شاه گندهارا) لقب داده اند یکی از صفتهای دیگری که گندهارا به خود احراز کرده بود همانا انبساط صنایع نفیسه و امنیت آن در پناه سد سنگی هندوکش بوده است. برای اهل مطالعه تاریخ روشن است که وقت بوقت در اثر جنگ های و بیجان شدن قبایل آسیایی مرکزی و غلیان اقوام در نقاط دوردست آسیایی جنبش های رخ می داد که بالاخره به حوزه آمودریا منتهی می شد و اینجا به حیث دورائی شاخه از اقوام وارده به طرف غرب جانب سواحل دریای خزر و ماورای آن به خاک های غربی آسیا و شرق اروپا منتشر گردیده و شاخه به طرف جنوب آمودریا فرود آمده و در کوه پایه های آریانا تقرر یافته و سلطنت خود را تشکیل کرده و با جریان قسمتی از آب خروشان هندوکش بناء مهاجرت و فتوحات و لشکرکشی و غیره به وادی های هند پراکنده می شدند. گندهارا در پناه دیوارهای بلند هندوکش بوده از تصادمات درامان بود و فضای صلح و آرامش بادوام برای پرورش صنعت گریک و بود یک خوب مسیر بود موسیو الفردفوشه که درشناسایی این مدرسه صنعتی از همه دانشمندان پیش قدم است در آخرین اثر خود گندهارا را «سرزمین هنر» خواند روی همین دلیل گندهارا از نقطه نظر جغرافیه، نژاد، سیاست، مذهب و مروتات تجارتی خیلی مهم و اساس است (کهزاد، ۱۳۹۱، ۵۱۵ - ۵۱۶).

هنر معماری مذهبی عصر کوشانی ها در حوزه گندهارا

باوجودی که معماری طبیعتاً هنر ساختمان هاست ولی در معماری شیوه ها و کاربردها به گونه پدیده های اضافی و علاوگی های برای شناخت معماری در حوزه گندهارا که شامل نقاط و مناطق متعدد می گردد، کلاً بر اساس نیازمندی ها و عبادات نیاشگران در دوره کوشانی مربوط به طریقه بودائی بوده و قبل از آن ساختارها و تداخل تأثیرات هنری، یونانی و شباهت های از هنر رومی را به خود اتخاذ نموده است. بهویژه وقتی که معماران سنگ های چهارگوشه تراشیده شده را در سطوح خارجی ستوپه نصب می نمودند که مثال خوب آن را می توان شاجیکی دری به ملاحظه رساند.

به نظر می رسد ساختارهای هنری و معماری گندهارا نه تنها متعلق به دوره کوشانی بوده می تواند بلکه بستر گسترش معماری و هنرهای ظریفه غیر بودائی با تأثیرات عمیق هلنستیک و عوامل ویژه هنری واتیکی مورایی نیز قبل از ساختمان ها،

معماری و هنرهای ظریفه بودائی در عهد تسلط شاهان، یونان و هندی خیلی‌ها مساعد گردیده بود، به همین منوال می‌توان گفت که انکشاف و گسترش آیین بودائی در عصر کوشانی، زمینه‌های مساعد روی اصالت‌های هنری و معماری قبل از کوشانی و قبل از گسترش و پیشرفت آیین بودائی صورت گرفته بود. مثال خوب آن را می‌توان معماری و هنرهای ظریف یونانی در تاکسیلا (Taxila) و سایر علاقه‌های گندهارا، دانست. به‌ویژه اینکه در ریلیف‌های مکشوفه تکسیلا، صحنه‌ها و زمینه‌های تبلور و تجسم اساطیر، خدایان و نحوه فرهنگ باز یونانی را به گونه که در یونان برجسته تجسم می‌شد در حوزه گندهارا به وضاحت و سهولت بیشتر به وجود آمد و پیش‌زمینه‌های ایجاد معماری و هنرهای ظریفه و تبلور تجسمات بودائی، پیدایی گرفت. در بسیاری از منابع و مدارک به‌دست‌آمده ساختمان‌های در اطراف و یا در محوطه معابد می‌بود دارای مشخصات ویژه و قانونمند بوده که در دوره کوشانیان این مأمول کلاً اعم در معابد و ساختارهای مذهبی و هم در معماری و ساختارهای ره‌ایشی غیر از معابد و معماری مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت (عزیزی، ۱۳۸۸، ۳۲-۳۳).

نقش معماری، اصول و قواعد هنری هلنستیک در دوره کوشانی‌ها من جمله عصر کنشکا نهایت مثمر و تأثیرگذار بوده در معماری گندهارا قواید مهندسی، معماری و ساختار پنج تترا و قواعد آرتاساتسترا مدنظر گرفته می‌شد ولی آفریده‌های هنری یونانی در تبلور و تحقق این قواعد در حوزه‌های متعدد گندهارا قابل ملاحظه هست. در آرتاساتسترا ذکر است که قبل اعمار منازل به هر نحوی که باشد، زمین مستحکم و قابل اطمینان بایست انتخاب گردد، به همین منوال وقتی ساختارهای مذهبی و غیر را در حوزه گندهارا مشاهده می‌نمایم از سیستم‌های تهداب کنی‌ها طوری هویدا است که معمار در نقطه صفری و تحفظ از رطوبت و سایر اشکالات اعمار ساختمان‌ها را مدنظر می‌گرفت.

ساختمان‌های برج‌های مراقبتی در دیوارهای بلند ارتفاع شهری و حتی برج‌های مراقبتی و تحفضی برای شهرها و معابد، تأکید می‌شد که به‌صورت ضروری و حکمی اعمار می‌گردید، بر اساس متن میلین داپاهدا (Milindaphada) دیوارهای محاط شهری دارای دروازه‌های ورودی و خروجی بوده و همین قانونمندی را در معابد بودائی و بعدها در معابد شیوایی در دره‌های کابل ساحات ناگاراها و شمال غرب سند در معابد متعدد از پورا شاپورا تا هودیانه قابل یادآوری است از منابع هندی دیگری یکی هم جاتا کاس (Jatakas) است که در مورد شهربان‌ها و وظایف وی را در ساختمان‌های حفاظتی شهر مشخص ساخته و این شهربان‌های مسئول شهری که آن را دوواریکا (Dovarika) گفته‌اند دروازه‌های شهر را شب بسته نموده و وظایف دیده بان‌ها را در برج‌های مراقبتی تعیین می‌نمود. روابط تجارتی و مناسبات اجتماعی در دوره کوشانی‌ها در جنوب هندو کوه و ساحات متعدد گندهارا بسیار آزاده و گسترده بوده تجار و بازرگانان چینی، مردمان سکیت و پارتی، ساکه‌ها و بلخی‌ها به شمول یونانیان بازمانده در داخل این‌گونه ساختمان‌های شهری داخل می‌شدند

محاط باهم زندگی می‌نمودند و یا اینکه بهترین مقر برای دادوستد منطقه تجارتی شمرده می‌شد، آن‌ها از قوانین شهری در دوره کوشانی‌ها اطاعت می‌کردند و مناسبات اجتماعی را حفظ می‌نمودند.

مردمان بلخی و توشاراس (Tusaras) یا تخاری‌ها نیز در شهرهای معمور گندهارا وجود داشته و در فضای آرام و مسالمت‌آمیز زندگی به سر می‌بردند. ساختمان‌های متعدد برای مأمورین، سپاهیان، روحانیون، کسبه کاران و محوطه برای اجتماع زنان و محلات برای ساکنان خارج از گندهارا ساخته می‌شد آنچه قابل یادآوری است ساختمان‌های برای طرح هنری ظریفه و نگارخانه‌ها در داخل شهرها که به‌مثابه محل برای Citrasasla بود آماده می‌شد و می‌توانستند عامه از این نگارخانه‌ها اشیای هنری مورد ضرورت خود را به دست بیاورند.

دستگاه‌های هنری به اتاق‌ها و ساختارهای متعددی انسجام می‌یافت بیشتر امور این نگارخانه‌ها نشان‌دهنده صحنه‌های بهشت، رزم و پیکار و معرفی قهرمانان بوده و در آن علایم نجومی و ستاره‌شناسی نیز به تصویر کشیده می‌شد (عزیزی، ۱۳۸۸، ۳۸، ۴۱).

شهرهای مهم و معروف عصر کوشانیان

شهرها عنصر مهم رشد مدنیت کشورها هست درباره شهرهای کوشانیان سرچشمه‌های خطی و اساساً باستان‌شناسی معلومات می‌دهند. مطابق معلومات پتالیمی که در قرن ۲ میلادی ارائه شده کشور را به ۳۵ شهر و قریه، در پرایمیسد (ولایت کابل) ۱۶ شهر در تگینه (سکستان) ۱۱ شهر، در ارخاسیه ۱۲ شهر دیگر موقعیت داشته‌اند؛ که یکی از بزرگ‌ترین شهرها باختر بود که عنوان مادر شهرها را داشت. از حفاریات باستان‌شناسی برمی‌آید که بسیار شهرهای که در زمان یونان باختری از آن‌هم بیشتر پیداشده بودند، در زمان کوشانیان نیز آباد بودند. به این قطار باختر، سمرقند، مرو و غیره مناطق دیگر داخل می‌شوند. یافته‌های باستان‌شناسی شهادت می‌دهند که این دوره، نسبت به دوره یونان باختری به شماری شهرها و شهرک‌ها در آسیای میانه و دیگر قسمت‌ها افزایش یافته بودند (رحمان، ۱۳۹۲، ۳۲۲-۳۲۳).

یکی از شهرهای بزرگ باختر کاپیسا بود آن پایتخت پرایمیسد (ولایت کابل) به شمار می‌رفت. خرابه‌های آن ۶۰ کیلومتر شمال کابل در نزدیک شهر بگرام واقع گردیده‌اند. مساحت شهر ۲۵ هکتار بوده، دیوارهای مدافع داشت. بناء مدافعی دمنه بگرام با کیقباد یکسان هست که این موجودیت سنت و معیارهای واحد معماری، ساختمانی را نشان می‌دهند. از بین شهر کاپیسا کوچه درازی می‌گذشت؛ که در اینجا قصر شاه واقع گردیده بود هنگام حفاریات باستان‌شناسان در اینجا شماره زیاد اشیای نفیس مانند قطیچه‌های سیاه جلا دارچینی، ظروف شیشه‌ای منقش رومی، صدف‌های گچی با صحنه‌های اساطیر یونانی، جزوهای منقش از استخوان فیل ساخته شده کرسی‌های و غیره یافت شده است. این باز یافته‌ها درباره روابط وسیع فرهنگی و تجاری باختر زمان کوشانیان با ممالک غرب و شرق را نشان می‌دهند.

در ولایت بغلان کشور عزیز ما در نزدیک رباطک شهرک زمان کوشانیان موجود بوده که از آنجا کتیبه یافت شده که از عظمت دوره کنشکا شهادت می‌دهد. در شمال و مرکز هندوستان شهرهای بزرگ از زمان کوشانیان وجود داشته که بزرگ‌ترین آن‌ها پورشاپورا (پشاور) بود از روی تاریخ هندی کنشکا این شهر را پایتخت خود انتخاب نموده بود.

دیگر شهر بزرگ این منطقه تکسیلا به شمار می‌رود؛ که خرابه‌های آن در نزدیک راولپندی امروزه واقع گردیده است. خلاصه شهرسازی و شهرنشینی که نشانه رشد بلند مدنیت ملت و دولت‌ها می‌باشند، در دولت کوشانیان انکشاف کرده بود (رحمان، ۱۳۹۲، ۳۲۸-۳۲۹).

نظر به مطالعات انجام شده شهرهای ذیل بناء بر هر دلیلی هشت شهری هستند که از اهمیت سیاسی بارزی برخوردار بوده‌اند: بلخ، سرخ کوتل، کاپیسا (بگرام)، پشاور (پوشکوالاتی)، تکسیلا (تکشیلا)، کنشکاپور، ساگالا (سیالکوت) و متهورا (براسی، ۱۳۹۹، ۴۶).

شهر شاهی کاپیسا

کاپیسا همان طوریکه امروزه حاصلخیز و شاداب و یک قطعه باغ و تاکستان قشنگ است، در زمانه‌های باستان هم از این نقطه نظر شهرت زیاد داشته و تا جاییکه از بعضی منابع معلوم می‌شود حتی در قرن ششم ق.م. معاصر تهاجم میرویس هخامنشی در آریانا شهری مستحکمی در اینجا وجود داشته و در همین وقت پانی نی انگور و شراب در آنجا تعریف می‌کند.

کاپیسا در تاریخ کوشانیان از این نقطه نظر مهم است که زمان کنشکا پایتخت زمستانی بوده و قبل از آن نیز این شهر از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. در بگرام روی همه رفته دونه نقطه مشخص داریم یکی عبارت از برج (عبدالله) و دیگر بقایای شهری وسیع‌تری است در (۶۰۰) متری دورتر به طرف جنوب واقع هست.

در اثر حفاریات و تحقیقاتی عملی که موسیو گریشمن در محوطه برج عبدالله نموده به ثبوت رسیده که اینجا در عصر اسکندر از طرف یونانی‌ها قلعه مستحکمی به اصول محلی که چهار گرد خود حصار، برج، باره و خندق آباد شده بود این محل همان شهر «نیکایا» یا «نیسه» است که «مستر ولسن» و «مکدونالد کوندل» «فوشه»، «هاکن»، «گریشمن» موقعیت آن را در بگرام قرار می‌دهند و فوشه آن را «شهر قدیم شاهی» خوانده است (کهزاد، ۱۳۹۱، ۴۵۴).

هیوان تسنگ وقتی که به این شهر رسید با شاه وقت کوشانی در کاپیسا ملاقات کرد و وی در نوشته‌های خود می‌نویسد که در این ناحیه یکصد معبد و شش هزار راهب بودائی زندگی می‌کرد معبد بودائی شابهار (شیر) و بعضی معابد شاهی و آبدات بودائی درو و نزدیک در اثر حمله اعراب ویران شدند، مانند معبد شالوکیه معبد یرغل‌های چینی نیز در جوار شهر بگرام قرار داشت و زایر چینی در همانجا یک ماه اقامت کرد. از اینکه این موقعیت خوبی داشت اسکندر مقدونی بعد از تصرف هرات وارکوزیا وارد کابل شد. از احوالی کابل گذشته و به مقام بگرام متوقف گردید و آنجا اسکندریه قفقاز را اعمار کرد.

هیواتسنگ هم به سیاحت و بازدید از کاپیسا اکتفا کرده به کابل وارد نشد (یمین، ۱۳۸۰، ۲۲۶).

پوراشاپورا (پشاور)

پایتخت زمستانی کنشکا در منتهای الیه شرقی دره گندهارا شهری بود که هیوان - تسنگ بناء (پوروشاپورا) یاد کرده و عبارت از شهر کنونی پشاور هست. اگرچه اینجا را عده از شاهان دیگر کوشانی هم به حیث پایتخت استفاده کرده ولی شکوه و عمرانی آن‌ها در عصر کنشکا هست. پوروشاپورا هم مانند کاپیسا از قسمت‌های جداگانه مخصوص رهائشی سلطنتی و آبدات مذهبی برخوردار بوده، ولی تحقیقات تا حال در اینجا فقط از خرابه‌های معابد و استوپه‌های آن به دست آمده است.

از جمله عمران‌ات شاهی شخص کنشکا که اهمیت پایتخت زمستانی او را تثبیت می‌کند. تعمیر معبد مجلل و عالی نشانی بود که استوپه‌های بیش از ۱۵۰ فوت بلندی داشت و فوشه آن را مجلل‌ترین معبد جهان خوانده است. میان دو پایتخت تابستانی و زمستانی کنشکا که عبارت از همان شهرهای کاپیسی و پوروشاپورا باشد معبری وجود داشت که آن را «راه شاهی» می‌گفتند و قسمتی از شاخه جنوبی اش بناء راهبریشم معروف بود.

بلخ

بلخ که در نزدیکی دریای آمو احراز موقعیت نموده یکی از بالا حصار های مهم به شمار می‌رود که در بسیاری از متون قدیمی از آن یاد شده است. تحقیقات باستانشناسی در این محل نشان‌دهنده آن است که از دوره یونان باختری تا دوره تیموری همیشه مورد استفاده و مسکن گزینی قرار گرفته است. طوریکه ما میدانیم شهر بلخ یکی از مراکز مهم سیاسی در یک منطقه مهم استراتژیک بوده. نظر به شواهد و منابع تاریخی، اردشیر امپراتور ساسانی در اوایل سده سوم میلادی بالای امپراتوری کوشانی حمله نمود که شهر بلخ نیز شامل آن مناطق مورد حمله قرار گرفته هست؛ زیرا همزمان و مطابق به مرحله انتقال و تغییر هست. این موضوع در مسکوکات دوره کوشانیان به خوبی به ملاحظه می‌رسد؛ زیرا ضرب سکه در بعضی از ضرابخانه‌ها از یک مرجع رسمی به مرجع رسمی دیگر انتقال می‌یافت. تنها مرحله گذار شناخته شده و همانا سقوط باختر به دست ساسانیان هست.

این رده مسکوکات قبل از صدور سکه توسط کوشانیان بوده و به نظر می‌رسد که توسط ساسانیان در بلخ ایجاد گردیده باشد. بخش عمده از مسکوکات کوشانیان در بلخ ضرب سکه‌های آن‌ها هست؛ و این دلالت بر آن دارد که شهر بلخ از لحاظ سیاسی دارای اهمیت خاص در دوره کوشانیان بوده است (براسی، ۱۳۹۹، ۴۶-۴۷).

بغلان (سرخ کوتل)

سرخ کوتل و ساحه نزدیک آن رباطک دارای ساختمان‌های بزرگ معابد بوده که مربوط به سلسله کوشانیان هست. سرخ کوتل در کنار دره‌ای بالای تپه بلندی ساخته شده است که یک‌راه پله بزرگی از قسمت پایین این دره به بالا رفته و این محل یکی از مکان‌های عمده و برجسته برای استراحت سیاحانی که از شمال به جنوب می‌آمدند در نظر گرفته شده بود نظر به مطالعات یکه باستان شناسان و سکه شناسان در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۳ روی طرز نوشتن و مشخص ساختن سکه‌های زمان کوشانی انجام داده‌اند نشان می‌دهد یکی مراکز مهم ضرب سکه در سرخ کوتل نیز موقعیت داشته همچنان ادامه انتشار مسکوکات کنشکای دوم در باختر حاکی از آن است که از دست دادن کنترل ضرب از ساحه سرخ کوتل و بگرام تجاوز نمی‌کرد (براسی، ۱۳۹۹، ۴۹).

نتیجه‌گیری

در نتیجه مطالعات و تحقیقات به دست آمده می‌توان چنین ابراز نظر کرد که کوشانیان زمانی که از آمودریا گذشته حکومت یونان باختری را به شکست مواجه کردند؛ و خود را تا کاپیسا (بگرام) رسانیدن و در همین‌جا مستقر شدن قبایل پنج‌گانه یوچی‌ها باهم متحد شده. کوشان در رأس آن‌ها قرار گرفت سلسله کوشانی تقریباً سه قرن در افغانستان، آسیای مرکزی، پاکستان، قسمت‌های از شمال هندوستان و شمال غربی چین حکمرانی کردند. نخستین پادشاه این سلسله کجولاکدفی‌س بود که مناطق مختلف را در افغانستان آسیای مرکزی و هندوستان به دست آورد. بعد از وی پسران او به قدرت رسیدن. بعد از خاندان کدفی‌س خاندان کنشکا که در تاریخ بسیار مشهور هستند قدرت را به دست گرفته که مؤسس آن‌ها کنشکا هست از جمله شاهان مقتدر کوشانی بشمار می‌رود توجه کوشانیان بخصوص کنشکای کبیر در پهلوی وسعت سرزمین‌های مفتوحه به پیشرفت در عرصه‌های علمی، هنری، نقاشی، فرهنگی، تجاری، سیاسی و معماری بوده و اساس

معماری آن‌ها در ساختن شهرها و شهرک‌ها دارای جنبه‌های مذهبی، سیاسی و عمرانی جهت. پیشرفت در مدنیت و شهرنشینی گفته می‌توانیم. از جمله شهرهای که دارای معابد زیاد و برج و باره هست یکی هم گندهارا است؛ که توجه کنشکا در گندهارا از لحاظ سیاسی و مذهبی درخور ستایش بوده و گندهارا را از جمله شهرهای رده نخست قرار می‌دهد بعداً توجه شاهان این سلسله در شهرهای کاپیسا (بگرام) پوراشاپورا (پشاور امروزه) تکسیلا، بلخ، سرخ کوتل، سیالکوت، متهورا و غیره مناطق به دست داشته آن‌ها از لحاظ سیاسی، مذهبی و عمران و آبادی قابل ستایش هست. در کل دوره درخشان کوشانیان را می‌توان از نگاه روابط تجاری پیشرفت و ترقی در عرصه‌های علم و هنر شهرسازی و مدنیت پروری در افغانستان آن روز و امروزه در بین کشورهای شرق و غرب با اهمیت دانست.

مأخذ

- براسی، روبرت. (۱۳۹۹). «تحقیقات کوشانی». مجله علمی آکادمی علوم. مترجم. عبدالحفیظ لطیفی. چاپ چهارم. کابل: آکادمی علوم.
- حبیبی، عبدالحی. (۱۳۸۸). **تاریخ مختصر افغانستان**. پشاور: دانش.
- رحمان، امام علی. (۱۳۹۲). **نگاهی به تاریخ و تمدن آریائی**. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
- عزیزی، نظر محمد. (۱۳۸۸). «کوشانیان». مجله علمی آکادمی علوم. دریمه دوره. لومری گنه. کابل: آکادمی علوم.
- غبار، میر غلام محمد. (۱۳۹۴). **افغانستان در مسیر تاریخ**. کابل: شهر آرا.
- فرهنگ، میر محمد صدیق. (۱۳۹۱). **افغانستان در پنج قرن اخیر**. کابل: خیبر.
- کهزاد، احمد علی. (۱۳۸۹). **افغانستان در پرتو تاریخ**. ایران: پیک.
- کهزاد، احمد علی. (۱۳۹۱). **تاریخ افغانستان (جلد اول، دوم و سوم مکمل)**. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
- مجددی، عبدالحق، مجددی، فضل الله. (۱۳۹۴). **حقیقت التواریخ افغانستان از امیر کبیر تا رهبر کبر**. کابل: بنگاه انتشارات میوند.
- یمین، محمد حسین. (۱۳۸۰). **افغانستان تاریخی (فلسفه نامگذاری، شهرها، شهرک‌ها، کوه ها و دریا های افغانستان)**. کابل: انتشارات سعید.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

د پوست سترکچرلیزم څېړنه

پوهنپار ذبیح الله صاحب ارغند

د بلخ پوهنتون - د ژبو او ادبیاتو پوهنځي پښتو څانګې

تقریظ: پوهندوی غلام نبی کریمی

لنډیز

پوست سترکچرلیزم نوی فکري جريان دی چې د «ژاک دریدا (Jacques Derrida)» له جوړښت ماتونې پیلېږي؛ «مېشل فوکو (Michel Foucault)»، «ژاک لاکان (Jacques Lacan)»، «رولان بارت» او... غوندې نامتو پیروان مومي، په ځینو مواردو کې د سترکچرلیزم نقد او ادامه ګڼل کېږي، د غرب ټوله فلسفه او مېتافزیک نقدوي؛ دوه ګونی تقابل چې له زرګونو کلونو راهیسې په فلسفه او دین کې یو منل شوی مفهوم دی، دریدا یې بې ثباته او بې بنسټه ګڼي او په دې باور لري چې دوه ګوني تقابل خپل ارزښت له لاسه ورکړی دی، په همدې ترتیب د مانا مرکزیت ردوي، یعنې نهایي مدلول او یا نهایي مانا څخه انکار کوي، په لیکنه کې د مانا موجودیت ردوي او په دې اند دی چې مانا د لیکوال په ذهن او متن کې وجود نه لري. د تقابل ردولو او د مانا د مرکزیت ردولو څخه سوا «توپیر» هغه مفهوم دی چې دریدا له «فردینان دو سوسور» څخه راخیستی او تقریباً په هماغه مفهوم یې کارولی او نوموړی یې پر دې باوري کړی چې ماناوې د هغو توپيرونو نتیجه ده چې د هغه په مرسته موږ یو دال د بل دال په مرسته پېژنو. دا چې د پوست سترکچرلیزم بنسټ اېښودونکی دریدا دی، په همدې اساس تر ډېره د دریدایي افکارو په رڼا کې پوست سترکچرلیستي افکار توضیح شوي دي. د دې لیکنې په پای کې د ژبې پر استعاري ځانګړنې هم لنډې خبرې شوي دي؛ وضاحت رد شوی او د ابهام ستاینه شوې ده.

بنسټیزې کلمې: پوست سترکچرلیزم، د مانا مرکزیت، ژاک دریدا، د شتون مېتافزیک.

سریزه

فکري جريانونه هغه مهال شهرت ته رسېږي، چې د موجودو او پخوانيو فکري خوځښتونو فکر، لاره او مېتود چلنج کړي، په منطقي توگه يې نقد کړي، نوی فکر خپور او د خپل فکري مسير لپاره ځانگړي اصول وړاندې کړي؛ خو داسې فکري لار هم شته چې د ډېرو لږو اصولو پر بنسټ هم ډېر شهرت لري؛ پوست سترکچرلیزم هم له هغو فکري نهضتونو څخه دی، چې د ټولې غربي فلسفې له چلنجولو او نقدولو سره سره په ډېرو لږو مواردو کې اصول لري، ځکه چې د دې لارې بنسټ پر «جوړښت ماتونه» ولاړ دی او د دریدا په نظر «جوړښت ماتونه» هېڅ حد او حدود نه مني. دغه فکري خوځښت يو ډول غیر علمي او غیر منطقي حرکت دی، چې هېڅ واقعي حقيقت نه مني. دریدا د دې پوښتنې په ځواب کې چې «جوړښت ماتونه Deconstruction» څه شی دی؟ وايي: «هېڅ شی او دا چې هېڅ شی نه دی، د هر شي ځواب هم همدا دی»، خو له دغو ټولو یادونو سره سره، «جوړښت ماتونه» د تخریب او ویجاړۍ په مانا نه ده، بلکې له «جوړښت ماتونې» څخه هدف دا دی، چې پرده لرې شي، د پردې او حجاب تر شا په پټو رازونو او ناويلو خبرو خلک خبر کړي؛ دریدایي فکر هم د پردې تر شا د پټ رازونو لټون دی.

د څېړنې موخې: له دې څېړنې مې موخه دا ده چې په پښتو ادب ته د دغه دوو (سترکچرلیزم او پوست سترکچرلیزم) اصطلاحگانې نوې راغلې دي خو په دې برخه کې ډېر کار نه دی شوی او له دغه فلسفي مکتب سره د پښتو ادب ډېری زده کړيالان بلدتیا نه لري او دا مې غوره و بلله چې د دغه نوي مکتب په اړه يوڅه خپلو درنو لوستونکو ته وړاندې کړم تر څو په دې برخه کې د مطالعې او څېړنې د دواړې خلاصیدو لپاره يوه کوچنۍ هڅه شوي وي. د څېړنې مېتود: ما د دې مقالې د لیکلو لپاره له کتابتوني ډول او له تشریحي او تحلیلي مېتود څخه کار اخستی دی. بیا بیل کتابونه مې مطالعه کړي او د خپل موضوع اړوند معلومات مې ترې را اخیستي دي. د څېړنې ارزښت: د څېړنې ارزښت په دې کې دی چې یاده موضوع خورا نوې او نږه ده او همدارنگه په پښتو ادب کې به دې برخې ته لا کار وشي او ډېرې نورې څېړنې به هم په دې برخه کې وشي او مخاطبان به له یوه نوي مکتب سره به اشنایي پیدا کړي.

پوست سترکچرلیزم

پوست سترکچرلیزم تر ټولو نوی فلسفي مکتب دی، چې دقیق مهال يې نه دی معلوم، خو ډېری پوهان په دې باور دي، چې دا مکتب د ۱۹۶۰ میلادي کال له اواخرو پیل شوی دی. یعنې کله چې په کال ۱۹۶۷ میلادي کې «ژاک دریدا» خپل درې مهم آثار، لکه: «لیک او توپیر Writing and Difference»، «گرامتولوژي Grammarology»، «وینا او پدیده Speech and phenomena»، چاپ کړل او د پوست سترکچرلیزم په برخه کې غوره آثار وگڼل شول؛ همدارنگه د رولان بارت آثار، د مېشل فوکو «د چارو نظم» او د ژاک لاکان «لیکنه» د دې فکري جریان نامتو آثار وگڼل شول. په حقیقت کې پوست سترکچرلیزم په فرانسه کې د دریدا له «جوړښت ماتونې» پیلېږي. مېشل فوکو، ژاک لاکان، رولان بارت او... يې د افکارو تر اغېز لاندې راځي او په دې توگه د پوست سترکچرلیزم فلسفي تیوري ور پرانیستل کېږي؛ خو په انګلیسي ژبه کې يې بشپړ حضور هغه مهال را څرګندېږي کله چې په کال ۱۹۷۰ میلادي کې

«جانانان کالر» خپل مشهور اثر «د بوطیقا جوړښت پالنه» او هاکس خپل مهم اثر «سترکچرلیزم او نښه پوهنه» چاپوي. (آ.ام. سورن، ۱۳۹۶، ۱۱۲)

پوست سترکچرلیزم له دوو کلمو مشتق شوې اصطلاح ده، چې پوست (Post) یې په انګلیسي ژبه د یوه بهیر د دوام مانا لري، د «را وروسته» یا د «مابعد» په مانا هم کارول کېږي. خو د «structure» اصطلاح بیا په «ماشیني فکر» پورې تړلې اصطلاح وه؛ دا چې سترکچرلیزم له ذهن سره څه ارتباط لري، په دې باب باید ووايو چې مادي جهان د یو داسې پېچلې شبکې او جال حیثیت لري، چې عناصر یې له یو بل سره ارتباط لري. دا ډول برداشت یوازې او یوازې د ښکاره مادي جهان په باب کېده، خو نیردې سل کاله وړاندې معلومه شوه چې د ځینو اړخونو له مخې دا ډول برداشت د ذهني پدیدو په حوزه کې هم کارولی شو؛ «ماشیني فکر Mechanization view» ورو ورو د انساني ذهن لخوا جوړېدونکو شیانو، همدارنګه پخپله د ذهن لپاره وکارول شو، چې په همدې مناسبت ورته «Structuralism» ویل کېږي. ځینې پوهان په دې باور دي چې پوست سترکچرلیزم له سترکچرلیزم څخه زېږېدلی فکري جریان دی. ځینو ته د «post» له مختاړي داسې ښکاري چې له سترکچرلیزم سره به نیردې اړیکې لري او یا به یې پرمختللي بڼه وي. د ځینو په باور پوست سترکچرلیستان هغه شخصیتونه دي چې خپلو تېروتنو ته یې پام شوی دی، خو ځینې بیا په دې اند دي چې پوست سترکچرلیستانو د «فردینان دو سوسور Ferdinand de Saussure» په افکارو کې افراط کړی او د هغه افراطي پلویان دي. په هر حال دا خبره باید هېره نشي چې ډېری پوست سترکچرلیستان په لومړیو کې سترکچرلیستان و خو د دواړو فکري حوزو تر منځ ښکاره توپیرونه هم لیدل کېږي، چې د دې لیکنې تر پایه به د توپیرونو او پرتلیز جاج په رڼا کې پوست سترکچرلیزم ښه وپېژندل شي.

سترکچرلیزم له ژبپوهنې یا له نښه پوهنې څخه پیلېږي؛ په ادبیاتو، سیاست، ټولنپوهنې او ارواپوهنې کې عمومیت پیدا کوي؛ خو پوست سترکچرلیزم بیا په فلسفه کې را ټوکېدلی؛ ژبې، ادبیاتو، هنر او نورو علومو ته ورغځېدلی او د فلسفي فکري جریان په حیث یې ټوله غربي فلسفه او مېتافزیک چلنج کړي دي.

د پوست سترکچرلیزم داسې ټولمنلی او کلی تعریف نه دی شوی، چې ټولو ته د منلو وړ وي، بلکې تعریف یې ډېر ستونزمن دی، په دې مانا چې د دې تیورۍ طبیعت داسې دی چې هېڅ حد او حدود نه مني، او بل دا چې د یو فلسفي تیورۍ تعریف په یوه جمله کې ممکن نه دی؛ ځینو داسې تعریف کړی چې پوست سترکچرلیزم گویا د هغو مدرنو متفکرینو عقایدو او آثارو مجموعې ته ویل کېږي، لکه ژاک دریدا، رولان بارت، مېشل فوکو او ژاک لاکان او... چې هر یو یې د دې تر څنګ چې پوست سترکچرلیست و د نورو فکري حوزو سره یې هم ټینګ تړاو درلود؛ که څه هم پوست سترکچرلیزم تعریفول آسان کار نه دی خو لږ تر لږه دا ویلی شو چې پورتنی تعریف نیم ګړی دی. یو بل تعریف را اخلو؛ د سترکچرلیستانو دغه نظر چې هر شی جوړښت لري، د دریدا لخوا رد شو او پر ځای یې د «جوړښت ماتونې» تیوري وړاندې کړه، نوموړي وویل چې هېڅ شی جوړښت نه لري او په نړۍ کې هر څه بې ثباته دي، په همدې اساس ویل کېږي چې پوست سترکچرلیزم د «deconstruction» (جوړښت ماتونې) څخه زېږېدلی، ځکه خو ورته «deconstructionism» (جوړښت مات پالنه) هم وايي، چې د همدغو خبرو په رڼا کې یې په لنډو ټکو داسې تعریفولی شو چې «پوست سترکچرلیزم یعنې جوړښت ماتونه» خو له دې تعریف سره بیا دا پوښتنه مطرح کېږي چې «جوړښت ماتونه

څه مانا؟» دریدا د دې پوښتنې په ځواب کې وایي: هېڅ شی. د دې لیکنې تر پایه به پوست سترکچرلیم وپېژنو او لوستونکو ته به ووايو چې د دریدا دغه «هېڅ شی!» څه مانا لري. (صفوي، ۱۳۹۷، ۱۴۷)

له بله پلوه دا چې دریدا د پوست سترکچرلیم بنسټ اېښودونکی دی، نو د دغه تیوري تعریف هم د هغه په ویناوو کې موندلی شو؛ هغه خپل نظریات په «گرامتولوژي»، «وینا او پدیده»، «لیک او توپیر» کې وړاندې کړي دي؛ که څه هم دغه اثار ډېر پېچلي او مبهم دي او سړی په اسانۍ پرې نه پوهېږي، خو بیا هم د هغه نظریات د ده په مشهور اثر (گرامتولوژي) کې داسې بیان شوي چې سړی یې د نظریاتو پل تعقیبولی شي، هغه وایي: «بنسټیزه فرضیه دا ده چې «له متن څخه بهر هېڅ شی وجود نه لري outside-the-text»؛ دا جمله هم د دریدا نورو اصطلاحاتو او جملو په څېر څو ماناوې لري، خو لومړنۍ مانا یې دا ده چې لوستونکی د متن تفسیرولو کې نشي کولی د کلامي نښو څخه بهر څیزونو (things-in-themselves) ته لاسرسی پیدا کړي، همدا راز دریدا په مکرر ډول ادعا کوي چې د غرب ټولې فلسفې او ژبنۍ نظریې، ژبه او په نتیجه کې د ټول غرب کلتور «ویي محور logocentrism» دی.

دریدا د «ویي محور» اصطلاح له مقدس کتاب څخه را پور کړې ده، چې وایي: «په لومړي سر کې یوازې ویي وه...». دریدا دا ډول نظریات «ویي محوره یا کلام محوره» بولي، دا چې ویي تلفظ کېږي په همدې مناسبت «ویي محور» ته «غرمحور Phonocentricism» هم وایو؛ دغه نظر په دې مانا دی چې د غرب ټوله فلسفه په صریح او ناصریح ډول په ټولو ډېسکورسونو کې دا ده چې «غریدا» تر «لیکېدا» غوره ده؛ ځکه چې تر لیک، وینا زړه ده؛ له یوه بل اړخه بیا داسې هم ویلی شو چې پوست سترکچرلیم د جوړښت ماتونې، توفیر، د مانا مرکزیت، د دوه گوني تقابل او د «شتون مېتافزیک» ردولو ته وایي چې هر یو یې مقالې تشریح کړي دي، دا وې پوست سترکچرلیم د پېژندنې په باب څو خبرې، هیله ده چې دغه تیوري مو څه ناڅه تعریف کړي وي.

جوړښت ماتونه (deconstruction)

د پوست سترکچرلیم بنسټ وال او نړیوال فیلسوف «ژاک دریدا» سترکچرلیم نقدوي او په ډېر جرئت وایي چې د سترکچرلیم وخت تېر شوی دی، پر ځای یې «جوړښت ماتونه» پېشنهادوي، چې را وروسته د جوړښت ماتونې پلار گڼل کېږي. دریدا وایي: «آیا هر څه هماغسې دي، چې نن دي؟» نه هېڅکله هم نه ځکه چې د مدلولونو تر منځ رابطه زنځیري ده، په همدې اساس هېڅکله نهایی مدلول ته نشو رسېدلی، په دې مانا چې هېڅ شی ثابت او تلپاتې نه دی؛ د مثال په توگه که تا په دریا کې دوه درې دقیقې مخکې غوټه وهلې وي او اوس بیا پکې ورغوټه شې، آیا تا په هماغه دریا کې غوټه ووهله چې مخکې دې پکې وهلې وه؟ نه هېڅکله هم نه ځکه تا چې په کومو اوبو کې غوټه وهلې وه، هغه او به تللي دي؛ وخت تېر شوی دی او... همدا راز که یو ویي دوه ځلې تلفظ کړو لومړی هغه به یې له دویم هغه سره حتماً توپیر ولري، همداسې غرونه درواخله چې په یوه ویي کې به یو ډول او په بل کې به بل ډول ادا کېږي.

دریدا د «جوړښت ماتونې» له مطرح کېدو سره سم تر هگل پورې ټوله پخوانۍ ماوراءالطبیعي فلسفه نقدوي او د دې پوښتنې په ځواب کې چې جوړښت ماتونه څه شی دی؟ وایي: «هېڅ شی او دا چې هېڅ شی نه دی، د هر شي ځواب هم همدا دی»؛ نوموړی د دې مفهوم له کارونې وروسته په دې کلک باور پیدا کوي چې انسان کولی شي ټول جوړښتونه مات کړي، په همدې بنسټ ویلی شو چې د هغه اصلي فکر پر «جوړښت ماتونه» ولاړ و. راځو دې ټکي ته

چې دا «جوړښت ماتونه» څه بلا ده چې نه اصول لري او نه مېتود؛ خو دا خبره باید هیږه نشي چې «جوړښت ماتونه» خلک د ماناوو گډوډولو ته نه دعوتوي او نه هم په خپل سر د ماناوو د منلو مانا لري، «جوړښت ماتونه» وړانول او د بیارغونې مانا لري. زما په نظر عمر خیام ته منسوبه رباعي د «جوړښت ماتونې» مفهوم ښه توضیح کولی شي:

گر بر فلکم دست بدی چون یزدان
برداشتی من این فلک را ز میان
از نو فلکی چنان همی ساختمی
کازاده به کام دل رسیدی آسان
(خاتمی، ۱۳۸۶، ۹۷)

که څه هم «جوړښت ماتونه» په دریدایي افکارو پورې تړلې اصطلاح ده، خو دغه مفهوم د مارکسیزم «انقلاب» او د عرفان «وحدت الوجود» هم زموږ ذهن ته تداعي کوي؛ یعنې «انقلاب» او «وحدت الوجود» پخپله یو ډول «جوړښت ماتونه» ده؛ همدا راز نوی شعر د «جوړښت ماتونې» ښه بېلگه کېدی شي؛ په دې اساس موږ د جوړښت ماتونې څخه یوازې د تخریب او ویرانۍ مانا نه اخلو، بلکې د وارنولو او بیارغولو مانا اخلو. په بله وینا جوړښت ماتونه د ټول غرب فلسفي او مېتافزیکي افکارو ماتونه ده، د غرب د مېتافزیکي افکارو ماتونه په دې مانا چې د «شتون مېتافزیک Metaphysics of presence» ردوي او له مرکزیت څخه انکار کوي.

د دې لپاره چې د پوست سترکچرلیزم «جوړښت ماتونه» او د فورمالیزم «ناپېژندنه Defamiliarization» چې دواړه په انحرافاتو کې راځي، سره گډ نه کړو، دې نتیجې ته رسېږو چې لومړنۍ هغه یې مشهوره معاصره تیوري ده خو دویمه هغه یې تیوري نه بلکې د فورمالیزم یوه مشهوره اصطلاح ده، چې په خپل منځ کې زښت زیات توپیر لري؛ کوم شی چې د دواړو په پېژندنه کې ابهام رامنځته کوي، هغه دا دی چې کېدی شي په یوه ټاکلي متن کې هم «جوړښت ماتونه» او هم «ناپېژندنه» موجوده وي، لکه په لاندې شعر کې:

Snow

Snow is what it does.

It falls and it stays and it goes.

It melts and it is here

Somewhere.

We all will get there.

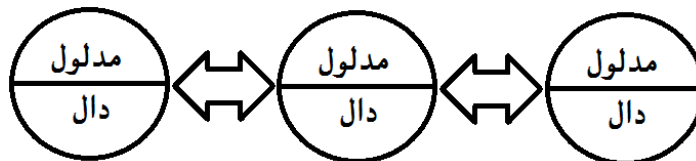
په پورتني شعر کې د «Snow» ویی د سېمبول په توگه کارول شوی دی، ځکه «سپین»، «ساره» او «ژمی» د مرگ سېمبولونه دي، چې برعکس یې «ژوند» دی، نوموړی شعر په بلې دنیا کې د بیا ژوندي کېدو کیسه کوي، چې همدغه برعکس والی یا د دوه گوني تقابل گډوډول یا د مرگ څنډې یا حاشیې ته کول «جوړښت ماتونه» ده، خو د ښې او شکل له مخې بیا «ناپېژندنه» هم پکې ده، ځکه چې آزاد شعر یو ډول «موسیقیزه ناپېژندنه» ده، چې دا پخپله د «ناپېژندنې» یو ډول دی. همدا راز که کلاسیک داستانونه وگورو یو ډول خطي روایت لري یا «اتل محوره» دي؛ که دغه جوړښت مات شي، یعنې برعکس شي او یا گډوډ شي، د خطي روایت پر ځای غیر خطي روایت وي؛ تېر، اوس او

راتلونکي مهالونه سره گډوډ وښودل شي، د مرکزیت ډنگولو له مخې جوړښت ماتونه ده، خو د بڼې له مخې يې «ناپېژندنه» ده، يعنې «جوړښت ماتونه» معمولاً د دوه گوني تقابل ماتونه ده، مثلاً په شعر او يا کيسه کې کېدې شي هغه دوه گوني تقابل چې له ډېر پخوا راهيسې يې برتریت په نظر کې نيول کېده، مات شي؛ که په شعر او کيسه کې برتریت مات شي، مرکزیت ډنگ شي او له مرکز ه شل شوي عناصر مرکز ته راشي او پر ځای يې مرکزي عناصر حاشيې ته وشل شي، دې ډول انحراف ته «جوړښت ماتونه» وايي، چې پورتنی شعر کې يې کتلی شو، خو «ناپېژندنه» بيا ډېر ډولونه لري، چې «نحوي ناپېژندنه»، مانيزه ناپېژندنه، «موسيقيزه ناپېژندنه» او «مهاليزه ناپېژندنه» چې له «جوړښت ماتونې» سره زښت زيات توپير لري په دې مانا چې «جوړښت ماتونه» يوازې د فورم ماتونه نه ده، بلکې نور اړخونه هم پکې ماتېدې شي، يعنې د يوې قرينې له مخې به «جوړښت ماتونه» وي او د بلې قرينې له مخې به «ناپېژندنه» وي که موضوع لا پسې آسانه کړو ويلى شو چې په هر «جوړښت ماتونه» کې کېدې شي «ناپېژندنه» هم وي، خو برعکس بيا داسې نه ده، کېدې شي وي، کېدې شي نه وي. دا چې پوست سترکچرلیم ډېر پېچلی فکري جريان دی او سپرى په آسانۍ پرې نه پوهېږي، د دې لپاره چې د دريدا لومړني او بنسټيز افکار د پرتليز مېتود له لارې لږ آسان او عام فهمه شي؛ د سوسور «دال» او «مدلول» د دريدايي دالونو په تله کې تلو: (گودرزي، ۱۳۹۱، ۸۹)

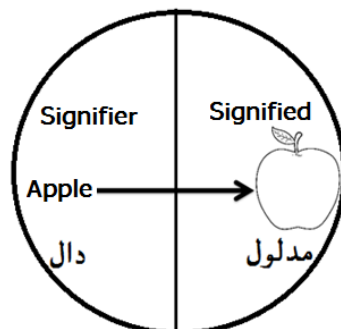
دالالت (signifies) / دلالت (Signification)

سوسور د لومړي ځل لپاره غير تاريخي مېتود د تاريخي مېتود پر وړاندې وکاراوه او ويې ويل چې ژبه نه تېر او نه راتلونکى مهال لري، بلکې هېڅ زمان نه لري، نوموړي ژبه قراردادي وگڼله او مانا يې د لغتونو په منځ کې نه بلکې د لغتونو په ارتباط کې ولټوله.

سوسور وايي چې نښه د نظام په داخل کې متصورېدې شي، له نظام څخه بهر اصلاً مانا نه لري، د نښې حيات د نظام په حيات پورې تړلى دی، چې په دې اساس يې پر نظام ولاړه ژبپوهنه گڼلې شو. په سترکچرلیم کې د دال او مدلول تر منځ رابطه ذهني، دو اړخيزه او ايجابي گڼل کېږي. د دال او مدلول رابطې ته دلالت او د يوې «نښې sign» له بلې نښې سره متقابلې اړيکې سلمي گڼل کېږي، چې همدا متقابلې اړيکې يې ارزښت هم ټاکي، چې په لاندې انځور کې يې کتلی شو:

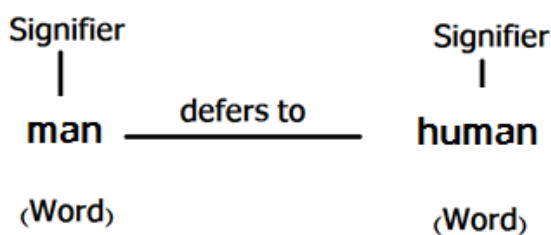


د سوسور په باور دال او مدلول په خپل منځ کې نه شلېدونکى او نه جلاکېدونکى پيوند لري، چې دغه لاینفک پيوند ته د «ژبې نښه linguistic sign» ويل کېږي. د هغه په باور، دال او مدلول کټ مټ د کاغذ د دوو مخونو په څېر دی چې د يوه له وجوده پرته بل اصلاً وجود نه لري، يعنې پرته له مدلوله هېڅ دال وجود نه لري.



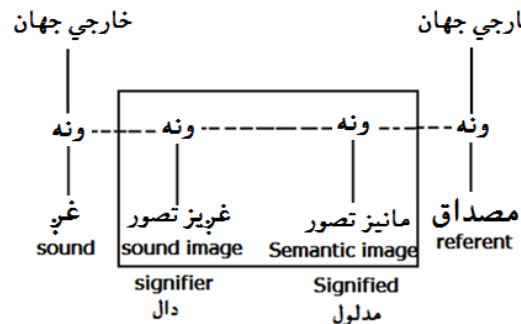
خو پو ست سترکچرلیزم د دالونو او مدلولونو اتحاد نه مني، د دغه اتحاد بنسټ پنگوي او «دال» د «مدلول» له قید څخه آزادوي. د متکلم په ذهن کې دالونه د مخاطب د ذهن له دالونو سره یو زنځیر جوړوي، یعنې د مدلول په ردولو د «دالونو» زنځیر جوړوي. د دریدا په نظر د ژبې په «جوړښت ماتونه» کې د «دال signifier» او «مدلول signified» اتحاد ژبه نه ده، ځکه چې زموږ په ذهن کې ماناوې ثابتې نه دي. دال له مدلول سره مستقیمې اړیکې نه لري، یعنې کله چې یوه نښه تلفظ کوو، مانایې یې له واسطې روښانه نه وي، په دې مانا چې نښې هغه څه ته اشاره کوي چې غایبې وي، په همدې ډول د وییو ماناوې هم په یو ډول غایبې دي. ماناوې د دلالتونو په زنځیرونو کې تیتې شوې دي او هېڅکله په یوې نښې پورې مقیدې نه دي. په همدې بنسټ د یوې نښې جوړښت د بلې نښې په وسیله چې تل غایبه وي، تعیینېږي او یوه نښه بلې نښې او حتی نامحدودو نښو ته ارجاع کېږي.

دالونه تل د نورو دالونو خواته په حرکت کې دي، په ژبه کې اصلاً مدلول وجود نه لري چې دا ډول حرکت دې پای ته ورسوي، همدا راز موږ هېڅکله هم د دالونو د نظام له قید څخه نشو وتلی، خو د سوسور په فکر د نښو ارزښت او ماناوې له خارجي جهان سره د ارجاع له مخې نه بلکې په نظام کې د رابطې او توپیرونو له لارې تعیینېږي؛ خو دریدا بیا وایي چې هر شی په خپل نفس کې نښه ده، دا چې نښه وي، د دې لپاره چې د نښې کېدو معیار ته ځواب ووايي باید بلې نښې ته ارجاع شي، چې په لاندې انځور کې دغه ارتباط ښودل شوی دی:

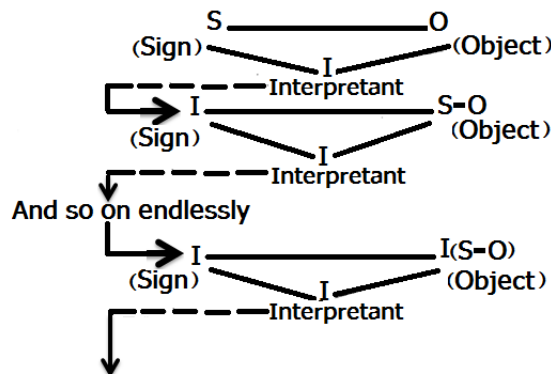


سوسور، پر ژبه د خارجي عواملو اغېز نه مني، هغه د ژبې او مصداقي جهان تر منځ تجربې پیوند پرې کړ، چې په همدې اساس ورته «ذهن پال Immanent» ژبپوه ویل کېږي، چې همدا طرز فکر د پخوانیو په نسبت یو ډول فکري

انقلاب گیل کېږي، همدارنگه هغه د «لیک» په نسبت «وینا» ته ترجیح ورکړه، «وینا» یې اصل او «لیک» یې فرع وگڼه، چې په لاندې شکل کې د سوسور «ذهن پالنه» ښه ترسیم شوې ده:



خو پوست سترکچرلیزم بیا د دال او مدلول تر منځ مېتافزیکي پیوند پرې کړ، تر څو دالونه د دلالي انرژي متصله او فعاله وساتي او هېڅکله په یو غیر تاریخي نظام کې ونه درېږي. دریدا لکه «چارلیس سندرس پیرس Charles Sanders Peirce» په دې باور و چې له یوې ښې نورې ښې، حتی لا محدودې ښې زېږېدلی شي، چې په لاندې انځور کې د ماناوو تعدد، د دالونو حرکت او تفسیر ښودل شوی دی:



د سوسور په اند مدلول انتزاعي دی او پرته له مدلوله دال اصلاً وجود نه لري، همدارنگه د نوموړي په فکر؛ تفکر د ژبې څخه بهر نه دی، بلکې ژبه د تفکر او غږونو تر منځ واسطه ایجادوي. خو دریدا بیا په دې باور دی چې هېڅ شی له ژبې څخه بهر نه دی، بلکې هر څه د ژبې په دننه کې رامنځته کېږي، په دې مانا چې نه یوازې موږ بلکې زموږ افکار، عقاید، باورونه، فرهنګونه او هر څه د ژبې په بطن کې زېږېدلي او د ژبې له چوکاټ څخه یې بهر وتل ناممکن دي. خو سترکچرلیستان په دې باور دي چې ژبه خارجي جهان نه منعکسوي، بلکې بې نظمه خارجي جهان ته نظم ورکوي؛ خو پوست سترکچرلیستان بیا په دې عقیده دي چې ژبه پخپله هېڅ فورم نه لري، یو شی چې فورم ونه لري او خپله بې نظمه وي، څرنگه بل شي ته نظم ورکولی شي؟!

همدا راز د ژبې په برخه کې د سوسور فکر په «ټول پالنه holism» تمرکز کوي ځکه چې هغه فکر کوي چې «کل یا ټول» بدلون نه مومي خو په اجزاوو کې بدلون راځي، په همدې ترتیب د اجزاوو په نسبت روابط ځکه مهم گڼي چې په اجزاوو کې بدلون راځي. د «ټول پالنې» تر څنګ د سوسور فکر په «ذهن پالنې mentalism» تمرکز کوي، ځکه سوسور د ژبې اجزاء د یو «کل یا ټول» جوړونکي عناصر گڼي، چې هر یو د هغه «کل» دننه خپل ځای او نقش لري، په دې مانا چې هغه کل یعنې «ژبه» یو ذهني او ارواپوهنیزه پدیده گڼي چې د «وینا» په بڼه څرګندېږي چې یوه «روان-جسمي psychophysical» پدیده ده؛ په دې مانا چې د «غږیز انځور sound image» او «مانیز انځور Semantic image» تر منځ یو ارواپوهنیز ارتباط وجود لري؛ خو برعکس دریدا د دال او مدلول دغه جوړښت ماتوي، «ټول پالنه» نه مني او د متن «ناخودآگاه» ته د رسېدو لپاره، لارې او مېتودونه لټوي او په پای کې د «جوړښت ماتونې» موضوع مطرح کوي، دا چې دریدایي او سوسوري فکر یو بل ته څومره نږدې او له یو بله نور څومره لیرې دي، د دوه گوني تقابل تر سرلیک لاندې یې بل اړخ راسپړو. (دبیرمقدم، ۱۳۹۶، ۲۴۵)

دوه گونی تقابل Binary Oppositions

د غرب د کلاسیکو متونو په فلسفي، دیني او منطقي افکارو کې مېتافزیک پر فزیک برتریت لري، چې دا ډول برتریت په دوه گوني تقابل کې له آدمه تر دې دمه نه یوازې په غربي فلسفي او دیني متونو کې بلکې په اسلامي متونو کې هم لیدل کېږي او په دې ډول تقابل کې یو اصلي او محوري رول لوبوي او پر هغه بل برتریت لري، لکه، وینا پر لیک، حاضر پر غایب، ډک پر خالي برتریت لري... دریدا په دې باور دی چې په دوه گوني تقابل کې یو اصلي او بل یې ثانوي حیثیت لري، لکه، مذکر او مونث، خیر او شر، روح او جسم، انسانیت او حیوانیت، حقیقت او مجاز، مانا او لفظ، طبیعي او مصنوعي، واقعیت او افسانه، دنیا او عقبی...

که پورتنۍ خبره نوره هم ساده کړو، هغه داسې ده چې «برتریت» په دین کې رېښه لري، مثلاً، حضرت آدم (ع) د لومړي ځل لپاره خدای تعالی خلق کړ، وروسته یې د هغه له چې پښتۍ یې حوا پیدا کړه، په همدې بنسټ حضرت آدم (ع) تر یې حوا برتریت پیدا کړ، ځکه خو دین هم نارینه ته پر ښځینه جنس برتریت ورکړ؛ نارینه حاکم او ښځینه محکومه پاتې شوه، همدا راز که د روح او جسم خبره مطرح شي، دین باوره په دې ټینګه عقیده لري چې لومړی روح او وروسته جسم دی، ځکه روح پر جسم برتریت لري.

لکه څرنګه چې په مقدس کتاب کې راغلي دي، چې «په لومړي سر کې ویی یا کلمه وه» په همدې بنسټ «ویي» یا «غږېدا» پر «لیکېدا» غوره وگڼل شوه؛ په اسلام کې هم همدا کیسه روانه ده؛ هغه دا ده چې مور په دې باور لرو چې قرآن کریم په لوح محفوظ کې پخوا موجود و په دې مانا چې لومړی «مانا» او وروسته «لفظ» رامنځته شوی دی؛ همدا راز پر حضرت محمد مصطفی (ص) د لومړي ځل لپاره قرآن کریم (یعنی الفاظ) نازل شو، وروسته ولیکل شو، چې په همدې بنسټ «لفظ» تر «لیک» زوړ دی، خو پوست سترکچرلیم بیا وایي چې لومړی ویي زموږ په ذهن کې لیکل کېږي، وروسته تلفظ کېږي، چې هماغه د چرګې او هګۍ کیسه ترې جوړوي.

ټول هغه باورونه چې دیني رېښه لري، ممتازې پدیدې پکې «حاضرې او بنسټیزې» گڼل شوي دي، په دې مانا چې د «خدای، جنت، ښه، ښکلا، روح، مانا او...» ویي حاضر او بنسټیز دي؛ د «شیطان، دوزخ، بد، بدرنګي،

جسم، لفظ او...» ويي غيرحاضر او فرعي دي، يعنې بنيادي او اصلي نه دي، ثانوي حيثيت لري، ځکه خو پر بنسټيز هغو تمرکز شوی او پر ثانوي هغو برتره گڼل شوي دي، په همدې بنسټ هغه چې تمرکز پرې شوی او يو ډول مرکزي شوي دي ورته اهميت ورکړ شوی دی او هغه چې له مرکز څخه لرې شل شوي دي، لکه شيطان، دوزخ، بد، بدرنگي، جسم، لفظ او... په حاشيو کې قرار لري. له مرکز څخه شل شويو عناصرو لپاره د «نشتون مېتافزیک metaphysics of absence» اصطلاح د دې لپاره کارول شوې ده چې په متن کې حضور نه لري او په حاشيه کې قرار لري او هغه چې په مرکز کې قرار لري ورته د «نشتون مېتافزیک metaphysics of presence» اصطلاح کارول شوې ده؛ دريدا دغه ډول مرکزي نه مني، هغه وايي هېڅ شی په بل شي برتریت نه لري، هېڅ شی ځانگړی مرکز نه لري، په نړۍ کې هېڅ شی ثابت نه دی، د بېلگې په توگه ستا انځور تر هغو «شخصي Personal» دی چې له تاسره وي، همدا چې پر فېسبوک دې خپور کړ، بيا د «خلکو Public» شو؛ او بل دا چې پر بڼه د نارینه برتریت، هغه مهال له منځه ځي چې د جنسیت په بدلولو نارینه، بڼه او بڼه، نارینه شي، چې د جنسیت بدلولو هڅې يې په غربي ټولنو کې وینو.

د ځينو په نظر بيا هر څه نسبي دي، امکان لري يوه پدیده د يو سړي لپاره «خیر» او د بل لپاره «شر» وي، د بېلگې په توگه د حشراتو نېښ او د حيواناتو دارې او منگولې چې د تغذیې او دفاع اېزار دي د دوی لپاره «خیر» خو د انسانانو او د ځينو نورو حیواناتو لپاره بيا «شر» دي، په همدې اساس دريدا د هېڅ شي مرکزیت نه مني او هر څه بې ثباته او بې مرکز گڼي. (گندمار، ۱۳۹۶، ۱۳۲)

د پورتنیو خبرو په رڼا کې ویلی شو چې دريدا ټوله غربي فلسفه «غیرمتمركزه decentered» کړه، کټ مټ لکه «کوپرنیک Copernicus» چې د ځمکې له مرکزیت څخه یې انکار وکړ؛ ده د مانا تر څنگ د هر شي د مرکزیت څخه انکار وکړ او هر څه یې بې ثباته وگڼل؛ دوه گونې تقابل یې بې ثباته وگڼه او په ډېر صراحت یې رد کړ؛ ټینګار یې وکړ چې د تقابل جوړښت باید «مات deconstruct» شي، ځکه چې تقابل خپل ارزښت له لاسه ورکړی دی، مثلاً د توراو سپین تر منځ يو بل رنګ وجود لري چې لږ خاصیت یې له سپین او لږ یې له تور څخه اخیستی دی. همدا راز د نارینه او بڼه جنس تر منځ يو بل جنس وجود لري چې د نرینه او بڼه خاصیتونو ترکیب شوی جنس دی؛ دا ډول مثالونه د مرګ او ژوند تر منځ د کما حالت په څېر دی او یا کټ مټ داسې دي لکه چې د مثبت او منفي چارجونو له ټکر څخه رڼا راوځي، چې نه مثبت ده او نه منفي.

زما په نظر دوه گوني تقابل له زرگونو کلونو راهیسې په فلسفي او دیني مباحثو کې دومره ټینګې رېښې غځولي دي، چې د هرې رېښې څوک یې تر هغې دنیا رسي او له جنت او دوزخ څخه او به ځنې، دې ډول تقابل نه یوازې دا دنیا بلکې هغه بله دنیا یې هم په خپل غېږ کې نیولې ده، چې جنت او دوزخ یې د خیر او شر، روح او جسم، ښه او بد او په زرگونو نور دوه گوني تقابلونه زېږولي دي، ځکه چې د دې دنیا خیر او شر، ښه او بد او... د هغې دنیا له جنت او دوزخ سره ارتباط لري؛ چې سترکچرلیستان دغه دوه گوني تقابل مني او په دې باور لري چې یوازې په ژبني نظام کې نښې مانا لري، له نظام څخه بهر هېڅ ارزښت نه لري، همدا راز په دې اند دي چې د وییو ماناوې د توپیر له مخې معلومېږي.

د علامه طباطبایي پوهنتون استاد، ډاکټر کوروش صفوي په خپل اثر «درآمدی بر معنی شناسی» کې هغه تقابل چې نه دا دی او نه هغه، د «متعامد تقابل orthogonal contrast» تر غټ سرلیک او د «ردیفی تقابل Serial contrast»

تر واره عنوان لاندې تشریح کړی او زیاته کړې یې ده چې دا هغه تقابل دی چې په دو خواوو کې یې متقابل ويی راغلي وي، لکه «سیاه/خاکستری/ سفید».

زما په نظر د «لوېدیځ» او «ختیځ» په برخه کې بیا مساله بیخي بل ډول ښکاري؛ یوه نقطه کېدی شي له یوې خوا شرق او له بلې خوا غرب وگڼل شي، چې له دې خبرې سره دا پوښتنه مطرح کېږي چې یوه نقطه څنگه کېدی شي هم شرق او هم غرب وي؟ دریدا د همدغو دلایلو له مخې دوه ګونی تقابل نه مني. دریدا وایي چې دوه ګونی تقابل په هر کلتور کې په ښه او بد تقسیم شوی دی، چې یوه ته یې ترجیح ورکول کېږي، همدا چې «مات» شي، جوړښت یې متزلزل شي، بیا نو اجزاء ثابت ځای نه لري، تقابل له منځه ځي، خو د تقابل له منځه وړل د مرکز له منځه وړل نه دي بلکې د یو بل مرکز جوړول دي، چې په دې توګه دریدا د مانا مرکزیت هم ردوي.



د مرکزیت ډنگول De-Centered

سترکچرلیستان د مانا په مرکزیت باور لري، خو پوستسترکچرلیزم بیا د مانا له مرکزیت څخه انکار کوي او نهایی مدلول ته رسېدل نه مني، چې «جوړښت ماتونه» یې د مرکزیت د نه منلو مانا لري؛ په بله وینا په لیکنه کې د مانا مرکزیت یا موجودیت نه مني چې دا خبره د مدلول د نه منلو په مانا ده.

دریدا په حضور (presence) کې غیاب (absence) ویني، په بله وینا په حاضر کې غیرحاضر، مثلاً، د «ښه» په ویني کې به «ښکلا، رښتیا، دروغ، شیطان، خدای او...» غایب وي، یعنې حضور به نه لري، د «رڼا» په ویني کې د تیارې، ورځې، شپې، ډیوې، خوب، سترګو او... کلمو ماناوې غایبې دي. د دریدا په باور مدلول تش گمان دی چې انسان د خپل ځان لپاره جوړ کړی دی. د ماناوو تعدد او «تفسیر hermeneutics» هغه څه دي چې نوموړی یې یادوي او وایي چې ډېرې ماناوې ډېرې ژورې دي، همدارنګه زیاتوي چې لیکل شوی متن د شیندل شوي تخم مانا لري، کله چې تخم وشیندل شي، له پاشونکي سره یې رابطه پرې شي، یعنې همدا چې یو لیکوال څه ولیکل، له متن سره یې اړیکې پرې شوې؛ په دې باب «رولان بارت» وایي چې لیکوال مري او د لوستونکي په توګه را ژوندی کېږي، یعنې د مؤلف له مړینې سره سم لوستونکی را ژوندی کېږي. د پورتنیو خبرو په رڼا کې دا پوښتنې مطرح کولی شو چې مانا په متن کې ده؟ مانا په لیکوال کې ده؟ او که مانا په لوستونکي کې ده؟ د دغو پوښتنو په ځواب کې پوستسترکچرلیست

وايي چې مانا نه په متن کې ده، نه په ليکوال کې ده او نه په ټاکلي لوستونکي کې، يعنې مانا ثابته نه ده؟ دا چې زمان، مکان او لوستونکي بدلېږي، مانا هم بدلېږي.

د سترکچرليزم له نظره «وينا» د «ليک» په نسبت ځکه اهميت لري چې د متکلم او مخاطب په حضور کې مانا مخاطب ته ډېره نېرېدې توضېح کېږي خو په ليک کې بيا يا متکلم او يا هم مخاطب غايب وي. دريدا دغه ډول «ويي محوري» يعنې په «وينا» کې د مانا حضور نقدوي او په دې باور لري چې په «وينا» کې هم لکه «ليک» مانا ځنډېږي او هېڅکله حضور نه لري، يعنې دريدا «ويي محوري» او «غرمحوري» نه مني او په دې باور لري چې اصلي مانا نه په ويي او نه په وينا کې ده، ځکه چې د تاويل او تفسير لاره پرانيستې ده او مانا د تاويل له لارې بدلون مومي. (دسوسور. ۵۵.۱۳۹۶)

لوستونکی چې کله ليکنه لولي د ليکنې «ناخودآگاه» خواته ځي، يعنې د توپيرونو حوزې خواته ځي. دا حوزه د ليکنې کمزورې خواوې څرگندوي؛ «فرويد Sigmund Freud» هڅه کوله چې د «رواني تحليل psychoanalysis» مېتود له لارې د انسان «ناخودآگاه» ته لاره پيدا کړي؛ کټ مټ همداسې دريدا کونښن وکړ، چې داسې مېتود څخه گټه واخلي، چې د ليکنې «ناخودآگاه» ته لاره پيدا کړي، چې په همدې اساس يې «جوړښت ماتونه»، چې مېتود هم نه دی، بلکې يو غير منطقي تحليل دی چې د ليکنې مانا ځنډوي، غوره کړه. دريدا هر ډول «سيمانتیکي Semantical» لټون ردوي، ځکه چې د هغه په باور مانا حضور نه لري، خو دا په دې مانا نه ده چې هغه هر ډول مانا له ليکنې باسي.

پوست سترکچرليزم وايي چې د هرې مانا د لاس ته راوړنې لپاره يوې بلې مانا ته اړتيا وي او دا سلسله همداسې انتقال مومي، په همدې اساس دريدا له ژبې هاخوا ځي او په دې باور لري چې يوه ليکنه هم نه پيل لري، نه پای. هېڅ يوه ليکنه بشپړه نه وي، هره ليکنه موږ د ليکنې ماورا ته بيايي. هره ليکنه د يوې بلې ليکنې لپاره پيل وي، همدارنگه د هرې ليکنې پای د بلې لپاره د پيل او بله ليکنه هم د هغې لپاره همداسې حکم لري. له بله پلوه دريدا وايي چې «هېڅ شی له متن څخه خارج نه دی» ځکه هره حاشيه، د متن هره ماورا د انتقال د سلسلې په بهير کې پخپله تازه متن دی، په همدې بنسټ متن هېڅ «جوړښت Structure» نه لري.

له يوه متن څخه بل متن ته د انتقال او ډاينامیک حرکت او د مانا توپير؛ جوړښت له بېخه ښکوي، ماتوي يې، په همدې بنسټ دريدا باور لري چې هر متن، هر برداشت او تفسير يوازې او يوازې په فرد پورې منحصر وي؛ په دې مانا چې ماناوې فردي دي او هر لوستونکی بېل بېل تعبير لري، ځکه خو ماناوې هم متفاوتې وي؛ په همدې اساس که هغه فلم وي، متن وي او يا شعر وي، د مختلفو ليدونکو او لوستونکو لپاره به مختلف تعبيرونه ولري، د مثال په توگه «يو داسې فلمساز چې په فلمسازۍ کې ډېره سابقه لري، د فلم جوړونې لپاره ډېر ښه امکانات لري، پر يو مشهور فلم کار کوي، په يوې حادثې کې ناڅاپه مري، فلم نيمگړی پاتې کېږي؛ اوس نو د ښه فلم جوړونې لپاره بايد ډېر پياوړی فلمساز وټاکل شي؛ په دې هکله دريدا وايي: «که تر ټولو ښه فلمساز هم وټاکل شي، دا چې د هر ليدونکي تعبير جلا دی، په همدې اساس کېدی شي د ځينو خوښ او د ځينو ناخوښ شي، چې په ادبياتو کې هم دا خبره صدق کوي.»

پوست سترکچرليستان په دې باور لري چې د ژبني مفاهيمو او حقيقت تر منځ مستقيمي اړيکې وجود نه لري؛ «حقيقت»، «واقعيت» او «اصل Origin» د ژبې خورا لرې موخې دي، چې هېڅکله هم تحقق نه مومي، ځکه چې ژبه استعاري ځانگړنه لري او «استعاره» پخپله له واقعيت څخه د انحراف پر اساس رامنځته کېږي؛ په دې مانا چې د ذهن

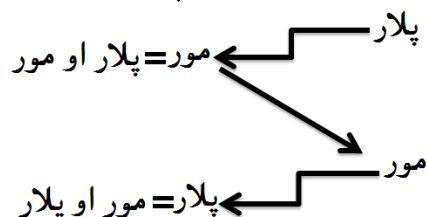
او حقیقت تر منځ تل فاصله موجوده وي، دغه فاصله هم د ژبې لخوا رامنځته کېږي، چې له همدې امله مانا تل خپل مرکزیت نقضوي. همدا راز «وینا» ته ترجیح ورکول، ویوونکی (ویناوال ذهن) د مرکزیت په توګه منل دي، چې دا ډول تقابل دریدا نه مني؛ د «جوړښت ماتونې» له لارې د «وینا- لیک» تقابل پر خلاف را پاڅېږي او دا «مرکز پالنه» له بېخه باسي، دریدا د مرکز ښکولو لپاره دلیل لري، چې په لاندې جدول کې یې کتلی شی:

گڼه	ممتاز (Privileged)	ناممتاز (unprivileged)
۱	خدای	انسان
۲	مرکز	حاشیه
۳	رېښتیا	دروغ
۴	روح	بدن
۵	ذهن	بدن
۶	وېی (دنتی مانا) چې «logos» ورته وايي	کلمه (لغتونه) چې «logoi» ورته وايي
۷	دنتی فکر (موخه)	بهرنۍ *وینا (بیان)
۸	*وینا	لیک

که پورتنی جدول ته څیر شو، گورو چې «وینا» ممتاز شوی او ارزښت یې زیات شوی دی؛ پوښتنه دا ده چې «وینا» څرنگه د «لیک» ستون ته راغلې ده؟ د دې پوښتنې په ځواب کې پوست سترګچرلیستان وايي، ځکه چې مرکزیت ښکونکی دی، بې ثباتي رامنځته شوې ده او پایله یې دا چې مرکزیت اصلاً وجود نه لري؛ که همدغه موضوع نوره هم ساده کړو، په لاندې جدول کې یې داسې ساده کوو:

گڼه	ممتاز (Privileged)	ناممتاز (unprivileged)
۱	مانا	*لفظ
۲	*لفظ	لیک

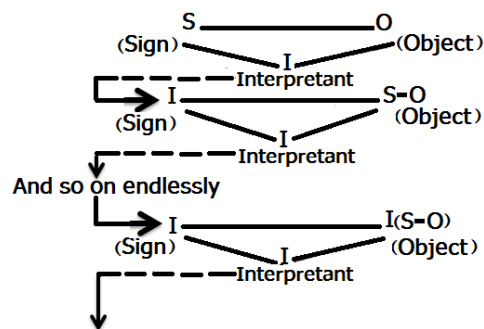
په دین کې نومونه او پدیدې د ارزښت او برتریت له مخې وړاندې وروسته تلفظ/لیکل شوي دي، مثلاً، د خدای



وېی تر رسول دمخه تلفظ/لیکل کېږي، چې ښه مثال یې کلمه ی طبیه ده، همداسې نور وېي او پدیدې هم درواخله، دا چې دوه ګونی تقابل د دیني اصولو له مخې یو ارزښت دی، په دې تقابل کې نرینه پر ښځینه فوقیت لري، یعنې نرینه

مرکز او بنځینه په حاشیه کې قرار لري، خو دغه نومونه که په پښتو او پارسي کې وگورو، دلته هم هغه مرکزیت پنگېږي، لکه په لاندې شکل کې چې «پلار» په پښتو ژبه کې خپل برتریت له لاسه ورکړی دی او «مور» یې ځای ناستې شوې ده. (حسین پناهي، ۱۳۹۶، ۷)

په پارسي ژبه کې «پدر» د وړاندې او وروسته والي له مخې خپل برتریت حفظ کړی دی، «پدر و مادر» ویل کېږي، خو «ورور» بیا د «خور» په مقابل کې خپل ځای «خور» ته پرې ایښی دی، «خواهر و برادر» ویل کېږي، همداسې یې په نورو ژبو کې هم درواخله؛ که د «وینا» او «لیک» تقابل ته راشو، د «ویي محوري» له مخې «وینا» اصل ده، خو پوست سترکچرلیستان یې برعکس کوي او وايي چې «لیک» کې مؤلف یا لیکوال نه وي حاضر، خو یوازې دا غیاب بسنه نه کوي، بلکې متن پخپله د لیکوال د غیاب سبب کېږي، ځکه چې بېلابېلې ماناوې او تعبیرونه د دې سبب کېږي چې لیکوال له متن څخه وځي. دریدا په جوړښت ماتونه کې «دال» ته ارزښت ورکړ، ځکه ده غوښتل چې په دې توګه مرکزیت رد کړي. هغه د دال او د مدلول تر منځ فاصله مهمه وګڼله، ځکه دغه فاصله دال ته اجازه نه ورکوي چې پر مدلول دلالت وکړي. د نښې ردول او د مدلول دایمي ځنډول په دې مانا دي چې په متن کې اصلاً مانا وجود نه لري، هېڅ واحد مانا او واحد تفسیر وجود نه لري، د ماناوو تکرار او زیاتوالی په متن کې څپې وهي، چې دا ټول د دالونو د بې پایه حرکت نتیجه ده؛ دریدا دې ډول پروسې ته د «شیندلو Dissemiation» اصطلاح کاروي. د نښې پڼګولو او د مدلول دایمي ځنډولو سره په ژبه کې هېڅ ثابت ځای د مرکز په توګه نه پاتې کېږي او د «ژبې» مفهوم پر



استعاري نظام اطلاقېږي، چې بې ثباتي یې په متن کې چغې وهي. لکه څرنگه چې وویل شول دریدا لکه «سندرس پیرس» د ماناوو په تعدد باور درلود، چې دغه فکر په لاندې شکل ترسیم شوی دی:

توفیر Differance

په دریدایي مفاهیمو کې «توفیر» هم سړی له یاده نشي اېستلی، دغه مفهوم دریدا د سوسور په پیروۍ په لږ توپیر په هماغې پخوانۍ مانا کارولی دی. دریدا وايي ماناوې د هغو «توپيرونو defference» نتیجه ده، چې د هغه په مرسته موږ یو دال د بل دال په مرسته پېژنو. له بله پلوه داسې گمان هم کېدی شي چې دریدا به دا د «توفیر» مفهوم د افلاتون له «خورا» څخه اخیستی وي. افلاطون جهان په دوو برخو وېشلی و چې یوه ته یې عالم معقولات او بل ته یې عالم محسوسات ویل، خو نوموړي په درېیم جهان هم باور درلود چې همدغه درېیم جهان یې «خورا Khora» گڼلی دی،

هسې جهان چې نه محسوس دی او نه معقول. «خورا» د دوه گوني تقابل بنسټ لرزوي، داسې شی چې نه دا دی او نه هغه؛ له بله پلوه هم دا دی او هم هغه، د دریدا «توفیر» هم تقریباً همداسې شی ښکاري؛ لکه د «کُما Coma» حالت. دریدا د «توپیر» پر اهمیت ټینګار وکړ او په عین حال کې یې په ژبه کې د «خُند» تر څنګ د «differance» اصطلاح ابداع کړه او د «differance» لغت یې د «differing=differ» (توپیر) او «deferral=defer» (خُند) له ټولو مفهومي ظرفیتونو او وړتیاوو څخه ترکیب کړ. دغه کلمه د فرانسوي ژبې له «differance» څخه اخیستل شوې ده، چې له یوې خوا د «توپیر» او له بلې خوا د «خُند» مانا ورکوي او په همدې خاطر «توپیر» (difference) له «توفیر» (differance) سره توپیر لري، دریدا پر دې مسلې ټینګار وکړ چې په «متن» کې هم «توپیر» او هم «خُند» وجود لري، ځکه په «متن» کې تل ماناوې خنډېږي او هېڅکله هم لاس ته نه راځي.

هره مانا د لغتونو د توپیر حاصل دی؛ لکه د «وَر» کلمه، چې له سَر، بَر، زَر او داسې نورو سره د توپیر له مخې پېژندل کېږي؛ که نه د ور کلمه «وَریت» یا جوهر نه لري، بلکې له «کړکۍ» سره د توپیر له مخې پېژندل کېږي، په همدې خاطر نوموړي پر «نشتون مېتافزیک» باور وکړ او د «نشتون مېتافزیک» یې رد کړ، په دې مانا چې مانا د غیرحاضرو غړونو او وییو له امله بدلېږي او رابدلېږي او مانا هېڅکله هم ثابتې او تلپاتې نه وي، مثلاً که د «کور kor»، «مور mor»، «خور xor» او «لور lor» ویي په نظر کې ونیسو، په دغو څلور واړو وییو کې یو شی ثابت دی چې هغه «ور or» دی، په دې مانا چې دغه ثابت برخه په څلور واړو وییو کې حضور لري؛ خو «ک»، «م»، «خ» او «ل» په څلور واړو وییو کې غیرحاضر غړونه دي چې همدغه غیرحاضر غړونه د وییو په مانا کې بدلون راولي؛ همدغه غایب غړونو ته «Differ» وايو او همدا غایب عناصر توپیر رامنځته کوي، داسې ویلی شو، هغه عناصر چې ثابت دي او حضور لري ورته «defer» (خُند) او هغه چې ثابت نه دي او غایب دي ورته «differ» (توپیر) وايو چې دا دواړه سره یو ځای شي د «differance» (توفیر) مانا ورکوي، په دې مانا چې مانا هېڅکله هم ثابتې نشي پاتې کېدای. په بله وینا که پورتنی ویي ولیکو او یوه برخه یې په لاندې ډول خالي پرېږدو: (Babita. ۲۰۱۳. ۴).

-ور؛

-ور؛

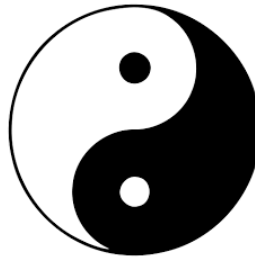
-ور؛

-ور؛

پوهېږو چې په هر ویي کې یوه برخه (or) حضور لري او هغه خالي برخه د غایبو عناصرو ځای دی چې په حاضرېدو سره یې د وییو ماناوې بدلېږي او همدغه ته د «نشتون مېتافزیک» اصطلاح کارول کېږي، ځکه چې دلته یو شی غایب دی چې هماغه غایب شی د مانا د بدلون سبب کېږي، یعنې موږ د توپيرونو په مرسته مانا ته څه ناڅه نېرېدې کېږو خو نهایی مانا یې نشو موندلی.

دریدا وايي چې هم دالونه او هم مدلولونه د نورو غړیزو، لیکنیزو یا مانیزو عناصرو سره د توپیر له مخې پېژندل کېږي، نه د خپلو ذاتي ځانګړنو له مخې، لکه چې د «وَر» ویی د «وَریت» او یا جوهر له مخې نه پېژندل کېږي؛ دریدا د سوسور د همدغه نظر له مخې ادعا کوي چې د هرې مشخصې وینا خاصه دا ده چې د هر ویي «دلالتی مانا signified» ټاکي چې هېڅکله هم له موږ سره «حاضرې» نه دي، ځکه چې د وییو ځانګړنې او مانا د توپيرونو څخه سوا بل شی نه

دي، له بله پلوه نشو ویلی چې دغه ټاکونکې ځانگړنې په بشپړ ډول «غایبې» دي، بلکې په هرې وینا یا لیک کې ظاهري مانا یوازې د یو «نامشخص» پله trace نتیجه ده، په دې دلیل نامشخصه ده چې موږ ترې خبر نه یو چې ټول غیرحاضره توپیرونه د ژبني سیستم ټولو عناصرو ماناوې ټاکي، په همدې بنسټ موږ هېڅکله نشو کولی په وینا او لیک کې یوه حاضره مانا چې کاملاً ثابته وي پیدا کړو، مثلاً موږ د «خدای» په وینې کې د غیر حاضر یا غایبو ویونو لکه، انسان، شیطان، لوی، ستر، غټ، رحم، حاکم او داسې نورو «پل» یا څرک وینو، همدا راز د «گل» په وینې کې د مینې، رنگ،



ورمې، عطر، بویایي حس، سترگو، لطافت، شبنم، ښکلا او داسې نورو ویونو پل احساسوو، په همدې اساس دریدا «گډۍ اصطلاح» (differance) «دغه اصطلاح د «تفاوت او تعلیق» د ماناوو ترکیب دی، چې ځینو آثارو د «تفاوت» په بڼه راخیستې ده، په ځینو کې بیا د تفاوت او تعلیق څخه جوړه شوې اصطلاح «تفویق» کارول شوې ده، ما یې پر ځای «گډۍ یا توفیر» کارولې ده.» ابداع کړه تر څو د دغې اصطلاح په مرسته د مانا د ځنډېدلو مفهوم وښيي. (Gunev. ۲۰۰۸. ۱۳)

په بله وینا موږ هېڅکله هم بشپړې مانا ته لاسرسی نه لرو، یو ویی د بل ویی په مرسته تعریفوو، چې دا سلسله همداسې دوام لري، په پای کې هېڅکله هم د یو ویی مستقله مانا نشو درک کولی. له بله پلوه جوړښت‌ماتونه د متن او ژبې مختلفې زاویې موږ ته رابښي او موږ ته پټې ماناوې را برسېره کوي. جوړښت‌ماتونه په اصل کې د ښو د حکومت ماتونه ده چې پر متن حکمراني کوي، د حکومت له ماتونې سره متن څو وجهي او څو اړخیز کېږي او موږ ته په متن کې دننه وړ پړانیزې، چې همدا په متن کې د وړه پړانیستل د دریدایي «توفیر» مانا لري. د یوه متن په لوستلو کې تل روابط او نسبتونه کشفېږي چې د متن لیکوال ترې ناخبر وي، په همدې بنسټ د متن په لوستلو کې د متن هاخوا هم ښکاري، یعنې هغه خوا چې لیکوال پرې فکر هم لا نه وي کړی. دریدایي «توفیر» هغه نسبتونه دي چې لیکوال ترې خبر نه دی؛ «توفیر» په دې مانا چې د متن جوړښت «مات» شي، چې دغه جوړښت‌ماتونه لکه نقد داسې د متن دننه داسې څه تحلیلوي چې لیکوال څخه پاتې شوي وي او یا لیکوال پرې خبر هم نه وي، له همدې امله دریدا وضاحت ردوي او د ابهام پلوي کوي. (Jacques. ۱۹۷۸. ۸۸)

د ژبې استعاري ځانگړنه

ټول مفاهیم چې انسان ورسره سرو کار لري، استعاري رامنځته کړي دي، په همدې خاطر ژبه استعاري نظام گڼل شوی دی. د مشهور کره کتونکي «ریچاردز Rechards» په وینا استعاره ژبې ته پراختیا ورکوي، خو «نېچه Nietzsche» بیا په دې باور و چې ژبه کاملاً استعاري ده. دریدا چې په دې برخه کې له «نېچه» څخه متاثر دی، د

ژبې او فلسفې تر منځ مرز پنگوي، ادبيات او فلسفه سره پيوندوي، چې پر دې لاره «استعاره» ځانگړې اهميت لري، ځکه چې ژبه له بنسټ څخه استعاري ده. په سترکچرليزم کې دال، مدلول خواته حرکت کوي خو د دريدا په نظر د «استعارې» په جوړېدنه کې بيا دا حرکت معکوس دی، يعنې په سترکچرليزم کې «A» د «B» پر لور حرکت کوي، خو په پوستسترکچرليزم کې بيا دا خبره برعکس ده، «B» د «A» پر لور حرکت کوي؛ دغه حرکت په لاندې بيت کې تعقيبوو:

د سپرلي ورمه مودې پس را آلوټې

د وجود ځانگې مې شنې شوې او غوړېږي

په پورتي بيت کې مستعارمنه «سپرلي ورمه» حاضر دی، خو مستعارله (معشوقه) بيا د تل لپاره غايه ده او يوازې «پل» يې سړی تعقيبولی شي. په دې بيت کې «سپرلي ورمه» دال دی او «معشوقه» مدلول دی او مدلول د دال پر لور حرکت کوي او همدا معکوس حرکت د دې سبب کېږي چې لوستونکی او يا اورېدونکی نورې ماناوې هم ايجاد کړي، مستعارمنه «سپرلي ورمه» او مستعارله «سوله» وگڼل شي. په استعارې کې دال (مستعار منه) او مدلول (مستعارله) دی، چې موږ د مدلول (مستعارله) له دايمي غياب سره مخ يو. په استعارې کې تل د دال (مستعارمنه) او د مدلول (مستعارله) تر منځ دايمي فاصله وجود لري او هېڅکله پای ته نه رسېږي، چې دغه حرکت د نظامي گنجوي په يوه بيت کې يو ځل بيا تعقيبوو:

خندیدن قرص آن گل زرد

افاق به رنگ سرخ گل کرد

(گندمکار، ۱۳۹۶، ۱۷۶)

د گنجوي په دې بيت کې مستعارمنه (گل زرد) حاضر دی، خو مستعارله (خورشيد) د تل لپاره غايه دی، چې يوازې «پله» پسې يې تلې شو. دلته هم مدلول (خورشيد) د دال (گل زرد) پر لور حرکت کوي. له بله پلوه د دغه بيت ټول لغتونه د لمر د راختو يو ډول استعاري انځور وړاندې کوي، لمر راڅپي او د اسمان څنډې سور رنگ اخلي. له دې بيت څخه کېدی شي نورې ماناوې هم واخيستل شي، د لمر راختل (گل زرد) کېدی شي د ځانگړي اتل لپاره استعاره شي، چې مسکا يې د ملت د خوشبختۍ سبب کېږي او يا د کوم اتل د سربښدنې په وینو د اسمان څنډې رنگ شوې ښکاري؛ ماناوې په دې ډول توليدېږي، په دې مانا چې دا مؤلف نه دی چې په استعارې کې ماناوې اچوي، بلکې د متن لغتونه او عبارتونه دي چې نوې ماناوې ترې توليدېږي، مانا د لغتونو يا د استعاري لغتونو له لارې انتقالېږي او په حقيقت کې دا لوستونکي دي چې ماناوې توليدوي.

د ليکوال اصلي مانا په نويو توليد شويو ماناوو کې ورک کېږي؛ په همدې خاطر سړی له غلط فهمۍ سره مخامخ کېږي. پوستسترکچرليستان په دې باور دي چې مانا هېڅکله د «ليک» له لارې نه انتقالېږي که انتقال هم شي، تحريف شوې، حذف شوې او يا علاوه شوې مانا به ورسره مله وي. د تاريخ په اوږدو کې د ژبې د وينا په صرفي او مانيز نقش کې چې کوم تحول رامنځته کېږي، د ژبې د استعاري ځانگړنې ښکارندويي کوي، چې په همدې اساس وايي چې د دال او د مدلول تر منځ هېڅ ذاتي او طبيعي رابطه وجود نه لري؛ ځکه چې هره کلمه مانا او يا خپلې اصلي ماناوې

لري، خو ځينې کلمې کمې او زياتې ضمني ماناوې هم لري، چې ژبه له وضاحت څخه لرې ساتي؛ که استعاري ځانگړنه له ژبې حذف کړو، په حقيقت کې موږ د ژبې له ذات څخه لرې کېږو. د دريدا په باور «ليکنه» بايد غير واضح، تېته، گډوډه او مبهمه وي، متن بايد دومره مبهم او غير واضح وي چې لوستونکي داسې حيران او عصباني کړي چې د مطالبو د درک لپاره مجبور شي چې له خپلو نوښتي افکارو استفاده وکړي. (Barthes. ۱۹۷۷. ۶۷)

پايله

د دې ليکنې په پای کې باوري شوم چې په پښتو ژبه کې لا هم د پوست سترکچرلیزم په باب داسې بشپړ او هر اړخيز اثر نه دی لیکل شوی او نه مې داسې لیکنه تر سترگو شوې ده او که چا لیکلې هم وي، ما به نه وي لوستې. د پوست سترکچرلیزم پر هر فلسفي، ژبني او ادبي مبحث کتابونه لیکل کېدی شي، د دې لپاره چې موضوع راڅخه پراخه نشي، هڅه مې کړې ده چې د سترکچرلیزم او پوست سترکچرلیزم عمومي مفاهیم په ډېرې ساده، روانې او سلیسې پښتو ولیکم، هیله ده چې هماغسې مې کړي وي.

په دې لیکنه کې مې د سترکچرلیزم او پوست سترکچرلیزم تر منځ عمومي توپیرونه روښانه کړي دي، هغه دا دي چې سترکچرلیستان حقیقت مني او د حقیقت په موجودیت شک نه کوي، په داسې مرتبط سیستم باور لري چې ماناوې جوړوي، په همدې ترتیب په دې تمرکز کوي چې څرنگه سیستم محدود شي، په څه شي فکر وشي، څه وویل شي او څه مانا ورکړي، دوی پر منطق او عقل باور لري. د ژبې او مصداقي جهان تر منځ تجربې پیوند پرې کوي او د دال او د مدلول تر منځ نه شلېدونکي پیوند مني. خو پوست سترکچرلیستان بیا حقیقت نه مني، په غیر مرتبط سیستم باور لري چې موجودیت یې د ابهاماتو د رامنځته کېدو لامل کېږي؛ همدا راز د ماناوو په تعدد تمرکز کوي، د دال او د مدلول تر منځ پر معکوس حرکت باور لري. پر منطق او «عقل پالنې» انتقاد کوي، چې د سترکچرلیزم پر خلاف یو غیر علمي فکر گڼل کېږي، چې «جوړښت ماتونه» یې ښه مثال دی؛ همدارنگه دوه گوني تقابل ردوي او په دې باوري دي چې تقابل خپل ارزښت له لاسه ورکړی دی. په همدې شکل د مانا د مرکزیت تر څنګ د هر شي له مرکزیت څخه انکار کوي او په ژبه کې پر ابهام ټینګار کوي، په پای کې خپله لیکنه د دریدا په دې جمله پای ته رسوم چې «سکوت او لیک له وینا څخه ډېر اهمیت لري.»

ماخذونه

آ. ام. سورن، پیتز. (۱۳۹۶ ل.ل). **مکاتب زبان شناسی نوین در غرب** (مترجم: علی محمد حق شناس). (پنجم چاپ). تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

دبیر مقدم، محمد. (۱۳۹۶ ل.ل). **زبان شناسی نظری- پیدایش و تکوین دستور زایشی**. (درپیم چاپ)، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

صفوی، کوروش. (۱۳۹۷ ل.ل). **درآمدی بر معنا شناسی**. (خلورم چاپ). تهران: انتشارات سوره مهر
گودرزی، عباس. (۱۳۹۱ ل.ل) **پسا ساخت گرایی: رهیافتی نو در نظریه و نقد ادبی معاصر**. (لومپی چاپ)
همدان: انتشارات دانشکده زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی- واحد همدان.

خاتمی، محمود. (۱۳۸۶ ل.ل). **دریدا و ساختار شکنی**. ایران: اشراق: فصلنامه فلسفی، عرفانی و ادبی.
گندمکار، راحله. (۱۳۹۶ ل.ل). **آشنایی با معنا شناسی ساختگرا**. (لومپی چاپ) تهران: انتشارات علمی.
دو سوسور، فردینان. (۱۳۹۶ ل.ل). **دوره زبان شناسی عمومی** (مترجم: کورش صفوی). (شپیرم چاپ)
تهران: انتشارات هرمس.

حسین پناهی، فردی و شیخ احمدی، سید اسعد. (۱۳۹۶ ل.ل) **بررسی نقش استعاره در تکوین پسا ساختارگرایی: با تکیه بر آرای دریدا**. اصفهان: مجله فنون ادبی (علمی- پژوهشی)



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

اتباع سۆزلر و اولر نینگ اؤرگنیشی

پوهنیار امیدالله بیانی

بلخ بیلیم یورتی - تیل و ادبیات فاکولته سی، اؤزبیک تیلی و ادبیاتی بۆلیمی

تقریظ: پوهاند محمد صالح راسخ

چکیده

اؤزبیک تیل شناسلیغیده تورلی اتمه لر «تکراری سۆزلر»، «عکس صدا سۆزلر»، «معناسیز سۆزلر»، «تقلیدی قسم»، «عکس صدا سۆزلر یاکه سۆزلر نینگ سایه سی»، «مهمل سۆزلر» بیلن یوریتیلهدیگن اتباعی سۆزلر اؤزبیک خلق سۆز لشوو تیلیده جوده فعال ایشله تیلهدیگن ترکیبلی سۆزلردن دیرکه، بو حقه تدقیقات آلینیب باریلگن بۆلسه لر-ده، اونینگ ماهیتی، تاریخی، قیسی تیل گرامریگه عایدلیگی و اونینگ اؤزبیک تیلی سۆز تورکوملرینینگ قیسی تورکوملریگه اوچره شیشی حقیده بحث یوریتیلگن تدقیقات جوده آز بۆلگن. اتباع سۆزلر قۆشمه، جفت، تکراری سۆزلرگه اؤخسه-ده، اؤزبیکه خاص خصوصیتلری بیلن مذکور ترکیبلردن فرق قیلهدی. اتباع سۆزلر ایکی ترکیبدن تشکیل تاپیب، بیرینچی ترکیبی معنالی و ایکینجی ترکیبی اېسه معناسیز سۆزلردن عبارت بۆلگن سۆزلردیرکه، ایکینجی ترکیبی یگه حالده قۆلنیلهدیگن سۆزلردیر. اتباع سۆزلر اؤزبیک تیلی گرامری قاعده لریدن بیریدیرکه، اؤزبیک خلق سۆز لشوو تیلیده جوده فعال ایشلتیلهدی، بیراق حلیگچه اؤزبیک تیلی گرامریدن قۆشمه، جفت و تکراری سۆزلر قطاریگه علیحده اؤزین اجره تیلمه گن گرامری قاعده دیر. اوشبو مقاله ده اتباعی ترکیبلرنی اؤرگنیش، تیلده قنده ی قۆلنیلیشی، فارسی و اؤزبیک تیلی گرامریده گی اهمیتی، تاریخی حقیده بحث یوریتهمیز.

تینچ سۆزلر: تورکی تیللر گرامری، تکراری سۆزلر، اتباع سۆزلر، لغوی معنا، گرامری قاعده، فونېتیک تأثیر.

کیریش

تورکي تیللر گرامری، شو جمله دن، اؤزبک تیلی گرامری دنیا تیللری آره سیده گی اېنگ قاعده لی و سېرْقیره گرامرلردن حسابلنه دی. لېکن شونده ی بؤله ده، اؤزبک تیلی گرامری تۆلیق اؤرگنیلگن، انیق بیر معیارگه سالیئیب، برچه گرامری قاعده لر اؤرگنیلگن دېب بؤلمه ییدی، بونینگ دلیللری جوده کۆپ، اولردن بیرى اؤزبک تیلی شېوه لری نینگ تورلی فونېتیک، گرامری و لغوی تمانلری تۆله لیگیچه اؤرگنیلیب، معیارلشتیریلگن تیل - ادبی تیل گرامریگه قۆشیلمه گن تمانلری هم بار. اؤزبک خلقي سۆزلىشو تیلیده اېنگ کۆپ فعال ایشلتیلهدیگن کته - مته، چای - مای، مېوه - چېوه کبی گرامری قاعده اؤزبک ادبی تیلی گرامریده هم افغانستانده رواجلنه یاتگن اؤزبک تیلی گرامریده هم اؤز افاده سینى تۆلیگیچه تاپمه گن. بیزنینگچه، اوشبو گرامری قاعده تکراری سۆزلردن بوتونله ی فرق قیله دی. مذکور مقاله ده اوشبو موضوعنى یاریتیشگه حرکت قیله میز.

مسأله نینگ اچیقلىنىشى

اؤزبک تیلیده ترکیبلى سۆزلرنى اؤرگنیش اؤزبک تیل شناسلیگی نینگ شکللىنىشى و راوجلنىشى بیلن اؤرگنیه باشلگن، بیراق اتباع سۆزلرنى باشقه ترکیبلى سۆزلر (قۆشمه، جفت و تکراری سۆزلر) دن فرقلب اؤرگنن تدقیقات موجود اېمس. شونده ی بؤله ده، تورلی تیل شناسلر تمانیدن «عکس صدا سۆزلر»، «معناسیز سۆزلر»، «تقلیدی قسم»، «عکس صدا سۆزلر یاکه سۆزلرنینگ سایه سی»، «مستقل معناگه اېگه بؤلمه گن جفت سۆزلر»، «مهمل سۆزلر» کبی ناملر بیلن اۆلگن. بیراق بولردن هیچ بیرى هم اتباع سۆزلرنى قنده ی دیر قۆشمه، جفت و تکراری سۆزلردن بوتونله ی فرقله ی آلیش امکانیتینی بېرمه ییدی. بیز اېسه اوشبو مقاله ده قۆشمه، جفت و تکراری سۆزلرگه اؤخشه گن، بیراق اؤزیگه خاص خصوصیتلری بیلن اېسلگن قۆشیلمه لردن فرقلى بۆلگن اتباع سۆزلرنى اؤرگنیشگه حرکت قیلدیک.

تدقیق نینگ اهمیتی

مذکور تدقیقی مقاله نینگ اهمیتی شونده که اؤزبک خلقي نینگ سۆزلىشو تیلیده جوده کۆپ فعال ایشله تیلهدیگن چای - مای، نان - پان، سوو - موو کبی گرامری قاعده سی بۆلیب توریب هم اؤزبک گرامریده قۆشمه، جفت و تکراری گرامری قاعده قطاری اؤرگنیلیب، جایلشتیریلمه گن. ایریم تدقیقاتلرده اؤرگنیلگن بؤله ده، مذکور گرامری قاعده باشقه قۆشیلمه لر بیلن بیر توشونیلیب، تورلی تیل شناسلر تمانیدن تورلی ناملر بیلن اۆلگن، بیراق بولردن هیچ بیرى هم اوشبو گرامری قاعده نینگ اصل ماهیتی، خصوصیتلرنى اچیقلىشگه اینتیلمه گنلر. بیز اېسه مذکور گرامری قاعده نینگ اصل ماهیتی، خصوصیتلری، گرامری قاعده نینگ اته لیشی، اېران، اؤزبکستان و افغانستانده قۆللىلىشى و اؤرگنیلیشی حقیده تۆخته لیب، موضوعنى یاریتیشگه حرکت قیله میز.

تحقيق سۇراقلىرى

اصلي سۇراقلىرى

اتباع سۆزلىرى قندەي سۆزلىرىدۇر؟
اتباع سۆزلىرىنىڭ باشقىچە تىركىپى سۆزلىرى بىلەن قىسسى خصوصىيەتلىرى بىلەن اجىرەلىپ تۇرىدۇ؟
اتباعى تىركىپلىرى قىسسى تىل گراممىگە بايىدۇر؟

فرعي سۇراقلىرى

اتباعى قۇشلىمەلىرى فارسىدە قندەي اۆزلىشتىرىلىدۇ؟
باشقىچە تىركىپ تىللىرىدە ھم اتباعلىشتىرىش اصولى موجودمۇ؟

تدقيق فرضىيەسى

اۆزبېك خەلق سۆزلىشىشى تىلىدە جودە فعال ايشلەتەلىدىگەن اتباع سۆزلىرى اۆزبېك تىلى گراممىدىن كۆرە خەلق تىلىگە بايىدۇ، شۇنىڭ اۆچۈن ادبى تىل گراممىدە انچە اهمىيت بېرىلمەيدۇ.

اتباع سۆزلىرى تورلى اېران تىل شىناسلىرى نظرىگە كۆرە، دستلەپ عرب تىلىنىڭ سىنتەكسى تائىرى يەنى سىنۇنىملىك يازىش طفىلى اۆرتەگە كېلگەن دېگەن فكىرلەرنى بىلدۈرىدۇ.

تدقيق ھدفى

- مذكور تدقيق نىڭ مقصد و ھدفلىرى قۇيىدە گىلەردىن عبارت دۇر:
- اۆزبېك خەلق سۆزلىشىشى تىلى بىلەن ادبى تىل نىڭ علاقهلىرىنى تىكلەش؛
- قۇشۇمە، جفت و تىكرارى سۆزلىرىدىن فرقى خصوصىيەتكە اېگە بۇلگەن اتباع سۆزلىرىنى اۆرگىتىش؛
- تىركىپ تىلگە بايىدۇ اينىقسە اۆزبېك تىلىدە گى سۆز قۇشلىمەلىرىنى تدقيق اېتىش؛
- اتباعى قۇشلىمەلىرىنى فارس و اۆزبېك تىل شىناسلىقىدە اۆرگىتىلىشىنى تدقيق اېتىش؛
- اتباع سۆزلىرى قىسسى سۆز تىركىپلىرىگە اۆچرەشىشىنى تېكىشىرىش؛
- اتباع سۆزلىرىنى ھازىرگى ادبى تىلگە قىچەلىك اهمىيەتكە اېگە اېكىلىگىنى يارىتىش دۇر.

تدقيق روشى

اوشۇ ماقالەدە كىتابخانە تدقيق يۇسىنىدىن بايىدەلىلەيدۇ.

اتباع سۆزلر و اونینگ قوشمه، جفت و تکراری سۆزلردن فرقی

اتباع عربچه سۆز بۆلیم، ابرگشماق، ابرگشیب بارماق معنارینی انگلتهدی. اتباع سۆزلر ایگی سۆز ترکیبیدن تشکیل تاپه‌دی. بیرینچی ترکیبی معنالی، ایگینچی ترکیبی ايسه معناسیز (مهمل) بۆلیم، بیرینچی سۆزنی تأکیدلب، معناسینی بورتیتیریش و بیرینچی سۆزنینگ فونېتیک تأثیرى آستیده پیدا بۆلگن سۆزلردن عبارت‌دیر (بیانی، امیدالله، ۲۰۲۱، ۲۹-بیت). اوشبو سۆزلرنینگ بیرینچی ترکیبی انیق معنا اېگه بۆلیم، ایگینچی ترکیبی نینگ انیق معناسی بۆقلیگی همده یگه‌ حالده هم قۇللنیلیمسلیگی بیلن اۆزیگه خاص خصوصیتگه اېگه‌دیر. اتباعی ترکیبلرنی یازیش پیتیده، اولر آره‌سیده چیزیقچه (-) قۇییلهدی. بو سۆزلر اساساً نطقده اوچره‌یدیگن سۆزلردیر.

اۆزبېک تیلیده اتباعی ترکیبلر ایگی قسم‌دیر. ۱) بیر ترکیبی مستقل معناگه اېگه بۆلمه‌گن اتباع سۆزلر؛ ۲) ایگله ترکیبی هم مستقل معناگه اېگه بۆلمه‌گن اتباعی ترکیبلر.

بیر ترکیبی مستقل معناگه اېگه بۆلمه‌گن اتباعی سۆزلر حاضرگی اۆزبېک تیلیده جوده کۆپ اوچره‌یدی. بونده‌ی اتباعی سۆزلرنینگ ایگینچی ترکیبی معناسیز بۆلیم، مستقل حالده قۇللنیلیمه‌یدیگن بۆله‌دی: مېوه-چېوه، لته‌-پوته، مزه-تزه، آش-پاش کبی.

ایگله ترکیبی مستقل معناگه اېگه بۆلمه‌گن اتباعی سۆزلر حاضرگی اۆزبېک تیلیده، جوده کۆپ بۆلمسه‌ده، هر حالده اوچره‌ب توره‌دی: الپان-تلپان، غیدی-بییدی، اجی-بوجی، لش-لوش کبی. (حاجی‌بف، عظیم، ۱۹۶۳، ۶۱-بیت)

اتباع سۆزلرنینگ قوشمه، جفت و تکراری سۆزلردن فرق قیلهدی. قوشمه سۆزلردن فرقی شوکه، قوشمه سۆزلرنینگ هر ایگله ترکیبی مستقل معناگه اېگه بۆلیم، اولرنینگ هر بیرى علیحده قۇللنیلله آله‌دی. جفت سۆز ايسه ایگی سۆزنی تېنگ گرامری مناسبتلری اساسیده یانمه‌یان کېلتیریش جفت سۆز دبیلهدی. باشقچه ایتگنده، ایگی اۆزه‌کلی سۆزلردن توزیلهدی. مثلاً، قیشین-یاز این، اېرته-کېچ، بوگون-اېرته، تاغ-تاش، آته‌-آنه، باله-چقه و باشقه‌لر. تکراری سۆز - بیر سۆزنینگ قوشه‌لاق کېلیشیدن حاصل بۆلگن سۆزلردیر: بلند-بلند، قطار-قطار، کته‌-کته. تکراری سۆزلر کۆپلیک، دوامیلیک، تکرار کبی معنالرنی بیلدیره‌دی: اېتک-اېتک گل، ایته-ایته چرچه‌دیم. لېکن اتباع سۆزلرنینگ فقط بیتکچی ترکیبی معنالی‌دیر.

اېراندۀ اتباع سۆزلرنی اۆرگنیش

فارس تیلیده اتباع سۆزلرنی اۆرگنیش ۱۳۴۲ ییلی جعفر شعارنینگ «یغما» ژورنالی نینگ ۱۸۱ - ۱۸۴ - سانلریده «بحثی درباره‌ی اتباع» («اتباع حقیده بحث») ناملی مقاله‌لرینی نشر اېتیشی بیلن باشلنهدی. مذکور ژورنال نینگ ۴-سانیده اۆزى نینگ اتباع سۆزلر حقیده‌گی مقاله‌لرینی نشر قیلدی. مؤلف بیرینچی مقاله‌ده، موضوع حلیگچه فارس تیلی گرامریده اۆرگنیلمه‌گنی حقیده یازیب، اتباع سۆزلرنی عرب منبعلریده کۆریب چیققن. ایگینچی مقاله‌سیده، اتباع سۆزلرنی فارس

منبعلريده تدقيق قىلىپ، اونىنگ قانون-قاعدهلىرى حقيده تۇختلگن. اوچىنچى و تۇرتىنچى مقالهلريده، اتباع سۆزلىرى فهرستىنى بېرگن. مۇلف اوشبو مقالهلريده، اتباع سۆزلىرى حقيده سۆز يورتگن بۇلسە-دە، اولر نىنگ كېلىپ چىقىشى و رواجلىنىشى حقيده سۆز يورتمەگن (كرىمى قهې، ۱۳۹۷، ۱۱۶-۱۱۷).

ايراني تدقيقاتچىلاردن يەنە بىر قىچە فيلولوگ عالملىر مەشىد مشيرى، علاءالدين طباطبائي، مصطفى ذاكري و منصوره كرىمى قهېلر نىنگ هم اتباع و اتباع تورلىرى حقيده تدقيقات آلىپ بارگنلر. بولردن مصطفى ذاكري و منصوره كرىمى قهېلر نىنگ علمى ايشلىرى بىز اوچون جوده اونوملى دير، چونكه اولر اتباع سۆزلىرى تارىخى حقيده بحث قىلىپ، انىق فكتىك دليللر بىلن اثباتلگنلر. شونىنگ اوچون، اولر نىنگ اساسى فكرلىرى خلاصەسىنى مذكور مقالهده كېلتىرىشنى معقول كۆردىك.

مصطفى ذاكري «اتباع و مهملات در زبان فارسى» («فارس تىليده اتباع و مهملر») دېگن اثر يازىپ، قرآن كرىم، اويستا و سانسكرىتده اتباع سۆزلىرى تدقيق قىلگن. او عرب و فارس تىليده اتباع و اتباع تورلىرى حقيده سۆز يورتيشدىن تشقري، اتباع سۆزلىرى انىقلىش حقيده نظمي و نثري اثرلىرى تېكشيريپ، شوندهى نتيجه چىقرگن: «اتباع قديمگى و اؤرتە ايراني تىللر و حتى فارسىده موجود اېمس، ممكن اتباعلشتىريش باشلغىچده عرب تىليدن تقليد قىلنگن بۇلىپ، كېيىنچەلىك، توركى تىلگە اېرگىشىپ پيدا بۇلگن دير» (ذاكري، ۱۳۸۱، ۱۴۳).

منصور كرىمى قهې اۆزى نىنگ «اتباع در زبان و ادب فارسى» («فارس تىلى و ادبياتىده اتباع») ناملى مقالهسىده، فارس تىليده اتباع تارىخى حقيده مفصل تۇختىلىپ، اتباع سۆزلىرى ايشلتىش حقيده قىزىقرلى بحث يوريتگن. اونىنگچە، ايرىم لغت شناسلر اتباع سۆزلىرى اؤرگىش تارىخىنى هجرى يىرىنچى (مىلادى ۷-) عصرگە يېتكىزسە-دە، او ناتۇغرى. فارس تىليده اتباع سۆزلىرى اؤرگىلىشى تارىخى مىلادى ۱۹-عصرگە تۇغرى كېلەدى. چونكه فارس تىلى نىنگ هجرى ۵-عصر (مىلادى ۱۲-عصر) يگانە لغت شناسى اسدى طوسى نىنگ «لغت فرس» اثرىده برچە تركىيلر حقيده بحث يورتيلگن بۇلىپ، بىراق اتباع سۆزلىرى حقيده معلومات اوچرەمەيدى. اگرچە فارس ادبياتى نىنگ بويوك شاعرلىرى، رودكى، فردوسى، سنايى، انورى، سعدى و باشقە شاعرلر نىنگ اثرلريده اتباع سۆزلىرىگە اۇخشەگن سۆزلىر ايشلتگن بۇلسەلر-دە، لېكن اولر اتباعى تركىيلر اېمس، بلكىم سۆزلىرى سىنونىمىك (معناداش سۆزلىر، مترادفلر) طرزده يازىلىشى دير، اولر. هجرى ۱۳-عصرده (مىلادى ۱۹-عصرده) كۆپگىنە يىنگى اتباعى تركىيلر خلق سۆزلىشىو تىلىگە رواج تاپدى. شونىنگدېك، «درى-ورى»، «كتاب-متاب»، «پول-مول»، «شنگول-منگول» كىى اتباعى تركىيلر تدرىجى شكلده فارسى نظم-نثر متنىلرگە كىرىشىدى. اتباع سۆزلىرى اؤرگىلىشى اېسە ۱۹-عصردير. سۆزلىرى نىنگ دوامىده، اتباعى تركىيلر ۴- ۱۳- (۱۱-۱۹) عصرلرده ايشلتىلگن بۇلسە-دە، ۱۹-عصردهگى اتباع سۆزلىرىدن بوتونلەى فرق قىلەدى - دېب قيد اېتەدى (كرىمى قهې، ۱۳۹۷، ۱۱۸-۱۱۹).

منصوره كرىمى قهې اتباعى تركىيلر نى شەرى و نثري اثرلرده تدقيق اېتىپ، مقالهسى نىنگ نتيجه قىسمىده فارسىده اتباعى تركىيلر نىنگ تشكىل تاپىشى تۇغرىسىده اوچ فرضيهنى قيد قىلەدى: «يىرىنچىدن، قديمگى متنىلرده

كېلگن اتباعي تركيبلار اتباع اېمس، سۆزلىك توزوچىلار سۆز معناسىنى بىلمىلىگى و شكل اوزگريشلار طفيلى خطا قىلىپ، اتباعي تركيبلار سىره سىگه كىرگىزگن. ايگىنچىدن، بو تركيبلار فارس تىلى نىنگ ذاتيده موجود اېمس، بلكه عرب گرامرى تاثيرى آستيده فارس تىلىگه اوزلشگن. اوچىنچىدن، فارس تىلى و ادبياتيده سينونىملىك يازيش آرقللى اتباعي تركيبلار اورتىگه كېلگن» - دېب قىد اېتهدى (كريمى قهپى، ۱۳۹۷، ۱۳۰).

منصوره كريمى قهپى نىنگ اوشبو فرضيه سى توغرى. لېكن اوزى نىنگ اعترافىچە هجرى ۵ - ۱۳ (مىلادى ۱۱ - ۱۹) عصرگچە بۆلگن اتباعي تركيبلار بىلن هجرى ۱۳-عصر (مىلادى ۱۹-عصر) دن كېيىنگى دورلردىگى فارس تىلىده پيدا بۆلگن اتباعي تركيب فرقلى دير. شونىنگ مصطفى ذاكرى نىنگ خلاصه سىگه تيه نىپ، توركى تىل گرامرى تاثيريده پيدا بۆلگىلىگى ممكن، چونكه كېيىنگى دورلردى فارسى-درى بىلن يقين علاقه ده بۆلگن تىل توركى تىللردىر. ادغامىز نىنگ باشقه دىلىلى صفتيده، مىلادى ۱۷ - ۱۹-عصرلردى تورلى ادبى محيطلردى بىلگىزىم (ايگى تىللى لىك) نىنگ پيدا بۆلىشى ادغامىز نىنگ يقال دىلىلى دير.

شعار جعفر نىنگ دهخدا سۆزلىگىدن اقتباس قىلىشچە، آتا-اوتا» / «آتا و اوتا» آذربايجان تىلىده اتباع سۆزلردىر. او «آتا-اوتا» / «آتا و اوتا» سۆزىنى كېلتىرىپ، ييتكىچى تركىيىنى معنالى سۆز اېكنلىگىنى قىد اېتىپ، توركى ده (آذربايجانچە ده) «آتا» سۆزى نىنگ معناسى بارلىگى، اما «اوتا» اېسه مذكور تىلده «آتا» سۆزى بىلن مناسب معناسى يوقلىگى و سۆزلىكلردى هم قىد اېتىلمە گنلىگى سببلى اوشبو سۆز اتباع سۆزلردى دېب قىد اېتگن (شعار، ۱۳۴۲، ۲۰۳).

مصطفى ذاكرى نىنگ تاكيدلىشچە، قديمگى و اورتى اېراني تىللر و فارسى گرامرىده موجود بۆلمەگن، اگر اوشبو گرامرى قاعده عرب تىلىدن كىرىپ كېلگن بۆلسە اېدى، اولردن كۆپ نمونه لر ادبى تىلده سىنگىپ قالىشى ممكن اېدى. عكسىنچە، فارس تىلى نىنگ معيارى و ادبى تىلىدن كۆرە، عامه سۆزلىشوى تىلىده كۆپراق اوچرىدى. مثلاً، شكست و مكست، كچ و مچ، كش و پش، مُرغ و بُرغ كى. ايرىم عربچە سۆزلردى هم اتباعي تركيبلار كتاب-متاب، قلم-ملم، مکتب-پكتب كى اوچرىشى-ده، مذكور سۆزلر فارسى و توركى تىللر، جمله دن، اوزبېك تىلىده مشترك سۆز بۆلىشى و اوزبېك خلقى نىنگ سۆزلىشوى تىلى تاثيريده تركيب تاپىلگن دير.

يوقارىده گى دليللرگه اساسلىلگن حالده، ايتىش ممكن كه سۆزلرنى اتباعلىشتىرىش، معنالى سۆزلرنى مھمل سۆزلر بىلن ايشلتىش توركى خلقلر آرسىده، جمله دن، اوزبېك خلقى نىنگ تىلىده جوده قديمدن موجود بۆلىپ، خلق نطقىده فعال ايشلەتلىپ كېلىندى و كېلىنماقده.

اوزبېك تىلىده اتباع سۆزلرنىنگ قۇللىنىلىشى و اوزگىلىلىشى

اتباع سۆزلر اوزبېكستان منبعلىده تورلى عالمر تمانىدن تورلىچە ناملىلگن. ن.ك. دمىترىف و ا.ن. كانونوف بوندى سۆزلرنى «عكس صدا سۆزلر»، م. معروفوف «معناسىز سۆزلر»، ع. تورسونوف و مختاروفلر «تقليدىي قسم» ص. عثمانوف «عكس صدا سۆزلر ياكە سۆزلرنىنگ سايه سى» دېب ناملەيدى (رزاقو، ۲۰۱۱، ۲۴).

عظيم حاجى ېف-نىڭ ۱۹۶۳-يىلىدە «اۋزىپىك تىلىدە قۇشمە، جفت و تىكرارى سۆزلىرى» نامى ئاستىدە نىشر اېتتىرگن اۋرئىدە، اتباع سۆزلىرىنى جفت سۆزلىرى قىلارلىرىگە اۋرگنلىپ، «بىر تىركىبىي مستقل معناگە اېگە بۆلمەگن جفت سۆزلىرى» دېپ اۋرگنلىگن. بىر تىركىبىي مستقل معناگە اېگە بۆلمەگن جفت سۆزلىرى مىثاللىدە عىجاب-غىراپ، باغ-راغ، گىپ-گىشتىك، نىست-نابود كىي سۆزلىرىنى مىثال صىفتىدە بېرىگن (حاجى ېف، ۱۹۶۳، ۵۷). بىزنىڭچە، يوقارىدەگى مىثاللىرىنىڭ ھەر اىكلىگە تىركىبىي ھم عىلىدە معناگە اېگە بۆلگن سۆزلىرىدۇر، مىثلاً، عىجاب-غىراپ سۆزىنىڭ بىرىنچى تىركىبىي (عىجاب سۆزى) جودە ھم يىخشى، تىرىفكە سىغمەيدىگن كىي معناسى بار و اىككىنچى تىركىبىي (غىراپ سۆزى) جودە كىم اوچرەيدىگن، جودە باشقىچە و عىجاب كىي معناگە اېگە. باغ-راغ، گىپ-گىشتىك كىي سۆزلىرى ھم ھەر اىكلىگە تىركىبىي ھم مستقل معناگە اېگە بۆلگن سۆزلىرىدۇر، اتباع سۆزلىرى دېپ بۆلمەيدۇ. بوندە سۆزلىرى دىستىب سىنونىم يازىش طفىلى اۋرتەگە كېلگن و بۇگونكى كوندە جفت سۆزلىرى قىلارلىرىگە كىرىشى لازىم.

بعضى درىسلىك و قۇللىنمەلردە تىكرارى سۆزلىرى بىلن اتباع سۆزلىرىنى بىرتە توشىنىپ، تىكرارى سۆزلىرى قىلارلىرىدە اآلگنلىر. بىراق تىكرارى سۆزلىرىنىڭ اۋزى اىككىتە مرتە تىكرار كېلىشى طفىلى حاصل بۆلەدۇ. يوقارىدە تاكىدلىگنىمىزدېك، اتباع سۆزلىرىنىڭ بىرىنچى تىركىبىي لغوى معناگە اېگە بۆلسە، اىككىنچى تىركىبىي نىڭ لغوى معناسى يۇق ھمدە اىككىنچى تىركىبىي يىگە حالدە قۇللىنمەيدۇ. مىثلاً، اۋراق-پۇراق، چاى-ماى كىي اتباعى تىركىبىي كۆرىپ چىقىسك، اوشبو قۇشىلمەنىڭ بىرىنچى تىركىبىي - اۋراق سۆزى تېمىردن يىسلگن و اۋت اۋرەيدىگن نرسە-بويوم اآتى، لېكن اىككىنچى تىركىبىي اېسە ھېچ نرسەنى ناملەيدۇ، بلكە اۋراق سۆزىنىڭ فونىتىك تائىرىدە پىدا بۆلگن دىر. چاى-ماى سۆزىنى كۆرىپ چىقىسك، چاى مستقل معنالى سۆز، بونىڭ اآتش و لغوى معناسى بۆلىپ؛ ماى اېسە اونگە قرەم، چاى سۆزىنىڭ فونىتىك تائىرى نىتىجەسىگە پىدا بۆلىپ، اآتش و لغوى معناسى يۇق. مذكور مىثاللىردن نىتىجە اآلىپ، اىتىش مىمكن كە اتباعى تىركىبىلرنىڭ يىتكىچى تىركىبىي معنالى و قرەم بۆلگن تىركىبىي معناسىزلىكى طفىلى، بو گراممى قاعدەنى اآتش اوچون اېنگ معقول تېرمىن «اتباع» (اتباع سۆزلىرى) دىر.

اۋزىپىك تىلىدە اتباعى تىركىبىلر اېسكى پىتلردن بېرى قۇللىنلىپ كېلىنگن بۆلسە-دە، حلىگچە اوشبو سۆزلىرى يىتلىرىچە اۋرگنلىمەگن. افغانستاندە اۋزىپىك تىلىدە مېھمل يا مېھملە اتمەسى اتباع سۆزلىرى اتمەسى اۋرنىدە قۇللىنلىدۇ. بىراق بو تېرمىن اوشبو گراممى قاعدەنى تۇلىق يارىتىپ بېرە اآمەيدۇ، چونكە «مېھمل» «معناسىز، بېھودە» دېگنى، اتباع اېسە اىكى تىركىبىدن تىشكىل تاپگن بۆلىپ، يىتكىچى تىركىبىي معنالى، قرەم بۆلگن تىركىبىي معناسىزدۇر.

اتباعى قۇشىلمەلرگە اۋخشش گراممى قاعدەلردن بىرى، صفت درجەسىنى اآرتىتىرىش و كوچەيتىرىش قاعدەسى دۇر. صفت نىڭ اآرتىتىرمە درجەسىنى كۆرسىتىش اوچون سۆزلىرىنىڭ (صفت نىڭ) تلفظىگە قرەگندە، بىر بۇغىنلى و اىكى بۇغىنلى اآرتىقىچە سۆزلىرى قىپ-قىزىل، سىپ-سرىق، اپاق، كۆم-كۆك، تۇپپە-تۇغرى، ساپپە-ساغ، قوپ-قوروق (قوپپە-قوروق) كىي سۆزلىرى قۇشىلىپ، صفت نىڭ اآرتىتىرمە درجەسىنى كۆرسىتەدۇ.

اېسکي اوزبېک ادبي تېليده عرب و فارس تېليدن کيرگن هرچومرج، خان و مان (خانمان)، تار و مار کي سوزلر شکل جهتدن اتباع سوزلرگه اوخشسه-ده، اصلیده، اتباع سوزلر اېمس، بلکه اولر فارس و عرب تېليده انيق معناگه اېگهدير. مثلاً، خان و مان (خانمان) سوزی قدیمگی فارس تېليده خان (خانه) و - باغلاوچی و مان (اوی اسابلری) دېگن معنا بېرگن. شونینگ اوچون، بوندهی سوزلر اتباعي ترکیب دېبه آلمهیمیز. بولر اصلیده سینونیمیک یازیش طفیلی رواجلنگن بولیب، اتباعي ترکیبیلرگه اوخشب کېتهدی، بیراق بولر اتباعي ترکیبیلر سیرهسیگه کیرمهیدی. مثال اوچون نوایی نینگ اوشبو بیتیده قرهنگ:

ینه نې اوت اېدی کیم توشتی خان و مانیمغه،

ینه نې شعله اېدی کیم توشتی جانیمغه.

(نوایی، ۱۳۸۵، ۴۶۷)

تار و مار سوزی:

انی مور خیلی شکار اېتمهگی،

تلشماق بیله تار و مار اېتمهگی.

(نوایی، ۱۴۰۲، ۱۰۶۷)

اتباعي ترکیبیلر توزیش اوزبېک تېليده کۆپینچه «م» و «پ» تاووشلری بیلن توزیش انچه کۆپ. مثلاً، يولدوز-مولدوز، یاش-ماش، قری-مری، قیشلاق-میشلاق، سوت-موت، قاشیق-ماشیق، اوراق-پوراق کبی. «چ»، «س» تاووشی بیلن هم توزیش اوچریدی: مېوه-چېوه؛ آورهب-سورهب کبی.

اوزبېک خلقي نینگ صاف و بي غبار تېلی، حقیقتاً هم قیشلاقلرده سقلنگن. بونینگ مثاللرینی بعضی قیشلاقلرده یشهیدیگن فارس و عرب تېلینی بیلیمهیدیگن خلق نطقلریده کۆریش ممکن. وطنیمیزده شهرلرده یشهیدیگن اوزبېکلریمیز آرهسیده عجایب نظریه موجود، سوزلرنی اتباعلشتیریش («مهمل ایشلتیش») گویا قیشلاق اھالی آرهسیده تېگیشلی بولگن. محمد حلیم یارقین نینگ «وکالت دغدغهلری» طنزی حکایهلری تۆپلمیده «مهمل ایشلتیش» عنوانی آستیده قیزیک حکایه موجود:

«باي بوبه، سيزلر نيمه اوچون سوزلشده هر نرسه گه بير مهمل هم قوشيب: «مؤتر-پؤتر»، «پول-مول» يا «مدیر-پدیر» دبیسيزلر؟! اوکم ناتوغری اېشیتیب سیز. بیز هېچ قچان بوندهی دېمهیمیز. اونی بیران «قیشلاقی-میشلاقی» ایتهدی (یارقین، ۱۳۸۶، ۶۹).

اوشبو طنزی حکایه دن آلدینلشیچه، اتباعلشتیریش، معنالی سوزلرنی مهمل سوزلر بیلن قوشیب ایتیش اوزبېک تیلی نینگ امکانيتی آرقه لی اېکنلیگینی تأکیدلماقده. دېمک، اتباعلشتیریش، معنالی سوزلرنی مهمل سوزلر بیلن توزیش اوزبېک تیلی نینگ اېچکی امکانيتی و گرامري قاعدهلریدن عبارت دیرکه، ادبي تیلده انچه قۇللنيلمسه-ده، سوزلشوو تیلده جوده فعال ایشله تیلهدی.

نطقده اتباع سۆزلرنى قۇللشگه قوييدهگى سبب و مقصد بۇليشى ممكن

گپ ياكه سۆزنى کوچلتيريش، كېسكىنلنتيريش ياكه سۆزگه تاكيدلش اوچون: پول-مول، نان-پان كىي. مثلاً، پول-مولينگ بۇلسه، ياردم بېر (آزى كۆپى ياردمينگنى ايمه).

سۆزنى آهنگلى قىليش اوچون: چاره-ماره، خس-مس، يېر-مېر.

اتباع سۆزلر سۆز توركوملرى نينگ مستقل سۆز توركوملرى اينقسه آت، فعل (فعل نينگ روشداس شكلى) و صفت سۆز توركوملريگه كۆپ اوچرهدى. مثلاً:

آت سۆز توركومى: اؤراق-پؤراق، يولدوز-مولدوز، قلم-ملم، مېوه-چېوه كىي.

صفت سۆز توركومى: سريق-مريق، شؤر-پؤر، كته-مته كىي.

فعل (روشداس شكلى) سۆز توركومى: ايشلب-ميشلب، كېتيب-مېتيب، بارىب-مارىب كىي.

نتيجه

اتباع عربجه سۆز بۇليب، اېرگشماق، اېرگشيب بارماق كىي معالرنى بېرهدى. اتباع سۆزلر ايگى سۆزدن تشكيل تاپهدى، يېتكچى تركيبي معنالى، ايگينچى تركيبي اېسه معناسيز (مهمل) ييرينچى تركيب سۆزى نينگ فونېتيك تائيرى آستيده پيدا بۇليپ، ييرينچى سۆزنى تاكيدلب كېلووچى، معناسينى کوچلتيريش، كېسكىنلشتيريش كىي وظيفه لرنى اؤتهيدى. عين حالده، تكراري سۆزلردن بوتونلهى فرق قيلهدى.

اتباع سۆزلر توركي تيل جمله دن، اؤزبېك تىلى گرامري قاعده سى ديركه، بو گرامري قاعده برچه توركي تيللرده، جمله دن، اؤزبېك تىلى نينگ اېسكى و حاضرگى كونلريده جوده فعال قۇلنيلگن كېلنگن و كېلنماقده و حتى فارسي تيلده اؤز تائيرينى كۆرستگن؛ بنابرين، مذکور گرامري قاعده ماهيتينى تۇليق اؤرگنيب چيقيب، اؤزبېك تىلى گرامريده قۇشمه، جفت و تكراري سۆزلر قطاريدن عليحده اؤرين بېريشيميز كېرەك.

مأخذلر

- انار بېکوه، ش. میرزایوه. (۲۰۱۲). حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلى، ناشر، تاشکېنت.
- بیانی، امیدالله. (۲۰۲۱). اؤزبېک تیليده سؤز تورکوملری (د. ش. شفیقه یارقین نینگ ینه کؤریشگونچه حکایه لر تۋپلمی نینگ قوتیلیش حکایه سی متریا لیده اساسیده)، ماسترلیک تیزیسی، سمرقند دولت بیلیم یورتی، اؤزبېکستان.
- حاجی پف، عظیم. (۱۹۶۳). اؤزبېک تیليده قۋشمه، جفت، تکراری سؤزلر، اؤزبېکستان نشریاتی، تاشکېنت.
- ذاکری، مصطفی. (۱۳۸۲). اتباع و مهملات در زبان فارسی، نشر اخوان خراسانی، تهران.
- رزاقوه، مملکت. (۲۰۱۱). آنه تیلى درس لریده قۋشمه، جفت و تکراری سؤزلرنی اۋرگتیش، نوکوس، قره قلیپاقستان-اؤزبېکستان.
- شعار، جعفر. (۱۳۴۲). بحثی درباره اتباع، جریده یغما، سال شانزدهم، شماره ۱۸۱، ۲۰۲ - ۲۰۴.
- شاه عبدالرحمانوف، شاه نظر و باشقه لر. (۱۹۸۰). حاضرگی اؤزبېک ادبی تیلى، ۱-قسم، تاشکېنت.
- کریمی قهی، منصوره. (۱۳۹۷). اتباع در زبان و ادب فارسی، زبان و ادبیات فارسی، شماره ۸۵، ۱۱۵ - ۱۳۵.
- مشیری، مهشید. (۱۳۷۹). فرهنگ اتباع و اتباع سازی، آگاهان ایده، تهران.
- نواپی، علیشېر. (۱۳۸۶). خزاین المعانی (غرایب الصغر)، نورالله آلتای اهتمامی بیلن، همکاریه ای جهانی، Global Partners، مالیزیا.
- نواپی، علیشېر. (۱۴۰۲). خمسه، تاشقین بهایی اهتمامی بیلن، خراسان نشریاتی، تاشکېنت.
- یارقین، محمد حلیم. (۱۳۸۶). وکالت دغدغه لری (طنزلر تۋپلمی)، ۲-نشر، آیدین افغانستان فرهنگي انجمنی، کابل.



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

عقد تورق و کاربردهای بانکی آن در فقه اسلامی

پوهنیار کرامت ارشد

پوهنتون بلخ - پوهنهی شرعیات دیپارتمنت ثقافت اسلامی

تقریظ: پوهنوال محمد یاسین فلاح و پوهندوی محمد همایون احسان

چکیده

اصطلاح تورق مخصوص مذهب حنابله است، درحالی که سایر مذاهب فقهی هنگام صحبت در مورد بیع العینه، تصویر تورق را ذکر می کنند؛ عقد تورق به دو صورت تورق فردی و تورق منظم تقسیم می شود: در تورق فردی، متورق (فرد نیازمند نقدینه (پول) خودش شخصا به خرید نسبه ای جنس اقدام می کند و آن را به دیگری به صورت نقدی می فروشد و از این رهگذر نیاز مالی خود را تأمین می کند. این تحقیق دربرگیرنده عقد تورق؛ ماهیت، انواع و کاربرد آن در مؤسسات و بانک های اسلامی هست که در آن تورق بانکی (سازمان یافته) ابزار تأمین مالی جدیدی است که در بانک های اسلامی و پنجره های اسلامی در بانک های متعارف به کار گرفته شده است. این تحقیق به این نتیجه رسیده است که: تورق بانکی (سازمان یافته)، علاوه بر تخطی از احکام شرعی، منجر به جابه جایی پول مسلمانان و تراکم قرض نزد مشتریان می شود و اینکه تقاضای فزاینده مشتریان به دلیل جستجوی مشتریان برای جایگزینی اسلامی برای بانک های ربوی و به دلیل ریسک پایین و سرعت عمل است. مقاله ای حاضر؛ عدم پذیرش تورق بانکی (سازمان یافته) را نشان می دهد و اعمال تورق بانکی (سازمان یافته) منجر به تضعیف تفاوت بانکداری اسلامی با بانک های متعارف می شود.

واژه های کلیدی: عقد تورق، تورق بانکی، تورق فقهی (فردی)

مقدمه

بانک‌ها و پنجره‌های اسلامی در بانک‌های متعارف به دلیل نقدینگی بیش‌ازحد خود و نحوه تأمین مالی مشتریان از طریق قراردادهای و ابزارهای اسلامی که توسط ضوابط شرعی اداره می‌شود با مشکلاتی مواجه هستند. اخیراً معامله جدیدی برای تأمین مالی از طریق ابزار تأمین مالی (تورق بانکی) پدید آمده و در سطح وسیعی گسترش یافته و علی‌رغم تفاوت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، توسط بسیاری از بانک‌های اسلامی و پنجره‌های اسلامی در بانک‌های متعارف انجام می‌شود. فقها و علمای معاصر در حکم تورق و نحوه کاربردی آن اختلاف نظر دارند.

مقاله‌ای حاضر نشان می‌دهد که چگونه برخی از بانک‌های اسلامی شروع به ارائه و توسعه فرمول‌های مالی جدید کردند که برجسته‌ترین آن‌ها تورق بانکی (سازمان یافته) بود که در آن مردم بدون ضوابط شرعی شروع به معامله کردند، از این رو، این تحقیق باهدف معرفی مفهوم تورق در برخی از بانک‌های اسلامی به دلیل اهمیت مطالعه این محصولات و درک نیاز بانک‌های اسلامی به معلومات بیشتر در مورد واقعیت تأمین مالی با استفاده از محصول تورق هست.

مهم‌ترین اهدافی که این تحقیق در پی دستیابی به آن است به شرح زیر است: مفهوم بیع تورق، تبیین میزان وضوح مفهوم علمی معاصر بیع تورق نزد بانک‌های اسلامی، تحلیل معاملات مالی معاصر برای تورق بانکی و سازمان یافته و واقعیت کاربرد مکانیسم تورق بانکی که توسط بانک‌ها اعمال می‌شود. تبیین موضع مجامع و سیمینارهای فقهی در مورد تفاسیر معاصر از تورق بانکی سازمان یافته که قبلاً به شکل واقعی فعلی وجود نداشت. پرسش‌های تحقیق این مقاله؛ تلاش برای بررسی تئوری و عملی یکی از موضوعات مهم در معاملات مالی معاصر (بیع تورق) است و نقش عقود تورق در جریان بانکداری اسلامی، تأثیرات آن بر فعالیت اقتصادی، تبلور ابعاد این نقش و تعریف و آگاهی از آن و میزان التزام آن به احکام شریعت اسلامی و نیز برجسته‌سازی وجود حریم خصوصی بانک‌های اسلامی نسبت به سایر بانک‌ها هست. از این رو، این تحقیق سعی دارد به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- مفهوم بیع تورق چیست؟
- حکم شرعی تورق چیست؟
- تفاوت اصلی بین تورق فقهی و تورق بانکی چیست؟
- میزان وضوح مفهوم علمی معاصر تورق بانکی در بانک‌های اسلامی چقدر است؟

پیشینه‌ی تحقیق؛ موضوع مقاله در منابع فارسی کم‌تر مورد توجه بوده؛ اما در منابع عربی و انگلیسی که به وسیله علمای معاصر نگاشته شده است، به این بحث پرداخته‌اند؛ بیع تورق یکی از موضوعات مهم جدید که نیازمند تحقیق فراوان و مطالعه گسترده و عمیق است که جنبه نظری و تحلیلی را درهم آمیخته باشد. با تحقیق و تفحص، هیچ اثری مستقلاً (به زبان‌های ملی) دیده نشد که از دیدگاه تحلیلی به موضوع بیع تورق پرداخته باشد. تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای به صورت توصیفی تحلیلی در چهار مبحث با عناوین زیر تدوین شده است: ۱. مفهوم شناسی عقد تورق ۲. تبیین فقهی تورق و انواع آن ۳. حکم تورق بانکی و تفاوت آن با تورق فقهی ۴. کاربرد بانکی برای تورق.

مفهوم شناسی تورق

تعریف لغوی تورق

تورق در لغت از ماده ورق است؛ جوهری می‌گوید: "وَرَقٌ به مال اعم از شتر و درهم و غیره را گویند" و در صحاح آمده است: "وَرَقٌ نقره مسکوک را گویند" (الجوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ۳۷۴).

یکی از معانی اصلی ورق، مال، نقره و درهم است. چنانچه آیه‌ی مبارکه است: (فابعثوا أحدکم بورقکم هذه إلى المدینه). (الکہف: ۱۹) ترجمه: " اکنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید"

تعریف اصطلاحی عقد تورق

تورق در اصطلاح فقهاء این است که: "شخص کالایی را به نسیه بخرد و نقداً به غیر فروشنده بفروشد." این تعریف از کلام فقهایی که در مورد تورق سخن گفته‌اند فهمیده می‌شود که وقتی درباره تورق صحبت کرده‌اند، به ذکر تصویر و توصیف آن در تعریف بسنده کردند.

محققین در الموسوعه الفقهیه به تعریف تورق اشاره کرده‌اند؛ تورق به خرید کالا به صورت نسیه و فروش نقدی آن به غیر فروشنده برای دستیابی به نقدینگی اطلاق می‌شود (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، بی‌تا، ج ۱۴، ۱۴۷).

شاید این تعریف از تعریف قبلی دقیق‌تر باشد، زیرا در تعریف قبلی اشاره نشده بود که متورق جنس را کمتر از خریدش می‌فروشد، این محدودیتی است که در فهم بهتر تورق مفید است، زیرا محال است متورق جنس را به همان قیمت نقداً بفروشد.

مجمع فقه اسلامی در تعریف تورق می‌گوید: عبارت است از خرید جنسی که در اختیار و تصرف فروشنده قرار دارد به قیمت مؤجل، سپس خریدار برای به دست آوردن وجه نقد به دیگری غیر از فروشنده به صورت نقدی می‌فروشد. (قرار (۱۵) مجمع فقه الاسلامی، ۱۴۱۹، ۳۲۰).

با نگاهی به تعاریف فوق، به این نتیجه می‌رسیم که عقد تورق حداقل سه طرف دارد:

درخواست‌کننده تورق که در ابتدا جنسی را به صورت نسیه خریداری کرده و نقد می‌فروشد که متورق یا مستورق نامیده می‌شود؛

فروشنده اول که جنس را به متورق می‌فروشد؛

خریدار دوم که جنس را به صورت نقدی از متورق خریداری می‌کند.

از مطالب فوق معلوم می‌شود که متورق آن جنس را به غرض تجارت با آن، کسب سود و یا هم به منظور استفاده و بهره‌برداری نخریده بلکه به منظور فروش مجدد کالا به قیمت کمتر از قیمتی که با آن خریداری شده است؛ انگیزه اصلی انجام عقد تورق، نیاز به نقدینگی است تا بتواند نیازهای نقدی خود را تأمین کند. متورق فقط دو راه برای به دست آوردن پول نقد دارد:

قرض حسنه که کسی حاضر به انجام چنین کاری نیست. ۲. قرض با سود.

پس به تورق متوسل می‌شود که او را از ربا بازمی‌دارد و هم قادر می‌سازد تا نیازهای مالی خود را تأمین کند.

تبیین فقهی تورق، انواع آن و تفاوت آن با بیع عینه

تبیین فقهی تورق

تورق چنانچه در گفتار قبلی تعریف شد، عبارت از: به دست آوردن وجه نقد از طریق خرید مؤجل جنس و سپس فروش نقدی آن به طرفی غیر از فروشنده هست. قابل ذکر است که اصطلاح تورق با این نام در کتب فقهاء به جز برخی از فقهای حنبله نیامده است. (بهوتی، ۱۹۸۳، ج ۲، ۲۶).

سایر مذاهب دیگر تورق را با این نام نیاورده‌اند؛ اما از سخنان فقیهان درباره بیع عینه می‌توان استظهار کرد؛ تورق عقدی است که در صحبت آن شکی نداشته‌اند؛ زیرا شرطی را که برخی فقهاء برای صحت بیع عینه بیان کرده‌اند، عبارت است از: عدم اشتراط فروشنده اول به فروش دوباره کالا به خود وی؛ بناءً بر این در عقدی که دست‌کم سه طرف باشند و فروشنده اول غیر از خریدار آخر باشد؛ شکی نبوده که صحیح است. (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۵، ۳۵۶)، خطاب، ۱۴۱۲، ج ۴، ۴۰۴ و شافعی، ۱۴۱۰، ج ۳، ۷۹).

در مورد تورق اکثریت فقهاء- حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی- بر جواز و مباح بودن آن اتفاق نظر دارند، با مرور در کتب مذهب احناف ملاحظه می‌شود، ذکر از تورق به این نام برده نشده، بلکه آن را یکی از مصادیق بیع عینه ذکر کرده‌اند و چون احناف بیع عینه را حرام و بیع تورق را از مصادیق آن می‌دانند، ممکن است به ذهن عده‌ای خطور کند و تصور کنند حکم نهی از بیع عینه شامل تورق نیز می‌شود، اما این گونه نیست مراد از آن؛ بیع عینه است نه تورق (ابن عابدین، ۱۴۱۲، ج ۵، ۲۷۳).

برخی از فقهای حنفی مانند ابو یوسف تورق را جایز دانسته‌اند، در حاشیه ابن عابدین آمده است: "این بیع منفور نیست؛ زیرا بسیاری از صحابه این کار را کردند و آن را ستودند و آن را از ربا حساب نکردند". همچنان گفته است: "بیع العینه جایز است و کار کننده آن مأجور است." (ابن عابدین، ج ۵، ۲۷۳). اظهارات وی در مورد عدم بازگشت جنس به فروشنده اولی است.

از مطالب فوق معلوم می‌شود که هدف از کراهت تورق در نزد احناف؛ همانا بیع عینه مشهور است نه تورق. بناءً بر این ابن همام رحمه‌الله بعد از ذکر کلام ابو یوسف که ظاهراً بر جواز بیع عینه دلالت دارد، بین بیع عینه و تورق در حکم فرق گذاشت، همچنین بیان داشت که اگر تاجر از قرض دادن خودداری کند مکروه نیست. (ابن همام، بی تا ج ۲۱۳، ۷)

در مذهب مالکی‌ها نیز به صراحت از واژه تورق سخنی به میان نیامده است، ولی به جهت کراهت بیع عینه شرط گذاشتند که کالا به فروشنده اولی فروخته نشود. پس تورق از صورت ممنوعه بیع عینه خارج شد؛ فقهای مالکی بیع عینه را در تحت بیوع الأجل آورده‌اند. (حطاب، ۱۴۱۲، ج ۴، ۴۰۴)

و شافعی‌ها در کتاب‌های خود اصطلاح تورق را ذکر نکرده و به حکم آن نپرداخته‌اند و دلیل آن این است که: جمهور شافعی‌ها بیع عینه را جایز می‌دانند، پس تورق به طریق اولی در نزد آن‌ها جایز است. (شافعی، ۱۴۱۰ ج ۳، ۷۹)

چنانچه قبلاً اشاره شد، حنبلی‌ها همان کسانی هستند که اصطلاح تورق را ابداع کردند، سه دیدگاه از فقهای حنابله در مورد تورق نقل شده است: مباح، مکروه و حرام. (مرداوی، ۱۹۵۶، ج ۱۱، ۱۹۶)

پس از آنچه گذشت روشن می‌شود که تورق فقهی جز در میان حنبلیان به این نام معروف نبوده و اکثر فقها در بیع عینه آن را ذکر کرده‌اند، در تورق تأکید شده است که جنس به غیر فروشنده اول فروخته شود و گرنه از بیع عینه ای است که جنس به اولین فروشنده آن برگردانده می‌شود.

شورای فقه اسلامی پس از بحث و تبادل نظر و با استناد به ادله و قواعد شرعی و مباحثه علماء در این خصوص به شرح زیر قرار صادر کرد:

اولاً: بیع تورق: عبارت است از خرید کالایی در تصرف فروشنده به قیمت نسبی، سپس فروش آن توسط خریدار به غیر فروشنده تا وجه نقد را به دست آورد.

ثانیاً: بیع تورق شرعاً جایز است و این دیدگاه جمهور علماء است، زیرا اصل در بیع، حلال است، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: "احل الله البيع و حرم الربا" (البقره: ۲۷۵). در این بیع ربا (چه از لحاظ قصد و چه هم از لحاظ صورت) دیده نشد و چون حاجت آن را ایجاب می‌کند جهت ادای قرض ازدواج و غیره.

ثالثاً: جواز این بیع مشروط به این است که خریدار مال را به قیمتی کمتر از آنچه آن را خریده است، نه مستقیم و نه با واسطه، به فروشنده اول نفروشد، در غیر آن شامل بیع عینه می‌شود که شرعاً حرام است و به خاطر حیل‌های ربوی به عقد حرام مبدل می‌شود.

انواع تورق

اول: تورق فقهی (فردی): تورق فقهی، تورق است که فقها در گذشته درباره آن صحبت کرده‌اند و تصریح شده است. سبب تسمیه این نوع تورق (فقهی)؛ نسبت به کتب فقهی قدیم و (فردی) نسبت به افرادی که به آن عمل می‌کنند، گفته

می‌شود؛ تورق فقهی، به خرید کالا به صورت نسیه و فروش نقدی آن به غیر فروشنده برای دستیابی به نقدینگی اطلاق می‌شود (وزارت اوقاف و شئون اسلامی کویت، بی تا، ج ۱۴، ۱۴۷).

دوم: تورق بانکی (سازمان یافته): قبل از بیان تعریف می‌خواهم به این نکته اشاره کنم که معامله مالی مورد نظر، در این تحقیق را برخی تورق منظم و برخی هم تورق بانکی می‌نامند و هر دو تسمیه صحیح است، کسانی که آن را تورق بانکی نامیده‌اند، جهت نسبت آن به بانک است و از آنجایی که این معامله بر اساس توافق بین چند طرف انجام می‌شود، آن را تورق منظم نیز نامیده‌اند.

تورق بانکی معامله جدیدی است که اخیراً پدید آمده است و یکی از فرمول‌های تأمین مالی ارائه شده توسط بانک‌ها به حساب می‌آید؛ تورق بانکی با تورق که افراد انجام می‌دادند که در مورد آن اختلاف نظر وجود داشت، تفاوت دارد و از این رو در بین فقهای قدیم تعریفی از این معامله وجود ندارد.

تورق منظم به این معناست که فروشنده (بانک) فرآیند تورق را برای خریدار ترتیب می‌دهد، به طوری که کالایی را به قیمت مؤجل (نسیه) به متورق می‌فروشد، سپس فروشنده با فروش نقدی کالا به طرف دیگر، خریدار را وکالت می‌کند و ثمن نقدی را در اختیار متورق قرار می‌دهد؛ یعنی در تورق سازمان یافته، وکیل متورق عملیات تورق را برای مشتری (متورق) به گونه ذیل انجام می‌دهد:

کالا را به نسیه به متورق می‌فروشد؛ سپس وکیل مشتری برای فروش نقدی کالا به طرف دیگر می‌شود و ثمن نقدی را به متورق (مشتری) تسلیم می‌کند. در این حالت به جز سه طرف پیش گفته، شخصی حقیقی یا حقوقی به عنوان وکیل متورق نیز در این معامله حضور دارد. در صورتی که شخص حقوقی وکیل متورق، بانک یا مؤسسه مالی باشد این قرارداد تورق بانکی نیز نامیده می‌شود.

سوم: تورق عکسی: نوع دیگری از تورق که می‌توان معرفی کرد، تورق عکسی است. تورق عکسی آن است که مستورق؛ شرکت، بانک، مؤسسه مالی باشد و نه افراد. به این صورت که بانک، شرکت یا غیره را وکیل در خرید کالا به جای خودش می‌کند؛ سپس بانک آن کالا را برای خودش می‌فروشد (زحیلی، بی تا، ۱۵).

یعنی برخلاف معمول که افراد خواهان تأمین مالی هستند، در اینجا بانک یا مؤسسه‌های مالی نیازمند تأمین مالی هستند. به این صورت که بانک، شرکت یا فردی را در خرید نسیه‌ای جنسی وکیل می‌کند و سپس برای دستیابی به نقدینگی، کالای خریداری شده را نقد به دیگری می‌فروشد.

تفاوت بین بیع عینه و بیع تورق

در چهار نکته می‌توان بین بیع تورق و بیع عینه فرق قائل شد:

معلوم است که در حکم با یکدیگر اختلاف دارند، زیرا اکثر علماء تورق را آن گونه که خواهد آمد جایز می‌دانند، در حالی که بیع العینه از نظر آن‌ها حرام است.

در ماهیت معامله بین آن‌ها تفاوت وجود دارد: بیع العینه بین دو طرف است، بایع جنس را به قیمت مؤجل بفروش می‌رساند، سپس مشتری آن را به قیمت کمتری به خود بایع نقداً می‌فروشد. در مورد تورق، مشتری دوم خود بایع نیست، بلکه مشتری اول جنس را به شخص ثالثی که نسبتی با فروشنده اول ندارد می‌فروشد، پس تورق دو عقد جداگانه است که در آن سه طرف وجود دارد.

برای روشن شدن بیشتر به این نکته نقش بایع اول را در بیع تورق و بیع العینه توجه می‌کنیم، بایع اول نمی‌داند که هدف متورق در فرآیند تورق چیست، درحالی‌که در بیع العینه می‌داند، نقش بایع اول در تورق بیشتر از این نیست که جنس خود را به قیمتی بیشتر از قیمت بازار بفروشد و این افزایش درازای مدت یک عمل مشروع است، در این صورت ربطی به کاری که مشتری پس از خرید با جنس انجام می‌دهد ندارد، اما در مورد بیع العینه، بایع اول پس از فروش جنس به قیمت مؤجل، آن را به قیمت کمتری به صورت نقدی خریداری می‌کند و بدین ترتیب بایع اول طرف قرارداد اول و دوم است.

اگر در واقعیت ربا فکر کنیم، متوجه می‌شویم که ربا تحقق نمی‌یابد مگر اینکه پرداخت‌کننده کمترین و گیرنده بیشترین یک شخص باشد، ربا دهنده صد می‌دهد، سپس آن را یک‌صد و بیست می‌گیرد و این در بیع العینه تحقق می‌یابد، بایع اول پول نقد کمتری می‌پردازد، سپس خود او بیشترین ثمن را به‌طور مؤجل وصول می‌کند، بنابر این پرداخت‌کننده کمترین و گیرنده بیشترین یک نفر بوده است؛ اما در بیع التورق پرداخت‌کننده و گیرنده باهم اختلاف دارند که این خود شبهه ربا را منتفی می‌کند. (آل رشود، ۲۰۱۳، ۸۷-۸۸).

حکم تورق بانکی و تفاوت آن با تورق فقهی

تورق طبق آنچه در بخش پیش بیان شد، به دو صورت تورق فردی و تورق منظم قابل بررسی فقهی است. ساده‌ترین نوع تورق که تورق فردی بود، شامل دو عقد است که ابتدا فرد یا مؤسسه نیازمند نقدینگی جنسی را به صورت نسیه (مدت‌دار) می‌خرد؛ سپس کالایی را که مالک شده و قبض کرده است را به دیگری نقد می‌فروشد؛ و به این وسیله نیاز خود را به نقدینگی برطرف کرده و در برابر مبلغ بیشتری در آینده می‌پردازد. بیع نقد و نسیه هر کدام به‌تنهایی جایز هستند؛ اما مسئله در ترکیب این دو برای دستیابی به پول نقد است که آیا این حيله‌ای از حيله‌های ربا است؟ آیا هر حيله‌ای حرام است؟ چه شرط‌هایی برای حلیت این عقد لازم است؟

تورق فقهی معمولی به نظر اکثر فقهاء جایز است و مجمع فقه اسلامی بر این حکم همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد موافقت کرده‌اند.

و در مورد تورق بانکی (منظم)؛ این تورق در واقعیت و محتوای آن با تورق فقهی تفاوت دارد. فقهای معاصر و اقتصاددانان اسلامی در حکم تورق بانکی اختلاف نظر دارند.

موضع علمای معاصر در مورد تورق بانکی (سازمان یافته)

پس از بررسی مهم‌ترین کتاب‌های تورق بانکی (سازمان یافته)، روشن شد که علما در این باره دو نظر دارند:

جهت اول: جریانی که تورق بانکی را بر اساس مقررات شرعی تنظیم شده جایز می‌دانند. دکتر عبدالله المنیع، علی القره داغی و محمدتقی عثمانی و برخی از علمای برجسته شریعت مالیزیا مانند شیخ نظام یعقوبی، محمد داود بکار و محمد اکرم لعل الدین را می‌توان از طرفداران این جریان نام برد (الحنیطی، ۲۰۰۷، ۱۷).

جهت دوم: جریانی که تورق بانکی را حرام می‌دانند. مثل دکتر سامی بن ابراهیم السویلیم، حسین حامد حسان و غیره به شمول شورای فقهی اتحادیه جهانی مسلمانان طی مقالات ارائه شده‌شان در شورای فقهی مربوط به اتحادیه جهانی مسلمانان در ۲۰۰۲ م، مکه مکرمه و دور نهم آن شورا در شارقه، امارات متحده عربی.

دلایل دیدگاه‌ها

اولاً. دلایل کسانی که تورق بانکی (منظم) را جایز می‌دانند: برخی از معاصران به جواز تورق فقهی رفته و با دلایلی که درمجموع بر سه دلیل استوار است به شرح زیر استناد کرده‌اند:

دلیل اول: اصل بر این است که صیغه ظاهری عقود در نظر گرفته شود که به صورت عقد صحیح درآمد است و در مقابل، قصد طرف قرارداد و انگیزه عقد لحاظ نمی‌شود. تورق مجموعه‌ای از عقود شرعی، صحیح و متوالی است و چون عقد بیع نسبه صحیح است، پس فروش مجدد آن به غیر از فروشنده اول، آمیخته به عقود وکالت است و آن هر دو از جمله عقود صحیح و شرعی است، بنابر این به تلفیق آن‌ها اشکالی وارد نمی‌شود و این اصل با نصوص شرعی صحیح ثابت است؛ در صحیحین از ابوهریره و ابوسعید الخدری رضی الله عنهما روایت شده است: "أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسْتَعْمَلَ رَجُلًا عَلَى خَيْبَرٍ، فَجَاءَهُ بِتَمْرٍ جَنِيْبٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَكُلْ تَمْرَ خَيْبَرَ هَكَذَا؟ قَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، □ إِنَّا لَنَأْخُذُ الصَّاعَ مِنْ هَذَا بِالصَّاعَيْنِ وَالصَّاعَيْنِ بِالثَّلَاثَةِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: لَا تَفْعَلْ بِعِ الْجَمْعِ بِالذَّرَاهِمِ ثُمَّ اتَّبَعَ بِالذَّرَاهِمِ جَنِيْبًا" (البخاری، ۱۴۱۲، حدیث ۲۰۸۹).

ترجمه: "پیغمبر صلی الله علیه وسلم یک نفر را به عنوان نماینده و عامل بر خیبر تعیین کرده بود، این شخص یک نوع خرما را که دانه‌هایش بسیار درشت بود برای پیغمبر صلی الله علیه وسلم آورد، پیغمبر صلی الله علیه وسلم از او پرسید: "آیا تمام خرماهای خیبر این طور درشت هست؟" آن مرد گفت: خیر، ای رسول خدا! مایک صاع (دوکیلو) از این خرما را با دو صاع از خرمای دیگر می‌خریم، پیغمبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: این کار را مکن، بلکه خرماهای نامرغوب را در برابر پول بفروش، سپس با پول آن از این خرمای خوب و درشت خریداری کن."

وجه استدلال: پیغمبر صلی الله علیه وسلم به کارگر خود دستور داد تا به وسیله حیل از رباخواری آشکار خودداری کند. پس به صیغه ظاهری عقد صحیح اعتبار داده شده است و قصد طرف قرارداد و انگیزه آن تأثیری نداشته است. این اصل توسط امام شافعی پایه گذاری شده و در تمام ابواب فقه مورد توجه ایشان قرار گرفت تا این که این قاعده در کل مذهب شافعی به عنوان یک ویژگی بارز درآمد و این موضوع توسط خود امام شافعی نیز تأیید شده است. (الشافعی، ۱۴۱۰ ج ۳، ۷).

دلیل دوم: تورق بانکی - از نظر شکلی - با شکل فقهی تورق فردی مطابقت دارد که اکثریت فقها و مذاهب چهارگانه فقهی آن را مجاز دانسته‌اند و این سازگاری در دو امر حاصل می‌شود.

الف: اینکه مقصود از تورق فقهی دستیابی به جریان نقدی متورق است، پس مال موجود در آن مقصود نبوده است، بلکه وسیله و حيله‌ای است که متورق به وسیله آن از رباخواری اجتناب می‌کند و همین امر در تورق بانکی یافت می‌شود.

ب: در هریک از تورق فقهی و بانکی سه طرف است و خریدار نهایی فروشنده اول نیست و این تفاوت در بیع عینه و تورق فقهی هست. چنانچه بیع عینه حرام است، زیرا فروشنده به صورت نسیه مال را دوباره به صورت نقدی می‌خرد، برخلاف تورق فقهی که خریدار نهایی فروشنده نسیه مال نیست و این امر در تورق بانکی حاصل می‌شود، جایی که مال توسط شخصی غیر از بانکی که مال را به صورت نسیه به متورق فروخته است، خریداری می‌شود (خزنه، ۲۰۱۳، ۱۶).

دلیل سوم: نیاز مردم به پول نقد؛ این یک نیاز مبرم است که نیازمند تأمین نیاز بازار، نیروی کار و نیازهای تولید سرمایه و جریان نقدینگی است؛ این نیاز بسیاری از مسلمانان را به قرض‌های ربوی واداشته است. بنابر این تورق بانکی به عنوان جایگزین مشروع مطرح شده و رقابتی قوی را برای وام‌های ربوی ایجاد کرده است. (المنیع، عثمانی، ۱۴۲۴، ۳۵۲، ۳۵۷).

گروهی از معاصران (المشیق، ۲۰۰۶، ۱۴۶)، برای جواز تورق بانکی به دلایل فوق استناد کرده‌اند اما برای آن شروطی وضع کردند که عبارت‌اند از:

بانک باید قبل از فروش نسیه مال به مشتری، مالک آن باشد.

اینکه مشتری مال را تا پس از دریافت آن نفروشد؛ به خلاف نظر در قبض حکمی اموال بین‌المللی مانند مواد معدنی.

مشتری مال را به بانک (فروشنده) نفروخته باشد، زیرا این در حقیقت از صورت‌های ممنوعه بیع عینه نزد جمهور فقها به حساب می‌آید.

مال موردنظر طلا یا نقره نباشد چون ربا در آن تحقق می‌یابد و مبادله طلا و نقره با اسکناس، مشروط به قبض بوده و به تعویق انداختن یکی از این دو در آن جواز ندارد.

مدت بیع نسیه باید معلوم باشد.

مال موردنظر باید دارای وصف معلوم باشد، مخصوصاً در اموال بین‌المللی مواد معدنی؛ زیرا تصرف آن بر اساس وصف خاص، تصرف حکمی است.

مشتری مال را نقداً بفروشد؛ زیرا فروش مؤجل آن موجب بیع دین در مقابل دین می‌شود و آن حرام است.

ثانیاً: دلایل کسانی که تورق بانکی را حرام می‌دانند

بسیاری از معاصران تورق بانکی را منع قرار داده‌اند. این نظریه در میان اکثر فقها و اقتصاددانان معاصر اسلامی رایج است و به مجموعه‌ای از دلایل استناد کردند که به شرح زیر پرداخته می‌شود.

دلیل اول: الحاق تورق بانکی با عینه و قیاس آن به عینه بدون تورق فقهی. همان‌طوری که عینه به دلیل حيله فروشنده به‌طور نسبه سبب حرمت ربا در شرع خوانده‌شده است، هدف این بود که افزایش ربوی را از راه مشروع به دست آورد، بنابر این کالا را به‌صورت نسبه به قیمتی بالاتر از قیمتی که آن را به‌صورت نقدی خریده بود فروخت. در مورد تورق بانکی نیز همین امر صدق می‌کند.

دلیل دوم: اصل کلی در مذهب مالکی و حنابله: "آنچه در عقود و تصرفات اهمیت دارد، مقاصد و معانی است نه الفاظ و مبانی". چنانچه قصد مشتری و بانک در این نوع بیع آشکار است همانا قرض دادن و قرض گرفتن با افزایش سود است و همین قصد مغایر با احکام شریعت برای حرمت تورق بانکی کافی است.

این بود دلایل حرمت تورق بانکی که مجمع فقه اسلامی اتحادیه جهانی مسلمانان نیز با تأیید این دیدگاه طی قرار مورخ ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ م خود بر حرام بودن تورق بانکی تأکید کردند. این قرار شورای فقه اسلامی شورش بزرگی را در محافل بانکداری اسلامی به‌ویژه متولیان حوزه بانکداری اسلامی که در تورق بانکی فعالیت می‌کنند و هیأت‌های نظارت شرعی که اجازه تورق بانکی را می‌دادند، برانگیخت. برخی از آن‌ها مدعی بودند که این تصمیم عجولانه بوده و واقعیت را در نظر نگرفته است و برخی نیز خواستار تجدیدنظر در این تصمیم و بررسی دقیق موضوع شدند و تحت‌فشار این اعتراضات، هیئت شرعی حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی در بحرین، نظرات مربوط به تورق بانکی را بررسی کرده و به تاریخ ۲۳/۱۱/۱۱ قرار صادر کرد که در آن تورق بانکی را بر اساس معیار و ضابطه‌ای خاص جایز دانسته در معیار شرعی شماره (۳۰)، (سازمان حساب داری مؤسسات مالی اسلامی، ۲۰۰۶، ۴۹۳) آن چنین بیان می‌دارد:

تورق از جمله صیغه‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی نیست و فقط با شروطی به علت نیاز جایز شمرده‌شده است؛ بنابر این مؤسسه‌ها نباید برای نقدینگی آن را بر مضاربه، صدور صکوک سرمایه‌گذاری یا صندوق‌های سرمایه‌گذاری و... مقدم دارند و فقط برای حفظ از عجز و کمبود در نقدینگی برای پاسخ به نیاز و پرهیز از زیان کارگزارانش و سختی و مانع کارش مجاز است.

با این حال، چنانچه گرایش عمومی فقها و اقتصاددانان اسلامی به منع گرایش تورق بانکی هنوز هم پابرجا بود؛ روی همین ملحوظ قرار (۱۷۹) (۱۹/۵) اخیر مجمع فقه اسلامی سازمان کنفرانس اسلامی در رابطه به تورق و انواع آن به تاریخ ۲۰۰۹/۴/۳۰ م صادر شد که در آن دو نوع تورق بانکی و عکسی که قبلاً به آن اشاره شد حرام قرار داده شد. تصمیم فوق به تاریخ ۲۰۰۹/۷/۴ م توسط شورای اروپا برای فتوا و تحقیقات نیز مورد تأیید قرار گرفت.

در نوامبر ۲۰۰۹ م، کارشناسان صنعت مالی اسلامی نیز خواستار ممنوعیت تورق سازمان‌یافته (بانکی) شدند که به دلیل عدم تطابق با مواز این شرعی، توسط برخی مؤسسات مالی اسلامی انجام می‌شد.

پس از ارائه دلایل جریان‌های مخالف و موافق تورق بانکی، برای ما روشن می‌شود که تورق بانکی تنظیم‌شده نظر به توجیهات و دلایل جریان که تورق بانکی را حرام دانسته‌اند روشن و ظاهر است که تورق بانکی به بیع عینه ممنوعه ملحق می‌شود، زیرا علت هر دو، برخلاف تورق فقهی، یکی است، هرچند در صورت یکسان باشد؛ همچنین انگیزه مفسده در عقد روشن و ظاهر است، بر علاوه مفسده تورق بانکی که در برخی از آن‌ها باعث از بین رفتن اعتماد به هویت بانک‌های اسلامی

و تردید در التزام آن‌ها به احکام شرعی می‌شود، به‌ویژه که این روزها مجامع و مجالس فقهی تقریباً در مورد حرام بودن آن متفق است.

تفاوت تورق فقهی با تورق بانکی

جهات توافق و تفاوت بین تورق فقهی و عینه قبلاً توضیح داده شد و علت حرام بودن عینه و عدم آن در تورق فردی برای ما واضح شد؛ در اینجا به وجوه توافق و تفاوت بین تورق فقهی و تورق بانکی اشاره می‌شود.

تورق فقهی در صورت و شکل تا حد زیادی با تورق بانکی یکسان است، هر دو مشتمل بر دو بیع است که بیع مؤجل آن به قیمتی بالاتر از بیع فوری است، بر علاوه وقوع معامله بین سه طرف قصد هردوی آن‌ها کسب وجه نقد با حيله و اجتناب از ربا هست. باین‌حال، تفاوت بین آن‌ها در موارد زیر واضح است:

وجود تفاهم قبلی بین فروشنده و متورق در مورد معامله که در آن دو طرف قصد مال را ندارند، بلکه متورق وجه نقد را دریافت می‌کند سپس آن را به‌طور نسیه با سود بازمی‌گرداند و در بسیاری از موارد، شخص ثالث شریک و همگام با این قرارداد است و این برخلاف تورق فقهی است که در آن قصد تورق فقط از متورق بوده می‌تواند نه از فروشنده و خریدار نهایی (ثالث).

وساطت فروشنده در فروش مال پس از مالکیت متورق بر آن، بلکه ممکن است کار به‌جایی برسد که بایع در تصرف کالا و فروش آن، دریافت قیمت و تحویل آن به متورق عامل باشد؛ و این برخلاف تورق فقهی است که نقش فروشنده پس از فروش بیع نسیه، محدود به درخواست قیمت مال از متورق در ميعاد مؤجل تعیین‌شده است.

کاربرد بانکی برای تورق

قرار مجمع فقه اسلامی مبنی بر جواز تورق فقهی به پیدایش تورق بانکی یا منظم در کشورهای خلیج عربی کمک کرد، بنابراین بانک‌های سعودی از این فتوای مجتمع و سایرین بهره بردند و محصولی مالی تولید کردند که ابزاری برای تأمین مالی افراد و مؤسسات خواهد بود و سپس تورق بانکی در مؤسسات مالی اسلامی در اکثر کشورهای خلیج عربی گسترش یافت تا اینکه به همه بانک‌های اسلامی در جهان اسلام سرایت کرد.

ایده آن بر اساس توافق بانک و مشتری برای خرید یک کالای بین‌المللی یا داخلی توسط بانک است، طوری که بانک آن را به قیمت نسیه به‌صورت اقساطی به مشتری می‌فروشد، مشروط بر اینکه مشتری به بانک اجازه وصول و فروش آن را در بازار داخلی یا بین‌المللی - طبق اموال خریده شده - بدهد، سپس با واریز نمودن در حساب مشتری قیمت را نقداً تحویل می‌دهد.

این فرآیند مبتنی بر مراحل سه‌گانه عملی است که باید روشن و توضیح داده شود:

مرحله اول: بانک جنس را خریداری می‌کند. بانک جنس را به یکی از دو روش خریداری می‌کند:

روش اول: خریداری مقداری از جنس برای حساب خود طبق برنامه تورق، یعنی قبل از انجام فرآیند تورق و درخواست مشتری برای تورق، با توجه به انتظار بانک از تقاضای برنامه تورق، در این صورت، بانک قبل از انجام فرآیند تورق، مالک جنس هست. مقداری خریداری شده بر اساس برآورد بانک از درخواست‌های تورق در مدت حداکثر یک هفته برای فروش آن به متورقین محاسبه می‌شود به‌منظور دور زدن نوسانات احتمالی قیمت کالاها و تحمل هزینه انبارداری، انتخاب کالاها از سوی بانک‌ها بر اساس دو معیار است: اول: ثبات نسبی قیمت کالا، دوم: سهولت معامله کالا و وجود بازارهای فعال برای آن به‌منظور سهولت در فروش آن در هنگام درخواست مشتری. (القری، ۲۰۰۵، ۶۴۵).

روش دوم: خرید جنس به درخواست مشتری برای فرآیند تورق، در این روش صورت قرارداد مباحه برای سفارش‌دهنده گرفته می‌شود و تفاوت این روش با روش قبلی این است که بانک قبل از درخواست مشتری مالک کالا نیست، بلکه بانک به درخواست مشتری بر اساس وعده الزام‌آور مشتری برای خرید آن، کالا را برای خود خریداری می‌کند.

مرحله دوم: بانک کالا را به مشتری می‌فروشد. بانک آن را با افزایش حاشیه سود به مشتری می‌فروشد و بر اساس نرخ سود ربوی قابل اعمال در بانک‌های متعارف محاسبه می‌شود تا سود خالص برای بانک باشد و مشتری قیمت آن را طبق قرارداد به‌صورت اقساطی می‌پردازد و قیمت مؤجل که بانک به مشتری می‌فروشد بیشتر از قیمتی است که مشتری از فروش مجدد کالا به دست می‌آورد.

مرحله سوم: بانک کالا را از طریق وکالت به شخص ثالث می‌فروشد. در این مرحله بانک کالایی را که به مالکیت مشتری درآورده، بر اساس مجوز مشتری از بانک برای فروش آن به شخص ثالثی که می‌خواهد آن را نقداً بخرد، می‌فروشد، خریدار نهایی ممکن است اولین فروشنده‌ای باشد که بانک کالا را از او خریداری کرده است این امر اکثراً در کالاهای داخلی است یا خریدار نهایی ممکن است غیر از فروشنده اولی باشد و این اکثراً در کالاهای بین‌المللی است (سویلیم، ۱۴۲۴، ۶۱۷).

نتیجه‌گیری

در پایان این تحقیق مهم‌ترین نکات که در آن ذکر شده است به شرح زیر است:

تورق فقهی آن است که مشتری کالای را برای مدتی به‌صورت نسبه بخرد و آن را نقداً به دیگری غیر از فروشنده اول به کمتر از آنچه آن را خریده است بفروشد تا وجه نقد آن را به دست آورد؛ اما در مورد عینه این است که کالا را به‌صورت نسبه از فروشنده بخرد و سپس آن را نقداً به قیمتی کمتر از قیمت اصلی نسبه به خود فروشنده بفروشد تا وجه نقد را به دست آورد.

اکثریت فقها تورق فقهی را جایز و بیع عینه را به دلیل تفاوت بین آن‌ها که برای به دست آوردن افزایش ربوی در نزد فروشنده است، حرام می‌دانند.

تورق بانکی یک ابزار تأمین مالی است که توسط بانک‌های اسلامی به‌منظور تأمین نقدینگی مشتریان خود ایجاد شده است، ایده آن بر اساس توافق بین بانک و مشتری برای خرید یک کالای بین‌المللی یا داخلی توسط بانک است، به‌طوری‌که

بانک آن را به قیمت معوق به صورت اقساط به مشتری می‌فروشد مشروط بر اینکه مشتری به بانک اجازه دریافت و فروش آن را در بازار بدهد، سپس با درج در حساب مشتری قیمت را نقداً تحویل می‌دهد.

تفاوت تورق بانکی با تورق فقهی به دلیل وجود تبانی بین فروشنده و متورق در ارائه وجه نقد به متورق در تورق بانکی برخلاف تورق فقهی است.

معاصران در حکم تورق بانکی در دو نظر اختلاف نظر داشتند: حلال و حرام؛ علت اختلاف بر اساس ملاحظه ظاهری عقود یا انگیزه آن است، همچنان اختلاف بر قیاس تورق بانکی به تورق فقهی یا بیع عینه است.

دیدگاه راجح حرام بودن تورق بانکی به دلایل چون سازگاری تورق بانکی با عینه، اتحاد علت در آن‌ها و ظهور انگیزه مفسده است، علاوه بر این، تورق بانکی پیامدهای مفسده‌ای دارد، از جمله تردید در هویت اسلامی بانک‌ها و میزان پابندی آن‌ها به احکام شرعی است؛ همه شوراها و مجالس فقهی تقریباً این روزها به حرام بودن تورق بانکی تأکید دارند.

مأخذ

قرآن كريم.

ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبدالواحد (بى تا). **فتح القدير** (٧ ج)، بيروت: دارالفكر.

ابن عابدين، محمدا مين بن عمر بن عبدالعزيز. (١٤١٢). **رد المحتار على الدر المختار**. (٥ ج) ٢، بيروت: دارالفكر.

آل رشود، رياض بن راشد عبدالله (١٤٣٤). **التورق المصرفى**. ج ١، قطر: وزارت اوقاف و شئون اسلامى.

البخارى، محمد بن اسماعيل. (٢٠١٨). **صحيح البخارى**. (بى چا)، بيروت: دار ابن كثير.

البهوتى، منصور بن يونس بن صلاح الدين بن ادريس. (١٩٨٣). **كشاف القناع** (٢ ج) ٢، بيروت: دارالكتب العلميه.

الجوهري، ابو نصر اسماعيل بن حماد. (١٤٠٧). **لسان العرب** (٢ ج) بيروت: دارالعلم للملايين.

حطاب، شمس الدين أبو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالرحمن. (١٤١٢). **مواهب الجليل فى شرح مختصر**

خليل (٤ ج) ٣، بيروت: دارالفكر.

الحنيطى، هناء محمد هلال. (بى تا). **التورق حقيقته، انواعه (الفقهى المعروف والمصرفى المنظم)**.

زحيلي، وهبه (بى تا). **التورق حقيقته و انواعه، مجمع الفقه الاسلامى**، دوره ١٩.

سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، (٢٠١٧). **متن پيش نويس معايير شريعت: تورق**،

(بى جا): (بى نا).

السويليم، سامى بن ابراهيم. (١٤٢٤). **التورق والتورق المنظم دراسه تاصيليه**. مجمع فقه اسلامى، مکه المكرمه.

شافعى، أبو عبدالله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع. (١٤١٠). **الأم** (ج ٣) بى ج، بيروت: دارالمعرفه.

المجمع الفقه الاسلامى، (١٤١٩). **القرار الخامس؛ دوره الخامس عشر؛ مکه المكرمه: (بى نا)**.

المجمع الفقه الاسلامى، (١٤٣٠). **قرار رقم ١٧٩، دوره التاسع عشر، الشارقه: (بى نا)**.

المرداوى، علاء الدين أبو الحسن على بن سليمان احمد (١٤١٥). **الإنصاف فى معرفه الراجح من الخلاف** (١١ ج)

(ج ٢، القاهره: هجر للطباعه والنشر والتوزيع والاعلان).

المشيقح، خالد بن على (بى تا). **التورق المصرفى عن طريق بيع المعادن**. (بى چا)، القصيم.

المنيع، عبدالله بن سليمان. (١٤٢٤). **حكم التورق كما تجريه المصارف الإسلامية فى الوقت الحاضر**. مکه

المكرمه: نشر المجمع الفقه الاسلامى

المجلس الأوروبي للإفتاء والبحوث فى دورته التاسعة عشرة قرار رقم (١٩/٢) المنعقدة فى إسطنبول،

بتاريخ ٨-١٢ رجب ١٤٣٠ هـ الموافق ٣٠ حزيران-٤ تموز ٢٠٠٩ م).



پوهنتون بلخ
مجله علمی - تحقیقی معرفت
حوزه علوم اجتماعی
شماره (۲) ۱۴۰۲

دلایل فرسودگی شغلی و راه‌های برون رفت از آن

پوهینار خدیجه محمدی

پوهنتون بلخ - پوهنهی علوم اجتماعی، دیپارتمنت روان‌شناسی

تقریظ: پوهنوال نصیر احمد آرین

چکیده

فرسودگی شغلی در محیط کاری امروزه یک امری شایع است و بسیاری از افراد با آن مواجه می‌شوند، گروهی از صاحب نظران معتقدند که رفتار سازمانی فشار روانی در محیط کار دراز مدت می‌تواند منجر به فرسودگی شغلی شده و باعث پیامدهای اجتناب ناپذیر در عملکرد شغلی و روز مره شخص گردد. بر این اساس، در پژوهش حاضر، پژوهشگر به بررسی فرسودگی شغلی و راهکارهایی برای رهایی از آن می‌پردازد؛ و برای این منظور جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده؛ که از لحاظ روش انجام کار مروری_توصیفی هست و با توجه به اینکه راهکارهای درمانی برای برون رفت از فرسودگی شغلی مطرح می‌شود از نوع کاربردی است. نتایج حاصل از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بین چالش‌ها و فشارهای روانی محیط کار، فرسودگی و کاهش بازدهی کار رابطه مستقیم وجود دارد و در صورتی که فرد توانایی مدیریت آن را نداشته باشد و خواسته‌های محیط کاری نیز از توانایی‌های شخص بالا باشد فرد دچار فرسودگی شغلی شده و آسیب پذیر می‌شود؛ و اگر به درمان و راه‌های برون رفت از آن نپردازیم بازدهی سازمانی کاهش یافته و باعث ضرر و زیان‌های جبران ناپذیر خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: فرسودگی شغلی، عوامل فرسودگی شغلی، راهبردهای درمانی

مقدمه

فرسودگی شغلی به خستگی مفرط عاطفی به دنبال سال‌ها درگیری و تعهد نسبت به کار و مردم گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر فرسودگی شغلی خستگی فیزیکی، هیجانی و روانی به دنبال قرار گرفتن طولانی مدت در موقعیت کار سخت است. این نشانگان حالتی است که در آن قدرت و توانایی افراد کم و رغبت و تمایل آن‌ها برای انجام کار و فعالیت کاهش پیدا می‌کند. درواقع، فرسودگی شغلی، آن نوع از فرسودگی روانی است که با فشارهای روانی یا استرس‌های مربوط به شغل و محیط کار توأم گشته است؛ به عبارت دیگر، فرسودگی شغلی پاسخی تأخیری به عوامل استرس‌زای مزمن هیجانی و بین فردی در حیطه مشاغل است. بر اساس نظر مازلاک فرسودگی شغلی سندرمی است که در پاسخ به فشار روانی مزمن به وجود می‌آید و شامل سه جزء خستگی یا تحلیل عاطفی؛ از خود بیگانگی یا مسخ شخصیت؛ فقدان موفقیت فردی یا پیشرفت شخص است؛ و بیشتر در میان انواع مشاغل مدرسان و یاری دهنده نظیر مشاوران، معلمان، مددکاران اجتماعی، پزشکان، پلیس، پرستاران و مواردی از قبیل این مشاغل بیشتر مشاهده می‌شود و این امر احتمالاً معلول نوع وظایف و مسوولیت‌های اینگونه مشاغل هست. به‌طور کلی فرسودگی شغلی با فشارهای روانی رابطه دارد. فشارهای روانی وقتی رخ می‌دهد که بین خواسته‌های محیطی با توانایی‌های فرد ناهمخوانی باشد؛ و تداوم این وضعیت به فرسودگی شغلی منجر می‌شود بطور کلی می‌توان گفت فرسودگی شغلی نتیجه فشار مداوم روانی است که پیامدش افت کیفیت خدماتی است که توسط فرد ایجاد می‌شود فرسودگی شغلی به‌ویژه در بین افرادی که در مشاغل خدمات انسانی مشغولند (مانند پزشکی، آموزشی و...) رایج است. فرسودگی شغلی با فشار، گمگشتگی نقش و ضعف عملکرد شغلی همراه است و علت آن در دو جنبه فردی و سازمانی مطرح می‌شود. اغلب مطالعات طولی که اخیراً درباره فرسودگی شغلی انجام شده‌اند از تحلیل‌های بسیار پیچیده‌ای برای تشخیص اینکه چگونه تغییرات عوامل فشارزای محیط کار می‌توانند تغییرات در فرسودگی شغلی را پیش‌بینی کنند، استفاده نموده‌اند. یک نظر عمومی این است که بهترین و آرماترین افراد دچار فرسودگی شغلی می‌شوند یعنی افراد دچار فرسودگی شغلی، افرادی هستند که برای رسیدن به آرمان‌ها و معیارهای کاری خود، بیش‌ازحد تلاش می‌کنند اما وقتی می‌بینند فداکاری‌ها و تلاش‌هایشان برای رسیدن به اهدافشان کافی نبوده است و یا به‌اندازه کافی مورد قدرشناسی قرار نگرفته‌اند، دچار فرسودگی و حتی دچار بدبینی می‌شوند. نظر دیگر این است که فرسودگی شغلی نتیجه نهایی فشارهای شغلی مزمن و طولانی است. درنتیجه، فرسودگی شغلی بیشتر در بین افرادی باید اتفاق بیفتد که مدت بیشتری در یک شغل اشتغال داشته‌اند تا افرادی که به تازگی شغلی را انتخاب نموده‌اند. برخی محققان در پی یافتن رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی با نشانه‌های فرسودگی شغلی بوده‌اند، مطالعات این گروه نشان داده است افرادی که از لحاظ عاطفی دچار فرسودگی شغلی می‌شوند اغلب کمال‌گرا و به‌طور افراطی درگیر کار و شغل‌شان هستند و از طرفی، اهداف غیر واقع‌بینانه برای خود ترسیم می‌کنند. تنش در محیط کاری امری شایع است و بسیاری از افراد با آن مواجه می‌شوند، لذا گروهی از صاحب نظران رفتار سازمانی فشار روانی را بیماری شایع قرن توصیف کرده‌اند که در دراز مدت می‌تواند منجر به فرسودگی شغلی شود پس فرسودگی شغلی یکی از عمده‌ترین پیامدهای اجتناب ناپذیر تنش کاری

است که به دنبال خود فرسودگی جسمی، تغییر در رفتار و عملکرد شغلی را به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل این پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است.

از طرف دیگر با توجه به اهمیت ارتباط با ارباب رجوع و نحوه برخورد با ارباب رجوع که با فرسودگی شغلی تناقض دارد و زمانی که فرسودگی شغلی در بین کارکنان سازمان‌ها شیوع بیشتری داشته باشد نحوه ارتباط گیری با ارباب رجوع دچار مشکل می‌شود در نتیجه برای درمان آن راهکارهایی باید جست هم چنین لازم به ذکر است با توجه به مطالب بیان شده می‌توان گفت که تشخیص و پیشگیری از فرسودگی شغلی می‌تواند در ارتقای صحت روان افراد و سطح کیفیت خدمات ارائه شده نقش داشته باشد.

از طرفی در ابتدا تصور می‌شد که این سندرم ویژه کارکنانی است که با مراجع انسانی سر و کار دارند؛ اما امروزه روشن شده است که این معضل در تمامی سازمان‌ها شایع است بطوری که فرد وقتی بدلیل فشارهای مختلف احساس ناتوانی در انجام کار می‌کند و تداوم این حالت او را به فرسودگی شغلی دچار می‌کند سازمان‌ها به‌طور آشکار و پنهان هزینه‌های زیادی را به دلیل وجود فرسودگی در کارکنان می‌پردازد. بطوریکه گاهی منجر به کناره‌گیری کارکنانی می‌شود که هزینه‌های زیادی برای آموزش و آماده سازی آنان صرف شده.

با توجه به رابطه بین سلامت کارکنان و کارایی سازمان و نیز واقعیتی که فیصد قابل توجهی از کارکنان در سازمان‌ها مبتلا به این سندرم می‌باشند توجه محققان، روان شناسان و مدیران به این مهم امر ضروری است.

بنابراین، بررسی عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی کارکنان یکی از مهم‌ترین اولویت‌های پژوهشی محسوب می‌گردد، زیرا فقدان اطلاعات و یافته‌های پژوهشی در این زمینه باعث می‌شود تا برنامه ریزان نیروی انسانی در هاله‌ای از ابهام فرو رفته و نتوانند اقدامات پیشگیرانه را اعمال کنند. از همین رو در این پژوهش تلاش خواهیم کرد که به بررسی فرسودگی شغلی در بین کارکنان اداره‌ها بپردازیم. درواقع محقق دنبال پاسخ به این سؤال است.

عوامل فرسودگی شغلی راهکارهای درمانی آن چیست؟

اهمیت تحقیق

با توجه به شیوع و گسترش روز افزون فرسودگی شغلی در بین کارکنان مشاغل مختلف، سازمان صحت جهانی (WHO) فرسودگی شغلی را به‌طور رسمی فوریت پزشکی خود در نسخه یازدهم در طبقه بندی بین‌المللی بیماری‌ها (ICD) قرارداد WHO فرسودگی شغلی را به‌عنوان یک سندرم پزشکی «ناشی از تنش مزمن در محل کار تعریف کرده که به درستی مدیریت نشده است.» همچنان اعلام کرده است که $\frac{1}{2}$ جمعیت کارمندی از شغل خود ناراضی هستند و ۹۰ فیصد آن‌ها معتقدند که شغل‌شان در جهت اهداف زندگی آن‌ها نیست و ۷۵ فیصد کسانی هستند که به دنبال کمک‌های روان‌پزشکی هستند و با توجه به اینکه عدم رضایت شغلی و عدم توانایی؛ و همچنین درگیری‌های شغلی کاملاً با کفایت و عدم بهره‌وری کارمندان مرتبط هستند و در جهت درک هر چه بیشتر این ارتباط و تأثیراتی که بر هم دارند سعی خواهیم کرد که با آگاهی علمی و مدارک مستند ضمن بررسی عوامل و علل آن پیشنهادهای را جهت برنامه ریزی‌های لازم برای

ارتقاء بهداشت روانی و حرفه ای کارمندان به منظور کاهش تبعات منفی این مساله ارائه دهیم. با افزایش سطح سلامت و رفاه کارکنان بهره‌وری سازمان‌ها نیز افزایش یافته و این مساله بر سرویس دهی کارکنان به مشتریان نیز تاثیر مثبت خواهد داشت. لذا ضرورت دارد که عوامل فرسودگی شغلی با کارکردهای کارمندان مورد مطالعه قرار گیرد.

هدف اصلی

بررسی عوامل فرسودگی شغلی و بیان راهکارهای درمانی آن.

اهداف فرعی

بررسی مفهوم فرسودگی شغلی
بررسی راهکارهای جلوگیری از شیوع فرسودگی شغلی
بررسی راهکارهای درمانی برای کاهش مضرات فرسودگی شغلی

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی: بین فرسودگی شغلی و میزان کارایی کارکنان ارتباط مؤثری وجود دارد.
فرضیه فرعی: فرسودگی شغلی با میزان استرس در محیط کار ارتباط معنا دار دارد.

روش تحقیق

روش تحقیق، در پژوهش حاضر با توجه به روش کار از نوع مروری- توصیفی هست و چون راهکارهای درمانی برای فرسودگی شغلی در ادارات را در اختیار خوانندگان می‌گذارد از نوع کاربردی است و برای جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه از اطلاعات ثانویه یا مطالعات کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

تعریف فرسودگی شغلی

واژه «فرسودگی شغلی» اصطلاحی نسبتاً جدید است که اولین بار در سال ۱۹۷۴ توسط هربرت فرودنبورگر در کتابش به نام «فرسودگی شغلی: هزینه بالای موفقیت» مطرح شد. وی فرسودگی را در اصل، نابودی انگیزه یا مشوق، به‌خصوص در زمانی که فداکاری یک شخص برای یک علت یا رابطه نمی‌تواند منجر به تولید نتیجه مطلوب شود تعریف کرد. در واقع از پا درآمدن، از رمق افتادن، بی حالی، سستی و رخوت ناشی از کار را فرسودگی شغلی می‌نامیم. فرسودگی شغلی نوعی پاسخ فرد به عوامل فشارزای میان فردی در محیط کار هست که طی آن تماس بیش از حد فرد با همکاران، ریسان، ارباب رجوع و ... باعث تغییراتی در نگرش‌ها و رفتارهای وی نسبت به آنان می‌شود. به‌طور کلی در پاسخ به سؤال فرسودگی شغلی به چه معناست باید بگوییم که فرسودگی شغلی نوعی اختلال است که به دلیل قرار گرفتن طولانی مدت در معرض استرس روانی ناشی از کار در وی ایجاد می‌شود و نشانه‌های آن نیز فرسودگی هیجانی، جسمی و ذهنی است. هم چنین عزت نفس فرد مبتلا به فرسودگی شغلی کم می‌شود و احساس ناسودمندی و غیرمفید بودن می‌کند (اسلمی و رزمی زاده، ۱۳۹۰، ۲۰).

مراحل فرسودگی شغلی

فرسودگی شغلی می‌تواند هر کسی را در هر سنی تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، این مسئله در افراد بین ۲۵ تا ۴۴ سال، شایع تر است؛ مانند هر بیماری ای، نشانه‌های فرسودگی می‌توانند از هر شخصی به شخصی دیگر متفاوت باشند اما معمولاً همه این افراد این مراحل فرسودگی شغلی را طی می‌کنند:

تجربه ماه عسل: در این مرحله فرد وارد احساسات سرخوشی و شادمانی ناشی از شغل جدید می‌شود. احساس هیجان، اشتیاق، غرور و چالش. بخش‌های نامطلوب به دو طریق پیدا می‌شوند و بعد از مدتی نیروی ذخیره شده برای مقابله با نیازهای یک محیط چالش آور تمام می‌شود. در این مرحله و برای مقابله با فشارهای روانی بعضی عادات و شیوه‌های رفتاری در فرد شکل می‌گیرند که اغلب مفید نیستند.

مرحله کمبود سوخت: در این مرحله فرد نوعی احساس زوال، خستگی و گیجی را تجربه می‌کند. نشانه‌های این مرحله عبارت‌اند از: نارضایتی شغلی، عدم کارایی، اختلال در خواب و احساس خستگی ناشی از فشار شغلی. نتایج این احساسات، واکنش فرار (اعتیاد و پرخوری) هست.

مرحله نشانه مزمن: در این مرحله نشانه‌های مرضی فیزیولوژیک بیشتر آشکار می‌شوند و فرد نیازمند توجه و کمک می‌شود. نشانه‌های عادی این مرحله عبارت‌اند از: فرسودگی مزمن، بیماری جسمی، خشم و افسردگی. در این مرحله نوعی احساس خشم و افسردگی بر فرد مستولی می‌شود.

مرحله بحران: اگر احساسات و نشانه‌های مرحله سوم برای مدت طولانی ادامه پیدا کنند فرد وارد مرحله بحرانی می‌شود. در این مرحله فرد احساس می‌کند که به او ظلم شده و تمایلات مربوط به بدبینی و شک و تردید نسبت به خود در او افزایش می‌یابد.

مرحله برخورد با دیوار: در مرحله آخر از مراحل فرسودگی شغلی، نیروی فرد برای سازگاری با محیط شغلی به پایان می‌رسد و احتمال دارد فرد شغلش را از دست بدهد. از طرف دیگر این احتمال نیز وجود دارد که در این مرحله و با بهبود فرد برخی از نشانه‌های مرضی از بین بروند اما این نشانه‌ها تغییرات فیزیولوژیکی را در فرد به وجود می‌آورند که ممکن است رهایی از آن‌ها به‌سادگی ممکن نباشد (فیلیان، ۱۳۷۱: ۴۵).

علائم و نشانه‌های فرسودگی شغلی

۱- خستگی مفرط:

در مراحل ابتدایی شما در بیشتر روزها احساس خستگی و کمبود انرژی می‌کنید. با پیشرفت این علائم، خستگی فیزیکی و روانی شما تشدید شده و احساس می‌کنید انرژی شما تخلیه شده است. همچنین امکان دارد نسبت به روزهای پیش‌رو هم نوعی احساس ترس داشته باشید.

- ۲- بی‌خوابی: در مراحل ابتدایی امکان دارد یک یا دو روز در هفته به سختی به خواب بروید یا از خواب بیدار شوید. در مراحل بعدی این بی‌خوابی‌های شبانه، به‌طور مداوم تکرار می‌شود. علیرغم اینکه شب‌ها احساس خستگی می‌کنید، ولی نمی‌توانید بخوابید.
- ۳- فراموشی، حواس‌پرتی و عدم تمرکز: نشانه‌های اولیه شامل عدم تمرکز و فراموش کاری است. این مشکل با پیشرفت خود باعث می‌شود نتوانید به درستی کارهای خود را انجام دهید و کارها بر سر شما انباشته شود.
- ۴- دردهای جسمانی: این علائم می‌تواند به شکل درد در قفسه‌ی سینه، تپش قلب، تنگی نفس، دل درد، سرگیجه، غش و یا انواع سردرد باشد. این علائم می‌تواند به تنهایی یا همزمان بروز کند.
- ۵- افزایش بیماری‌ها: به‌خاطر تخلیه‌ی بدن شما از انرژی، سیستم ایمنی‌تان ضعیف‌تر می‌شود. این امر شما را در مقابل عفونت‌ها، سرماخوردگی، آنفولانزا و سایر مشکلاتی که با سیستم ایمنی بدن در ارتباط است، آسیب‌پذیرتر می‌کند.
- ۶- کاهش اشتها: این نشانه در مراحل ابتدایی با کاهش اشتهای شما همراه است و باعث می‌شود از برخی از وعده‌های غذایی صرف‌نظر کنید. با پیشرفت علائم، این بی‌اشتهایی افزایش می‌یابد و منجر به کاهش چشم‌گیر وزن‌تان می‌شود.
- ۷- نگرانی: در مراحل اولیه علائم خفیفی از تنش، نگرانی و ناراحتی را حس خواهید کرد. با نزدیک‌تر شدن شما به مرحله‌ی فرسودگی شغلی، نگرانی شما شکلی جدی‌تر به خود می‌گیرد. در نتیجه‌ی آن راندمان کاری شما کاهش می‌یابد و می‌تواند منجر به بروز مشکلاتی در زندگی شخصی‌تان شود.
- ۸- افسردگی: در مراحل اولیه احساس ناراحتی خفیف، گهگاهی ناامیدی، احساس گناه و بی‌ارزش بودن می‌کنید. با بدتر شدن وضعیت احساس افسردگی شدید خواهید کرد. احساس می‌کنید هیچ راهی ندارید و دنیا بدون شما جای بهتری است (اگر افسردگی شما به این درجه رسید، فوراً به متخصص مراجعه کنید).
- ۹- خشم: در مراحل اولیه به‌صورت تنش در برخورد با دیگران و کج خلقی دیده می‌شود. در ادامه این علائم به شکل عصبانیت شدید و جروب‌بحث جدی در خانه و محل کار بروز می‌کند (اگر عصبانیت شما به درجه‌ای رسید که باعث بروز رفتارهای خشونت‌آمیز نسبت به خانواده یا دیگران شد، فوراً به متخصص مراجعه کنید (زارعی، ۱۳۷۹، ۶۰).

نشانه‌های بدینی و انزوا

- ۱- از دست دادن حس لذت و خوشی: در ابتدا فقدان حس خوشحالی به‌صورت خفیفی دیده می‌شود. مثلاً اشتیاقی به رفتن سر کار ندارید یا دوست دارید زودتر کارتان تمام شود. اگر در جهت بهبود آن اقدامی نکنید، این کاهش لذت تمام جنبه‌های زندگی شما را در برمی‌گیرد. دیگر تمایلی به گذراندن وقت با خانواده یا دوستان ندارید. در محیط کار از زیر کار در می‌روید و به دنبال راه‌هایی خواهید بود که سر کار نروید.

- ۲- بدبینی: در ابتدا به صورت افکار منفی و نگاه کردن به نیمه‌ی خالی لیوان بروز می‌کند. در ادامه این حس بر روی نگرشی که نسبت به خودتان دارید، تأثیر می‌گذارد. باعث ایجاد حس بدبینی نسبت به اعضای خانواده و همکاران شده و حس می‌کنید روی هیچکس نمی‌توانید حساب کنید.
- ۳- انزوا: در مراحل اولیه به شکل مقاومت شما در برابر رفتارهای اجتماعی دیده می‌شود. مثلاً تمایلی به بیرون رفتن برای غذا خوردن ندارید یا در اتاق خود را می‌بندید تا کسی داخل نشود. در مراحل بعدی حرف زدن دیگران با شما باعث حس ناراحتی و عصبانیت‌تان می‌شود. زود سر کار می‌آیید و دیرتر می‌روید تا تعامل خود با دیگران را به حداقل برسانید.
- ۴- کناره‌گیری از دیگران: این حالت به طور کلی به شکل احساس جدافتادگی از دیگران و محیط اطراف بروز می‌کند. این حس می‌تواند باعث بروز رفتارهای انزواطلبانه‌ای که در بالا اشاره کردیم، شود. در نتیجه‌ی آن از لحاظ فیزیکی و روانی خود را ملزم به انجام مسئولیت‌ها نمی‌دانید. اغلب به بهانه‌ی مریضی سر کار نمی‌روید. پاسخ تماس‌ها و ایمیل‌ها را نمی‌دهید و مرتباً با تأخیر به سر کار می‌روید (بابلی بهمنی، ۱۳۷۸، ۵۵).

نشانه‌های احساس بی‌خاصیت بودن و ناکامی

- ۱- افزایش کج خلقی: کج خلقی ریشه در احساس مهم نبودن، بی‌فایده و بی‌استفاده بودن دارد. این حس باعث می‌شود فکر کنید دیگر همچون قبل، قادر به انجام کارها نیستید. در مراحل اولیه این وضعیت بر روی روابط شخصی و حرفه‌ای شما تأثیر منفی می‌گذارد و با ادامه می‌تواند باعث نابودی کامل آن شود.
- ۲- عدم بهره‌وری و کاهش کارایی: با افزایش بیش از حد ساعت کاری، استرس مزمن کارایی شما را کاهش می‌دهد. در نهایت پروژه‌های شما نیمه‌کاره مانده و هر روز به لیست کارهایی که باید انجام دهید، اضافه می‌شود. با افزایش این حالت شما به وضعیتی دچار می‌شوید که هرچه تلاش کنید، بازهم از عهده‌ی کارهای خود بر نمی‌آیید. اگر شما این مشکلات را تجربه نمی‌کنید، خیلی خوب است. هرچند باید این علائم هشداردهنده را به خاطر بسپارید. یادتان باشد فرسودگی شغلی موجودی موزی است که وقتی شما مشغول زندگی هستید، به آرامی بر جسم و جان شما رخنه می‌کند (حسنی، ۱۳۸۱، ۴۰).
- ۳- علل و عوامل فرسودگی شغلی: علل و عوامل زیادی باعث فرسودگی شغلی می‌شود که ما را در اینجا فقط از ۲ عامل عمده که شامل عوامل محیطی یعنی جائی که فرسودگی شغلی در آنجا ممکن است اتفاق بیفتد؛ و دیگری عوامل شخصی بدین معنی که چه کسی دچار فرسودگی شغلی می‌شود.

الف) عوامل محیطی: فرسودگی شغلی یک تجربه شخصی است که خاص محیط کاری است، تحقیقاتی که بیش از ۲۵ سال انجام شده نشان‌دهنده ارتباط عمده عوامل محیطی با پدیده فرسودگی شغلی است که البته عوامل محیطی به شرح ذیل می‌باشند:

۱) ویژگیهای شغلی: نتایج به دست آمده از تحقیقات محققان مبنی بر این است که فرسودگی شغلی نوعی واکنش به فشار است. تجربیات مربوط به حجم کار و فشار زمانی به طور هماهنگ و قوی با فرسودگی شغلی ارتباط دارند بخصوص از بعد تحلیل یا فرسایش. این نتایج به دست آمده از طریق تجربیات خود گزارش دهی در مورد فرسودگی و هم ارزیابی عینی نیازها (مثل تعداد ساعات کار و تعداد مراجعان) تأیید شده است و همچنین همبستگی بالای ابهام نقش و تضاد نقش به اثبات رسیده. (شیرکول، ۱۳۸۲، ۷۰).

۲) ویژگیهای سازمانی: در حالی که کار یک پرستار با بیماران در یک بیمارستان است و یا کار یک معلم با شاگردان در مکتب است. بنابراین این مشاغل اغلب در یک سازمان بزرگتر انجام می گیرد که شامل سلسله مراتب، مقررات، منابع و توزیع فضای می باشد. همه این عوامل می تواند تاثیرات دامنه دار و مستمری داشته باشند بخصوص وقتی که توقعات و انتظارات عمده آنها را از عدالت و برابری زیر پا می گذارند. که این مسئله به نوعی بر فرسودگی شغلی تاثیر می گذارد. همچنین توجه به مسائل رفاهی کارکنان و فرصت دادن به کارکنان در جهت تلاش برای بهتر شدن مهارت های شان از عوامل مهمی سازمانی هستند که بر فرسودگی شغلی تاثیر دارد (زارعی، ۱۳۷۹، ۴۰).

۳) ویژگیهای حرفه ای: کار در مورد فرسودگی شغلی در ابتدا از بخش مشاغل خدمات انسانی و آموزش شروع و رشد پیدا کرد و علت این توجه خاص به این مشاغل به دلیل درگیری عاطفی در شغلشان به صورت فشرده با دیگر افراد در نقش آموزش دهند یا مراقبت کننده بوده با تمرکز تحقیقات جدید به طور صریح به متغیرهای کار-عاطفه (شرایط مربوط به نشان دادن یا پنهان کردن عواطف در شغل، شرایط همدلی عاطفی) نشان داد که این عوامل عاطفی با واریانس های بالا در رده های بالا فرسودگی شغلی و استرس های شغلی بالا گزارش شده (زپف و دیگران ۲۰۰۱)

ب) عوامل فردی: افراد به راحتی به محیط کار پاسخ نمی دهند، بلکه یک سلسله ویژگی های منحصر به فردی در این ارتباطات وجود دارد که در پاسخ دهی تاثیر گذار است این عوامل فردی شامل متغیرهای جمعیت شناختی (مثل سن یا تحصیلات رسمی)، ویژگیهایی شخصیتی ثابت و گرایش های مربوط به شغل است. چند تا از این ویژگی های فردی با فرسودگی شغلی یک ارتباط را نشان دادند. همچنین، این ارتباط از نظر میزان تاثیر گذاری بر فرسودگی شغلی در حدود اندازه عواملی محیطی نمی باشد. به طوری که پیشنهاد شده که فرسودگی شغلی بیشتر یک پدیده اجتماعی است تا یک پدیده فردی (بیگی فرد، ۱۳۷۸، ۹۰).

۱) ویژگیهای جمعیت شناختی: از همه متغیرهای جمعیت شناختی که مورد مطالعه قرار گرفته، سن یکی از آنهایی است که همواره با فرسودگی شغلی ارتباط داشته در بین کارکنان جوانتر سطح فرسودگی شغلی نسبت به افرادی دارای سنین بالا ۳۰ تا ۴۰ سال هستند بیشتر گزارش شده است. همچنان جنس به عنوان یک متغیر جمعیت شناختی یک عامل قوی جهت پیش بینی فرسودگی شغلی نمی تواند باشد (بر خلاف برخی مباحث که می گویند فرسودگی شغلی را بیشتر زنان تجربه می کنند) برخی مطالعات سطح بالاتری از فرسودگی شخصی را برای مردان گزارش کرده اند.

با توجه به وضعیت و موقعیت تاهل کسانی که ازدواج نکرده اند (بخصوص مردان) به نظر می رسد که مستعد فرسودگی شغلی هستند نسبت به آنها که ازدواج کرده اند مجردان به نظر می رسد که حتی سطح بیشتری از فرسودگی شغلی را نسبت به کسانی که طلاق گرفتند را تجربه می کنند (اعزازی، ۱۳۷۶، ۷۰).

۲) ویژگی‌های شخصیتی: مطالعات چندی در مورد ارتباط تیپ‌های شخصیتی با فرسودگی شغلی انجام شده افرادی که سطح پایینی از تحمل و استقامت را نشان داده‌اند (داشتن مشکل و درگیری در فعالیت‌های روزانه، احساس کنترل توسط حوادث ماوراء و سعه صدر در مورد تغییرات) فرسودگی شغلی بیشتری را نشان دادند، بخصوص اینکه در جزء فرسایش، فرسودگی شغلی در بین افرادی که یک کانون کنترل بیرونی دارند (نسبت دادن حوادث و موفقیت‌ها به قدرت دیگران یا شانس) نسبت به افرادی دارای کانون کنترل درونی هستند (گرایش و اعتقاد به تواناییهای خودش و تلاش خودش) بیشتر است (نوری، ۱۳۷۷، ۶۰).

۳) گرایشات شغلی: توقعات و انتظاراتی که برای افراد در شغلشان به وجود می‌آید متفاوت هستند در برخی موارد این توقعات خیلی بالا است، هم به دلیل ویژگی‌های کاریشان (مثل تحرک، تلاش، تفریح) و احتمالاً هم به دلیل به دست آوردن موفقیت در کارشان (مثل معالجه کردن بیماران، کمک کردن) همچنین انتظارات بالا نشان از ایده آلیست بودن یا غیرواقع‌گرا بودن می‌دهد و یک فرضیه این است که این مسئله یک عامل خطر برای ابتلا به فرسودگی شغلی هستند چون احتمالاً انتظارات زیاد منجر به این می‌شود که افراد به سختی کار کنند و به همین ترتیب کارشان را انجام دهند، پس این امر منجر به تحلیل و بدبینی بعدی می‌شود وقتی که سعی و تلاش زیاد آن‌ها منتج به برآوردن انتظارات آن‌ها نشود (بابلی بهمنی، ۱۳۷۸، ۳۱).

پیشینه تحقیق

در رابطه با موضوع فرسودگی شغلی در کشور مابذلیل نشناخته بودن موضوع متاسفانه هنوز پژوهشی صورت نگرفته است. از همین رو به تحقیقات خارجی بسنده می‌کنیم.

برای اولین بار فیلیان (۱۳۷۱) بررسی تحت عنوان "میزان فرسودگی شغلی و ارتباط آن با روشهای مقابله ای به کار گرفته شده در پرستاران بیمارستان‌های آموزشی شهر تهران" انجام داد. نتیجه بررسی او نشان داد که تعداد زیادی از پرستاران با فرسودگی شغلی دست به گریباند به طوریکه میزان فرسودگی شغلی در ۲۸/۷۵ درصد موارد بالا بود در ارتباط با تاثیر مشخصات فردی مثل سن، جنس و وضعیت تاهل و نوع شیفت و سمت بر فرسودگی شغلی رابطه معنا داری وجود داشت. بهمنی (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان "نقش حمایت‌های اجتماعی در فرسودگی شغلی مدیران مدارس شهرستان رامهرمز" نشان داد که بین حمایت‌های اجتماعی و فرسودگی شغلی رابطه معکوس وجود دارد؛ و با بالا رفتن حمایت‌های سازمان، سرپرستان و حمایت‌های همکاران خانواده با فرسودگی شغلی رابطه معکوس وجود دارد.

شیرکول (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل مؤثر بر فرسودگی شغلی معلمان دانش آموزان نابینا، ناشنوا و عادی در مقطع راهنمایی شهر تهران" به نتایج زیر رسید که نوع مدرسه (عادی، نابینا، ناشنوا) را پیش بین مناسب برای متغیر ملاک (فرسودگی شغلی) نمی باشد به این معنی که معلمان مدارس گوناگون از فرسودگی شغلی یکسانی برخوردارند. تیپ‌های شخصیتی را می توان پیش بینی مناسب برای متغیر ملاک (خستگی عاطفی، مسخ شخصیت و فقدان موفقیت فردی) در نظر گرفت به این معنی که افراد دارای الگوی رفتاری تیپ A نسبت به افراد تیپ B فرسودگی شغلی بیشتری را تجربه می‌کنند و امکان ابتلا به فرسودگی شغلی در افراد تیپ A بیشتر است.

در مطالعات فرسودگی شغلی که توسط مازلاک و همکارانش (۲۰۰۱) انجام گرفت نشان دادند که سطح بالای از فرسودگی شغلی در بین نمونه های آمریکای شمالی نسبت به نمونه های اروپایی وجود دارد. مازلاک و همکارانش (۲۰۰۱)، شافلی جانزور (۱۹۹۴) نشان دادند که کارکنان انگلیسی زبان از کشورهای اروپایی (انگلستان و ایرلند) معمولاً سطح پایین تری از فرسودگی شغلی را نسبت به کارکنان کانادایی فرانسوی زبان گزارش کردند. و طبق تحقیقی که توسط گولسبوسکی، بودرو (۱۹۹۸) در مورد پاسخدهندگان در ژاپن و تایوان انجام دادند سطح بالاتری از فرسودگی شغلی را نسبت به نمونه های آمریکای شمالی گزارش کردند.

و تنها کشور اروپایی که سطح فرسودگی شغلی بالایی از فرسودگی شغلی گزارش شده، به همان نسبت که در نمونه های آمریکای شمالی است کشور هلند می باشد. استر و همکاران (۱۹۹۷) نمرات فرسودگی شغلی در ۶۳۱ معلم کانادایی و ۱۸۰ معلم هلندی را با متغیرهای دموگرافیکی مثل جنس و سن و عوامل مربوط به شغل مانند تجربه تدریس، نوع مدرسه و ساعات تدریس مقایسه کردند: جنس و نوع مدرسه ارتباط معنی داری با فرسودگی شغلی داشت. معلمان مرد در ابعاد تحلیل عاطفی و مسخ شخصیت نمرات بیشتری به دست آوردند.

گوست و همکاران (۱۹۸۷) در تحقیقی تحت عنوان "نقش تفاوت هائی جنسی در تنیدگی شغلی و دگرگونی شخصیت" فرسودگی شغلی ۲۲۷ معلم مرد را موردتوجه قراردادند در این تحقیق پرسش نامه فرسودگی شغلی به کار گرفته شد. میزان درآمد، وضعیت خانواده و نحوه مقابله با فرسودگی شغلی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که مردان نسبت به زنان به طور معنا داری نمره بالاتری در دگرگونی شخصیت کسب کردند. در این تحقیق کیفیت زندگی مردان پایین تر از زنان بوده و مردان تنیدگی شغلی بالاتری را نشان دادند. مردان کمتر از روش های مقابله نسبت به زنان استفاده کردند. سادرفلت (۱۹۹۵) در مروری که بر ۱۸ تحقیق که یافته هایی را در مورد فرسودگی شغلی مددکار اجتماعی اعلام کرده بودند به این نتیجه رسیدند که ادبیات تحقیق حاکی است که پدیده فرسودگی شغلی پدیده باثباتی است. در حدود دوسوم مددکارانی که فرسوده بودند در طی یکسال هیچگونه تغییری از نظر فرسودگی نشان دادند. آنهایی که سطح فرسودگی شان تغییر پیدا کرد، سطح کاهش یا افزایشی به یک نسبت بوده فرسودگی بالا یا پایین با عوامل سازمانی، مراجعان و عوامل فردی مرتبط بود.

ناگی و همکاران (۱۹۹۲) در یک تحقیق تحت عنوان "بررسی طولی فرسودگی شغلی معلمان" پرسش نامه فرسودگی شغلی مازلاک را طی یک دوره پنج ساله در سه نوبت بر روی ۱۰۰ نفر از معلمان مقاطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان اجرا کردند. در این تحقیق نشان دادند که معلمان نمره بالای از خستگی عاطفی و نمره پایین را در پیشرفت فردی کسب کردند. معلمان مدارس ابتدایی بیشتر از معلمان راهنمایی و دبیرستان فرسودگی داشتند. هم چنین نتایج نشان دادند که نه تنها پایه شغلی معلمان بلکه خود مدرسه را هم باید به عنوان یک واحد تجزیه در میزان فرسودگی شغلی در نظر قرار دارد.

کاهش فرسودگی شغلی

حال این سؤال پیش می آید که وقتی فرد دچار عارضه یا اختلال فرسودگی شغلی شد، آیا راهی برای رهایی او از این وضع بیماری زا وجود دارد؟ پاسخ این سؤال مثبت است و شواهد و یافته های جدید علمی نشان می دهند که امکان بهبود و بازگشت سلامتی به فرد وجود دارد. که در این زمینه دو رویکرد مداخله ای وجود دارد راهبردی فردی سازگاری و راهبردهای

سازمانی، که البته راهبردهای فردی به دلیل آسانتر و ارزانتر بودن نسبت به راهبردها و تغییرات سازمانی بیشتر مورد نظر بوده است (مازلاک و گلدبرگ ۱۹۹۸)

راهبردها و تغییرات فردی

این برنامه ها و راهبردها به طور کلی در پی توسعه مهارت‌های سازگاری در فرد در جهت کمک برای برخورد با استرس‌های که منتج به فرسودگی شغلی می‌شود انواع مداخلات و برنامه های که انجام می‌شود شامل آموزش مایه کوبی استرس، روشهای خاص آرمیدگی، مدیریت زمان، آموزش اعتماد به نفس درمان منطقی مسائل عاطفی، آموزش مهارت‌های اجتماعی و بین فردی، تیم درمانی، مدیریت نیازهای حرفه ای و مدتیشن (فتحتی، ۱۳۸۳، ۱۵).

راهبردها و تغییرات سازمانی

تمرکز بر محیط و سازمان به همان نسبت که راهبردهای فردی برای مداخلات در جهت روبرو شدن با فرسودگی شغلی الزامی و مهم است مهم می باشد مداخلات مدیریتی باید در جهت تغییر در ۶ حوزه از زندگی کاری یعنی حجم کار، کنترل، پاداش، ارتباطات، عدالت، ارزشها صورت گیرد البته این امر الزامی است، شرط کافی نیست مگر اینکه همراه با آموزش مهارت‌های فردی لازم و ضروری باشد. البته قابل ذکر است که هیچ یک از تغییرات محیط و تغییرات فردی کافی نیست مگر اینکه هر دو در یک مدل انجام یافته صورت بگیرد. مثلاً در مورد کاربرد ۶ حوزه از زندگی کاری و تاثیر آن در کاهش فرسودگی شغلی می توان گفت در حوزه فشار یا حجم کار زیاد در صورتی که نتوان مقدار فشار یا حجم کار را کمتر کرد اما اگر به کار آن‌ها بهاء داده شود و فرد احساس کندکاری که وی انجام می دهد مهم است و به تلاش وی پاداش داده خواهد شد در کاهش فرسودگی شغلی مؤثر خواهد بود (ابزاری و سرایداران، ۱۳۷۶، ۱۵۰).

نتیجه گیری

فرسودگی شغلی نوعی پاسخ به عوامل پرفشار موجود در محیط کار هست که باعث تغییراتی در نگرش و رفتارهای فرد می‌شود. افرادی که به طور طولانی مدت در معرض استرس‌های شدید هستند، امکان دارد مبتلا به فرسودگی شغلی شوند. این پدیده سندرمی است که شامل فرسودگی فیزیکی، عاطفی و روانی است و توام با احساس شدید پایین بودن پیشرفت شخصی در فرد است، بدین معنی که افراد درگیر با این مساله احساس می‌کنند که هیچگونه پیشرفت و ترقی در زندگی حرفه‌ای و شخصی خویش ندارند. تشخیص فرسودگی شغلی دشوار است و همچنین این مسئله خود به خود از بین نمی‌رود و بهتر نمی‌شود. شناسایی فرسودگی شغلی و پرداختن به آن، نیاز به فکر و تلاش آگاهانه دارد. اگر برخی از این نشانه ها را تجربه می کنید این باید یک هشدار برای شما باشد که در مسیری خطرناک قرار دارید.

ممکن است این عارضه با انواع علائم مشکلات سلامت روحی و فیزیکی نیز همراه گردد. اگر این موضوع پیگیری نشود، می‌تواند منجر به اختلال در عملکرد فرد در زندگی روزانه شود. باین حال فرسودگی شغلی با اتخاذ شیوه‌ها و تدابیر خاصی قابل اصلاح و برگشت پذیر است و می‌توان تدابیری را جهت درمان آن به کاربرد.

در این مطلب توضیح دادیم فرسودگی شغلی چیست و نشانه‌ها، عوامل ایجاد و روش‌های درمان فرسودگی شغلی را بررسی کردیم.

پیشنهادهایی برای پژوهشگران دیگر:

به کسانی که علاقمند هستند در این زمینه پژوهش کنند پیشنهاد می‌شود که در زمینه‌های زیر به بررسی و پژوهش بپردازد:

- بررسی رابطه فرسودگی شغلی با رضایت شغلی
- بررسی رابطه فرسودگی شغلی و سلامت روانی کارکنان
- علل و عوامل به وجود آورنده فرسودگی شغلی در شفاخانه‌ها
- مقایسه وضعیت فرسودگی شغلی کارکنان بانک‌ها با مؤسسات خدماتی یا آموزشی
- مقایسه فرسودگی شغلی در کارکنان تحصیلات عالی بین کارمندان زن و مرد
- مقایسه ارتباط فرسودگی شغلی کارکنان مرد و زن با کارکردهای خانوادگی آن‌ها

مآخذ

- ابراهیم نوری، هما. (۱۳۷۷). **بررسی تأثیرات میزان درآمد ماهیانه، تجربه شغلی و ویژگیهای شخصیتی بر سندرم فرسودگی شغلی**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ابزاری، مهدی و سرایداریان، حمید. (۱۳۷۶). **سازمان، مدیریت و فشارهای روانی**، چاپ اول. اصفهان انتشارات ارکان.
- اعزازی، شهلا. (۱۳۷۶). **جامعه شناسی خانواده**، چاپ اول. تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بابلی بهمنی، عزیزاله. (۱۳۷۸). **بررسی میزان فرسودگی شغلی مدیران دبیرستانهای دولتی پسرانه شهر تهران و رابطه آن با روشهای مقابله ای آن‌ها**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی روانشناسی دانشگاه تهران.
- بهمنی، لیلا. (۱۳۸۱). **نقش حمایت‌های اجتماعی در فرسودگی شغلی مدیران مدارس شهرستان رامهرمز**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی
- بیگی فرد، سلیمه. (۱۳۷۸). **بررسی ارتباط ویژگی سخت رویی و حمایت اجتماعی با فرسودگی شغلی در بین کارکنان مراکز توانبخشی بهزیستی شیراز**، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- پاول، تروورجی، ورنایت، سیمون جی. (۱۳۸۰). **فشار روانی، اضطراب و راههای مقابله با آن**، ترجمه عباس بخشی پور رودسری و حسن صبوری مقدم. مشهد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- حسینی - فاطمه. (۱۳۸۱). **بررسی میزان فرسودگی شغلی معلمان زن ریاضی و هنر دبیرستانهای عادی شهر تهران**، پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه الزهرا.
- دقیقی، رضا و فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۹). **تنش در محیط کار**، چاپ اول، تهران، انتشارات نگرش روز.

- رسولی، ماریا. (۱۳۸۱). بررسی رابطه استرس شغلی با رضایت زناشویی و سلامت روانی افسران پلیس مرد، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- زارعی، فرامرز. (۱۳۷۹). بررسی نشانگان فرسودگی شغلی مشاوران مدارس شهر قزوین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۷۶). روانشناسی بهره‌وری، چاپ اول، تهران، موسسه نشر ویرایش.
- شیرکول، ماندانا. (۱۳۸۲). عوامل مؤثر در بروز فرسودگی شغلی معلمان دانش آموزان نابینا، ناشنوا و عادی در مقطع راهنمایی شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- فتحی، نادر. (۱۳۸۳). فرسودگی شغلی و شیوه ی مقابله با آن، فصلنامه علمی - پژوهشی صدای مشاور سال اول، شماره ۳.
- فیلیان، عماد. (۱۳۷۱). بررسی میزان فرسودگی شغلی و ارتباط آن با روشهای مقابله ای به کار گرفته شده توسط پرستاران شاغل در بیمارستانهای آموزشی، عمومی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Christina Meshach, wilmar B. Schaufeli, Michael D. Leiter. (2001). **Job burnout**. *Annuol Review of Psychology*, 52, Pg 397-422.
- fristad.M.A(1989). **A comparison of the McMaster 8 circumplex family assessment instruments**. *Journal of Marital and family therapy* 15:174-183.
- Esther. R, and et al, **A Canadian –Datch Comparison of teachers burnout. Psychological reports**, 1997, 81, 371 – 382.
- Lacroix, A. 2.8 Haynes, S. G (1987). **Gender differences in health of work place roles**. In p. C. Botnett, l. Biener, 8 G. k. Boruch (Eds) *Gender and Stress*. pp.97. 121). Newyak.
- Soderfeldt. M, Soderfeldt. B, warg. L. (1995). **Burnout in social work**. *Social work*, 1995. sep. vol 40 (5) 937- 648.

The effects of void and invalid conditions

Assistant Professor Amanullah Naziri
Faculty of Law and Political Science
Balkh Universit

Abstract

The most important matters that are discussed in civil law are "legal actions" and it has a special place in the legal actions of the contract. In daily life, people resort to fixed or indefinite contracts to meet their needs. It is essential to know the effects of the contract between the parties; However, sometimes the parties limit the consequences of the contract or add an effect to it. Void and invalid conditions can have an effective role in the marriage or its dissolution, which was discussed in two topics and several speeches in this article.

Keywords: void, nullifier, legal acts, contract

Reflecting nostalgia and examining its components in the poems of Jalil Shabgir Poladian

Assistant Professor Nazi Hasan Mirzad
Faculty of education, English department
Balkh Universit

Abstract

Nostalgia or homesickness is a reflection of longing, returning to childhood, away from family and homeland. This term first entered psychology from medical science and then entered literature. This term, especially in contemporary literature, has always been one of the concerns of human life, especially poets, due to reasons such as lack of compromise with the ruler's rule, unfavorable living conditions, because they have a sense of poetic elegance with the oppression and heavy shadow of the government's terror. They take a stand and fight. This article is a research about nostalgia and its reflection in the poetry of Jalil Shabgir Poladian, who is one of the contemporary Dari poets and one of the pioneers in the field of writing political and sustainable poetry. His poetry is a mirror of the ideal of jihad and resistance. And this issue has been investigated as one of the unconscious behaviors of a person in Poladian's poetry. Because with the change in the political situation, it became inevitable for him to finally leave his beautiful homeland and reflect the sadness of life in exile and the pain of being away from the homeland and friends in his poems. This article, relying on library studies, is trying to explain the nostalgia caused by the distance from the homeland and many other components, including distance from the homeland and family, distance from the beloved, returning to the past and history and mythology, returning to childhood and youth, to examine in Poladian's poetry.

Keywords: Nostalgia, Poladian, Nostalgia, sadness, components

The political and cultural role of Queen Goharshad Begum in the Timurid state

Senior Teaching Assistant Mohammad Daud Akrami
Lecturer of Social science faculty
Balkh University

Abstract

The Timurid era of Herat is one of the brilliant periods in the history of our country and the region. In this era, the greatest achievements in the fields of science, art and literature in the history of our country have been achieved, all of which would have been impossible without a strong political and economic support. This support was provided by the statesmen of the Timurid dynasty, among which the name of the Timurid queen Goharshad Begum is significant. She left her mark, in many settlements and artistic achievements of that period, the supporting role of this political and culture-loving woman is quite evident and outstanding. Among these works, you can find collections of mosques, tombs, minarets in Afghanistan and Iran were mentioned. Goharshad Begum, who herself was one of the Timurid princes, became the queen of the Timurid state of Herat after marrying Shahrukh, and after that she gave constructive advice to her husband Shahrukh in political and governmental affairs.

Keyword: Goharshad Begum, politics, culture, Timurids, Herat

Investigating the effect of the Internet on the buying behavior of end consumers

Teaching Assistant Abdul Kabir Azizi
Faculty of Economics, Department of Finance and Banking
Balkh University

Abstract

The behavior of customers when buying on the Internet is similar to the traditional buying behavior model; it is caused by a series of cultural, social, personal, psychological, etc. factors. During the past few years, researchers have studied the buying behavior in the Internet environment and while identifying the factors affecting it, they have designed different models for the behavior of electronic end consumers. The primary goal of this article is to collect and examine different views of consumer behavior on the Internet. This article is argumentative and is based on the analysis and synthesis of consumer behavior literature. The findings of this research show that, despite the wide and repeated range of research and studies that investigate consumer behavior on the Internet, areas such as trust, electronic interactions, mental image, arousing factors, stimuli, etc. can still be valuable areas for Investigate consumer behavior on the Internet. This research has helped retailers to understand the behavior of end consumers on the Internet by using the literature on the behavior of end consumers on the Internet and past experimental research and by presenting several new factors affecting the behavior of this type of consumers.

Keywords: final consumers, consumer behavior, Internet, buying, selling

The Mujalatul Ahkam all historical period and general Religion rules

Teaching Assistant Rahmatullah Hakimyar
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

Al-Ahkam al Adlay magazine is a book that was published in the years 1286-1393 AH by the government of the Ottoman Empire as a result of the efforts of a number of nobles and jurists of that era under the chairmanship of Ahmad Jaudt, the great scholar, a famous historian and under judiciary of that time, for the first time in the form of orderly and later materials. After the approval of the scientific authorities of that time, it was published and published in 1293 AH. This book, which has (1851) Articles, its issues are taken from authentic books and reliable fatwas or Hanafi jurisprudence, and during the reign of the Ottoman government and recently Iraq, it was recognized in the form of law on issues and transactions, and in accordance with it, sultanic decrease were issued. The mentioned book has become a good reference for the judicial system and legislators in most of the Islamic countries, including our dear country Afghanistan. In courts of Afghanistan this book is rich source for law and civil clauses. That most of the judges use the juridical materials of al-Ahkam during issued. However, that the Aaliyah ministry generalship of Afghanistan is the primary antecedent legislator at level of country. To making secondary texts majority of civically laws used from al-Ahkam Aaliyah magazine instead of source. Not only courts, but also the general directorate of defense lawyers and the judicial directorate of the government also use the materials of these jurisprudence texts in their professional work. It should be shown that with development and established of Islamic-Emirates and Darel- Ifta in center of Kabul and zones are built in frames of supreme law court and in addition mufti judges have also been appointed to issue fatwas regarding claims and characteristics in the offices of the courts of justice this is the reason other jurisprudence book of al-Ahkam magazine as a percentage of fatwas.

Keywords: Historical background of jurisprudence in Al-Ahkam magazine, origin of jurisprudence application of jurisprudence, location of jurisprudence, Arabic text and translation Dari and former translation.

The Evolution of Urban Structures in Kushanian Era

Teaching Assistant Marzieh Aziz Rahimi
Faculty of Education, Department of History
Balkh University

Abstract

The Kushanians, who ruled Afghanistan from 40 AD to 220 AD, during this period, many kingdom from this dynasty came to power. The brilliant period of Kushanian is particularly important in history in terms of development of the land, the opening of trade routes, progress in the fields of science, painting, calligraphy, city building, writing inscriptions, making muskets and minting coins belonging to that period. The period of Kanishka was the most powerful king of this dynasty, according to the developments in various fields, more attention was paid to the construction of cities, mints, temples, religious places, castles and towers. These cities are the most important elements of growth of civilization in many countries. The cities built in the Kushanian era, as evidenced by archaeologists' excavations, belong to the period of Kanishka's rule. The finding shows that the Kushanian period compared to the periods before them (Greek and Western) in Central Asia, Afghanistan and India, they built very beautiful cities and towns, which paid more attention than other cities to Gandhara and their winter and summer capitals, Peshawar and Kapisa. And these cities have also had a special importance from a political point of view, and compared to other cities whose religious centers were also built there, they have progressed religiously and it is remarkable, such as the religious city of Gandhara, which was built with special decorations in the architectural style of that time and has countless religious places. In addition to that, from the studies and researches, some other cities were also politically important for them, and their mints were in these cities, such as: Balkh, Kapisa, Sorkh Kotel, Peshawar, Taxila, Sialkot and Methura. So the purpose of writing this article is to know the important cities of this period, the way of their architecture and the perfection of the urban structures, the urban structures of the Kushanians were intended to introduce their architectural methods and to distinguish them from the urban architecture of the Greek and Western eras. In this research, the analytical and descriptive method based on library based research has been used.

Keywords: Kushanian people, cities, architecture, temples, culture

Post-structuralism research

Teaching Assistant Zabihullah Sahib Arghand
Language and Literature Faculty
Balkh University

Abstract

Post-structuralism is a contemporary intellectual movement that emerged from Jacques Derrida's deconstruction of structuralism. Prominent figures such as Michel Foucault, Jacques Lacan, Roland Barthes, and others are considered both critics and continuations of structuralist ideas. Post-structuralists challenge the entire philosophical and metaphysical framework of Western thought. One fundamental aspect that post-structuralism challenges is the concept of "dual opposition," which has been prevalent in philosophy and religion for millennia. Derrida posits that this notion is unstable and lacks a solid foundation, suggesting that it has lost its significance. Post-structuralism rejects the notion of centrality, which entails the denial of absolute reasoning or ultimate meaning. According to Derrida, meaning is not fixed in the mind of the writer or within the text itself. Furthermore, post-structuralists, particularly Derrida, adopt the concept of "difference" from Ferdinand de Saussure, using it in a similar way. They argue that meanings are derived from the differences between various elements, enabling the discernment of one concept from another. Derrida is considered the founder of post-structuralism, and subsequent post-structuralist ideas are largely expounded upon his foundational concepts. Finally, the language used in post-structuralist discourse tends to reject clarity and appreciates ambiguity. Metaphorical language plays a significant role in expressing these complex ideas and challenging conventional modes of communication.

Keyword: Structuralism, Post – structuralism, Structural breakdown, Dual opposition, Centrality of meaning, Difference, Jacques Derrida, Metaphysics of existence, Metaphysics of non - existence

Reverberated words and their study

Teaching Assistant Omidullah Bayani
Language and literature faculty - Uzbek language and literature
Balkh University

Abstract

In Uzbek linguistics reverberated words are called repetitive words, echoed words, and nonsense words, mimicking words, or echoed words shadow of words which are broadly used in Uzbek language. Researches are conducted on this topic investigating its history, grammatical rules, its roots and its grammatical category is very few. However, reverberated words are somehow like compound, paired and repeated words, but its characteristics differs. They are made of two components: first component is meaningful and second component is meaningless and the second component is not used alone recently. I hypothesis that reverberated words are Uzbek grammatical rules that are being used widely by people. However, it is not being categorized separately like compound words, paired words, and repeated words. It is intended in this research, to study the reverberated words, its usages, its importance in Uzbek and Persian languages, and lastly about the history of reverberated words.

Keywords: grammar of Turkic languages, repeated words, paired words, lexical meaning, grammatical rule, phonetic impact

Turaq contract and its banking applications in Islamic jurisprudence

Teaching Assistant Karamat Arshad
Sharia Faculty
Balkh University

Abstract

The term Tawarruq is specific to the Hanbali religion, while other schools of jurisprudence mention the image of Tawarruq when talking about Bai' al-Ainah; Tawarruq contract is divided into two forms: individual torq and regular torq: in individual torq, the person in need of cash (money) personally buys goods on credit and sells it to another in cash and through this It meets its financial needs. This research includes Tawarruq contract; Its nature, types, and application are in Islamic institutions and banks, in which bank transfer (organized) is a new financing tool that has been used in Islamic banks and Islamic windows in conventional banks. This research has come to the conclusion that: Tawarruq, in Organized banking in addition to violating Sharia rules, leads to the transfer of Muslim money and the accumulation of debt with customers, and that the increasing demand of customers due to the search of customers for an Islamic alternative to usurious banks and due to low risk and It is the speed of action. present article; It shows the non-acceptance of (organized) banking turq and the application of (organized) banking turq leads to the weakening of the difference between Islamic banking and conventional banks.

Keyword: Tawarruq contract, bank Tawarruq, legal Tawarruq (individual)

The reasons for job fatigue and ways out of it

Teaching Assistant Mohammad Khadija Mohammadi
Faculty of Social Science, Department of Psychology
Balkh University

Abstract

Job burnout is a common issue in the work environment today and many people experience it, a group of thinkers believes that organizational behavior of psychological Stress in the work environment in the long term can lead to job burnout and have unavoidable consequences in career Performance and my day become a Person. Based on this, in the current research, the researcher explores job fatigue and Solution to relieve it. And for Ibn Manzoor, a library method was used to collect information. Which is descriptive in terms of work relaxation and means that treatment solutions are offered to overcome work fatigue is a type of cabardice. The results of research show that there is of direct relationship between challenges and psychological Presseires of the work environment, wearout and reduced work efficiency and since the person dose nat have the ability to manage it and the demands of the work environment are also higher than the person's abilities, the person suffers. Occupational wear out is becoming Vulnerable. And if we do not pay for treatment and ways out of it. The organizational performances will be diminished and will cause irreparable losses.

Keywords: Occupational fatigue, factors of fatigue treatment strategie



Balkh University
Office of Vice-Chancellor of Academic Affairs
Research Compilation, and Translation Office
General Scientific Journal Head Office

Marefat Scientific Journal
Quarterly Social Scientific Journal

Editorial Board:

Professor Mohammad Tahir Tahir	Faculty of Law and Political Science
Professor Mohammad Wali Fayez	Faculty of Economics
Senior Teaching Assistant Mohammad Shah Siddiq	Faculty of Education
Senior Teaching Assistant Hashmatullah Omid	Faculty of Education
Professor Muhammad Salih Rasakh	Faculty of Language and Literature
Associate Professor Abdul Haq Haeq	Faculty of Language and Literature
Associate Professor Mohammad Kazem Hakimi	Faculty of Sharia
Assistant professor Mohammad Homayoun Hairan	Faculty of Education

Concessionaire: Balkh University

Chief Editor: Professor Sultan Mohammad Ansari
Editor: Najibullah Ahmadzay
Print: Balkh University Publication Directorate

